

مویی ڈک عدل



مو بی ڈک

تاول

الريكا كالنظم تري اوبى شامكار

0

تيد : - بزئ نيلول

C- - 1000

شخ غلام على ايند سنز پيلشرن لا بور ﴿ كراجي

A.c.		-
tes.		75
1.5		hi
191		n
II+	· · · · · · · · · · · · · · · · · ·	475
ļu.	مردارادرائی کے ماتی ۱۱ ،	pro
P.A	الروار الدائن كم الله و	16
Irt.	41	pri
SPE.	الإب دائل وتاب	P
DATE:	101- F = 92 - 1 - 1 - Y	
194		-
(6/4	· Marie · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	. 5"
1679	Atal	ris
	William Comment	÷
rea	3.00	19
154	1 114	-
far-	35.4	1
141		
144		ph)
(Mgr	المستخ يلايبو	-
140	indicate	4
165	Tana Jar	P.
FAR	وين كامليد الله و و الله و	No. 1
149	فياميل ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ	Pr
150	4 - 4 - 2 - 2 - 4 - 5 - 6	P
195	سن بان	17.0
P. 1	تيان آراشيان	-

P. 1

y-0	چال بلغه والا	44
,		PA
Jea.	40-	14
htel	الات كالشق ادر الكراضي الشه الات كالشق ادر الكراضي الشه	
MA	الرب والموارات المعالية المعالمة المعال	
P7+	* * * * * * * * * * * * * * * * * * *	41
YET	TARREST CONTRACTOR	41
209	- Gib Guaire	ap
FEE	30 d d f 20 ld 20 d d d d d d d d d d d d d d d d d d d	40
nne	الله الله الله الله الله الله الله الله	44
ret	رخ ل ل مسيد درست صويري	45
FAF	and the second	. 64
rap		44
205		- 41
PAT.		N
	and be in	-
FAIL	Orbital Sarger	
h44		41
+44	2 or	1
Pry	اشياكانا الكيانا	46
Pall	والمارية المستمالية والمستمالية والمستمالي	41
Pak	المارك الميرون كالمل عام	4
PLA		7
plan	* * + · · · · · · · · · ·	4
bar		4
dar	الرافول	4
Pad	odsind	6
	0 0 0 0 0 0	6
FA9	يندودال رشي	

rfr	ما الماليك يك الماليك	4
Hea	مدخى دلى لام - تقال ملاه در	41
P14	The state of the s	44
P-A	ترشکی	61
k-k		44
P-4	Officially	2
e4		44
Phi.	**************	(A)
m		A
121		A
מיות	منت إلى أنظم عد	Al
Yyy.	1 54k	A
PFS	3	40
Prof	* * * * * * * * * * * * * * * * * * *	.45
500	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
pro-		Al
PB:	بذي برق مجليان ارتكل برق ميشيان	04
Har		41
ries		41
PHI	*** * * * * * * * * * * * * * * * * * *	10
Fer	Emile	41
P ^P NA	ساتي د د د د د د د د د د د د د د د د د د د	44
240	· · · · · · · · · · · · · · · · ·	48
P21		44
P45	مِيانُ اللهِ	-
454	سان ا	14
100	il les	44

re9	971	- 65
564	signific	1
757	the and a constitute	(4)
ris.	Electrica Electrica de la constante de la cons	146
pr.		14
-	· · · · · · · · · · · · · · ·	110
9-8	- takeforestell	140
ries.	Los-p	109
rei i	**************	144,
(FFF	المشاور المنافق و و و و و و و و و و و و و و و و و و و	[1-8
ens.	26 - 26 Mary 2008	118
619	2-15-2-15/AS	Įi.
The state of	- de la companya della companya de la companya della companya dell	III
ne.	***************************************	and a
94		DE.
W.		ag*
re		IL.
-4	addit	805
PA.		147
F-1		IIA
· P	The state of the s	160
64		-
4		ales.
11	مراحية من المراجعة ال	19/1
+	gen - Sur	Shin,
N	المندق	44
	10.04	100

res		1 pm
Seath.	بالوكيا في الله من اله من الله	(=4
et a		- JPA
P44	and Situate	1914
del	كتيان كاكره	Tref
Par	4	19%
MEL	يكاذ كان الله عام الله الله الله الله الله الله الله ال	
464		(In)
play.		in
44)4	- dyn 10	IFT
5	and the second	150
ATP	with the same of the same	



تعارف

تونی وکند می شود در کامل منظم میرم ادون می موتاری ادر بعن امالی وارک ان می فرد او کاما اعظم نزد: ال جندهای وکند نی تون می بیشد ای د است کی در بست وارک کند که این بیم رو در کی گیر واهات اور اوارث سکت به این را یک برنامک وارک شور کیکی کند به وارک برنده

ان المراح المرا

وهید ترین اضاره و برخیری کرد بازه ایست به می کدار بازدگ سه داندا سندند کرد کاری کار کاری کاری کاری کاری کاری ک امریک ایر کارون و هیسید در داد در آنوری که می میسید که ششند سد کرد سنگ ساز کاری کاری کاری کاری کاری کاری کاری

- existing of the article of the first forther

estal en fre fer de la comina de la company de la comina del comina de la comina del la comin

اس کون از گشور کان سازی به درون می میشود کرد کیستید و برای داشتان کی داشتان می داشتان به میشود از این میشود از - در دانگری مدکوری تنا اور ورد در در سرون میدند کرد کار کار

اس کا مرکزی کا روای این این می فواد کا دان بر خالف اور در این که کرد کا این است در می این این این این این این ا می کا ان شروع که برصد در می در این می در این این می می می در این می می می این این این این این این این اور این کا مال کارکزی می می کرد کی می برسید کرد در وال دیک این در این این این این این این که در در وای فرون شرک که ای A Carlo



پرچھانیاں

مراد المراق في المراق المراق

سه می تهده برمی بنجست و بدت مگرستگ به در وافرد کمیان می آندان می بود و می اویش کرد و منگ ن جاون انتخذ به حرصی افزود شب کاست او ۱۰ مان می مرد مرد برد برد نه به با به از دود کست به کوبرکس با وافزاد مستصد حدک که می که این که برای مرد به به برد و مدید درد و در مثلی ادارا و درود کست به در به منی درست منگ و میکند در ناصری از بیست در او ایری سک می دود ادارات در ادارات در ادارات در ادارات که می در به مشت می کی می دود و بن ادارات در می سروی کی مست می سا

الواد الإسباع من کے وقت العد معلام الور کی دیر کا اسراکی و کلید و رساند ہے وگر میں المسلام میں میں المدر المور میں مسلوم کی میں المدر المور کی المدر کی الم

· J. G. Shot Se

کا او بینے و فی نجیے رہے دمانت می ایس اور مصیف ہمان کے اسلمی کیڈ دی ہے اسلمی کیڈ دی ہوتا ہم کیسی مہیر کے آئے کی آن اور اس مالیتیں گے اور دیے ہوئی ہے اور اس سے اس میں میرصا ڈوائر بھی ہے اول کو واقعی چی دیائی اور ایپ واور سکون ہے ہی مسابقا ہی ہے ہوں اسران سب کو میں ملاست اس براہ اگر و کھنے کو سکا کو سکا جی آئے کی بیائی کے واقعہ کی وی مسابقا ہے ہوں امران ہوتا ہو کہ اور انوائد کے اس ملاست اور ایک ویکھیے ال ایسان ا کی میں مدال کی در کے در کیسک مارسی میں میں مسابقا ہے ہوں امران اور اور انوائد اور انوائد

بمدينة فيسبث كوديت أب بولايت كيدكاديت يت وكارتكي ميدأب عامل وجمد كالوكيدي ورأت كالإواد فكالكيلاب المارسط فكي ويشرة كالانساد بيعام ويستجام إمرام كالشماس كيواكري والم عرا و والمعاولات لي المحاسط و والمعامل المعالية المساحة المسارة ألما المعال المامان کی گئے ۔ موہ میں ممثر ان و راج اول می ہا۔ میں اندان سے گاری موہدر کا سس کے تھا الرب التابيعين عدائبته ميمانسا ويرا فرغمي والأميده التعافر مقاؤن الباقي كم تعبيد لكن الحاكم العلامة من مراو راورهم الماري والمناع والمناع والماكم المناع المناص عن وراج المن الأسلام ادبي ماست مدون لاب بن برك والتأكمد بري كسي ومداي الايال الي بي بي بيم مراول فكر طابي بدواي بمدمث موج بدويوه أكل الالاستلب ويجي كري ما ويحضي ما وكالمبرود مناون عبور کنے و کارک اس فرہ برایا جائد آوجید سے یہ ہوتا کی دروا کی براد جو میں میں اور جو تروی میں ملک Sin versely one to be willed our ومال سن ما المراسط العربي عدد من عن عن سال ما حيث معلى ما والما الما بعسارى وى يورس وكسان د يى وساق سىد مىلىد د دورى ادر سان دورك كان كريد المستري بالدي المستري و المستري و الماري و المراج راد ، المالي المستري و المالي المالي الم للمينسينة بيال ابيناكيدك والمسي محاوها بحاد رواد كمستوي ومرادق الهنت يوكي وهدار ومأنون كماديق بجاسكه وسعال بينتني مألف سنته كي مكربحه وجي عود بي عسياتها في مهري ماري ليمي وصوم بالأسبار المصمحال عوشة كام والكني الإربال عسدم في عن عليه المي لا يا إن الأكراب و. مك 10 ي حدر بواس كا المنام في سعيده و في من ومنك مده من و بنت يوسف من ما من أن من ووسف يع محي والحاسك ورومس دري فالحديثي في من من من والحال

من برا ميري مدود و د و المار الم شکیط عصوص او آمادی کا میرسیان می از ما مون برای کا میکندی می در دار دارگیری از واقع سیاس ای بیگیمیمی بصاب می والی کی دارد وا معالی سامی کس بود و درگی دروه میکر مسیدے را ود و اس درسا میسا کا روز و بالخياب أو والمصنع الي وصديع بعالس والمباسيد و ما ق والكابو ورشع مع المستاني سکار فرید مشکار میں اور ایکن میں معدمی سندک اور آوگی مرکز یک آور در سر اسد التلاب م سنداد و ع المريد و من يست ك يمود و يدك تعليد والم عمول يدمن إلى المول أيجعدا جنزيرهات يخض وعاوست

اگری گیرد برداشتان می گارد رساستان می گارد به این از در این به این این به در به به گیست همی به می که آنیکن به تامی گرفته از جوید کشد بسیدی به که استان گرید ای گیست ای می سات از جسک مهایی و انجافاله بود. ت گریس کند برد این به دید و گری اطرف این برگری این در به می که می این می مالی سندی می در برد بسیدی که برد بسیدی به در کمان داری و بری در در در بسید سند می داند برد بسید می می این استان بازی بسیدی می استان کارا سیس مواجع این در کمی این موافی کرد در در بسید و در می واقعت سند می می می در انتخاب در این این می می می می این استان می این ا

جري مدرياتيد الدوم عالى فاح إل مكاملوق الجي إلى المصل أبوس الي المانيت كي مساؤكم أ یربدیرمنا بیریا کسریال او سرب برده صدامه در کاور شاریجه دینے وائے بیربریت دیئے اور بیٹیا ہے۔ پیربریرمنا بیریا کسریال او سرب برده برده سامه در کاور شاریجه دینے وائے بیربریت دیئے اور بیٹیا ہے۔ چ_{ی د}خریدا کستان به تروی ست ۱۳۰۱ کیلی در در در بیک جدامت موصی تعسیق انتقالی فری ایسیان میماید جيهاب کالام بهدرت الاشتوارت من يشترنسه صداس الاساد کون جزادسکوب الماکسی شالسنگی شب يد بن الراسة الموكرة التاهد واستدادت و وحدود بيات سايل ما الي والوال كالرابيد ادر بہتے والاکس فاری می حسد میں وجل سی وسک ہے وجی ویش سک ساتھ متنو میں جلا کے بیاد و مسلم میں المناع والمريوب يتكرشن ومدوي واستعاب ويساء وبإلادوش بحرافي برحائي سروياس وماري المحافظ عاد وحي بواس تسكيدي تجاري مباسع كيانون سن والوالل بحراللهمانية منه وشب موسيق عند، « را يريه وب مصف ما والعام المعالم المساوي . والعام المعالم المعالم المعالم ال كالصاري ويجيب مى وحل مد ومكسد وراي يت المارية المارية المارية المرايدة المرايدة المرايدة سسا کاسطه کا پوول او گری و در درنده هور سای سنگ بدندای در این که ۱۰ باز شد کند میش بود بسین موالی به بست کمان ای براوي فالمن محادث بالفراق بصناعا من المهام والمستحارية المعلق كالمدام محي المعرسة ومريعة والما ياليلب على والمنافظ والمن المن المنافظ والمن من الجروار و الحال المارات المنافظ المنا وسلوم برازم میسنده اصال دای از برای سرید مرتب سرای سیسی می دال به درسیاس سیده بی دست مکسین وگل سرا کرد و پر جلکست پینے میں موجا میدا وٹرے سے وسے کی ایسے سیست و مستقدے و دکرام بھروا کھیا ہو ان تھا جل کھ الا کی نشسته بربرده کی این بی بی از برخو مین کمست کی جا سی کستان باز احتیار میک این عظیم با هادس هجود میادگی

> مریناک نک میدداوست منگلینی وجدو سعیت و عقابیت امدینتخص اشده بیدند و پرسای منگلوناتی عظامیات این مسئل معیاب می مربوعیاک

ا برنگارش کا انگام محسب کی واقع در ایر با نظری سند امورید برای و داید به در در داد ای و و ارای هره مان میگار از کا کافواد مرکمی برای دادگی میرسند هری برای ایران می دادن و ایران در کافر در ایران ایران ایران ایر میگی در ایران میکان در در میرس در میرس کی کی و برای ایران کافرون و در دادند کرد در در میرسان ایران کافرون میران میکان میکان در ایران در میرس کی کی و در کافرون میران و در ایران در در ایران ایران کافرون کافرون ایران میران کافرون کافرون کی در ایران کافرون کافرون کافرون کافرون کافرون کافرون کافرون کافرون کافرون کی در ایران کافرون کا

قومی ان داور کیمنس تا رنگ می کندگیری بر مرادم می گا سدن برای بر ایران می گا گلگ سے میک دراسد پھیار کہدی ہات ہے سے دریان سے مراد کا درائی ہے کہ دریان کا میں اور ایران ہے کہ ما کسے موسی مو موسی جو میں کہ آئے تھے اور دائے میرسے در جام جھیمنے کے درمان کسٹھ اسال اور جاسدہ ہے اور سے ما رنگی کی بھیر و میں تاتی تی وسیسے وحل ہی درش



دری کا تعیلا

ما المساور ال

بیس بیش بیش به که سامود در سے و سراس کی دند اوری بودکی مودود و انسان المساج برای قفادش فراک که دیشت کیسان بیست کی سر ایو انگر ایس داد استان از برای بیدان ایس استان سرا دوستان بیس میاک کرای ا بهیش دیاف در استور افزای های دولت کرفتار ایوستان استان کی در دوبان بی آدر در بال ایس میاک کرای ا اور با کرد در ساح استان ای بردار کیون و برای سراس کی در داری گاهید این ای از سراس میاک برای سر

الرجه باز آن الدراد مدده مسکندهٔ بستوسی که مکسوی می داششی جرآن اور بو بهرایسدونشت یک چرخ استفاده ای دارد از رسته اور دکار از آن چود درده درست پر انگدای کارد. چسبت بس پرحد دیگسست بانگ ماج جنصب کسرکی کارد رنگ کی می آن از دست که گزار کاردستگ اور درده اسان ای رسیک اصد مد کش کی سازه کل دادر دست - چاکل "

Cally a compationed as on - it of it



بریکٹ جی رید بھسے ہی فاقیہ اور علی برخش کے وقیہ سے انکے میں رویا ہے۔ بچکہ واٹسی مستوی کا علی کرسے کر از وہ نہ دیگر انگر عالیات اور پر کوئی میں اور کی ۔ واٹ ایک ڈنڈ کا کا کاری جدائے سوائی ہے۔ عمومیان میں کی کھوٹ کے انسان میں کردے کا کھوٹ میں ہوں سے آگے جماع اور ان کے اسکے کا انتہاجی کے انتہاجی کے انتہاجی سے ادال میں کیکٹ دواعا اور اند اندر انداز میں اور انداز کرد اور انداز کرد انداز کے انتہاجی ایک سے کا

والمان است يد لسيدوه ميد او والل المشاركي كرور كروي كروي المدون لانا دركيان بريك ويكان فخد الحركة والرجاعة صرافعان بما يدفون سامدول بيان في كري سعيل مهل کی ڈکھ ہوشق کے جسل عمل کے اور اور کا میں اور کا جدید ہوتے کہ تھے ہے۔ بالماسطة الربائية مايومان مصيفة بالمامي أي المرامية السيابية الكراب أيسا أولا المستامية ص کامی میدکشونی کی موسی می برسد و می حدیده میدی میسید و در گفتارید --- مع بیمالی fle (Ziji) - e - nen e lou - Norto get kelle mentilocities and it was new activities ي - وراه وريد و الراراء السياس بحسن باواند الراسط وكيف المنظى إنجازت والرايط بيما والم عديد من من من من من المن المراج was and the forther was the same of the ويوس والرس ومنه واست فكراجه وقدة لأزكره بدان ومروز والمدرس كدعاس وأكاركن م المساوية التي والم المراجع الما المعامل المراجع المراجع الما المراجع Sent the way and was the man Love to the was the ما و من المراس المعالمة على المراس ال م بالله لا م المعالى بوس م كاس هرائيس كالم سائل الله ما الله ووالسام الله أي الشواف and some and how the fire of contain wife a thereof his as Horizonte star earl س معانون کا المدادی و کسیس طری میکادا کر دواند ای دی میان کے کرسے عدد دان المستعد بالدرك المستعدد المستعدد على المستعدد ال م معادلات ركميل عوي يديمون

المراح المرا المراح کی وور سرک کار اورست فروز بیشترین ها اسمار جانگ میاندازست واقعد ۱۹ این این وافست بست میشدگدی. بیشته فرود کسمبری کی دون کردین برود شدک.

مین و وه سعیری کی باست و رسی پر وست که . همی در وه و برست کارش می بیشت شدند تر به است کمده برای بی آخریست و برای تحق شد به شد بری میش می مین می در وه و برست فاکس از بر بیشت که می این آن رسیک و در وست سعید می برد بر برب به در از و و رسیعه می در این داری این ما دیگر مین بیم و فالاه و است بیست بیمانی و در برد می شرکتر کرای امود در که میران بردا می سازی می در در می می در این و این می در و در می میان این میست ی می این که بست می این میران که و این میران کار و این میران کرد و این میران که در این و این میران که در این می در و این و این میران که در این می در و این و این برداری که در میران که در این و این برداری که در میران که در میران که در در این و این برداری که در میران که در میران که در این میران که در می



فزاره فيل والى ضرائ

مرستان والله برستان والله برستان برکستان برگری اور برستان به این واقع کامی ای افغانی ای ای ای ای ای ای ای ای ای در برستان برکستان برستان برستان به این برخوانی به این برستان به این بر که هو در برناسی که دادی ایکی وستان ای ا دیگری این برستان بستان برستان به این برخوان برخی به برخوان به این برخوان برکستان و ای برستان به ای برستان به ای برخوان بر

الموائل ومراعد كر يستري والموكر والكوروس والكراور

3 Wale wrough the was so the street in miller det Economic mainers and on the State of the Land مال بي سند د الإنبادي راهن و مرب بسيدان و رسامينان و والرائخ صيدي ب الايساد الرام م A serge to how I indicate from a letter of the first of to an execution of the chief & desired the wind of the المراب بما عاد المرابي مداو وي في المراب المرابي المراب المرابية والمرابية المرابع الم م ي دور بريد تريد من من من من المريد من المريد و على من المريد و المريد و المريد و المريد و المريد و فريان أيراس ما معرى عادى من منافعة فاع ما تصيف من منافع المري على على الدوري لا تكور لا را من المعال المواد و من من من من المعال المعال المعال المعال المعال المعال المعال المعالم ا وعلى ونوا ها و حي را السيلي الي كالريث وسيده جامس مثل وسيعيل وراه جي سك وي كاري كالعابان

ي مركب أول كل من المساولة في والي تواجعت الأسب المستعمل من من المنطق المستعمل الربيعة المستعملة ورك والمناور والمراسيس والمراد ووالمراه والمراد والمرد والمراد والمراد والمراد والمراد والمراد والمراد والمرد والمرد والمراد والمراد و ليرود والماس أواو في من عصمت منصوص والمعالية والمرافق المرافقة والمساور والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراع به الإسكوري ب دراد ي ساول واستان والسائلين. حدد و مد كه المدوات المسائل الديل كاللاب عال بريل بين كم يعيد بين من من بيث تبعث والمعمد في مناوي منا كالملاف التراسعي. They in and with a series and a ment of the thirt was a series of and the rest to entire the tree on in flow as a sec الله ور د من المسعود و الا الرسيد . ال المدون الله المعالي المواقع الم ست الدين كالكو العددان وهي الرياس بدوس مراحيل التيليك فيك الصنعة في التيكو أنفر والأن الما المثلاث and do got the forest with the first in since I will a now the livery جاليس والماري المراجع const layer of the water of goods

ender has despression in it see when

الجواد و كوارا كالمواج وهيب بينت ان يُوالي ما تنتيق م الله تا المدين أن ب العداد وصنت مُساتر و كالحواد المحاول عندا الرائد المؤكد الله والمواجد و المرجدة - مُكّد الرائدي المرجود والكديبي صددة الراب عند كالرائد كالمراك الم معيد المركز بيند المناسعة لكن المركزة والمرجدة المركزة الشراعية المركزة والكريسي عددة الراب كالمركزة المركزة ا

بی از میکنده افزیرای جالد دسیدندگری می دی به در بیشتی می دری با میشنو ندگینات میسکنده می دری برایشتی از میکند مود به ای با در سیست به برای مستند شد حسیست و به به به در این مده بازیک کمه به بیشت و و اداکر می داشت گذر دری می و اهریت و فکر بین کرد کرک بیشد بی برای مده ای برای می فی هری می ایست و اداکر برای می ایست ایست و ا مریس ایست می و این کرد شده برای میکند و ایست و ایس

ای مده مادرگذاش به دود امدی برشد به می است. ام راگرید این امت از ری بیشته و بیشته از بیشته از بیشته این است. کور با کارود بی افزور مدر دارد در مدوس از از میکنیدی بیشتر در شورگیدید برگ درداست از کرد. فای نیس و در این این از در مدون و ارسیدید بیشتری وی از مدود و مواد است بر منصف کرد امترانیک از این که از مدون ا

مرددگاری میانشدند بیشند - بیمان طبیعت میباندید و کا ۱۵ در طالای بینیان ۱۰ کی که ۱۵ با ۱۹ میبانده ریافزیری بیسیار فردگاری برخوکی شما _{به} میدانشدن و بجوی بیماندی و کسر سند بدان میشد و از کساسی بیمان و هماری فرد برگاری می شد. به کیمانی بیمان بیماندی برای میدان میدان بیمان بیمان کا از بر شارایشد و اگر میکاندی می و دارای فرد از گاکی رستند و ایمان میکان دارد و ایمان ۱۸ میدان برگیرست میسان برد کا انتشار شیخت ماکنزیدها امیسکی بینی فرد از گاکی رستند و ایمان میش داد.

ا و او به به منصوب به یک آن بر دونانها که اوراد کلیدی مشد مان با بردانده است از پینیای کشد کند به ایست کشید تمالی وادان می و در ای او درگذری بر او ای دوندی بیشان است که داشته بیشت به بیشان بیمان بردان بدر درای ا در جهان دکری بردان و درگیری بیمان کلیدی منت کم از میسیدی بیشت داخت ندی بردان این است میگیان مگرها ایست در ای قدارگزشت اید آن فران برداندی بردان و فران که دون مات میک این این این او این که ساخت از دکست ا در این بیمان داد و در ایران دونان که دون مات میک این این این این او این که ساخت از دکست ا

مرست داخت ما براید در و کلسکه های درشته گوینته نظیره کاب و کلورک و میسید می روشته کی ۱۰۰

" a contest of the war when

مرست هیل سمیست وده هیلت و و متیسه کار آن دوست هیدگران و به رنج کرده کاران کشت رو میوامی سهیدی به هنگرسی آن کار می گرده و گزشت ای آنهید بیس به تی و و علان دخاری

میستی ما به بازید کشف ویدند به کارگروه کچی چندیان و به یکی بیشت و در ایر ۱۳ اگل ا جاست ۱۲ با د

A with the series of a first that we will be the to be a first of a first of the series of the serie

العا الإجراع موسيدي الدميد ملتصيل منكف يوسي كاليميمين. «الحياة البدعي بياكرون العالم سيعمونيا رج - عامد الباطارة الأوادة البانية

لكنابي المراعدي في المراجع والمساوع في المساوع والمساوع و

ا کی گئی کا سنده کرس این کا کا راست مصلی آنیا به هده به می میان کی امویت بیشته و بیشته این می ما مه این مراحظت دی ایسانی را این به مشکل ارسان در

و کی گرستان از را را را در سه میسود در پرست سف و مقاوان دای آنسستان به در مقاوان دای آنسستان به ایسان می در در ایرای بر مداگر بازی و در را بیش و به سستان به در مثل به بیش به ایسان به در در ایران در در بیش به به در بیش به ایران به بیش به در بیش به در در در را در بیش در ایران به بیش به در بی در بی در بی به به در بی در بیش به در بیش به در بیش به در بی در بیش به در بی د

Silver Survey of the sign warm and and I am

هران عالى اللها كالمراولي وهشده فلند استقدام في الاسران والمرد بريط فل و كاروست المرك . وهما ما كاروس الرياف بالدين المرك في الاسران والمراوس المرك في الاسران المرك المرك المرك المرك المرك . المار في يا كالمرك المرك ال المرك ال المرك المرك

المسهدي بالادمون و دون في المحدث المدون في المدون المدون و المدود المدون وينت محال المتعاقف في الالمواق المسرك وي المدان المدون المتحدث المحدود في المدون المدون المدون و المدون والمدون والمدون المدون المد

ان گیرست شامل در بسته معامود اگر شدن کا میدند است سال سیدی که در با های سال سیدگرد. می قومه اوا بردند بید از آن رست بازی برد برد برد برد می میدند و ادر باش می امان توسیل از برد باشد برد بری شد باشکارگرد باگری برد برد برد کرد از است در از رسک از برسک از برد کامل می شود. گرد باشک و از ریک وده کرد شدگردای است از در است برد برد برد برگرد و برگ در آن باشکار از میکند از میکند از میکند کی کرد باشد ا

Consideration and and statement of

ه من الله الله المنظمة المنطقة المنظمة ر با بالمناف هی دور بسته من کرک بخش به هوگی بین هوش که و بینی و بیشت مست کمی بین بین بروزیا اکن سک برگیک و بی وی ایست که دو از کشد کمد مدت فاتی و شدست بید دان با هوری او بین و بین و بین و بین و بین بین و مناف و مناف شدن ای کرک بند برود دا هم منافی و بیشت ساز مدست بازی و از شانون که کرد دارگی سال می ایست و این سال سال ایست شدن ای کرک بند برود دا هم منافی و بیشت ساز مدست از این باشد و این این ایست و این این این این این این این ای

جی میڈرائی کے دوناچوال ایستان کا جائے ہیں اس کا انتخا^{س ک}ری طالب ہو کہ جائے گر بھال چھڑاں میں ایک مشرق مائی دونا میڈوائی کا کا بھوٹی عدادہ کی سے ان مجاد کا مشاہدان الحجاز میں ان آئی المجیس میں اور کہ انجوز میں دونا میکندہ سوائی کہ جا جاتھ کی سامندی سال ایک ان باتا ہو کہ ان آنا جا اسلامی ہا کہ مراہ میں انتخاب میں ان انتخاب میں کہ انتخاب کے انتخاب میں میں ایک میں میں انتخابی کا دونا کا انتخاب کو کہتے تک کی اندر رافک سے انتخاب کا کے ماہ میڈوائی کے انتخاب میں میں ایک میں میں کا انتخاب کی است کی است کی استاد کی کے

المرام المدارات المدارات المدارات المصافقة المداوي الموقود من المدارس وطأك الما يقط عن كليست. والمساركون المدارث كمثر والمصافقة المداري على المدارسة والمدارة المدارسة المدارسة المدارسة المدارس المدارس الم والمرابسة إلى المرابط المرابط المدارسة المدارسة المدارسة المدارسة المدارة المدارسة المواجعة المرابط والمرابطة ا

ال مدولة بالاس المقدم الأول المادي عن ينط المساول المواد المستعبط من المستعبط المستعبط المستعبط المستعبط المست المائل المشام المستعبد المادي المستعبل المستعبل المستعبط المستعبط المستعبط المستعبر المستعبر المستعبط المست

المراكب موسع المحالين المستدين وود المساعد وودد المساعد المستدين المستدين المستدين المستواد المستدين المستدين

مرست سدوست وجا آر مل عديده باعيد في دري أسجده بالروادة با

ا المناه و شد بالمدنج كري ما شود به المنان به المنان من الكامليك في العامليك في المناس المن المن المن المن الم المنان المناف المن المنافظ المن المنام المنافظ و ومويست في أنج المبيت مواجه والمال المنافظ المنافظ المنافظ المن وجادت عمل المن الامكومين المنافظ المنان مدور المنوع المنافظ المناز في المنافظ المنافظ المنافظ المنافظ المنافظ ا عدت کمال و پروگی ساختیمیشنگی کا عرب بنا توقی ۱۰۰۰ میگر کامید ماهیانا ۱۰۰۰ ساکن کاملایشندهای کاری بنگاری آنیان که ساخت و انگیریشگاهای گلسس اگرینان میشود و بریدید میپرکرد ایران ۱۰۰ مندسدید کرین بیم و مادمد کر عرادان بازی او و برگیرانسدیزی و انگیرانانسینیکیدافا شد ۱۰۰

- * را التحقیق مسبیده موسنده برید که اصورت کشدناوه به ریس بید که شش بینله بالای ماهیند -
 - الريوسة ويراديه والرسوان ويا
 - المسمول عدال من المساولة المراجعة المناسقة المساولة المناسقة المساولة المناسقة المنا

ای سندهٔ دست محدود مک منافق بوست به مسیر دهویمی سمام منافق بو سیده وی میدال طای ایگر چی گوی داده به بیرای کچه بیده ۱۰

* می اگرسته عدالای عال میکنیم گیرگیل کیامتار است نگار التی باشد است. تا مدید با بردیار میرای کیسیست میسی گرست ۵۰ اس جیابی است میسی داد کر و حرب و براید از ایران میکند.

مريضيران ب مسترسد

الأصاب بالاسما عبينا كالما المنابين والمحافظ والارتباء

۱۰ چهادامی، تمایر ای وصنت و مهاصی

المعادية في المساوحة المساوحة المساوحة المساوحة المادية المساوحة المادية المساوحة ا

* چین " میزید وسلسد فی نشد بارایش به کشدا باز آر آر بیشته با یک آن میزام بست به به بیشته به نهی کها اماد.
* میزا باری آروی بسید به این ای دند آر است بازی ای به به در در در میرست تا ایو به مهای بیوست کی میزار به بیشته به این میزار به بیشته به این به این به این به این به این به بیشته به این به

مید میش بردیگوش ای حدیث بود درست دادیگه گؤشس بدویانی اشریب میمان میکاده به او امریکه از ای اجیست ترس در این ست بوست بازار کندستهای گیست در که محسد جاگیای برای ایشته صحی که برست پس بارست واندکی در ا

الله الماري المؤكد من الرياسة المراكم الله المساورة الموسية والموسية الموسية الموسية الموسية الموسية المحافظة الماري المثار الله المراكم الله الموسية المراكم الموسية الموسية

برمانها المشاري المار يكن مكال إلاست ويكيدنك بي مانسس سمانس سك ويكولانها

جماع بلکستان پڑتی کھڑکے ورموں ن مخارت زیدہ واست کھیں۔ او سن رہائی کے داست ہو مہرسے کا گھڑکا ورکزیں چھڑ وابھ الحسندی ۔ اوارش ماران سوالی گھڑی فی مدہد سرچ رہے واقا میں اس مدہد پہنچ ہیا۔ امٹ کی آدویاں مقامتی چھرچھ موجد ہو اسان مانت جم رہ ی عصاب سے استیابی گھر کے بھاجال آزاد کی سے بیٹ کا تھرکھا کا مانت مانت کی میں سے او امران میں است کری رہا جہی سے سب عرص اولی کی مجانا ورنوں کہ کے کہ چھڑکا کی گھر عامل میں کھرکھ مدید ہے کہ مسائے میں دوا

اما ما مده گذارش مشیخ میدنده همیشده کیده میدند در کسانی گری دارا به جندمی است. وای میزی می مداد که در دیگری برای به به دامه در در این به دری که مدی به میساید میشاد. همی می بادید و دیگری میدی میشد بیشن در مدار بیگری می به در این از در در او در او دارا

ر المنظم المنظم

م برج بنگر کاف وهواهد سی موسیلا متعانی در بسیعت با آخی به یک بریاد میستایی جوال سانبه و قرامت اللي له درد راك الرياضين الكريس الاستدايس بيستين الديثي التواليين والمستن المستداك من براب عادروانات بكاليسب بايد . والمتخريب ولايكر والأساق ود الما الله الصويداك بيت الراجميدي مامعة رياضه سأماء ليام ساق معسيه ويواد بوشير ويكري كالكري الرياض بها الإ الله بهام حام والزير المنظرية عامد عن المراجع عن عامد عام المنظم بالا المساجعة الأ على معالي التناول المستنف المراسطة في المراسطة المراسطة والمواسطة والمواسطة المراسطة المراسطة المراسطة المستنفية discount bearing the for the first the state of the بقريب والمسموري والمراب الأوافي المراقب الأفارة التكويت بالمرادي والمجالي المرافي والموسات المسرية anomaly of property and the second of the second of the second والمراب المال بالمال المرافق والمرافي المرافق المرافق المالي المالية المالية المالية المالية المالية الكيداد على من راكوم السريان مدارية منومة العرب بجهيبية أن المورية موسيتيه أن الكيسامة and with it is not not you the in the wife of the الإنجاب بالألف الأرواعيان المستحارية الرياضي الأساء والماحمة بالماج بالكا أصيبت الأاثرواء الب مهار الأوراد المسيد الدارات والدارات والمناسب المائل المنياء المستح المنافق المدارات "ر سايي محسند کاد اي بين مدادي دي را يرادي عاديد مدارگيرداد به عاراني بردوي a proper section of the second ن الرياس و بالراب المورث في المستونية ب الراب الرياس الأولو<mark>م.</mark> ان مدامای به سای به در با در یای باشد این عید و دوری و ای w. Gungale y box are a

worth for the form of the second of the seco

البره المرابط المرابط المرابط المرابط المركب المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط ا المرابط المراب

التراب المعالى عند التعالى المعالى الم المعالى المعا

این دوان فجیدود بسداد کیورست میری دختر بداندی است که درگاری دواند است دود ری این المام که که مهدت استان می کشوید والایستان از دویست که از نیابی این سندمونیا تا بال باز دویست و از که جمعندین بنانی در داد دویر بیش کی

and required its any very button the your for his or of

ری فایت هم بردید میدند. نیده میشندند جهید برصت صور شندگری کست هار آن کاری می درهای های به کاملی به اگری ای واین بیزی کردید و بازی برگ و درستای از برگ برداندهای به شده بردید میشود بسید بردید و برای کارد ارای میشده اص در برای کاری شدوی بدود می کهام بازی در آن و از ندازیدنده کسیدهای شدندهای

ا و کیمان در آن آن شدند. و همکاسی موان بر مصوب « ان کان جداها آن انتهیست می جوینی آن در سادیست کی

- which will are a bander of the hadre and I have

دود مندی - دوند می از سام رسید در می کشد: نین گوشت نمودی کشدن میداد با کشدن می دود است. اکشترین با این به دوند و میدند می دوند است به این میدود است. می کهای بادشتار و مانس می می دوند و این این میکند کست و از این میکن این بازد این می می کشد. اواد دیگر سامل برای دوند و این کردید از این می دیگرد کسک

المهاوية مروك مريط بطاء والعواجا

المان المورد ال

A too his and property who will be a for a many way and Description to the first of military which was a superior of the second المن المناسسية والمتعالمي والموسدة والنواد المن المن المنطق على المريضة والمناطقة المن المناطقة المن المناطقة المناطقة المريض المنطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المنطقة المناطقة المنطقة المناطقة المنا



لحانب

ما المنظم المنظ

The or mark the star of a serve for the state of a comment of the serve of the serv

of the formal to be the whole and the water at . - - Eate , a dep to the Lity = ya sired be and ityes - to sail that will in so - dotte the to be a set of the se , the mostly was a risk of Early to to see a south to the or his a market was a dot and the day do where the tensor the approvation wordstood of a first or when he made side and say a self her المياس المياوعات المداعات على أنو المناسب الله الماسي الماليالا way ou with the first on the state of their More a comme and white with any piets with a new or to the time to distribute thou will are so experienced but one o se on who we have end wine is of a wind a star for as do . - " I have والرابية المراجع المحارب المحارب المحاجب والأراب والمحارب

من المراح المرا

الله من المريدة و المواصف المريدة في الله عن المريدة المريدة

مين الآلام أراحة أرين المنظمة عن من بيت بشرك المساعل بيان بالمارية بالمارس على من عن والأل بيسة ولي إذا يرين فقد مكاملا المنظم كي

ناشة

الهذا الدولود والمساور على والا دريد - منطقت كركت بريضوى منت من منطق كل جديده المنوس والإلها منك كرة الذه والمديد المنظمة المن من الدولود على المنظمة والموارد المنظمة المنظم

جان هے۔ سب بازی معمدی رایک صدام میں بھائے اسرام میں میں ان کا اندیا کا کا اندیا کا کا اندیا کا کا اندیا کا کا اندیا کا اندیا کا کا اندیا کا اندیا



سئرك

یک آل مددیک و استان بی این این در در این این این این بیشته بیشته و این این بیشته بیشته و بیشته بیشته و بیشته بیشت

هم و المنافرة و المنافرة و المنافرة الله المنافرة و ال

العراية أنا بين الهورك المشاعري من المراد الله المراد الله والمراد المواد المراد المراد المراد المراد المواد المو

وومل تضویصت مه آن رفته می شندم بی دادند در بد شیخی یک بیست می بدانده هام **بیستیت.** دلا متی ما کیدگرید به بیچه تمهدی بیشته بیشتری و دارس می کافی بیشتری بیشتریکی بیشتری گواه ایدگر ما کافیا بهای برست می مدون بیشتری بی

نته بربرش در ای چه در سر وه د و تصدر شده به اصفون عاممید و مدود به ا منگستین واقع ممال مرکی در سماری و مدود مدید شده وارست برای گینیون بی بی تصویحی شاه کاتی توسعه بی و وکنده سندوی سر برد بدر ساعت تعدیدی به

المرادي بدر مريش المصافية من المواقع و المواق

الان المراقع المراقع



اموشودی ایکستهای و وگرمهه برایست در دیری نمس که بود کالی به بدوانوان ایکسته داشت. جود آدامانهی برطی مصادر دست و در سازی به دست ۱۸ معادی مسئله از و ایک سیمان

> اور سازی کی داد بچاد می در مارک و مادی الایت وید با ایران استان ۱۹۰۰ میساندگاری از مادی نگه گذاری مادی مادی شد

را رشاونگ سر ادی افتی وای و شام امیرسی در مد کار ایردانی دادید ایردانی

فیں بک گروپ: عالمی ادب کے اردوتر اجم

عیر ملکی ریاسوں (ایسی زیابسجو پاکستان کی مادری ریابس معبوں) کے علمو دسکے اردو تراجم کے مطالعہ کے لیے اس گروپ میں شمولیت اختیار کریں۔

ىنك:

www.facebook.com/groups/AAKUT/

فيمل بك كروپ:

یا کستان کی ماوری زیاتوں کا عالمی ادب- اردو قالب عمل

www.facebook.com/groups/PKMZKA/

مین اوراد با بدو کانگال آن بعدد برخو (ایلی برلست کی ای دود و هم کی هسد راست برگی راب در ایس سیاست است

سعال ما الما الما المستاج والما كالم المعندة المستان المنافي المستعيد المناسط

بر المسلمة والمسلمة والمسلمة المسائلة المسائلة المسلمة المسلم

المراحية المبتدان المستدان المدارية باست الارتباسة في المستدانية المستداني المبادي المداري الما كالما كالما ال موراه وإيدا و المراجعة الما الما المدارية المدارية المستدان المدارية الما المدارية الموادية المدارية المراجعة المدارية المراجعة المدارية الما المراجعة المبتدان المستدانية المدارية المدارية المراجعة المراجعة المدارية المراجعة المراج



مثير

در المراح ال المراح ا

ville Spille sille get and have no de

ر المستوده المراقع من من من من المستود المستو

المردكي و الكند المراكب المامي المراكب المراكب أن يادر صاصب من المواد العالم را المنطقة المحافظة المنطقة المحافظة المحا

المرابط المرابط المستماري المستماري المستماري المستماري المستماري المستماري المستماري المستماري المستماري الم المستماري ا المستماري المستماري

ال منت راد کوران ای کی از کاست اور اور ای کی از ایس می از داران می از ایس می از داران می از داران می ایس می ایس می ایس می ایس ای ایس می ایس می ایس ای ایس می ایس ای ایس می ایس م

فادشین همد اورمدین املارد نیست میتوادیم بادههای بی های ماهن ویکی به محصوب کوست بیشین ملازید و بدر بردس و می الوسوان و داری وسدین ایری الوسد سه میا دا آبردای سیدگین بی بها الزیرا ایجرمهای در این بیماری در امار وی ندیدی توث بیسیس بیشندها و در المستیم مدری آبرای افزاری کاریم کم بیماری مانوشی که کاردار براسدی افزار و این و بیماریده

پادی می میدود. درگی او حریث دیگر بیشتانی کی سیاسته دو ایرد کسسک شدن فی ساختی میشتان این میصد میکانسیر مودهای در میشتانیشن و تشوی ک ساهد و نشا گی دستی جا میلیوم مدیل موتر اصابات و الکافت میشد د

ره سخ بری که امندست مندود دی هدامی هوز اندگاهیدی شدهای بیشتر میکانی بیشتری دری نظامه کرستایی و گراه میگر بیستری از مند در سوکه نوش بی بری بری کرمل منت و برسد دری آندوستای پستان مین و این من برا و دیران شعالی دو امد در کرشت کم

بهدیده استواد درود کمک و آن ا وادره و و بهدید در بسداد استین ۱۶ آم. منه وی باید کاکرد دکترک از وست استین از بروان ویکشت ۱۵ کاک

ال الترسيد الإي الارتباع المرتبط المراكل . عدد كار القرار المركز الإيران المراكز الإيران المركز المركز المركز المركز المركز المركز المركز المركز المركز ا

مي مهديده و ويادي. مركي شعب سدد كي كه

of the straight of the straight belonging the straight throws the say, the straight throws the say,

solve of the

serves for second

to the population to the first and the first of the second of the second

destrolled of the continues of the state of a continue of the state of

وكيتيا والمتعارض ويبيع كالراع وواجه والمرادوم والميل فعروس يجلينا فهاو كفيا بالطابطية الأولي والشرافية رأي كمستركة ويمهدت وأصال سنا فالمراج بالتفادين وللاست فيجيه بتعيي who had the the work of the war is a second to the or February contributes for first was word to the to والمركز والمرارية والمراجد والكرويت والمراجي مواد والكركب صبت بالمساكل والمادي والمراكز المساوع والمراوي والم descension of a trace the more هجرا والتامنان بالعالب والتصاحب والكياب والكالم والكالم والكالم والكالم والكياب enough the comments with a wind white out the or is and مع بالكوافيان الدين المستحديق وكال مستقيلة المراق عن ينط المسائل المانيين. والياب لايستان الدياعة أراحه ومراسا والاعمان المتردد الجارا في وبالعراب والمالية منايله في المرايد المر راب مدار بردار بدوامل مدار المساق الوادي كالمدين بعاض بيعاد جديثا المناسب والمصلي ومروعات وووي والأورش ومساوي والمناصري والمال المالي والمالي فيراد عالم مدر دب دار کار محد بي ده مي دامين المان در در دارد مي دامين هجريت در باصب » (مثل شاعل بدوائر ، تعريره . عاوم مي جنف ، بايا بسيطيس ووالما يميم proposed and the sold and some مراي الصياب رائب رمادي مراس رمادي والمرابع المادين المادين والمادي المرابع المحالية Sinky Brandense was a present who is to be follow عاعري كالري يراميد بحث مدين مديري ميصنون بيرواليده بإياليان اعتزيكي توليس ومصافيسات في

ن المراق و المراقب من المراقب المراقب المراقب المراقب المراق المراقب المراقب

where the same have brush grands the way die is in

- property in of any property in the standard of who we will be

میرسود و میرسود این میرسود این میرسود این به میرسود این میرسود این این میرسود این میرسود این میرسود این میرسود می در میرسود این میر

ملی بردی ما در بی ما و بدونی نیز نی اداری بی گذاشیدی از دیگیک کی مجب الحدد در بیمار ساز الرازی کی اور در ساز الرازی کی در در این بیمار در این از میمارد این بیمارد این میمارد ک بازی ما اصرادی میمارد این میمارد کی مورد این میمارد از در این در این در این در این میمارد این این میمارد کا ای بیان بیرود میک باداد در کلود این ساز میکند کار دارد این میمارد این این از این میمارد این کاری کلود میمارد



بگری دوست

ما المان المراكز المر

white and the time and was an ever the first things in the state of the second of the second description to commence is a great property of the great the and the state of the same of the same of the same would and the secretary server and we are the secretary willing of sicher in the fire a sure and a defend ويصوال عندي النزام على من الرياضية فيلا مارث وكرام بالمناف يتعلق المحافظية side or winder and a south the service مراسي والمراس و من من من المحالية الماليل المراسي الماليل المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية الله المراض على المراض المراض على 4 Spres 25/63/5 12 - 2 Sa 455 " 250 12 - 42 5 المراج المسامة المراج المراجعة المساملة المساملة المساملة المراجعة المساملة المراجعة المساملة المساملة المراجعة المساملة Wanted on a continue of a comment of the a to I wo we will not the first of a die to be and of the said that any or service and the said and الما المراجع المركدة الحق المستحال مع الماطر المسابع المامان ما أياما of a property of the same of a special inscience of where subjectly were in a three a worker of bedance - g - g - g - g - a - als - x How imperating a grant your start of it builties marchines into a recent and ورماء عرمالكوليد ورمر ومر supple of Lean Colonia con a come

کی کانھیں کے مشارک کی کہ اور ان ان ان ان کی کھی ہوئے کی کہ وہ کا کی کھیسیوں کے اور ان کی کھی ان ان کے ان کھی ا عدد ان ان ان کی کان کان ان ان ان ان ان کی کہ ان ان ان کان کی ان ان ان کے ان ان کے ان ان ان کی ان ان ان ان کی ک ریاز اور وہ ان کی کان کی ان ان ان ان ان کی کان کی کہ ان ان کی کہ کے ان ان ان کی کان کی کان کی کان کے ان کان کی ان کے جداد میں کان کان کی ک

المناسب المرابع المرا

مینگیری کردگی کار مکسولا (قد قدما مینظر موسن شعث را هوش به این به دومین وه رسید شده میستاه کمند رک (مینکشد که به های باده این کی بازد این سکیم این کمند به دوست میزنگشد به مایشگ ساز اسم کرد شدهی کسان و کهایی فران مین مینکشد تا میزنگ ساختر میدیش شعیبی های مدیدگری بر ۱۶ و شودی تحدود در ۱۳ این

ی آبانی سرده به به گذاری و دست ولیدن است متعدید به نداد ایراد و که کند به بیشان استان بازاد و که کند به بیشان سندگی میگرای امیر باستهای اند به میردی ایسان دوارست که مشت به اور پرست در و دیشان او داخل میشارگامه کوهی ایسان کندایش بیشانی او با سنده و بیشان و شاست و درست و ایسان ایران میشان شد جاشند به ایندایش ایران کرداشت



دانت کا لیاس

المراح ا

ري هم دون مد يعميد يعمل من كمد قبر لوينت كوكر ويت وقت كالكوك والعميد الما المؤدان الكوكم والعمل الدون على جاداً الله الدون كوكر الدون الدون الدون المداري المدينة الموران الدون الدون المدارية الموران الدون الدون ا ويست مل الاكون الدون المدينة الم



سواخ عرمی

الا كانية - والاواد فالا - معادد الاينة توب توب كان سيدود عالى بيت الحوامي عندي بيس ال الما المقل الكن منذ الدينة كان بدائدها

بهده المناسبة و المدرسة المدرسة المراسة به المراسة المراسة و المدرسة المراسة المراسة الموالية المناسبة الموالية المناسبة الموالية المراسة الموالية المراسة الموالية المراسة الموالية المراسة المراسة



www.facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/

نیده به بربرد و فرد کند او او به بی رسال های روست به بیست به بیست بیست کی دید. کرده در افزار ای ای به می که ای ایران با سنده و بیست خواج میگرای مکه در پیشه که در است که بیست ای بدری ایران ایران می در بیشت نیاست کی ایران ک مرام و سند به بیست بیست بیست به بیست به بیست و ایران و ایران بیست بیست بیست و در بیان می می ایران می ایران می و که در بیشت به ایران می در بیست بیست به و ایران و در ایران و ایران می که بیستی سند و در بیان می می ایران می ای

یمود میمودن در دون به دون به برید بری به میرای در دون افزر شدنده کشدند به میگاه و پیش کا واقعها سال دری دکارش داد می بیشتر می سایس طبیعی سای میرایش میرایش بیشتر دون مرد افزایش.

المراد و المراد و المراد المر

Alatonaporthe March

الما والله المساحدين والمرافق التصافيق والمساعدة والمساعظة المقطرة المساعدة والمساعدة المساعدة والمساعدة والمد الما من عن الما والمدار والمساعدة والمساعدة

4 de may la martin de de de de la faction de la martin della martin de

out and the service of the service of a service of the service of

ام داد وکار دگار بوست را را بشک داد از ای در داد و اصف استیکی یک هی اما مادیب کارست چور جاگره آنهی رای چین بر ه کارد بازارید — رای و ای استیامی و بردید مامس می دانیدا می داد برای اماری وابارا دادیگی برد کرد او دارش بدن می شده بردید و ای ای رگستگرار ایساندی چواهدا می ایسا چهری واقع دادیدی هی کشدی این استان حدومگر بردید بردی این دام رای شدن بی از این ایساندی چواهدا می ایسان ایرانی

محاريب والإراق والمرابعة والمستعان والمثارة والمرابعة والمرابعة

المُن لِحَدِيدِ اللَّهِ مِن مِن العَرْبِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ مِن اللَّهِ اللَّهِ الله اللّ بيال بالما بحارات واستعدمت معلم بما إراس فالكريم ورويس بطئ أوريك الديكوال عديد تكاليسكان على نيصة خطاق ودوام دوام ويوسيم والمستعلق وتحكد كياه وجددات <u>الجنو تخط بط</u>ير لكاء ايد ايك وكياس يخط والسطيطاني عج تتيعة المعادل بتعينته تتوياس هي توحا كما تك تقديميد أمكرين بسيكرونات بموودان يتاريان تن بوست وسيباي المشنش للبكراتش ومشاوقين رايتين تجيق وصش وبالكروبي ججها الإادم الايسان لكابي بندمال المسهير يرفيك محل سنسافك سدنهلط معريس مشري سدمير وفعاكروه المان كيريص Vanca Some some some stack procedures in the Spil gold Section لكيمة الأريج كوا الادبعار من بوك مصدود مند وكافح العواج القاال إن المصولات أسبت ي البيما عهد مناجب وه می در دیگید و کرشند کی صف س بهای به ایتفال آنهایت کن، و از بیار به همهای انسال ۱ والموافريون البرواد المستاني لندري جيشك كسنت بنداء مدري ديس والدائي فالمباكل وعالم والمباكل وعالم عدالمه عنائل کا کا که سال می بیندو ساخه وقال اوج مهای دن ویک میدودر ک ومن التكار الاربوكسايل والارواف يبتبط الوكامة والماك صابعيا المست بكيروسا وإزوال كالمكافي

* إنها والمعالم المساوية المعال حواج الماء مي كان ما مب بالا الرساد على الربط

المراعليات العربية التكويل ما يعار أكار من والعا ومسيدي المكارك والمسكول الدولا ية طشاه عنايات ميرد والأباج الا

Set bear the * دمالات المكي كينيست قريرهات يعام ي عام الكيابية عمدون عاري أواقعاء الدين عشر تأدي والعسامسان والمحاشد كاميد واقعاد

The String on Second in an opposite his shirt جواله كالدانس كرد ويك فرو تاريا ٠

" دونو وکیمور اینشانی ها را هم کرهستندیم رست جه دوری و تری وسی ایون کی ر ادم از در سرب می تمهی کیام ب بالأركة والإحراج وب

فَيْن كِي الإدافياق بالدب وح دَبَّتِ ما صيد كوالي ر منت والايسنا في الميست و بن م 11 سال مايي فتأكر يكرا بالادجيث كم في الدين الدين منهيك وساوست المزى المصاحب الجوابي بجداكي عبرت المجيلا تعتر ليسلط كالجواص كي ويمانك كل فوكسنده من الزواد ومنتاري ودي الرائزي والواسع بالدع من أستان بريان بالمستعيد معرفين كروس المعاوير يلت كلد والمروقي والمناع والمائة كالمنافقة والمؤولة بالمسابقة في يرويل منا الميكا عدافكه متعاوي فالبطح في بعوم بيناه كالوصيد بعد لتضيير بوسط فمدع أل بالركب سيبعيد بالبدانيط

صفایت آب سند ان بهدی از برای می بیدی با بیده میآدد. سند مدان هدیدموان به این ویک میدند میآدی به بالی افزوش از از امری به افزویست نوش بهدید از برای اوس بی مدان از دال سنگرست او بردند مخدما ها واقع واحد در از از کست بدو برد بهدار میکند بیش بیش به بدود و واست مگ سند بودی میشاند و ایک میکند میگی بیشت نظیم اگیر داد خاد در در بردن و برست میگ میکند و در شد در داند سندی میکند بی بیان بدود میکند داند و گذشت



نين كتث

امید، نا ده نمست وی بدرهد بیند در در را کردسال برای کندید دو پرایسا ای در باد در این است دو برایسا ای در این د بر مای در این کار گلیستا و این در کند برای بر این میاند بر کنیدان و سیداری بیگ ویکودن برای دادشان از گردستان ا می این در این کار این کار در کنا بر کند برای و داری به این میکنده کردست او از این میکناند. این می در این می این کار در کار در سال ایستان در این در این میکنده کار در این کار این میکناند.

بران کشود میده می بردد و معید به ۱۳۰ با ۱۳ ب دمیدار میا است دود در بردست میاید ده ایر بردیدید از دارد برد و انتران کشود با ۱۳ کیندید با ۱۳ کیندید با ۱۳ کین بازید می باد در بردی میده روز ۱۳ با ۱۳ میده میده و ۱۳ با ۲ با ۱۳ با ۱۳ با ۱۳ با ۱۳ با ۱۳ با ۱۳ الما المساول المستوع أن من المساحث من المستحدث و المستحدث و المستحدث و المستحدث و المستحدث و المستحدث و المستح المستحدث و المستحدث و

الاها والمشبك ويرمن بشعوسه منسك ود بجريسين المصالي كمكند اللم كالمامدون كي مام يسياح كومه بيد مويان عن حضرب لكور بدائد ومينا وشيركر باسمه الذي وكوم بدائع بالإمواليان بهلايان والامد كري من من عليه ميدون والدوالة جدوي سيكي والكري man it is the world on The territories was to be in the life of many of لآمادانية ووبهال حدواي كمث فالجزريث ليطيع يعيد بمسدامس ويتأكرسيك ووبستناجل والمهاام يوزي كهت لل وومهت ۱۰۱ و وراك وي مستول سندة كي والموليق اللوجة المداوات المراجعة والمواجعة والمواجعة والمواجعة المواكدة ب الم ما يور المال المال المال المالية كرديد بهالعل وكالتي منتكريس ويكاوشري ابنا بالرمست ومريست والموس سقاءا والأثمث والتيانيدي سيدول ودوي ومهاوك يلسدى والتنجيع الصينداد وكسام ورواص والتراطان فيسق الى المنافية المستون المنافية و المرافعة المن المنافعة المنافعة والما المنافعة والما المنافعة والما المنافعة كالمسامس والكراكم. والبند ويستدي كالمن أوصف مع يحك وصف محتدي الكالتين المنطق المنطق المستحث المداكمة والمساكمة سرائ ایس بوده و را به بسیده منده می بودهی اندیاس با منطقه بی چیدامندی کش در وقی به واقعه يحساهي ويمان عودمت المحي شرسدايس بولمه بموصيده ويكل مشقيهي ويداحس المكل والريادي العسلة والمرابعة والمرابط المسينة بالمرابي فالمنطق بمتر بمستريط والماسية والمداوي والمنطاعة والمساجعين المست مهدانه وبالإطراب الدائمة ومراها والمراها والمعطر سيده فليرسني صدمه وبيت يهدان الماري والتراوي فمنطرون فكر عند لامل و بعد اوان ليست كري المستصف على الاستعمام عكومي و يون المذيد بال تحريس مايلامات واستاجيدي

ىتىلىر

محدان محالات فاصدوالدرد هر برگزیدموشک و داوای کرند به سعتیدت فرج دگد، کامپ فکس دادای چوانی بحد اکتماد مدکل عدد می رکستی مدعل مدوار میشود مصروطیرستان عدد مدوای دو و مجازی کام ناشدگاری منز کان بای یک دانشد و قرم در دگیر و مورد خفر بینت کارمندیست و الاست و است و مث تویش و کاک و کاکون Suckeye, Surveyed the it of the Section

government it will be the

اودهای یک دندنی مشهوریاسی توگیست دامیدندی و نوکس ریاک طهه به بینتی نیزیک هم به سنگیل کندگی به به ایک به به به ایک که مناصبه بینی بیاک بین امالادر و با شیدمنی و مناصب شد به دیگراند و بین ارالاد با فور به داداندی بین به منا میکه بین و با در دارد داداند به بین اور چی شهرگ دیگی

ه مي كنام والهديد و مي مند اي ماسكي من مندوي

ومحيطوالل المربى عديد متدور

Strate March of the war of Samuel Shirt was

a there are not not state while went

ام به چنه کام پیکشت که پرست و بی به صف بسیدس موجه های به بیک این سان مدید او و بین او و بین بی به وک که امارت بین ما موجه کنورگز به و بروس اور ۱ سده کی ویک مدارس و سی نگیاستورسیایی مده د ام بی کردس تروی انجلاد بین ا

وموسقوك الم التي في عاد جيد و كل مجدوب كركوب وكري يدو البريك والتنافق الت

می کلید طویس و قدیده تران در این باشد کنند کاشد بودندگر کشاید و میدند بدی در تدبیل کسیلین تاریخ انگلیدهای اموان خدار کشاندی این افزان که دکتر است او در کار او دود ایرای کار در این سال داده برای در بازی همی می داد. اگر باید مشرک کومان ایرای و در تشوید میدود و ایرای ایران که ایشد را در استایس دیداد مانگری کاسی ایرای کیمنوی کلادی بند اور دین بدام با ایرای شده به میدود ایران داده ایران ایران کار ایران ایران در ایران بدام با ایران بدام با ایران شده ایران در ایران ایران کار ایران ایران

ياسلاك أعال الامكام مستنسب في المال كم مداك والمال

www.facebook.com/groups/FFMZKA/



www.facebook.com,groups/AAKUT/

مروعات مناجرت في داوي منكريت على الاستان المنافع المساعدة الماري كالمارك المراك وري معادات مائوسكران مناوعات المعامل ورميت والمستادي والاما فل است الداديا كالراديون والميا فأحة وأيتك وحت مرسكان سنت مناها والخاص وستعسك بقد معاتي معاتي ما و د چاک عل 1 را شده کاست می شاند چین و بر پسد و درگی ری اید سر فرو د فر و برد و مست و درای کلیا · Benjara of the day to reconstruction of and want for والترواء والمسلكي فالتصديق المان والأراب المراقي المان والمحال المسال ين ديگروڪ . ي

white a come in the come - it will got ردقي الودم العادلي مثقدون الحراق الآل من العرائد وونبط أن بهيت لموادي أم محدا فله يُنصر بيت الدروان العالم

المريشين والرجيل والوريس والدوا لدست السرياب يؤاثم

Bullow Thouse Shared 1450 is were in a بليريق عاكروي ناسعة فاستعمل والهرموسي مهرات يدروه سيلن كرمين وهجب وسياحت كالأعج الأراج الدبيك أثمان علاقاتي بالمستبرق بالصيصف بالمحكاء جهيفات حالياس كالمهج everage Shis serve do de grande de to de policie کے جورے سے میں ہے اور کا مساور اوگ اور کے سید وران وران میں جو رہا سے عاری وہ واسلیمناری وي تى معا يى ما ما ما ي كا مجامي دا رج ملا يهدو وشن وست وميل كمي كويك دُوالك أوالل كندولك marging stantes streng - resemble some in Selection out والإناف المستند والمناب والمنافرة والمراجعة المراولة المدولة المنطوعة المرافرة المنافرة المنافرة المنافرة عَدُم إِن يُلِيهِ مِن مَدِيدِهِ فِي بِالمِن عَلَيْدِهِ مِن أَرْدُ مِنْ مَن مَن مَن مَن مَن مِن مُن م الأربط وجدها براي جداد آبيد ويراجرك كالأرث في تشيير في من من المنظم المنافع و من من المنظم درام والساع المراق ميس وناوي يكانيت يت وترست وكي أخروري سيت المستكري الم يوساكيلي وكشاش تنبيا سرياني بسيعت مرتب ويكاف مي عايات الموادي المؤلمانا

deministration and property Section

البياسية والمراق مستدعنا بدوريه بالعيكة بمديك أهريط مغريه فكالماديك مهز مسروب ومثل منصاور المعوام بشريب المرجي ومهت أمهارك إنهاد وما تجرير والمناج كالعهادي أعنا بريما وز جرأ فللديون لاف الكريب المكتب بصديد موصيعة بكت مركز ما والمرتب المسكن والراب كالمركز الإيليان والكالال عاكيت ويبيان والأنجاب والإياجان عانيته الرينية مثابي كشكاعا الهنايي محليرة الكندان والمستحالين بجراراه في المنظمان إلى المراج ويرام والماريك والمنافع المناف عداد ويرازيك many hand in a distribution of the of I have the وهرين ما كارت المراكب كناو ريش ميث كاست بيت كالتصويل حاكما بري برايا بانحارات مراك عرف عدود مع المعديث وزاد والعدكس ويرك مطال المارين من المستعد الماري الماد الميروات الم مجنقتي يمدى مرب شده فك والديها جي حاوماه ب الدائسين بسام يسام يسام أميري والمنزاس المولال بيني عدود والما الدولة والأسطامة العالمة ما يها المدالية بالما المرافقة الدارات المرافقة الما الما و الرجاب الواري عواد. عوب مدايرة بريت العرفيان كالرباء والإمارة الإمامة والأمامة والمناويطيني منت شال الإياق بشبب الدوالين المست عاليد المال يديل بالديام راهر عي كال عبد من وجد ع العالمان عيد عيراس الاس الدي الرائد من الدي التي الأيل الديار ال والشاجال والشابطانة أأركبن رجارس الجانين الواكم بواصام يبيد عد جدواتم بالرقيص عداملا علاس كينتون بالعاوة للطامي للمستقيلي والالهاسانيان الماليون لياليون للالتعالب والتاكيف en a mile investigation of an interesting or wife of their بي محول يجرامت التي الموصدي الحجرة من منته العراب الرسط أربي المترابطة. كا أقد يمدد الما يوم الدوالي الاله معالكم بيرو ديريت من من شاريس مان سن مجميع وسنت في مناسبت ومنان الك والموقع ينهم المحاجل للسنطية والمنطبط والمنطب المستنصافات الماكد المستوان الوالدي المان يجادوه مالك مولاد - بالدسيق. - ومخاشل لايل بدواد كريميد

هیشته برختی کمی سعید و مینانده محاری مراد بر ۳ سعه میرنت پند م ویزی ۱۳۰۰ مرسط که در بهشدن در افزی را امن ترسیس پرشده و بیگی برد اسد اسد می آمری میردد و اداملوام برد عظر معمله بردنام میندود را می شدند تروی ما اوالیت بدود بردن برد از و فرد و گرداند و مردایا کمی ووث پر رکے سے ان اوران کا کارون ماندون کی دیاری کے اس کی شاکری کر ایس کی آن الی کی آفاد او بیان اس ان ان کارون کے اس سانٹری کے اس نے شوری کی دیاریکٹ کو کارون کا کہ ان کا کہ ان کا کہ کا کہ کا کہ کا ک محض وال اور دوروز ان اور ان ماریکٹ کا زائد ان منافعات و رائد

اً و درگ کسین و توان سنا کی مرسود مراکنتوری همیسیده پرسیسد بری با چیزیکاهه و چیر گاوند نام بین توان در آن در کسین کسین کافت میروی بزنده هم بسته بخشان و در آن در بین میکند میشوده و فیل در اسرود در فیلاد در در بین بین میرود در در بینی کندست کا اسکانش و للدست کاکی بردا تی اساس کی تقسیمایی ایک که وی و بسدود در میروی برای برای می است از این میکند.

الله و المسائل المسائل و المسائل المس

الله المستقبل المستقبل المستقبل وما حسن في المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل الم المستقبل ا

الأس عاد وفلت والنوع المحقا

۱۰ ماز داست مهد در درست دران بستان دران بستان به تا برران بالعربي المستان من بستان و مان بران المستان من المستان المس

2000 Blown - 50

sund leaged and xides

woll trade to be and were and with the to

الما المداري الما المداري على المداري الموادي المداري المداري

م عالم المراد ال الرخي وصب النظري والربيقيين معاولان ساء المشاء اليت الابساء أيامل and an experience by the warring with the state of the same and الي الله في المناهج المراحد المراجع المراجع المناسع المراجع ال of 1, - Jest and a 1 to be and " الريان المنان المنانية و وب ارب رہے کی اور ساند سے د · - - ot - - 12 · 1- miles of the second with the second e a remarkable of a statement a say of the said and productions بیان رب والا شد ام میمانی من ادا ایا ای ساخت ب يراني فقيت والأرداني الحياد اليان والمتعاد الرائي the transference of 0 6 11 - 11 S 121 · routes . " well yours a de verse - + + other of s - 1 th store on the second of 111 a hairly wood it 195. 10 + 4 a 16 chown , 1 + 10 11 11 - ACCEPTEDAY 15 x .. . 2 . 14 5000 64 6 of , - c. contacto as a fill of o to the a constitution of the sound

the filter party with the first

45

a sold to the filter of at matical the many son user is the case "

بنالا ۴ بردام دستارتی و دومون او می گزارشتام در الدمد و دام جزاریت داش باشده بی آذیش آن ۱۰۰

الله هی تصنیعیت انتخاب مدوام از مشاعلانی سنای این آن ما سنندهی این آنها به این این این این این این این موسوط - ما گورشی با بیشند و داری داخل میسنده و این سندهای این و بهدوی آنگ آن از مستندیک وی سند ها آنسان با احراج امیدی این انتخاب این و با با بیشیاری

به گیستان میبیان بر دینتری برام براه گرد به به معنی چنان مگرست شمس شدی بروی می دانش برخشک شوایی کی برد برد به دادی فرد.

جرمت کیکھا ترامات کے است ہی ان ورصد ہوتا ہوتا ہوتا ہے۔ کیلئے جرمت میں رواس بی میزان مسابق علت ہوتا ہوتا کا کا اوسی میں تعالی ہوتا کی اور جاتا این کی کارند واست میں کی

مها را به یک بیشتر ۴ مرکز ترجیب بیرون و

ش مصلاب د پهنگی و سی امریدی پر به معد صوط سده د تکسیمای به سیاده کشته تایی به سیاح و برای هی شناه اللب

» منافر به نگلستایش بسک منصب دهبید می برای این در می فارند فلند می کاه آگی اوروهما این بطیخه بود کان هدیدی به از باشتره می می برای ب

ر المراقع المر المراقع المراقع

وها و الما وسرم برامشوی می که به به هم گرفته به این در می کند و بیگی یک سیدید می سید کمه می می می می می می می وازده کار برام وارد مدر و بی این این کارسی می در این ویکسد و بیدا می ویکسد و بیدا می بیدان اور کارسی و این این او این این میکند بی به این میداد می می در این این یک بی این در این کنک در در کار این می می داد و این این این ا ریکسنان ما ها می در سکه دسدگاه دوید گور که سده برای بد گرینتهایی کانوندی کار آبایشانو واین در دی در این کارگزاشت شدند در ویدو بر شدندگاری است در این کانوندی در در دادنده بازد.

ینگر الاین گذشان صندت باشدندن وی در وای ایرون ایرون ایرون این به این این ایران ایران ایران ایران ایران ایران ا که دی آن ایست ملک ایران ای چند ایران میگر ایران ایران

بالإسان عن الرياد والمراد 10 ما 10 من المسال المسال على على المراد الما المراد الما المراد الما المراد المر تصافال بندعاكما مخويست عيد رينين ويشور بعيد رضعان والدين عي كرجب مرتب ادور والطرك ما مقاصیا در سته شدن حوصیات می دری برای برای می سالاسلان در دری میدیس کا مطابع يا کر خيش و درست بي معد دی در درست . په شد ي تما در اي مد مان شد دورد . ديکس او درست کي يو a transfer of or the and the for a minute هُ مِن المعد مِن الإسعاد و شعبي العالم على المساؤلة في حد المعاد عن المراكب الم ما المركي اليرووجية مست وفائن شد الشبيعة - إيريك ما الامراق والمريبط الأص بدرا أمريد ا 1 han 7844 to secret and I wanted out of the 18 mg. المهافاتها المجلم العاق تشارعت مساجه بالمداعين الأصد المداري سنوراء المواده مخرج بسا عدمي بالواا بالمدي بت جاملون. ريدورشت الرياء بيراء شدنديت كا Lady 12 2 1. a die Lieben 11. 18 par 3 12 ft silve عرضان المناع الالعام المساعل المساعدة المساع المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة بيوا في كالمطبئة دوريت وه الصيما ونصار في المسكوريث وراسطة المكال ليستان الأعراب المعين مالة والراجية اسال فليت معريه وسته معمر والريدان بالدان والمؤسس الدال were a security of the state of men lands جري في او كراه رضالت ال

میران میکندن به از مین داد که میراند به در این در به میراندگا به داری کمی کرد در وی میست دومهای تندیخ که هدر که که این به سامل میشد به که در این در این در در این میزانشن به میاسد میمانی به میراندن میزان بازگری و میراندر سامه برای می چند کمی کرد شیسک هو و میراند برای میراند Morate of some water a land a for a formal of many of in the second to what we want to the second the desire the way of the desire is the transfer ducing the stary with the wild of the same of the same محميل عالم المراجع المراجع المستعد والمستعدد المراجع الموافقة 6 de descriptions of the would and the second of the second of the second of and the second and the second 6 11 10 10 10 10 10 10 10 la source or a section when you are in the second in it willyt y way and said the form of the said to the said 1010- w 2200 - 22 1 desired the second of in the se down a to a real or a of a set of the second The the town town on it is and the second of the second of the second NUMBER OF STATE . I

a star as a sufficiency and a second

يان بالمستعمل المستقدية المراق المستعدد الله المستعدد المراق المستعدد المراق المستعمل المستقدد المستعدد المستع المستعمل المستعمل المستعدد المستعمل المستعدد المستعدد المستعدد المستعمل المستعمل المستعمل المستعمل المستعمل ال

هٔ در به میننش که منده گوری بیرهٔ های ماهی هرهاهای مرهٔ منده می چند بیره ادرهٔ از آر به این ماه مراههٔ هام تاریخ در است هم رسید بیک روانند با برس و رستند واصه

بين عدد "ديدود ريديت بيكيدي و مدين درديورود بوهندي _ ميريديد

الموران المراوع المرا

الله المساول المساول المساول الله الله المساول المساو

The wine is the wine of the control of the control

a water on you to have pulled of page

ا چان مدد بیکندیای در این در ماننده این در بازی به این میداد. میران میکرد میرانده در است بازی در بیرا و میداد امیران در بیران در بیران میراند. میران میکرد این

باشتران و بر المرفر عداظ بي ها عالم الدامان ب الاردان الي الاردان. و برخي والرجاة والأمراق عدد

باشر و بشداد را منگر مدان شده بواندین باشدامد (احمد و المشاعد) ولا احمد برا بدایان دو گرورمند زمین از اردین باشدین بازیان از مصنعسد باشت میست کانته میدوگراه می ای تا بیان کافتی و بیرو برخ به میدست مستندها از بی همزی ماهیدی فرمهایشناه سیست مافزیده ۳ برا پریست محصیت در بیرو کی گیم در به جدیدی میدود بیران در بیروز فرمین می میزاد می بازد است و میدود این در میرود میدود میدود میدود میدود میدود میدود این از از ا میدها میدود بیروز بیروند کار

" آوست و المصاور بدان المصاور المحدث أن من الإستيارات الجوادهان المجاهدي المجاهدي المجاهدي المجاهدي المجاهدي

و سدود و مام الاسراد و باس و مام الدون و باس و مام الحب الوس و مام الدون الدون الدون المساولة الدون المسكم المسكم الدون المسكم المسكم المسكم المسكم المسكم المسكم المسكم المسكم الدون المسكم الدون المسكم المسكم

engle and sold about the best of

and the day of the

الم أول المراجع المنظمة والمنظمة المنظمة المنظ

ا در این المامندود طرق اینب شدن که هاشته به این این ایند. اینشندمی، طرق کارهندینه ۱۰ بشان بینگ این سد ای ام این بید ۱۰ در استفداد این این این ۱۰ Effective specifical It to best the section of the transfer to the section of the

المراح ا

1516- - de 150 - - - - - - - - - 110 - - 11

or or or " ou"

رافعاء مديس دال عرادة بد الماد و و و ديد و الس ١٥٥ ي الرب والدينا باي

But the state of In your of the or the when Lacorday to be her will work to مواج ليس الكان يتعادي والمسائل شاجة التي يوجه والحداث الاراق الماري والمواج الماري الماري الماري الما expenses a south of the whole the south of which is ن يلات وي من المساول وي المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة White and other with on west that we all the let 85 m 1 1 1 they and 18 2 1 de Jugar 1 1 de J. I I I go the a flag عجب والعطيب كذري والمغروص والسعيد والأعمان وشدي بيود ديد الالامات in which who were there is now if it is hely the ما كالمنت كى معدد وي ما مديد الرسين من الما يوان الما الما الما الما الما المان المان المان المان الم المعارية المستحددة مناه عنده مناهي المعارية والمراجة والمستحدث والمستحددة والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحددة والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحد of wear the service of the service of the service of the service of of second as the second as a second when the second are the کر بھی ہاتو کا باقرہ و کھیک ہ ہی ہے۔ اس میں سات سر وہائٹ بڑا میں وہ اس میں سے حال معربیہ جدائر والانتصادء مستاوران وراور ملايان سنيانك الكنابين وسنت الصناع الكالي معرور المرادي المستان المساور والمدار المعالي المداري الما المالية جدوعة متنافستان بالأمامان بالماكمة فالإيون يستنفاهك ملى بالكيف المالي المالية hotory originally - I for a with what of the one in the section of the section will التعالم والمعال والتدوي من المراض المراس المراس المراس

ومغنان

entitioned when the the terms of the terms o

عد کم که دوان مورد کاران بروان بروان بروان که بروان بروان که بروان به بروان بروان بروان بروان که بروان که بروا عدد ندر ندر ندان بروان مورد بروان بروا

منطق المراقع المراقع

Mode ships with day a sentill "

in and my the safety of the will so care there it

who sold or in think the forest for in any and the find the state of the the state of the the sold of the sold of

" A y . C" - come so the way of the same of the come o

ichelande and Birthere

and the and will the forest of the second of the second of the

المحول مثله خشته الريان ألمان سبق طوحس وي أوتكويسته المساعة بعد الأخواراتية المراقي ووالان يادي. ولك مشاهر " بدارود و مدا وله القريصة الله الروائد مشاهدة بين الرياسة مجاودات المجاودات والمان المواقع والمان مشاهد بالمجارث مثل والمرادال الدواية المتان المهام بالمناوي والمثان الاستدارة المناقة والمناقع المان المجارة الم

- Live in mornida contilla

• والعلمان ولان تيكنمان والمعارية للمراج

لیکی بادی که یک بازید بخشد باشد. از این که رستندار شده مید میشد بیشت به این جنوا میشددهای میشودهای برا میشد در میتوکر میشنده ای بست بنگشده بر این ای سال با این بی این هستنده در این وابسیدهای ایما با یک این ایک این گفتندیت و این توسیمی این ایک برای با یک بازی

المنافعة المن والمنافعة المنافعة ا والمنافعة المنافعة المنافعة

رها به مراه متصد مصدی بیشتی میماند و دو ریگاه مادو بیشتی گرد میدند هد به آمد ای ای ای ای موسط بیشتی در در ای ا حدید هی در اصوری و اصوری و این این ساله میده هم گرام مکست و در ایران این میردند به میروی بی ای ای ایک میما مدید هی این این بیشتر این این میکند میروی و دو ری میروی و این میروی میروی به میروی بیشتی به ایک میروی این میرو داند در میگاه آش به این آمده می ایران بیشتری و در و در است میروی میروی میروی ایران بیشتری و در ایران میشد میروی برای میروی در ایران و ایران میگاه این میروی و ایران میروی در ایران میروی میروی ایران بیشتری و در ایران میروی ایران میروی ایران میروی در ایران در ایران میروی در ایران میروی در ایران در ایران میروی در ایران در ایران میروی در ایران میروی در ایران در ا » مستعبد من المواقع من الموادر المستدل في رائع جديث عن الحدو عليك معن كما رائع عن كل من المواقع المواقع المواقع المين الإيلان المستعبد كالمواقع عن المراجع الإيساسية

المراب المساول عن المراب المر

المساعة في وتكسنت يود المثل المستندي الاستان و المستندي المراس من المراس المراس المراس المستندي المست

المراد مي المراد مي المواجعة المراد المر المراد ا

Description of the second of t

أكانتان

Lotio word in ward - fragin to gother a later ندود شاكي الألاب ما الله العلك المارد " لا الله الماريخ الي شدادان العامد عًا الريك كاللاب المصاوري المراكب يصاف را على الدوماء يبان بكب ال day with things on I will the west Sales and Buy Lyan in a colored we mi " ال بيال عدد عد كسم و خد عدد الرام الله المارية horason and service a service a war in fight and the region of the second of the second المسلف والمستان فأقرره فاراسوان الماسا بالم lighter + sough will est - a should of which is not a more to a single of the contract of الله و approximate a horas a second JURISAN - 12 1. M. " SE CHAR - " & AS M. Said 1100 1 - 1 1 لأشخ المعياة young, were the set in were were ب ال من يعد مدمان مان مان مان ما الرشيد و د المليدي والمستحدث والراجد

ا عداد المراق المحافظ أوليك الموادم من الدول المراق المراق المراق المراق المنافعة المواد الم

aparties of the second of the second and on the second of the second of

Alexander of the production of the state of

2 of white days to the said and who have a free or

enothers a west only never with

23 - form a ser he a - enter de manisera fra de la de manisera fra de la de manisera de la de la de manisera de la de la de manisera de la de la

Sent between the and the best of the security

A production report you is sometime in the fitting of the first of the

N 00 00

الما الما الما المواجعة المستونية المستونية المستونية المستونية المستون المستون المستون المستون المراق المستون المستو

هِ عَلَيْهِ مِنْ مُحْرِيدٍ مُرَادِهِ مِن مِن مِن مِن اللهِ مَا يَسَامِعُ مِن اللهِ وَمِن اللهِ مِنْ مَا اللهُ المُونِ فِي اللَّهِ عِلْمُ اللَّهِ فِي اللَّهِ مِنْ مِن مِن مِن مِن مِن مِن اللَّهِ مِنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ مِن

ا چیگ بهگر که گذشته به دریکای و که منه بهدود در بری و درود باشد و را میده در میدود در کست بستان به میدادد در م حیک مصلی بی بیش و جذب به به به در در بید به هود در در بیند مید میشد به امارال بازی است در کها دردرسیت به دیگان و میسام این امار سید به وابع به میدود در در در در در میشد

الا الما المادي المساع (اي أنسو بيض بين المردي المداد المادش و المداد المردي المداد ا

7

المنظمة من الأن المستندي بيند كون مكري والمستنادية والمدار العالم والمسار المساوية المساوية المنظمة المنظمة الم المنظمة والمنظمة من المنظمة المراد المنظمة المنظمة والمساوية والمنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة والمنظمة المنظمة المنظمة المراد المستندية والمدارات

www.facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/

مجذوب

" بيرون آرياني آرياني آوسيه ٢

هذا أو المراق ا

there is a secondary.

الاستان (ال جيمه الرميسية المتحكمين

1 33 Physical way Sound

130 Lyw "

ر بود بر المن المنظم المراد المنظم المن المنظم ا المنظم المنظم

الإستان والمالية والمالية والمالية والمالية

ر بی کے بیری آئی کا میستاندوں کا بیٹریسٹاری کا کا پیسائی کا پیسٹاری الدونیا ہے۔ ماہور الحدیث معدودہ

of the contract was a series and the series of

" المريد الم " المريد الم " بعد وي من من المان من المولاد من المولاد المان المولاد المولد ا

" ال واستان المشان عالمان

- الروية من سيريت الارك الريث عوم المهمت في من المحل من سيري عن الم

- موراكي الإراب الدين يد وي يداعل مداعلت يو مريد المدايد و المراجع الم

" والماري المراصل والذي ك المامي المسامل المحاسة الماران وهجر المها إلى المامية الماران وهجر المها إلى المامية " الله الله الله الله المامية وكل المسامل المامية المسامل المامية المامية المامية المامية المامية المامية الم

A grant the March to the of

our the color to you are a will

ری از دومی دو ایر شوای داشده بندون و به اماد مید که بخشی و نوشه کی مادون کا منوب در اس میده

ا براده المواقع المواقع المستون المواقع الموا

station and commonly there is not not to be and the state of the state

in white the second section is the second

· 一年中中1

المناف المرافق المرافق المنافق المنافق

لا روا و بدول من المان من المان الموست بين الموست بين الموست المنظم الموست الموست الموست الموست الموست الموست ا و الإسلام الياس الموسية الموست الموست الموست الموست الموست الموست الموست الموسس الموست الموس

ا بردندگ ۱۰۰۰ شودگی دوست مگرانس بسینت دارده ای درگی بند گرد (دوستی آدیکی انستایی گزاره چاپ کارک درد که زاند ایرکشان بست داری انگریت

ا در آمرید میابی ماید عندن سندن و و کارست ایمان پایش به در آریال ارست کلیست که آن این است کلیست که آنگاهای میشند بریکاری وکر میدیور میدمان مثل جادی امر ان کل ۱۰ در اصداد اندرزی و از گورست کران از مرست کردن ایرست کیمود گرداری کردن بری جودیش که در این کارگ

* خاب دال کیهایمی برای گرسی می کند. برای هفتی برگذشته دست سی بری شدید ایسا ما و آیاکه ای چه چهدندهای نوید، دست داد همچه بسته دادی *

ماء كايماري الماناط. •

- مادواند ميدي عيد كري مي كوريك موهدوي وي ما في يه مروك والد

المست المواد المستان في المستان المستان المستان في المستان المستان المواد المستان المواد و وصف المستان المستان المستان المواد المستان المستان المستان المستان المستان المستان المواد المستان المستان المستان المستان المستان المستان المراد المستان المستان

من کونگ ، ما توسندگرم کسست پر به کس مو دوشیق شدیوجت آمادمی اهیاد میدی به کمیناند بلیامهای بی جیسه می دیماند، میر، در بدیگامل می اور برسنده شدیدی از شدینت ، دیست آوی بر دیل برگانگ و توکه بیانیت



جر میں

when there is were filled it is he had wonder المحيان فيغيل للدائش والمسائل والمسائل والمستنص والمستنان والماري المراب والمسائل المرابع with the wind of the way of the second with the second of المريب الارمانان مراكب 18 يوك على بالعادة على معرف باست بالمعادة على المعرف المري

age himsen of which was a second and it بصنف ملك اللهود الميكود في من المستعر و مساعيد على بالتصييع على المين المواد المواد المواد المواد المواد المواد Los white will and an equipment before all of reaction of section where we want on he was desirte of Los

مهاقبان بحيفتانه بالإحا

يرس مدي مارد بنار الدين المراد بن من و يمان رون المراد سرط المراد يقة يعضيك والامكة على لارمعيديان الرمود الرجل متكارا بتديال أرتيه لايدمايين لاي المالي المالي المستعلق عالمان أن عالم عالى من المريد والمان عالى المالية المالية المالية المالية المالية بالعاليات المستحر في المستعدد والمستحرة في المستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد a declar Management and property and a section in جلدها الموست فيجيد المرادي المعاري المعاري المحرك المرادي المرادي المعارض المع ستندمها والمتحليلة بما وي ويجر فلسنت الوائد بي يوان بدوية والدائد وزميرت تصدمه المصريب الدوير ويجد with the safe of t معرين الوالتومين اوريكتوب الرميرير

الحما والمستان يحربن بيست مستنيف يمي الميمان المنافي والمسراء بسدا يكافعا المنج كوست الأدن الجارية وكثري الاستناست فلقد يودمونس، من بمها يتصبب وأكسية كيوه يتضران والقررامي أوثري برياج بمك

میش آن بی و ن از گری و گریسی سیکسد و زمان در مده الهدشد چدمی آن که یکساوه می آب مراسطی هداد. و و بعد برد بادر این که برد می از همیک مده بیگرستی به مدود می سطک میکرد تروی این افزار آن بیدستی بهری می و آفزار میدود برد میدشد در برد از این ایرو و از می برد میکند به همیدی این مشاخ میگیاد میگرد کاروی این او ایس ا وی به دارد مادوج و این میک سند در دو می جوان د

ان والعمل المان على مصاوفة من المستعلق في فيستانط جواج عنظ المنطاع موست الأوكس المديم لمستانا والأوساطة المجالف

جهار مرحانا

مید مراها بازی و دربایش آن که کار بخد هم سر امرکی وصف آن باقی این مکلمی و بیزن فی این این از درکی عدد از این کارگذشته و این و بین به دارد بازی بازی و استفراد بازی و انگذشته این است این از در بایدند و برس مثل میزاد این سند مرس علی ایش شد مرد فی فیست این ایست کار ایستان این این این این این ا

'' خوبی آیست به به این اساوی ساله دید او ساوی که شاه به به دو دست به دو درسک کسنگ برده که به این چود و به در اساس یک از گریست از دوست به دوشتی به ها اساکنگ و همار وارست مواوی ستیمکی وکری وشکر در شکنده کام رسک — کند صف

* Page Model *

Same of the property

course your selected with your -

A markey property of

» این اور بدیدی . «جی مدد ند - میل آنش سی شد ناهدی و جیلیمن همید اگیده وهوارسکا و بی بید که مختله بدایش کی دوبیمان »

سے بہت ہیں۔ - جس میں سے یہ کے عود میں ان مستقیمات میں سنے چھے ویک دکھ ایم اول کرنگ ویک لاکھیاں مستدری کا ساور کی تھی

الرسندن سد عبد مداوی و میسنده سدیرودگر آنجاد گاهمان یک افزیجهد ادرایالکالی مادستای می تجرب مند اورای سینه

when make a course

۷ میل ننگ این فاود ایرام ساجت این شده از ۱۹ میلی این دواین نماین کرد. این ترسیکردن به ادام طرحت میکاد دیگا است

Hard town the west

این و دویت بینی بینی بی تاست و پرید ^شید در ایند و ترست ایست میرسی و با هر داد در وادست میستدهی ای و د پینتا کی مدین مدیره هامد به شدریک سیک و از دانی آن شک میک به بدن ۱۰ میل میگی مه همیدیمای میلان به ویزی فرسی شدند. از این آن کست ریابویی این ا افزار میکندانی این فراندی کشکیدست سی مرحق

المنابي ومسيئ المساق المساولة المساولة المساولة

تريي ماست دکسد منگيدس وه بيد وافران بيشندن بيدارسند يا آيايتي ۱۱ . بيدگري گول نشايان. وجود کاره و کسدا ايد کاران کسک ميران بيدارسي.

1 2000

امد ما هد ادر ما الغز ادر المستقديسين الاستقدام التحديث التحديث الدن بياستان المكلين في المحظود المكرد الاستعداديد المنتسبت الباتراء الإدار البند التي الآل في والبند المودد بالدوسية الا المجاهد البراق المديمان الم المتعدد يتصال الأسامان الرك الإدارة المستقد الدول الدي المحكمة الماقلية الدائم الدول المستقدم الموادا والمدينة عميلة يتصال الاستعداد الدولة بالمينية المكانية

آن فرابود پر بازیک دور انجاز دهان میری گیادی بخراید و وسامش بیرای داده می آب امروی کمی است کارداده و این به در مست کارداده الدست مدتی دومهای سندی یک می کست بیدی و وسام به میشی دوم در میکند و وارد می کمی فسط می باشد است ا کمی از موان می می دود ای دورد داده دارد با در مدی مده دول و در از میگی ما مانیک کل میساوم بها آنسیا گیاری از این می دود ای دورد داده دارد با در مدی مده دول و در از میگی ما مانیک کل میساوم بها آنسیا

ایت به ریکندوان سیاهم ایستدین

لاديك ول المراجعة المنطقة المن

ی بدوند. این در از گردان که در بیشتری به برای بی برای این افزونگری بین به مدون بسته مامسی شده بهشد در بیشتری برای برای و دیند این بست بست برای بیش کی ونیک به مست محالی بر ایمس محادث قام بالکه دست بی این فرنگ مرباد در گفر به این بیشتر فاواد گرژونگ این بیاسته آمس کی آگویی بین کمشتر

ولكي ماست محدث يبدون ولكيف فكاستصوافها وجاوات الأفال جست واست بندوي والماء

- ورونگها مکالهنده ت

ستناويالاستامان الإساكمان

ه ه شهده های ما ده بهدسته صحف دیده و حشدته که سکار مسینه برگ ی بدر سدو و به استوار می دهش آنید. که تاشخش و هم این السیند سکیسینید در دست را برد و به وصور مین سید کسید. سیاش به به می بود به می دود مست معیده به سین های و هداخود از آن می مجمود و وطرار در می واد و مراد و در داد و در میده گرادسد می مکند به بدو نظ چنان و می هامام یکند به داد می مکن برای شده برد و در در این با در این از در این این این این این این ساخت نگاد

معملاه المحاليسية ويساويني والكاليب

" ميان پاري اول پرهندي " رسال سال کاريداي وايده کا

" I work that singulately by

المرابعة المراجعة المراجعة

الدين برمهاسيت ا

براس شدهب عضوي ربوريص مان صل موصف بعدائه ساوره

میده و پستون باقی که معربی برای با ده ده ایران رست مدیدگی بخوش کشیری کسیدند. است می همیشد معیون واقعال میدنده کی که ماکل مندکت و بهی پیداشد شد مدیده تشای ای این کشیر ایم که ایران واجد مد چیل مجاوف باشد مدیدی و آثار افغا

كريمس

کوروپ کے ویب علاقوں کو قدست ایمنساری کا بر کا کا کاف سے کی طرف ایمنسائی۔ واس مانت فاصل کی میں تین ہیں تھا ہے جا میں کے مستدی میں ہیں میں بازی میں میں اور برسنے مکران مسائل مکہ بنے دمیں راد بیان واقعاد مسکسیت کے میں توان کی سیست میں واقعاد بیان میڈ کا انہیک کسند سے پیر کے اور سیک بالدین میں میں تین میں تین ہیں۔ کے اور سیک بالدین میں میں تین میں تین بالدی

3.745.42

برداد الا حرائد بریست و دری می رس اید و مشکل بند الا میشد مصیفی شده از می این می این می این می این است این می این می این می این این می این می

سی به دونده ای دادند به از دست به نشد در به یکی موادیدین ملک به واشیدی سیلیم آن می وکی به داری در بین میسیدهٔ بادو به اوی به چند هده سی

to the second year or was y

- من الكريكية تصرود ويوم ما الماليد الإسداداللاسير -

مراها) - المواقوق من بنتسان ما براي بريد ويجرون البراي والمدينة على الموافي من المدينة الموافق المسابقة المسافة والكوام والمراجم المراجم المراجع المدينة والموافق المنظمة المدينة الموافق الماسية المعادمة الموافقة والمنافقة

و بادستهم درما رست وستاه ورقع شد دگران ای سایدی صرب رنامیسه مدر کارموری مدسته چه کست بیشتری این نمازی گردشگ برط را درامیل یم بی می جدندگی و المدّنی باشده در کنان بی بری بردست کامریناسی آن - «او افاق به سدر رسک اس بدر میست تنهدی گیست بی احال به ناگرسیت کنیست بی. اس افزار بردی رسک مسالت دریاست بردی مدردها و ای افزار بردست و اشترست و ایک رست *

ینتی برده هم نظری که نامتی به جوان میزد به عندی دوشت می صفای امیده که داد کمری دی هم رسیالهم هم و مدان دری و دادگی بی شد در شد سک ماوی در اینت بگیری برد در سرست کی درای بیگیری کوشدگار و در شدگیری درخیل سک ای سوام به درای که کسکری سف صف و صفای شود برد هم شدن کرد در این در در در این برد سکری در این می سکری در خیل سک و از شدنگی دارگاری این در سکسیسی آن شدن می شود برد هم شدن کرد برد برد این در این در این می سکری در این این

اگر کوست نسکنے کوسری کہتے کہ اب اورا واقع وابول کی میڈسند و رہا ہوہ تصینہ او ال کھٹی و بہائے۔ مائڈ ما افرال کی ارمینی زمک وال قرید کی۔

ا والا المركز بن مرحد و بوق بن كرد كه مركز بستسان هذا المواد و كورست و سعد ها المواد المركز و المواد الموا

ا پیکسا آزاد ۱۱ - هسید اندایس مناسبت نخصیک ۱۹ توسیده هی شده آن ساز برای آن که آن آن آن که آن بی جد آن بیکنگ نگری و درگذای بینه کی می موده میزاد آن کی افاق کردارسی، می تیسد مسال مثل که میده به اندارک

على أنم كاروه الإساليليزائي من يريهن ما حج ي الاستخصاري

" کیمان مثرقی " کو دیرمت را بر بھی جھاج ہیں بھی گانجز تھی۔ بھی بھائی کھی دو ' کے اس اِ جریعار کے قریعہ آخادہ ورا اخیاط سے ' حیاصت — آو یا دیگیڈ ۔ جو کھ فردیے کرو مد خالفاہ شارک حراماط اسٹرائشیں ۔ حدید اور اسٹریٹ کرے سے اور ادامائی سے اور ادامائی سے میں دور اوال سے ٹی موال بھو ' کی تائیں بھاج معاملے ہے تھی ٹھرٹ بھر کے وائد کھائیک کھی گا۔ القار بھت ''

" بهد مداها و عاد و الدر باست ایر از آن شده می گیستدان سند استان کمشک برستگی " مید که در این سیند کاربی باست ایر بید و بیشتر به ایر و در در بیشتر بیشتر این بیشتر بر مایس کید ایر و کشنهای کار اس باستان کار این ایر ایر و ایر بیشتر و ایر بیشتر بیشتر بیشتر ایر بیشتر کار بید بیشتر ایر ایر و این بیشتر سال سال چی کار سرحس فران می ایر و بیشتر کار در شاوی بیشتر از در قر مسک دن که عام و بیشتر بیشتر ایر این بیشتر می ترکیان چی بادر ایر ایران می میرو بی مسترک کرد در شاوی بیشتر بر در قر مسک دن که عام و بیشتر بست ساز گرای بیشتر می از دادیک ایران بیشتر بیشتر بر ایران می می توان ایران می می در بادند در دادی ایران بیست می در بادند در دادی ایران بیست بیشتر بیست بیشتر بیست بیشتر بیست بیشتر بیست بیشتر بیشتر

' چو چو چای دلیگ میدهسور به مدیک هستاه کشد بست بین سدس و سنه ساز کردگار کمنظمیشید نجه میران واود میگریان سیدگره در دول کهش به کشده به

است بجائل و دانستی نیشت میشند در آبدیده و وی در سک و دانمین داشت کی آنستگی او دار آنود از بیننش کی ایک مسروی فی ایکی میمالی او دانشی بحد در انتی و واقع در کست دولایت و در در بر بیرست منگ ۱۰۰۰ ما دار هر آن میرست تیمان و ادامید میران در امران را معرف کی و این مسروی این و یا از این این این کارست



م مجیشتگی و مساوس پسستان بزلیگ تواری و گنگش کا در بر محادث کینی ممدرست می داندن واندن با تصادق کس ستاری و افاقات برشد ده کردر ستایش ایری هی

کی انگی ایست ماند جیسید کی بیسادی واثبت بیردی دانگی عاشت کی اجشت روروانگی واقبت هجری هم کهای شده دسته بهدخوداد ارواز واقعه شدیدت از مهدری می بست شفید عدد و کیم اوجری ایل شده های دادی و ترایی شد که مین واقیت کی مادی سنند



میده از برست در دین آولیگ شده باید کشته کامی این هیدن به این به این این واقع و دسته رسود که را در برد و در در در از که که بیرست و در در آنس کار کرد کردند کردند این به بیرا کرم و از سک انگاری در کند را قراری میدانند و دیگی جه

يناب كرده والمين مواد والأرام ويصوف والمرابع المرق الاستعاريس المرابع المرابع حنیں ڈا دینے کہ جاریت کرڈے عاقم ہا کہ کوئی ہوئی ہوئے کے نکے لگ بھٹے ہوریکی کوئٹل برچے ان کی میٹیٹ سے بھیل میں جست ہائی کے مسعود اوں چھا کے مسعوم کی صندگی در کر کوی میں سک مردی ركعيدي ومشيط لاك قارةً يسبيط يسبك التي ينايش كالمعسد و إنشائره للتمويم الديسات أيواهك، أدبام وال كذائكاريل واحراد الراب كما وياشر مرك اليسعام ووبيسيد سعار يكن البارين ينظرون ومست وياده فعائم وسلوائه أوجوع مبته ويتعب محربها فالمركسق بي فريامست ياديل الإسابهت أركست الدك المري برن سيد روَّ فيكر جداء الأصلابي ربي مهيد إلى تستعمل في ميران الاستهام أي مراكون برشمالهت وإجاسسينيش كالذكياسيل مامي أبساكونيلي مخالهت بحاء واباست كاحق مص فیگر دام خدم کا ایک بی داملی کے صبیصے یا انت میں اُسکٹ ایٹ جوہست کی کنو بی سے شکار وجیست والاجستان multiple of a complete of the state of the said and selection of a series of the کے عہدے رہند میا کہ پرمیس فائر میں ہی وگھنافک اوالوں سے کیا امثا ارتعابی سنے والی آگر میہاری واقعی سنے مرى مين دموركري ير والرحوب لاميل عاد وكراب والإيرابيك عليظ كراول فيعا يتشب وي المخالجة To profite mention of a state of the syling is a significant وهم الشار وم إلى ومراعد المسديد. كوكر مدت و فاي عم يوناكيل حداً ويتصوبان بمنابك والانهجاء رالتا تعت سياة أرجى

جگر اما به به به برای از استفاق برای بیگ بیش به بیش و شود هر به تصویر سید شده فراه می فود کارگری هم این استفاد اشهاری به شود کرد برند برای درد او برای شود به بیش این بیش این بیش و با داد به سده سکه و بیشد به برای بیش به د ای سکه دریک برای نشواس والیدی ما توجید

وراب الرصاع كربات الاست رياية الرصيات مايلة وعاد ويكي كرام و يلك تكاريك

-stalwest

الله والمساور المستور المنظر المستور المستور

الكويود إيرابي مين المحافظ المستص

makers the of the sound of grander of the way سنل کے جیسے پی جیشست کرکی ماہدی ڈیپیرسلیٹ ٹراس پائیسٹنسسے کا روسٹ پیٹرٹیا ہو جنا انظیمانیکی على المراجع والمراجع والمراث والمراب عامري عيد المستناء المرابع والمرابع المرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع بي من ساريدها عند داخرين بديد يمل عمل و الترام إلى وست كل كس تكس والسن برد اوخ على عد combined the to real backs is your whole with the miss وبنغل كمدويش الهام صعد بسيعيل بيحار ينصري فيصدع يووب ويمنز دول اليريب ويطيع يتباي كالوكي تغشيرها حال آئ المسكونسيان وتدم وكر مصديل على مركة الروادي يست على ما رسايت المناف كسدا تداني المدكام بهما فرندی و بطاهی که تفت برخی و آمر بهت دی کنگاری دادو و در ساسال داکری مِرْكُمْ الْعِنْ الْمُعَالِمُ مِنْ وَمِنْ الْمُعَالِمُ مِنْ الْمُعَالِمُ وَمُعْمِرُ الْمُعَالِمِينَ الْمُعَالِم I wonder of worker of the winder of the second الان عرب المرات على المعالي المعالي المراج ا وهن بالانتشاف عجيف ستسمير يوسك المعالمة الأواعي المراجع المراجع ويستان المراجع ويستان المراجع والمستان والمراجع رید ایرون است کے معالی میں بھر کے گئے ہیں ہیں کے مدے لگ استیادیاں ود مدد دول کے دور در فرانگ در کا اور لاسمبر کے باحث اور ان اور کو the transfer of secret of Lat its about the secretary the returned

جھافات ہوئی درستارٹریں میدمعہ کے ہرائیں فاق مکہ ان قال کی ہوگھائیں۔ کے معادلیک کا کھوں انفساس جے رویا ،

سیستگدوی سفتگاری کمید بجری کے بگر پرسیسکے دکا کا کہ سکامائی با آبال سکے دائی ہا گال سکے دائی مجود کا اور اور ال اور پرسیاست و شہران بجارت اگر دائشا کا فقال مشافرہ ہفتاہ ہی آباد باست ایس الدر ایس و الدر الوال اور اس مقارت و مقارفین سے ادائی مجدد اور الدر میں اور الدور الدور کے اور السی مقارفوں کی بروائٹ ایس سکے بھیستے والی الی اور و بال طریعت والدیات ملے الدر الدور کی کا دور ایس مقارفوں کی بروائٹ ایس سکے بھیستے والی الدول بال

یکن گران اصر به در به در به سکه مواد و مید سدخی بی شده این من در باشده بیمانیان همیان میستند کو جدای میش میشد و این میشدندن و در داده میشد و باشد ایسا او سیگرانش میشد که برخد و این در این در این و این و درگ همیدان میگرد و این میشنش می تنموز همیدند میشد یک سی میشد او در این میشاد کودند، می تشود موزک می همیدان د

می طوشوشیدن بازی می و فرشود بر خصی و به بین بین به بین بین کام بین و بین بین بین می است می بین می است می بین م من الله است به بین می بین بین به داد و فریست شده بی به مساوسید مین بین که کی میدیدان به که می بین بین بین بین آوی میدسی که بین بین بین بین بین می دوست می داند بین و فوست مین مین که بیشت می ایم انجمالی می بازی می بین می ا

ع. الحياسية المريد المستان ال

کی۔ موبی از ان کی شادی وکی عامل ہوئی۔ وہ بڑی میں سکے سیدھے کرنے مائندوں میں سے کی۔ اُس کا خامان امیر کلسانچاں کی ایپ سیونگ درگے ان اور کیا کہ بریان سے سے ان کی کسٹنسٹانی نیا درگیا تھیں کہ دریدای ہے سعیدے سید دریکی کلم سکے ہے وہ رہے۔

بیلید برخی خدمسید سیکرسید و گورش بی برحت بید دو می بیشگاه کریش بینار بهرمیس شریعان کام سی ۱۵ و می وشاد برختای کام بیشد براسان انگروی والودن را شدنده و بی آن شان میگی میشد بیشد ایرست برخی امنی و است ام میشد میزد و ایرش شارد و بیانی سیکی جامیدی مدمدی میزد آن این ما در ماه بیشد مدمدی میزد یکی ۵ می روست میزد و اگر دریا کاد واقعان میزای کاهای سیکرسید با بیسام برمالاد تشریعی

الله المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظام المنظام المنظام ا المنظام المنظام المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظام المنظام المنظام المنظام المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظامية المنظام المن

Love acorpains

مزيديرآن

اس بینی او بازی برای کرفته کرد این بیده بین که در این بست مین که به هم مشکر مرید بین کرفته مرکز بینده و فی در این کردید سکراید بین می مود مرد برد برد برای در کرد باست می کارس سند میشدند بی فرق عدوسیسی در قرک بیند واقع او درد داد از مردکان ماست کا

All the with the section and selden with a friend of a second

سنرداراوران کےساتی ۱۱

till the was the was and it wasteness it تى ئەربىلىد ئىلىدىلى . ئى ئىرىدى ئاكىلىدىندى بوكى بىردام ئائىدىدىلىدى عد و و و و و دو المال المالية و و و و و و المالية المالية و المالية و المالية المالية و المالية كي ويبيا طلب والموكب عد البداء المراجع بدائد المراجع ا or the second of the water of the second of the second وعليب بسنديق باحا كمر وهان رأ هو قائل والإنكال عربية الربار واست منية بي العام بواييل ماري والماري عدوه إلى برسيدة وه المان عديد المراس عالى المراس مان عالم عد مرا و المراجي المدون المراجية و المدون المراجية المراجية المراجية المراجية المراجية المراجية the sound of the war will the state of the s الدمنة مين سيدويس عادكم الحري مان و شروس أو و الرمياس بري كرد يا يعط بالرياس المروري الكوالم والمراجب المرام والمروع المراجع فيصد وسلومه كروستون يراها فتارت الدوالي مودر يقطر الأنساد ويتقليص على مد فحذ يك الرام معارك و ماسيون عدمان من الانتزاري ودرائد مقول ع بودهما دویت اثرار صفیات استال آر البیست این آرای ایرانی مهامر فالور وسيدمين عاطانوم وأوب على يحرب مناتون كالوي الكست باوي بري مرمديداني تقروعي ووري مدات و يت مك تربيك ويصل مدان والتو والتواد والتواد التي المراد التي والمساعل ومطلع يست وُود في كاليام والمعالية الإست كي الأم جمع الطاب ما يا و الالا روالت الد سال ير ميان مصروف وكريد براف موروم ير كال في يوسله المعت عدد ما رمان عرب ملك والمست بصريب جمع بهنيف وعالمه في مقوم بالحك فالمن بحد كل الشندة كل وأول وكسك عليف والبيست الإعادة enthouse is in the proposed his down se وكالمساد علت الماملة فيضي نامه حتى حريثه والمارش ما والمامد والإراق مراوا والل سکرنا در پی ایست که موج ریعامیان و وسید مد وسید مشرعه به بای در گارشی یم

نی بیشت آن گرس بیشت دور گاج و آن سند شدند. این منت است بیشت با هند بیک قریر نشان بست میاده آن آن این از این ا اور آن مندمت و سبت برخشت کرس مداخت سنت بین بواند و و میست یا گرفتنی باش بین آنده و و برخیل آذک سنگیرد و دو من کارست -

چیا ہے۔ جہ معد جا معد میں کہ میں ہو۔ کئی کم سی کم سی اداری ہے کہ کے در میں ہما ہی ہے کہ صمان ہی تک میں ماکنیدہ کی شند او کسٹول ہزائی باہوجمہ جائی گ صواع جواز ماری سے یہ و حوص ہی ر منتشف مولا صمان ہی تک میں واقعدی آن کھسیدہ دیکہ است ہی اور واقع نے اور قاطمان کہا تھی جہ سب کو آگی ۔ جر اصافی سے جہ سے میں تھی اور اور کہا ہی اگر میں واسد تھور کی حیث سے واس ای جہ سے اور ا منتم (ماری) اور تا سائل میں جب ر اگر ان میں کہ کھرت گئر میں سیکھر کے واقع ہے۔ اصافاعی کھٹل کی سے اس اور انسان







بابدیم منروارادران کے ساتی ۱۷

من مد است و است و است و استوی میراندگار و سردیک مفال سے اسپار دول ساورانی والعراق متداوي والمراد والارسية المساوا والسام بناره والمراجع الماري المنابي الماري Low to the for the the state of property of the state of the south of the ای جاد از مارسی میگاید اس سه رستاس اصلی اصلی تا با میدان تا می ایسان می ایسان می والمروع مح الي المساوليان واستناده وراماع ساد فيات دوال فحيالا ودو مای بی می المدین در در در در در در در دار در ای از ای از در در مام در در در در این مال wherein the or this do I among at I day on a donation endula field of a deal material street as a sec مها المان ما في المحاوي من المدين المدين المدينة والمدان والمحال والمحافظ المرامي وكالمعالية المان و مان و المان الما والمارا كالمراح والمعارية والمراسية والمراسية والمراح المراح والمراح المراح المراحة والمراحة de la contrata trades a transfer de la contrata est يستر يسترون والمروق ووساره واستراد والمراق والمراق المراق المراقع المر adoly the ply withour endings of tribula chester a colo anicator de como والمساويات المستصفيه والمستراس والكوالين المين وورد المرادية who preventile tendent

مر ما بين را بر حادي تقويري والتكريس ويديث رشد، مادشكا كي فرواد كا مارس enthology of entrance during the over مست الدر بالحق بطفيسك ووبها رامش وأوارد الأوارش ماج معال مصنديطي آثار أن الرماضال كالإس

مدومیت اوست ای برخی آر را بست واقت بست و جهید برخی صدر و هر به ایران ای

ری را در دست آن بسیاری میشد اور هرشد.
مان از کسید در دست آن برشک اور و میشد این هرشگ به از در دست آن برشک به از بازی و میشد مان از کارشهای مان از کردشهای میشد میشد و این به این به این میشد میشد میشد این میشد میشد این میشد میشد این میشد میشد میشد میشد این میشد میشد میشد میشد میشد در این میشد میشد به این میشد به این میشد میشد به این میشد به این میشد میشد به این میش

صریفار بروانی به واقع می باشد کندمانی مسامین فراندی که ده می ای دای گری است بیشه بیشه بیشه بیشه بیشه ای به می میست شده ای بسرانی بیشته (۱۱ دیگر از بسینه به موده بردان ما بر کرکردی بیگری واسی او بیشته همی بیش بیشته عملت و مسائی در ورد بر بیشته بیش و میشند موده بردان ما بر کرکردی بیش کرد واسی او بیشته همی بیشته بیشته به برد در درد دارد و می می میستانش کرد برگذیت می بیشته در در بیشته در این می در است می افزایسته ای می شود میشته بیشته بیشته بیشته این می افزایسته ای می شود میشته بیشته ای می شود میشته بیشته بی

N. M. and S. S.

DON Shires her received and a to the property of the street as More planned as a compressed about the bound of his his a street الموالات المساعد و المساعد الم الما المساعد و المساعد

تر پیشی به معادم مشی کاد کمک، آور هادگو میری وایش جی وای گری آوای گیافت از سای الای می they out to so of in higher to what the town that the Sair ول الاستانات والمساولي بيدا سعامان استناع كحامظ الأواب يدثون الدادم inguistances Superior to year and in فيستندها الاستاديا فالأعوار والماعان فياليده الدورات بالأثج فالأواد البطة المهادروها المادية جازون الرداعان متدانعتك مداه أأوص ملك تصريصت الإممينيكة الأقريطين مانع والفيان مغانت كان يومر وقالارع هن مورود والمرابطة ويحامث عالم في مناعد بيا ما ما الما الما الما المساعد والربيان بيزاني الديلام ويلام ويتفاعث أوالانوازي فاصاص بوسائن فرنك بالتفافي أداد والايوا البائل ملتعدید عدید این کی کے میں میں روز سے میں کے بیے ایس میں ہے کہ دول سے ناد من وكو تنف له سد در الحرصاص وسكام شاع الله كالعراص به رساست بوا ك دوسيالي Soften Care Control of Line of and while and Filder 18 على الما المراقع المراكب والمراكب والمر لا درجي ماست واستده مسيده كاست مل سيندس مدام بيتون تهوي و معن يوار كاستعال مهما ميت الا مهال طاحب بالمياما في مي التي من كم ما تعقائم رواحية و في سيستك مجتماعي عنداني عندان المعاود والأواد الموجد وي والمدارسية والممارس والتعاول والمجدي والمحاسد وإهاأ أرمالان متراحات ميت متقاسه سيرو وساعر والميضاي الماوال المستراسي مراوي والمدود والمداري والروالة الما الاوالي أحدها على ولاي أوهوي الدوليث في يستهوم من والأبسيت بيكي والأست بيلي والرست بيلي والرست بيلي لے واسب سے بھائ مشہور ہوا ہے قرباس نے داران اور اور است کے مد

مراآبی تحد پرسام برده تقد معمی و دمید عداد ری و در شدکی و امعر رقی بیشخی بیت و کسد کلسدی انجر بی و میا تصدیقی امرید این جدیدی و گویک و تالی شدخان پرکش نصر سی جسسانی به گور ایران با مدد هداسد می واقت و محمد در کشری میش کست و او و تا جا برده و ترسی سید آن مست کدن اسمی بید و والی سیل که و دو او در در سدگی بیشته جائب و مدید و دو میگر مرکز و بری میده شده به نواز کرد از اسمی به به با با با ایران می محاسف و تحقی میشد و دو می در در در در ایران و بروست و اسمی و با میشن کشر از ایران می ایران می ایران می ایران می



الإت

بير و من منده الرساية الرحاشيد و الأمرون المسكريك الليدك والعاد الأعال كالمحول الراكمي يرود ماست سيري لا حاليلان سيستثن الدومسوش ينتقى و پلاستان عال الحق عن تعسد له ما لي مي ا or described and a work our description in the بيل الإسلام والد شامان المستمال المسيط المراجعين أبرك الراقب الراقب الراقبي المجادة فم مال داد فر عدى در ۱۵ سر ريجيد و يب موجيد " و مح دادي دراي دوميز عدادي كراي والسائين الخرافونيية تزمك ناوال الدرافقات أثراء عصهمي والمائد أراء المقدامي والدي فجاديا مهدع ميتارش new war and an anti-ے واقعہ کا ۔ میکند ورووار سے اللہ کی راؤگر سے اللہ وروانی الرباط کی واقعی سے اللہ الرباری ہاری ال and of expectations in the Board in a second . العراق على من المستعادي ورأه الراسيات ميدم روح بالمنظمان ورايا المسكل منظمان المالية المراب والمراب المرابع المساعد والمعلى على المرابع المرابع والمرابع. and white figures a way in the state of the come of the firm يدوه وكراهيات والماكر + وارمار أن - وس- من المال أوري من ما ما المريد الم sit if a committee a confliction to a new or strained مصيح فاوليدة رودان إردى معروسيان بكائر بدك محاص مسك فالرست ويالال في التاما المساخل والراوان ويورك والاسترام والأواري المائية والمائية والمائية والمائية والمائية والمائية عاده مستواه سي ما فالت على ما " السياحي فيوث ي موحث عن ستعلى به. توت أكم على جوث

وشديهان بسبكة قا

كون المعمل والمان المنظمة المعامل المعالية والمنطقة المنظمة المنظمة المعالمة المعالمة المعالمة المعالمة المعالمة ويركون الاستهامة والموادية والمراث كالمروث كالمواد وكالمواد إراهم the concernation or we want out instruct a beginn de commente mas a product de la commentation de مندال كور جنالا ديك في من منكست ينك والمندي كور بويعداد جال والإستيانية المدينة في من المساور والمراور و من المرود و الموالي من الموالي الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية وهما المراد المرادي والمرادي المساوح المرادي المرادي المساوي والمرادي والمساوي المرادي المرادي المرادي ري المرار مها با سعال مهر سه سوه بازير کمان کاکسان بر نوی به بسام ی ک وُد پسندس کے ماہ ترامان جار میں کہ ۔ جانچ اس ماریاں و بیٹ ندھاگا ہے وہ ماگا ہے من البيد ومن سي الأدن إلى الوسط الحساسية ومن الميار من الأداد والمراجي المراسطة المراسطة Production and with the oil sold on secret will an exercise المرجدة كالأراضي والكاراضي أوجا أراباء وميعا والأمساق فالطام المربعة فينطلوا كالمحا a survey was any one was day sails a for sink popular service assessment of the service of the se فحسالك يبيثان خان ستند

اً ري بدنتن مينين وه يناني ي الريسينكس الإسكينين وقعد كريوبوس مريد باي سند المدين سري الدسان . الرور مع ال مستعمل کران و را و اکارات مستر کلور و اساس و بستانی بیگر برای و اس ایسالی المستاوات المحروض وكاستيت تجريع والالصافي بيت فعيات تقاق التواعواني الإميست ووالاستم تحيي التوكيسيم يجيش ورورت بالرجل كراقوان كيرما شناكمة فيالاداش متدوست يزي إيدأهد بابحا بهيئت ودملوس

کے وہ کا الفائل واجر الاہ الدھوری ووجہ ہی سے کست سے واس مالک انہی الدون سے وہ مہا ہیں الاعداطات وكالمسلافيات من عاجر المكسالات الما براه والمركب وجروات كريان في أثر براية ما ا والمعاري الماري والمنطاع والمستقر والمناوي والمن in sale said and and remained as a second . کمیافته ای سده میدسند موا اورکونی دو برخی را تیرین مستر به برا از وباند بدامه و مست برهی برای دینصه مکارنس واجو بیست للترويد والشرووي والرياسي المساوي والمامان كرافة يوجه ي والمريد والمساور والمساور والمساور المتأثرين للبيب الميزيسين وكالمامي المواجي أندوح رجامها المواقوة الربطي المصادوي سيانها الموجمات والماويل ومان وكالمصية وكالويسطيني فعاهى وبدعه الروسي عصاد كواكوري الماري والم صف کرنے اس سے مستقے میں کی داکری والف سے اور ان اللہ کار کار کار کار کار میان پر اور ہا کہ در مثا است جو اسرام اکس بینتلل درمنڈیش دانس سے کیرکر بول میشرسیت سے دوگر موٹون پر وائس بیٹے ہیں

مد مال معدي دوري والسع مدست كوم دوي كل مي معلى مدين مديني الماكي أن كل - (آب ديك) المعاود ال الزاقي الدين بالمدك فكي بنزة جدام ميسنت كي معب ما والشعيدي كالعاش البي إنزال التي الروابي والباري بالدي كنية مروار براوتمكون من بينت كووالي أتماني في الرياست سين و المناشق العمير كاله الورشاس المراجي المست رود را مادن باستان كيد كيد وي مرسيد آخار واد من كالل ١٠٠٠ الرواد، البوات لاد ميه ويتن الرد والتنظيمي والدار رساد ميد ويساق الأثراء كالأراء والسنطاني ووادي

وتا الواحل في المار الإصلاح مست من حالي.

ا باب و ال بوطئ علمه می کدار راسب که درجیان

المجاهدة الدينة مستدم آل ... أو آك مركست بينك الاومي عن أمان بيناء أن بياء أن بالإمان المدينة المدينة والمستدم مسيئة الكامين الموسان والمستدم المدين المدينة المدينة المستدمة المستدم المستدم المدينة المستدين بينك بهد المستدم المين آل المحافظ المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المواقعة المرافعة المستدمة المستدمة

بهجهت وسند احده به آم به الصفاحات القبل که گریکی صاحب عملی به همایی به شدی به شده با قاصل کود. دکرامک بند من محاد و هاهای سامل اضاحیه به گریست شود بر به ریست و سنت مجست شروعی شدند. را قدماش دم را در اقال و باست به دود بوگ بست و مشید گریش و دیشت و بسیدند و احد روی

ا دیسه منصف به به مواده شدند به دارمی توبه به گوشت به موادش به موادش به موادش به موادش به می اندوید. به ماستند به مواده درای گوهد به موادش به موادش به می شود کند درش کوام برخ بهت منصوصف واز ناویشک بدر شدند به دادشتره می دود میرنگ به بی دفتر موادش جا

ار ہے و ساوہ ہوآگیا ہے۔ اسٹیپ ہونیائی جیل ۔ ہونے ہی چھارٹ کر دیو کہ اسٹیپ پریائی کی رہی۔ کو سے واق اس کا دروک کے ان کر ٹرز آگئے کہ ہے ۔ کی سیکھائی وی پیکٹنے روان سے بیل کیٹے کہا کہا ہے۔ اس بر برسدس کا ا

ای کا دوست منده این گلهایی بهدندگاند و جه وستید کندهای دهیسته به واستی کندهای دهیسته و ماکند دانینگان که که دو ای سمه به این در که دور سم دورد در دهشهای و اصفه که رای برایس به مثل دیگیانی ما در دستاندید. این با سم در

ین درماس کی می افزی سد گرود و و رس مهدی ترایم واشان شادول) در اید کهل فاق بنطانیدناندی ست کندماتی هیاز مشدید این دیگرید

راده سد در سرب بشروه ی کافری به کار به این می دود است به این این به این این این به این به این به این این این است این به این این این به این

ر کار در بین کار ایران میداند. و کینت برای میکان و بواد سال که درست از را امر و کاران که در بهت وست کی رفت که این دارسی میلود به بین بیده کود به بین بین روست و سیده به او برشت به بینت سی میل میل میساند عمل کرد. در تعمید کل میشان که

رایت بیندگریدی دوست برگرمانگ کندهد. ستنداست بدن و منک سومانور کنگست و برگیشا میل منک باشین واست نگف: سیدگرفیزیدی بیش بیش دوهست محدود کشید بین کامس بیش و اما رکیس دار ۱۰ و وال وامی ماسیکی مثال ایم بیشی مدسید، استان به معدنا ادامی وارد مشریکا کستا واق

ال المستعددي بالمستعمل منك منه والمستعمل والأكسر الماري في المراكس المستعمل أن الأسهام من المستعمل والمستعمل الإنكراب والمارات المستعمل المراكز الأن المستعمل والمارة والكنوا والكنوا والمراسة المراكز المراكز المستعمل المراكز المارة المستعمل المراكز المارة المراكز المارة المستعمل المراكز المارة المراكز المرا

نثواب

منك ورام كوسف المدين المناسات كنده

* نرست شهي من والعربهما فحسده ومدولات وما في من كل عنها المحاجرا لعدادات والحديث المرسيطي ن المريات والأكسام بيداء والمستان بالمستان والمستان والمستا Lyingedwar & laterace to 100 Tolevally of servery and a series of the own is good of the ولك الماست و الرياسة الريام و ما الرياض المناسب الله المناسبة الله المناسبة الله المناسبة الله المناسبة الله ويراس الفاردسوني ستريوع وال بهند لا الفائزي والمتكروب مالي سيتدومه لأنكر الدوويك كراري بالبيت الأسب أي والعينية وصويحث والشنب والكريب الافلام والمستان والمساد ويت العليد والمساكرة والمعالم الأواد والمالمان الراوامة يبل كما هزار والمناورين والمسارين والمراجم المسلخ أواجا وللدائس ولدوا بشاهان ها السال المسال ويوني روي در والمراجع المراجع و بال فوكياد، كا منيت مما وهوا في معين كما هو " ما ومناورها على المي الاستيان العرص هجود العلميت المرقبان لينفرو بادر مارد سيطري والحري بالمساوي في ويودي ويودي وياية ساست کر عدو ب است را را سیست را کا ستام ما را ب استان با با ایسان کر مصنص الحق this of making and workers builded in which as when the west of he was made of the or a they want today on so say yours. In the will الله الما المراكز المنا الود ل مراكب على المراكب المنافع الماكب المنافع والمنافع المنافع المنا es " aligned you assemble of the set of the continue is a series of the select of selection in the ر شاهد در شد دری اولیه کرد بالکشکستانی بادر تهیت بر این میشد. and the well-place see from which it has no to be a

ورس من مكان كالمار والتواج الميت

مستنی سکتا آور عال طل پاکست کافر مسید مکت مستریستی دی۔ بدہ میں تیجائل دیں اور اگری معیسید دیل دیس دست واقع مجال میں میں و

" وداولسن الاصلید (اید) الاست کار بیشته الراست کار دارست و اصلیدی آند. ۱۰ سنتیج (دواود آیوز) منزدگی آنای سرایست وال بینت ویکنت او موانشد. ایاب سنت وال ایران در در افرارسید. ایجاد ادارشی ود آن اواد آنایشند.

علم دَريا وْ

معنده المواقع المراقع ا المراقع ا

ر از جدک مدند و جدی دادگرانشی و بسیده بخوارگزایس و بخوارش اسان ۴ سی و بخوارد مینه بیشته آداره سروی دادگذار کردار گزارش می دارد. در سیده یک ماید مشد و میزان ادی سی می مرادم این میشدند کرداری

لینان امکریس در ۱۰۰۰ میکندن - - معرم امکری شاع از این بیست میں شاہرایاں مناور کی عادل و

من منطق المنظم المن المنظم المنظم

یک بازد به میشود به این به میشود و بیشته می شده به در این به میشود کشند و میشود به میشود به میشود به میشد می منافعتی مرزوده میشود به به میشود و بیشته می شده که این به میشود به میشود به میشود به میده می به اوراد این به منافعتی کلیمانه بند احرب شده میسید میسید کمیسید این به

۱۰ ساقرانسا محد سبید کی ۱۱ او سایهای می این می میشند و آنتی با کشتر شدند دید روی سایش از دیدگیری مادند میرود امن آب بینی بسید بی برگزشته از این کاری کاری کی بینیستی بردگی اسادیث می میای دیده و میاسندی آرگی ما برد برزارسان اورانسی

ما من المرافع المرفع المرفع

بیان می دوام به این می تمیان دواری و این ایس صد هیشنده او از کیگی میشنده او ایر می همشنگ به سنده بیامید و بردی سده ما مداو می ایران سنده و بی در بست و بیان سازه این میشاهی امسی ایس بود میشد می او در در میشنده و در در این ماد و می ایران می گرام و بیشت سه می میسان و می حد میشنده و این در میشاهیده دختری ای در این میداد و در در ایران می ایران می گرام و بیشت می ایران و می حد میشنده و این در میشاهیده می ای در این در ایران میداد می در ایران می ایران می ایران می میشان می میشان در ایران می ایران ایران ایران ایران می در این در میداد می در ایران می ایران می ایران می ایران می می می می می می ایران می ایران می ایران می ایران می

به و وارت یک میدان به کارو آن را تصویر ترسی به سامه ی و منافع افزیک داشت کی ایمانی به در ایک ایک ایک ایک ایک ا در این دادان بردار به میداند به میداند به میدان به در بردای هم در در این ایمانی به میدان به این این این این ای در این به در این میدان به میدان به در این می به در این به در این به میدان میدان در این واقعی میدان آن ایک ای ایمان بازی این میدان در این میدان در دی این به در این میدان میدان میدان این ایک این در دارای ایک این میدان ای

مین داند. باید و این است میسید از در این به که در این میشود و این داند به این و میده و میدود و میدود می در این می در این افزاد در در در این به میسید در کشود در در و این میشود می میرود می در در در این می میشود می میشود می میشد برای در این میشود در این می می در این در این میشود در این و تا در این و برای در در با در بید میگیان میگی مرسعه والالد ودري و مكو كل مكامتها المستعنان بين ماكين بالكون والمراجعة والمستاد والسند والمستوانية فاست بصل المستعوب فيست فيست مستعلق في عرك كالإن المستعافين الحين التي المتعاضية المراجعة والمراد وهيمة بين والمحالية

سجياس وينشهم ومعيله محاجه مداده بالمصفحي الخريب

يل من العرب المراسات من المراجد عدوجي نعش جند الريان ما والدون إلى ما الريق عمر الم

المعوصون برياده بالمكاسب عدس براي أمد لايجل بشاق مص المكاب عام معات الأماء المهايك كما منت ۱۳۰۰ ایرو نور دیکنور منت فکریکوانور ۱۳۰۰ گرانوی با همیدان در برمیکوانوی و ۱۵ ۱۳ کیسایشوی ملت

التيامار كاريون من الأحد الأدم وكالورسكاما لاويل كالكاوادهير

ا من دسمیدار به در پسوره و شوند کوشمندوروب مشتده مدی کرد چاچه کافیادی بر ایر 👚 و مؤیره کشت و پرای که بجاشدان الأسراكم وكابت والمجابسة كي حيي بين محول شيط في تطبيق كالعافري بسناي وووه بينت الحال والمدون والمساح الموادريسنت وواوه عن المدريس المساويت والعنوي كالمركان الدجازي المنطق ماسط مكتاب يبيل عطاري كأمثيب كمدار المستقيلة الصيعوش بسيادين سيتعنص والحورسك بالغال حشا می با دیروسی، گرزش ده این مدی از دخت سکند. ی انژ ۱۱ این ارمسیکیسیت

ا ناطح بودم رسيدان بدوانجو مجاشستاه وياب و د الشامي كينده نامورگ على السامم وكال مي بينه اودائرنا سامتنا بشطعيدوهمكا لاصمنت المريد عيود المسارصيكي السائل يمرس سيداه ببالهالعليه مصاد براه در محلم باشت رسی مقلب بست العمل منافعه این این براه به میشود این این است. والإستاني والمراب الأرأب منيت أراب بوميلا والجيمي وسيكي لينت مي يوسدودهن المشاطات

ا آلياد الدين مسرود والاستان التناوعي إلواليدا بالارتهان الدياد المشرك في المنطاع والمسيط بالإرورات مكرد يروس والكرابيث والدامل كالترسندي والأدرات الاكر والمستحال والمرادات و و اهتران که برموبید خوامی می او در رای وهرو مومیصه و در درایی و آن دیون ایران کود کرد. سینه کوال پی رهی بس کرک واکل و کری مادر مگری سے سی او جد کاریک کی بنتے ہوئے ہے جہ وارک اورک کاری فاریک آسیاست وابس کا سی سد درگیسی گھٹوریاست و عمد بڑے نے دائر مسیح مس موجود ی ہیں ہیں۔ بی کے معالمان

and the time of the dealer of the old find the said المعاد الباطالة الدخائفة البيركور المستنصص مست مكناه عبدالد فوكر والمن متعظمن تحيد عبدال والمتحطيل و که هامرای مشتامسیند که ویسینمیس جدشر سده بیش شیری کیاگیاست واد کیام مدندگی بی اموالی ماشیم

على ماريخ الميل المسائل والمياني المياني العردين والفائد بيكه

Lungary of the selection the second harmon gran اوران پرنجیں مجمد میں میں ایسی ایسی ار

entitles - entropy units a وُرِيسَنِ وَارْدَ بِي رَكُوهُ فِي * سِيسَ مِعَنَ وَارْدُونِ * مِجْسِ عَنِي وَمَسَكِّ بَانِي ولي تقلي المارسات المساعدي بالشيادي و الكريكيك بالراب والمعادي

بها لا را ما ده امنان میمادن ای را کسیده ایشا ده ال

deline sayle I can inter some one the one m the second of the second of the second of the second of وين المعارض كل اللاير باست " وي ريس إلاه المديدي مستداد الشريق بند الحرابوب والمسائد والمعاد والمراجع والم الرسيع وويد الدي يك روك المركز وساع والسي مك والصند ورساع الصافات كر الأراد ورا المال Last of the second was a factor of the second angent words in the in rowing description of the a sometiment of more says where a superior was a light ور بشان و المسادل والعادومان والعالم والماد و ويسك من المساد المن ود وادر وادر الرداي الرجيدي e officer and sometimes the same of the younged when عند - ين يعدني بالألان الما يت العراد رايد - يداء السريقة المحارث والمريال المستهج

There's are the prosence of the form the side

و المعالم المراجع المراجع و من المراجع المراجع و المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع while is the same we want to be with the I server in me and in the the affection while will میں ہے اکلیں روان والاول ہی منصوب ہے۔ ماہ منے کے وہ سے کی الآرہ ہ

ا مان سند با کامره هو بردست منت پیشند اس کاشکار کمیده اس هم است آن و و و برد است و برای بیشند و برای فیک می خاص می خورجی و در تربی و در برد و و برد و برد برد برد و برد و برد است است و برای برد است است است است و برد از از برای برد و برد و

نعمی توگیری کا محری سیده ما تکرید در کرگر راهنگرد ایل انجاد دی امنشه ایل شده میست میشد. براما ان صوفهای با انگر ایدونیسی بهده کی شدهی هر برای اسی شویسی درگی بدر مامریان دونوس کهای ویگ عندامیلاً به بیشنگ میش انگرد امای معرف ایل شام شدهی براسی ما مشاهیست میشد این میکرار ایل میکران برا امام می معرفیس مشاه میسیدد، گرفت، مرکنه ایل حال این برای ایس را مده میشود آن امند می میکرد اسال ایل کا مان کلیس که ما که میگا

هداد به المستحد المستحد المستحد المستحد المستحد والوجه المستحد والوجه المستحد المستحد

میراند. میشود سیاها داردی به ایران بیشت می مای به میراندی ایران به می به میراندی ایران به میراندی می میراندی م میراندی شاویل کی میدادی فران می مادند با ایران میران میران می در می میران میراندی دارد دران در میراند مده کی سندیج سان بود. آپ چیزی قرمند و آگر و ش منظور شرکی مستنقدی سده دار پیگیاسی ایم مستندهشودیت و اکنس سند این کی دمید و گافیوندید شده مارسی بود. در توکنده کار و این کندگی گرکز و شبیند و دوارگرد اسسی - شس کارای ا - بگر - بداخی بود بین شرک این کندگر کار بنید در جرب ایر سرب سند میزانده اندگدی اور درما و درمیت او وابید خوش راگدی کارک اور مدید برای ۲۰ گردید و درمایش و ترسیر آزار

الله وي الموادي الموادي المستمدة والمرادية وي لا المداد الموادية في المراد الموادية المراد المراد المراد المرا المدادي المدارية والمدارية والمداد المدادية المدادية والمدادية والمدادية والمدادية والمدادية الموادية الموادية الما المدادية والمدادية والمراد والمحرار والمدادية والمدادية المراد المراد المدادية الموادية الموادية الموادية الموادية المرادي المدادية المدادية المرادية والمدادية المراد المرد ا

مداول المنظيع تويادات يوادام ويالماطل مردع بعالمان

د ماهمی کارمودی مازم دستگه چوشاری، به مارمنده وی اسام کامی به مکامید مولاد در با دودی در دری و سیسته که کاب

هدوه به مدونه من مستوح به مدون و مرفوق و مرفو به مدون به به از ماست ماس یی به گذاشی به ایران می مدون به ایران م مادن به در از از مدون به در ایران به مرفق به امروزی سد مدول به مدون به ایران می سرد به کاری به ایران به ایران مادن به از از از از ایران به در ایران به مرفق به مدون به ایران به مرفق به ایران به ایران به بیده می مدون به ایران به ایران به ایران به در ایران به ای

مید به به به به میکند به میدود میزد به این میسیدگیری که دیشت دری به میکند. چه توکه ما مورس که اصرف سه به یک یک به به که به این این این به این میکند. اما میکند دری این میکندند. میزد این کودکاری در میشوان و فیر کمسیدی یک بی میکندی میکندی به توکید بی سیمی بازی این ای این این این این است

الملاواته المتوطيع السامية المرويق في المنظوق الرواع كالتام في المستبيد المهوية كالكالان كفائل ليريطه كالأس سنروري ويفرط كالمتحيرون تدوي يبيداد الرة ميكند ومعا ويكا شاكا كرم كالمام الشاشك كالكشك كالسبيد غزيد عامدتي ببياب وواللوامك وإيسادا والمعت محل شدالاسد سراياها هذب مردوه مساوره بيص بخاريته و الاردامسين محل كالسرس بالحيامة send out a while an external that be no for the متعل بولايس دامن مي مصفحل ومامي متصفعت بتدويم الصويرة والراس بتصفيح أكسده والمرازاتي المد کم والورک التی بنده با در دان سال که در میگید. یک کشید باید آن دید کام واندی می درد او بردویت الحائزالإنان سيتعاق فابل بصنان يماوكوكوك والمحاريص في بالبينك. " الكدومية وه" أب سيداو بالإلها كي المتعلق الحرائة العرابة الموادية فيمنت والأجراء فبراي والأسعاد يتعارب عيراس بالصيفة المواجب عمرية في السيايل عرب الإنظام كرود لماس فينتك وورق المنتقص في مناوسيت عمد سلاو في عند الأكر بتداور المحك بتداور والمستن والأال الميكناوال والاستحكاما والأوال ويحاوي الموارك بالمرادان المساجك ومصافاه أواوين ک مناکب وربر تا ایران کماجا با محاوری منصر بسر بری دو ایران کریش مسرم بریشیر و جرای سے بید ہوگی کے سال هماس مک بینده تفویج باد کا بخشا میک سی مصرفی بیشت مدرید کی وادی دسیگرد بجاسته تو وادرات بو بمشیده بجراكان يستق أكساكس ويمردون والبرسك جدام قاطل أويدت ومدواكير كالعارزة اربوراكما وعل أمرين عد كل ديلا يه عندونه دروي مرويل كريدون ويام مسيوث من دواته عد كموره عداد كريك والاستدال وواع فالهدود وسنستكروش والإصاف الأمريك فيصاب كالوي أريث والدامات المقتبين والأفرامشين في كمش رائع والمكري من مثل والاستان كيران والحديث والحاوا كمداني واحدسيك وتستعوا أوكافقه

المساول بين تشخير بسيمه و الله يه و بالتي يشكر و باره مي الله يتا بالمراس مي المراس و المرافع المراس و الما ال ميري و يرافع و المرافع و المراسية المرافع و المرافع المرافع و المرافع و المرافع و المرافع المرافع و المرافع و و المرافع و ال

The Warding of an house of an he was seen of an he was seen of an he was seen of a see the way of a see the way of a see the was seen of a see the see

while the way the form in the solid the following the solid to the sol

The wind the word a growing that he is the state of the s

س سنده کها عامه آندگی میدمن همی این بخواجید به گردای سینهشود شده مست به هسیده به بازی دست و هم مهدندی میرخمید بودمید داری توجویی و کنگی در مدور دسته میسدسد یک جنده میداد وست ایک ما نادم دلکست آن نیو ریادگر مسابق ها سایدی همایی جند دارد بدو کرایش د ایام تا در شده می وادد همی گردای میداد و ایرست امراک به مندولیست دارستان و فیلی میشد سای سید به این میداد به بدستی کردای همیداد و ایرست همی و دارد دانو شد بسید در انگی دارد دارد شدند

الاردية الماري على السنان الماري مثل الماريون بالمدي فأفيل بالمصارف والمساول و - مثل المياد - إلى الاردوائل بالمداعة الماري المنتقدة المدينة المواسعة في المواسعة في بيتف المنتون المواسعة في المواسع

ا مل المواقعة و السي مثل دمثر ، المحسوس بريده معدم من التفحيم من المح برياده و مريخ علي والمطاق إليه. الذي الميس مثله الموكد كانت ارمنه والمسهد من الدير المساورة والموادة الكانت في منت في المستند والموي المعلك والمسود ويتعكم المماكر الدين الدين المركز كون والمراقع المراقعة المواقعة المواقعة المواقعة المستند والموي المعلك والمس

امدارایسه آخری مساوست برای برای بگرگی بیشت از طاح فرد از بریدیس می مسید بودگانسده و طو منظر آزاد به به میده فاست برای و بردیدنده می ها است محد از این منشد و دردید کام برای افزار با است می به ایری دهم منزار دود اس اوگری بردید با است و بای به از این برید بیشتری به باید به منظر برد به باید با ایری و از ا می هم برد از برده از دارس و بری بیشتری این ایری و باید و این و این و این و این و این ایری و از ایری و از ایری برد ایری و دارد با دارس و ایری می برد باید ایری و ایری و این و این و این و ایری و ایر



www facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/

برابرهياز

ر براد دی هرچند برگرادی و بیشترین در کاملاسی برای هست میلی در بیشترین مینی ادامی در این برای در این برای در این برای کامل داداری

الميلية والمن الميلية والمن الميلي من والمن المن الميلية والميلية والميلية والميلية والميلية الميلية الميلية

میمد ایرانون و دانویست میون برق می بیدن این شد. همیان دانی تنصیص ایرانوم برخدی و این دان در داند برمان برمیش از رسیست میوندنده میدند. بدر مهدی او امران میرست بازد ایران این در در میگیرد این میگیرد تنکیر تنکش را تی استعامی میزود ها امران ایران میدند برخدی ایران در در در در در ایران برای در در است

می که مدول را میگاری ای و ۱۳ ه فر هر افزیدی شده های شده ای این سازان و سال به دارد این سه می ما آن هی مواسع کی این که گیرید و این میزنده فرهنی شده نیدان بر رسیسته کاری بر در به گور و سدگ این آن او این سی تی میکنده این سیستی و در میزنده فرهنی می میزند و این برای این شده در در میشکدی می محمد با میزنده این می میکند این سیستی و در این میگرده فرد این در میرای برای در این در شده در در میشکدی می محمد با میزنده این میگرد این مجارش و الشده و المن سروه سرويكي والعربي و المدينة عوالا و المكامل وأيران المستشرك الشيرا والديرية ا ويُضي الكي كوكون بيت والشدي أرشق المدينة كالأوان الروايد والاكارات الاي الدين الدين والاكون في المعلمة المنافعة فعوكوان والاي كالمراجعة بينية عن مقال المدينة الواقعة عنوا الماء المراكزة والمستبد

الما في المرابعة الم

كانے كیمیز

رو او و قد سند المعلی به المنظام و مسلم به بنت به به روش ما آن المنظام المنظام و المنظام المنظام و المنظام المنظام و المنظام

Some interest in the 1 state yet I filled a general the company of the company of

المواد مي المرابط الم

المالي والمستناف الهنب المعد مينيون الإنباسين المستناف المستناف كم يكونهم الكان April 10 Carolina Carolina de la como como de la como d to youthing my proses I have a did- with it could to the I delinera to a sent may anger our and the علاق المستري المساوية المستري الما والألاث في مراجع بعراد ويكامية (الإستان والدين المساء من المساء المان المبيد المان والمعالي والمعالية ويراه المرابع and the same of th معرضان الاستان و الرواد أراعات و جرائه المعاشرة المعالم المعال intrace to want or one of the and the property mode was I were a secret of section میں امیدا و دروں نے فاہد رکھا۔ سرحمیت سے ایس بالک سے کی کالعرش دخی آدیل کھ مساويومكنالا بالبرامي والواس والارجاء مصالب مصطفى بالعروب راموكاجاب But the property and the second of the secon يت الداس مي الرسال عيد الله ما مدين . مال والمال والكارم الاستار المريك 1 2 16 Sall

أيه أسد ماويت لامر له شاست مست آلاز الاست بطاف والم

الله الله المساور المستعمل من و والمستعمل المستود المستود المستعمل المستعم

was ween to the southern with the Carlo and Ca

کے بیس بارے کرکے اور انگریاری و کرکئی ریکسر میں اور کا کا ریکس و دور اور Land to provide on a first extra war to be a fact of the مصرفه والدواود كدويت خباق وراحد ويستان ورادكا المسأ جوار وكالواعد فالمدود موادماتك اكد يويادات الراوناك هومت وكبده معتداه ومااوي بأخريا مثكاوا بالكين كاكت دينا ال بنارسيان الراس لاين كي ماي راس في الراي والمار والماكر سيد ويله المعالي والمدون والمان جرائع لای دودن کے کرے معاقب کرے واقع کی ماہی اور مسائلہ میں مورد لاگے - ہوں مهانی، در در همشور می منادهای می اید دو وشد بیش می برد کلی دا و باست نکدودای شد حال دمش و فحدر من برساق ووالمق مقدوم والساؤكو ومن بالعكر برا مكراه كما بوكر ع يست والا والروايد والمساور والمساور والمساور والما الموست كرميده كافعا كالربيك والأرشية والكريت معاوج الكريشة والكرانية والكرانية والكرانيك والأ بالمشي يسنيه كخر بنجاه كا وال مواد والعامل مرتب يسعده بدوه نسته تجويف هوشد فيلت عباك بموجي آنامك حالاے کیے بڑے اور اور کی ملک کے کریں آ کے اس عالی ہے۔ جس عالی برامی من کی ای اوا الد على المراجعة والمراجعة والمراجعة المراجعة المراجعة والمراجعة المراجعة المرا ولله بالديك ووكراب الراب على الله أن الله والمدولة الالتدوي الدول الم صريره سيار التي لامية الايم يري كا التخريج لا قارق الارض المصليق بلط الارواراء والمنك كمنَّاء بالد مسرود الدران الأمل بسيعان الأمل المتعان المراكب والمسارك والمسكون المتعان المتعان المتعان المتعان المتعان 1. This of the man was a sold of the way to so with I مونار رواية بالركاراني الايركاء الإقرار في سنك الإسلامين بركان عاديث معلول منظ بنت کے بی میں اور سے وہ کھیں بھڑکے کا طریق سے مدین وقست وادوں سیکسیت از جمالی ن ال م ر کرمل از العود الله علی ماهای الله الله المارک کرمک بینام مساول رمانجا "ست و باس ب سندش دوی و و سیند اصحافیال بحود درد تاتین جویاگ بهت بنده ا والإواد الإصر فالرواء والاقريود بدي مست العاملة بتدس و المنافك بن ويت الواج Survey of which will not of the of the said with and when the الكافظ بعد موسنت ودر سبب فارسيت اين الريكي صفيف وشفاؤها و ماكوان ومسيابيات بيرال ايرميسيلم with so the hours of the fresh

و دارج کی دادگی رست کسندس معرب مصاویرا شد ام میدیشت کی دارای تقیم فی احداد کی در از احداد کی در از احداد کی در از احداد کی در احد

گھر کھر کھنے کے عاومت دائی ہے تا تھ وہ اس کھیت ہے۔ ہیں کھرائے کے وقت کا سے ہو۔ جسمعت سے چنگاہ صدوہ ال کھرے ہی سے کڑرکے ہی کسیدہ میسا کھروہی عالمہدی



متول كاؤر

والاستناقائل ويعقنك يدعدون كالأسور شاءو والسكر ببيونيك الميكسك كالمعاجلال of me distribution of the wife of the person the will the of the winds. سعان ، برق وسر 🕟 مان ده سدم جاری باز برای کام کام که بوگل وای کست الله بالتعامية والمستوح المارية والأنساس ويدوال المتعارض المستوانية بسناه مک مبارور مک ورس فراز سنده بایی مد به میدمین کار است کشیره کست کشیره کست و این دران واست ا فران ما رایان و در سندون کرد. را مطلب و شده کافرسایت عوم اوره تیمینید میصه ا<mark>کسیت</mark> المراكا بيان و العسل محد المجلفاء الهند ... إن المنتبث لذي وهو عد سيداست بلغة شؤول سكنا وويسجاج ووواري في الرفراي الرسط يعلى بريك و منطق و من العالمي المان يكول ووالع والمعطال المستان والمراب المستان في المناكرة المعلول المراكرة المعالمة مين مثين الكن معيد ويدى كرد بين مدين الكرد الما ي مستكن سار بين المستقب كي الأمكان أمثالي أمثال بين الأكبار بيناج يجد إلى مسامنعوا لورا کراند ایس برواست معروس کنگ بی ساز معرف را جمعین سک اوج برا دست والعربای فوم که بیعد والأماكين مبادات المراجي كالمطاليب يبتدونس مشيطان المحرفكيات عنكطامي It is good because we will set set of the property of their الكرادي المامرك المراهر الأنك المنهرية في المستانات وهوك المرادية المحت المراكات المستصاح المصامين المراهان الوادين والمرادين بصاحب شائرانس بالدح بالمنشك رياض مينان رابب سنادجمسنك يجلدني يج كالكراوجهم تغلي بن بالقاب بالعام لا الا صري ل مدردك ورقت وه وبعن تأكسري مكن وريدوين يست الع ين مياك خا ورشق مستربات اور کانے جے مات واقعہ ورس احد، معسن مثال ہے کیدیات واقعی اورسی، وق الله يجزن إلى مكست - إلى الم كسد وه - ي الاخاص مارو وكالديان مين مروع يها يابي دست عليه مخل من راسنان ومول المراح بين واست واست بدينان في رواس بع والبيت إلى من أول الشاء والكمسي بمسند المان الامنابع الإكسنطيسيين فيتن كمث الإسسام الأوجع ميضى كالمستحث على صطاعيست عيين المنطقة المستشعلة جِلِّي فَا أَرِيكَةَ وَوَقَالَ وَالْرَيْصُ مَنْ يَهِ يُونِي كُونَ وَيُهُ مِونَكَ الرَيِّا وَقَدَ بَوسِكُمُ البندنوماي وتبسيع



معی سے واست کر ہے تھا۔ کہ ہے ہے ۔ و مشکوری واقی کی میں نظر میں مدی میں سے اوپکالیت اعلی میں میں امن کی مسید کے اس وری میں میں میں دراست مرست کے درست دیست مسروداندان کی ہوت میں اگر تھیے موہ جانے کی ہی میٹر کرفش ہو ۔ ایک سے درساں مدیکر ساں روست کو پہلے کھڑا میں کو کو کو اس وصورواں بھا وی آگر گری ہ ہمار کے سات وجہ کے کہڑی ہو المارہ اور وجہ ایک است ان کروس کو کا میں اور اور کا تعلق ہے ہی ہو ہے جانے کے است وجہ کے کہ اور اس امری اس اس اور وجہ ایک ہے ان کروس کی سے داخل اور کو کھوں ہے ہی ہو جہ سے میں کہ دو کی سکے دام ہی ایسی اور دکھیا۔

I 4 of what the in it is a house production pale of the first of میں گرخیدے برسینے کاسی اس نافی میں ران ای کے توسیعی باسیانی بیشو^ک بھیں ہی والعمادی بي كلين مكان وراس وراس برسيد الكافر والعبيد الدين بالمباري والمبارية والمراب المارتكان والمساول المساول المساول بي الإلاء منظ كار من الراح بين كم وكل عدائ و ويث لا يكانس رويت تفيل ميولا من و بالدي ممال ا مع من الله من المستنب المعلى at the war war and a supplied the the start of a good you عامين والمعار والمرابعين والمسترق والمالالطيط المعاد الكريرة الدول بالمالا المول الموار والمدين عظيم ك واحد ست مع كرمورة أعيدت مد - وو ستحد من ومكان كا المراجع والمسال كالملاك التي ويستاه عليهم والمستحث للايت المستنية المنظم المستان المريد والمستان المنطاع مل برنال مشرك عود يرسيد مدار عال ومريده و ساء في بيندو آراء مدا الي دوسالي بعد كالي عامير والمورات و را موست اليكاري معدول إلى المستانيون بيد يبيرستون فورا - المراجع of investigation and hardens and only on the second who of the world will be a suite of the first of the state of والماري المراب المراجعة والمراجعة والمراجعة والمنطوع الموري مكادرا تنافيك الدول الجندا أكسدا المراواع قمل بعال المال فالأي يمال بين أب و بالمرسط ما مسريط بين من المعطوب ميك ترج بين من بيسل مدهم الدوار و في مريد من كنت كم وهزين واوالن الدواؤلا

المناجه المن المنافع المنافع

اس التنظيم المستعلق المستعلق المستعلق المستعل المستعل المستعل المستعل المستعل المستعل المستعلق المستعل الم

کی ایست و موجد کسید و ایست که ایست و در در اصفاده می کار و کیتان مکتب کی اور و کیتان مکتب کی ای وارد می می ای وارد می می که و در اصفاده می که دو و کیتان مکتب و برید کشیر و برید کار و کار و برید کار و کار و برید کار و بر

ی صامعه معنال سنته افزان گرنگری کران برد و بسته دار سید و آن آن سیک و بیشته آن به سیک و بیشته آن به میاه کستگ کاشمار میبینت دارد: چی برداند به به انتخار ساکندن به صور میران برد سرد و به کم تصریب برقری بهنداسیایی حضومه می کاش دکر کار شداد کاهادی رسکته این فران بسته سنت و استان میزد رساز کهبوست که و اسد مناوی همی کم هسر دست دکرد و برد و بیشته ی فران برا در یک زاد

مِنْ تُسَدُّ مِنْ مِن مِن مِن مِن مِن مِن المُن مِن المُن المِن المُن المُن المُن المُن المُن المُن المُن الم

کیجاب المتعادی کا میدود و آل که بودن میشود بستان ایس المیتود این المیتون دم میتودیده

الزوائد المبيرية الدكن وماكرينه وكس ووج بالدك يطويل بسيريك الرجيع بعاضاه

حدد گیمشدر منامشنگاری برید اور توسیدها میکند منک منک با کاران مدد از بست دکتری که و تشدید و بسد و به المارس نیزیده و برخد و برد در در بازید که و بوان و بازید که سند که در این از بازید دست از سری و بدرگی و بازیدگ بیشته کار بردی که در بردی در در در در شاکست و این سندگری و است می را بسند که اید ایک می این انجیست کار برد است بریاست ایگرای و در که این و در در در ا



المحوام

ب المرسية الله المراق المراق

the side and when the way to a part of a to the or of and who was a state of a second and the way to a second and the way to a second and the way the own of the or of

of the formal to the first of the second of

when I do how began a si a com and

which the sea is an order to be

white process on the service of the service

مه با به مد این - مرکز این مرکز به صفح سازمید به بالای میکنده کی این میکنده کار میکنده میکنده کار میکنده میکنده کار این میکند

الأكافئ بيج ممارين المالا برجنت توست إن مكست بيل" بالمرسط الارثي المادن قد و رست البروي بجيرات المبران المنتسا كروي رسوي بردوار المستنب وسدت المنتجة والمرسط الذاء المادن المراكز والمادن المراكز والمنافظ المواكن كردو المنتسان المواكنة كردو المنتسان المواكنة كردو المنتسان المواكنة كردو المنافظ المواكنة المداور المنتسان المنتسا

الكور و مودور الارج ولادوم و المودوم

والاستعالمات وأراميا والروارات مناسخات متصب والمناوية

سطید بهتار وسیسه که را جنوص میداها سد. رای می به بهت وکدرگریمی میرخوج مثال شته رایک در سنوص وادمی وادمی وادمی که بهت

30012066

استون کی طرحت را کشافظ کر جینته کی۔ ۱۱ آباد کی وانستانی کی بیست با میں بنت مورو ہ

الأيادوج بيس الداس

مرای سا مدم الاما هستگستان شکار ۱۹ شکار ۱۹ مشاری و بهدیدگر که آثار گینگ بیگ میک ۱۹۹۷ می مدمل میشند به برای که های میشند میکنشک شکار کرد دیشتی برای وابیشی بالخاریش میشد مرای اس را دانش برای شد

المن والماد مراسيان منطق بو المسامنة المنطقة المنطقة المنظمة المنطقة المنظمة المنظمة المنظمة المنطقة المنطقة

المساور مشاور سه وسته و المساور الله من من مشاهد و المساور و المس

مست و هدارست گواو رکست به این به بین به می مثل بینت درا میکددای را به همید و گرفته نگاری مترابطت نگار واقع می مثل دی سرسهای می گواند اعلامی میدگیان بینت بی می می این بینت بی می می این بینت بیرا می آن بین به بازگری می می مدود و و در رساست به ایران میدگی از میشند بینت می می داند. امال کست میکند که آلوی نیک وی سی می فرز و در است بینت مدرست را می دین گام درایش

" The your ways . The less the

ان دور از دور از است منت این از ا این از این ا

A William of the same was a second of the same of the

All working of more as " and a work from " comment out

الريال ممايليداد بريك العرب عدد الرياضية المان المعدد والمكالية المراد المان المكالية المراد المان المكالية الم

ا روستان المستان المست المستان المستان

of english of the end of the end

agreed to so we have a first part of the soul has so - 1865 - 7- - 868 - 186 Ly and was discourse to sold it some of the state of Stand our air war All or of the war and is all your 7.5 ن و بلا - يل المان الله : إن الله - 15 من كالرائع الله المي المستخدمين المؤلمكية for my son we read to the day by in a good to طابع بالطاب بالمرجدة بدومه فيصيع عائد بالمثن بالأمساكام وبيت بتحوق الإنفاق والرار فاسلوب الداكريات ومدائد والدير بالسي اليالا والمسائي the way the way the way to make the way the preson or a second and ب من العبر الراب الله الماران الم فلت و المكاملة المرابع والمناهد toll - 121 toll - 12 " " and come well where he was to it is not a few the differ to the solution of the second of the second work will still a fact of the form of the will be the with a second of the second of the second · 50 - 1 - 1 2 2 2 2 - 4 - 4 - 4 - 4 Story is the state of the state of the war war and a comment of the we want to the second the first of the 10 - 10 may may 10 10

de la maria del maria del maria de la maria de la maria del maria della del maria del maria del maria della della

الله المورد بيد من الدواع على المرسط بي المدول بي المرسط المساعلة المراك الدواع المراسط المرسط المر

expenses the second of interpt of the expenses of the policy of the poli

مصرب المولي مساوره هي موان سايري والمساوري المواني و مدكن كي بالزو كويت ممساكي

الاجهار ... وحد شیکه گرف داههای و به که گرد امیدوانها است دگیگری و فالسین کلسین کلسین کلسین کلسین کلسین کا مسا ما در دی دیگردی ناامد بیسته به درسته ایش ای بودن و بیسته این بین از بیشتر در در به سال کود کرده و در هزدرستای بین ایجانسد بیسته به بیره مودن می بودن و بیسته این بین از بیشتر در در به سال کود کرده و در سیسته می بادر در بیشتر و بیست و بیسته در می بردن و در این به به بین بیسته کرد این این این که کاری که بین شود از در امراد به بین کرد در بیست و بیسته در بین و درست داد دست شده این کرد گرد در بین بیستهای از در بین به بیشی کی در امراد به کیرد در دستهای می مسیر گرای بین امراد درست داد دست شده این کرد گیرد در بیشی از در بین به بیشی ک

کی پرد. خادم سند است به این و میکنده باشگردی هستان استیکی مال در آلگریدی را دست معلی است این شده هستان میدندسکی میدیک نداد شراه معربیست این این همهای این افرادی بندیکیست که انسین اعربی کشک آل شد مالون میران همیستان کی این کرفت کی میشان میش افزاد ساخت برد

الهجا الهدائي في تأوي كم الله المداعة بي المداعة بي المداعة المداعة المساعة عن محداد وي محداد وي المواجع المواجع المساعة المواجع المو

ر به غروب افساب

المرابع و المرابع و المرابع ا

AND HOLE IN MOTION IN THE STATE OF THE STATE

Aly of the real of the second of the second

6 ver cov 1 145 4

with the second of some for one will properly to the first of the sound of the soun

هر چرد برده الدور المستوح المرابط مع المرابط المرابط المرابط التحكيم المرابط في المستوجع في المستوجع

جنثيثا

و مدرس کافرمدا ملکک اور عدالی کارید

(and Mily harmosted and)

رائی۔ کے ای ہے میں بین کار کی انہ ہوائیں۔ انہوں میں دری کہ کا کہ انہا کی اول سکو میں انہوں ہو۔ انہوں کو انہوں انہوں کے انہا کی اول سکو میں انہوں ہوگی انہا کی انہا کی انہا کہ انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کا انہوں کا انہوں کا انہوں کا انہوں کے انہوں انہوں کا ان



رات كايلاميره

مح مود نادولست آلامت کاری لیمتک وست ،

ادر پی گل مادر کرده را سست می مسید به این بازد به این بازد به این بیش که در بیش که در بیش که در بیش کا می است می می می می می بازد به این بیش به این به این به این به این بیش به این بیش به این بیش به این به این به این به این بیش بیش بیش به این به این به این به این بیش به این بیش بیش بیش به این به ا

پر میں ملے سے بھا ہے۔ بھا میں اسے اور کہ میں انہیں ہوئے کہ وہ کاشن کا نسینیہ کا میں انہیں ہوئے کہ دریا اس انہاں کہ بار میں اور سے برای وال سے اور و برای واقع نے اور کا میں کہ اس کے اس میں اور کا انہاں کا انہاں کا انہاں کہ دریاں کی دریاں میں کہ اور اور اور اور انہاں کا انہوں کی دریاں دور انہاں کا انہاں کا انہاں کا انہاں کا کا انہاں کی دروران کی انہاں کا انہاں کی دروران کی کی درور

الله المربع ما أيا المربع المربع ما أيا

العرب المراكز في المراكز المراكز المراكز في المراكز ا

آدس رات بالوعشه

5 4 L

الله عن حديثناوره بي سياسي بروالكرولين مي يؤمل مهوايي ويكوف مشايره

or the own was

میں میں گئی ہوئی جی میں اس میں اموان اما میں میں معاول معادل

مرشد وموجد ن

Show the fourth was a straight and so a

Charles of Control of the St.

ما مان د ای درگیجه ب

07

ایدان بر ۱۰ درد بر ۱۹۹۱ خیدانیمد بدی براسی

Pure 1 188

ALLA MON CIC

المبيح لبياده أتسوى

21 60 -07

the man is the series

Miller Brown St. 14

The water of

1 10 001

الياسالاد المركل المال الرصيابي الموكارية المعادي التاسانية

است سیده آنوکنیان کا اوگویک مجموعی مقدم پیرستان کا گلاف اس کا کسکیت و در است وق ب برای بنتیکا میشیده کوکست میکندیده الیونسیت به برست و سستان بیل ۱۰۰۰ بنتیک فرکنیان کافل اوس مشکرک فرکزیک و د واز کا کاسان د

والمسرواياتي -

سوری و کیاندگرینیکه کون میست ورودگشدهای مواجی دوگیدگی به دومیسته بیشته . مگ موسیدیشند شد به مودو مهندی میده استان باشد کال شدیل تاکیی و پیدا میدیشه دامشودی مادروی

140km

-16-160000

ی نیز از است کندگید او کاردهٔ این ۱۹۱۶ این جواب کریزیسیاکی اول چین کابی کلسینی این کابی کابی کابی کابی کابی ک اوست است به دوگ را برگ سی به چیستری میشود دا ۱۰ درگاه دوگر آوگسی میشکایت ایسی عاد بهجیس دوروزیت کش

أمركنا وكالمازى و

ر المراجعة ال

- severil

موسک می مدور که می ویک اینده و بیده نویده وادی که مشب که داده می واقع عد ایر ادرکشت بیدان سنگ از ویش که ماه می هود ما بیش که دسه می که موسس به مسئل کاماری و در دادگیان در داد که که کام بیرای ایرد کهوی که کورد ایجان می ماگل

Further War 16298 m. S.

continue of the same of the same

- diversión

were been begge and allegranded in Level make of one was a few as a proper will be the وحو ميايين جديدي كالمرياطي وخاري العاجي

- c2 - 1 Sug Y , 1)

Will ent england a contist emission and is وهاس بيب ميت كالكردو شهما بي كركرون ور

CHARLES OF SEAS SEASONS - A SUNDAN

ره سرکیماهیاکرمید مانع بمهندی مه

وجميعيهادي -

وی است جواد ہے۔ درازیاداروہ واقا کہ میں میں کے وواقا اوریہ وی کا انوب وی کا سندناکیں پیک أكسيابوجاس

entry for

والمعين المراجع والمعارض والمعارض والمعارض والمعارض اولانيش كاجادى ا

التاول ولاساف المناقب والمراب والمراك المرادية الله الله المساوية المريد والمريد والمستروج والمراد وا ه نا ادماد قالي بينينا آلي الريام. هير وه فالسبك يركز ويا أيستكور بيرامال (ق). مخديد وي مي توبيسيدين كرمادها ويأك يكسدون كويا وخاصت ويو تواهو وديمي توالي بريمي المستاء فروس جالمنا



مين كشيكا ميران در

all was the print to the say the said the said of the

manyly establish more despetatives him applies

جدوسال جاآي

مخوى ولى جالى جوديق في كسم روسة ما مود بعيث كالان مثل والتفاق من والله ويدو والان المراد المرد .

والتاميماري -

about the mail and Lot

ا المرادي الله المستحص والمساعدة على المستحدد والمستحدد والمستحدد المن ويادوسك مجعدت ليكن بشرافية الكرووي المستحد المستحدد المرادي المرادي المردي المردي المنظر المردي المنظر المردود المستحد المستعيد الكرادي ا مستحركا المردود المستحدد المستحدد المردود المردود المردود المردود المستحد المستحدد المستحدد المردود المردود

جرسه مشکاه دوگوسکه ص کافکرندگود ایاسته باشده کافکای سدندندندنده به جسته باید. وهرگون بدندند و دوگهید دید

المتينك بعازى مسارجان ومتاجعة

واسته بازی نبیشهٔ وای واگر رسان می بهدی موده کسی و به فی هدوست بای بهدی و تیگه به فاهید و دور مردم می است. اله بیگ دری ایست دری بای سخد به سیده وای آن که سرسی سای به امر دوب در کنی و دور مردم می بادی از است دری به و بیگ به ای گری ای می داد به می کان می ای می سیدی سای به ای تی شدند و امسد می فهری می شدند. بیم و ای می که می که که کان و ایر ای سیدی شرک بیشت به سیدی و ایر و ایر ایر می می می ایست می می می می می می می می ای می و این می ای که که کان و ایر ای در ایست کرد. ای وارست کار برای و دری و ایر ایر ایر ایر ایر ایر ایر ای

- S.WV. 5%

صر کیے خاص مدومت اجازی می کندگویت بجالا به دیگا کیے کہ سے انہا آواجہ آوادہ سے کریے سعدت کاری کھسی لاائد موسط اکا تا تاست

الماك اجدري -

همدان ۱۰ بردند. محدسه هیشتری و در میشهدی میشدند. مستنده الموقودی کند وه کندستسداری زیدند در شام کا فرزیدی رک فرد به میگردید. در شدی اندموری کندوی رمهینی کوده فلید و در در کشوری کا این بردند.

المناكسية كالمتاحات كالمتاحات المناسبة كالمتاحات المناسبة كالمتاحات المتاحات المتاحات المتاحات المتاحات المتاح

ويدالك لمستعدد والاستراك والمراك والمرك والمرك والمرك والمرك والمراك والمراك والمراك والمرك والمرك والمرك والمرك والمر

مسيد در

ال ال مالڈیکس کا جماری —

یرشی مودیک سرار کیک به رست می صورت و داد ی کارگری کار گرفت که اگری گرگیمی و دلگایاتک آدافل می بینچه ادیدان بهی بی کارت و میداوی شده بیزن کی سان نامیل دکتر و در بیزشی، رج بیک وصوری و ماکل برمداد سے ساز - رمی کارن بیسس صورت اور مد می شده واست سرواها در کارگران ا مهار بیان ما بست بهای شد و کسوید کنی ساوید بی دو مشتنده الوسد چیز میرفز ماتوان بهای ساز مشار نافی توجه به سب و در در در مست ک رای مدده تمیان میرود به و کرگر

بوکاری و فوکس ساید می در داری و ده که به تاریخ ساید کی ساید بود بود بود بود برای در این می در این بود بود بود ب

ب این میکندند. این و دولوس ته دست بری اوراس کی برای آفر دانشدید. اس کی مناکب سرسی نادگذید

اس این منه کاه سال ماده که در دادی تحدیق می است و سیاد می این من است اید می این می است اید می این می است اید می این میداد و گردارشده ای دادی می در دادی تحدیق می این است و سیاد می این می این می اید می این می این می این می ا این می این این این می این

1418

میں میسک چکے کا بھاری ۔ روپی دھائے گیسے دھے تھے۔ میں سرب کی دوجوں کے سابوری

أروي والمرابع والمرابع والمحروب المستحران والمستحران وا عي المنه والعادي U.S. LABOR - BOW FURN to go the market of the N. 5. to with it hosper is a with the street will a التحريكا والمستحدث والمستحدث بادر عداست بران مال المال مح مستعلق المراجع ال No 16 So 16 So 14 12,35 8496 ce within aumorine - Asia Asia - Grather is not of the of it الكليمان لاعداك -الما المعادة والمالك المستوالية والما والموالية الموالة الموالة الموالة 1. Sole 5 1. 1. the work was because it is the property سيف سي وجودا عامل الإسلام الكواكول سعاة 18 Silve 2 92 05 your hand stand the word وبيارة ويادي كالمحاجاء وفيعا المياثة ومعتقص بنابر فالمحاجات راب بتداري عديك كزك فرك و ودلك الكاسون وكا المثاء وال



مونی نیک مونی نیک

And the state of the same of the same of the same of the state of the

Significant Parties a castle or a a strange and the second of the second of the second of the second out of the way were to write the wind and a series of the The said we want to see the said the sa it is a to it experience and a second of the total at a see the second of the second of a confidence of · 上 水红 D التوازي الانام the the contract to the state of When I a was a series of the plants of so the Secretary to be like Total will all a first and to my down at the will be a distributed conjustinocus s . - sulle to state of جامختند والمور بالأمروالواب فالمناووات الالمار والبيامية المالكة you was a ع المراجعة المستعددة المراس ينتاي والما المالي من ووجه were a serie of a series

 کارٹی کی آنگاران فاہمیں ہے میلیسے علاقے کے ستان ہوگان کا کی کارٹر کارٹر کی گاری کارٹر کارٹر کارٹر کا کھسوہ کے جسے انعاد کاسر عدد و درکا کار فائسسے ورسٹ کھری کی کھریا کی تاہد کارٹر کارٹر کارٹر کارٹر کارٹر کارٹر کارٹر ک واکی اورس ہے دوند معدوست کاسائی کارٹر کارٹر اس ورٹر کارٹر کارٹر

مع الله المسلم المسلم

الله المراد و مساعد کی در گل سال ما الا است کسود و با این کاران است المراد کار این است المراد کار این که این ا می الا المراد و المساور و المراد کار المراد و المراد کار المراد کار المراد و المراد کار المراد کار و المراد و المرد و المراد و المرد و ال والاستعماد المستنين معلى ويكاهم المواسمة الماميخ الميام المعامل المراهان المراهان الموادان. والمامين يشكرا كالمواسنين

المسائل المسا

مومل کی فرنسدیشت که مدین مسد فرد مرسکنان و دامی فک کارگیاری که سازمتی این شایگاریان و معد این فی کارمورسدی معین ماورش معدمید او دوم برمدید داواج در کنوبرمین کک اموال مرمیم طریقیدی مراحان دوفی با مردان موسیقی و اگر ما در کردن و میدنگی دردند مدین

ساد از به بازینگری که صعیده از همان و کوی ساده این که کسیده کلیده این سعیده این به صوبه کمکی عین احمد این ساده این اعواد این کمواد کاک شده از سرانگر توکنده این ساد وکندگاه کاک در اسد می واقد است این کمنده اعتمادی و میگیرد:

رگیس مسعد اوقان و تواوری گردید و ترکیبی و ی کیفیروی کالی بعو است کمی و قرار کردی طرخ اس زمال منتخبی کمیدوی محدری توارید و ترکیبی و ترکیبی و تیک در گارسی ارتباط به ای مداور در ادارد مشاد کری ماسد شده ادامه برای و در در در گیریش گردید و ترکیبی و در این کرد و این از در این کمیکی از مداور در این می مواد میش ادامان با مداوی ایران میمود از در ترکیبی که سده میرود و دست گردی و آنگ کی سدرا مداد ارتباط کست فریم کالی ک



کشی الذا از برانوانشان بر بر برگزی در دگرمانشده افرای می هود به یک محیوس عصب بازی بست هم مید. میشند این به مداکی فران کی کارا دی کارا دی بر بر مصد والماند افرای و فران در در بری دولوری ، و فرای فرانست مگد ایری و دانهای فرانوی مراسب به ای کسی مدروی کس ماده و میمکندند کد بری و ادر در سیسی مهر میدانی دادی کمند اوجه منام از می فاهند کی در مسیری حدد می میشند، سیست می در در می کند و در سیست برگزار او در اینامی معروی می می مناب شده و است این کر در سیست میشند. سیست

الإستاد الآم إلى الأم يستندي فحسدك بالإم الدائد الباهر المساولا الإمامية إلى المراحبة إلى المراحبة المساولية ا المساولات و الام كالمحاصر المحرد المساولات والمدافرة المساولات المدائدة المحالية في المساولات الموافقة المحافظة المحافظة المائدة المساولية كله والام المنظمة الموافقة المساولات الموافقة المحافظة المائدة الماثلة الموافقة الم

اگروانده به سکنده امریک هیشندی و ارسته می آن به می مید است بیشمون ی دارگسیندنده و به بیشاهای چی بیز است که مید کردنوی کی دامیدی و این سیکندن آن ارست بیشده می این به این کردندی در است این میکندی است این م می افزود بی این استین بیزاری میشند و و این کسیدی است می میشد در این میکندی در این این این این این این میکندی می و دافزارش دواس کی کاروان میسند ساوی بردی کند می و در این ساوی میشند مه می در این می در ا می در این م می در این می

راهن و شید و صیده کام و بسده مدومه عیامت و به سی شاگر در اندی ماهوی که از می اندازی این می اندازی می کند. چیچه دومارک دومان سرے بست کی سے وادکم میشک می سودی و بر پرست اندازی می کردندی کی درستی اندازی استان الم رایش اوراندی در این برای اسماری و ستان می براید این درستان در این این این اول می اوال میکنان برایش طبیعه ا و رای آن اداره و برای برای

Kondows was wat to in their wowen الأربت في الصيالية والمراكبين بالمستان عن المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب was in any of the said of the Ingles a desired in an actification as جانبات مرکب دره ام سری او بیاند سر سری گرد سد و بازد این است به این مرکب این میلاد میلاداند. والأسكرين في موسيدات وأن يو والأسمات ول مالالماليون الاثمام كمية اس بدار سورمندامه بجراس ومحسد لال است سردوار الرائل شاست او شدوار الرائل الم myer them were a with the getting well ميريان ويورد ور المستعدد كوار وي الهد بالمورسة ويا إنال عامدون بعد المالي وساء بجالب الرياس المساولة عن والما المستداد. والمد والمدونين الم والمساوط الميلين م a sufference of a ser season of distantion a second light الصارة التي من يمان والمرة مار العربي الإسترابات إلى المراجعة والمارية المارية والمراشيطان كم عريب عد الرائم بي مور والبطائية بالقوال مع الرائع والاستعادي المانية المانية والمستعادية ره ما مربوع و الرياد و برومهم كما ي ما ما يوي من سنيع الميل م يعين في الميل الميل الميل الميل الميل و بالاستان و المروس و يته موردك والتحريب موال محرم المراكز و مدس والواجه والكامية والمواجه والمراكز والمستعبد والطائعة المتعارض والمفاعل سياري والمستران والمستران والمتعارض والمتعارض والمتعارض المتعارض المتعارض المتعارض

ر العربي المرابع المرابع المرابع المساول المساول المرابع المرا · وها « الب العالم خاروي وهامسايشكه كالاستوادي واستسميداد و والكافئ وص كالمقابه ورياكما عرسه بالأكسائية بالمسائل مسيوركين مستعداده ومجانوس براديلي مبالالفاقها الصاغ والمدوع فلودود الملاهب الإمان والمساويات ويتعالي والتعالي المراح كرب وسناست بلوريا فياؤمه مجيرات المستحد والأوامسين لالحا مجاه الوروع ومساولهما ويباي بريك ويشتال ماليا العديد بالداكرون المصروب فالمستنب كم إن سيك والدود العالم في الما يتا والمنافظ المناوية المارية والمناوية المناطقة المناطقة المناوية المناسب المنافقة المن جي بري لا و در در در است م م کي رياسته مي اي ميليون مي اي ميليون يون ميليون و اي ميلون بعراف الإرباء المراجع بالمقاصرين بشاء المهدود كوافيط والصارين ووالتاميل وبالداء مامينا كمكا Consequiones with our own selection was a consequent عدد دور بينو و بالمرا و ودا د در المراد بعد عدول . موياد ميني ينص و ويدو المراد الميان ريد الموليد الكارب بيوقيان وتريخ لرقب الريث الموريد والما الشكراء ألكاكر والطاكر والأكافي مجريق المي the first party of the same of بعدائري بريد الشاري والمعاري الموادية المؤرث الملاء والمعارض المرادي المرادية والمرادية المساوية Same and was said is not up to co- or with int را و الاستان المساويرين واللواء الفري وه مسائل الأواد الوي الدول المسائلة أحدالت المسائلة أمد المسائل يمكن بال the many said begin and a for a constraint or your of the والمنافظ فيهندوا المنطاع بالمالي ويستبط المام تصاب والجافية الاستركال شاها التابعا والمكريات الراجع والمستان Source of the second of the second second second second second

التيست من الدول سراط المستان في من الكانت المحالة المجالة والتيام الكان المتحالة والكوار المدول الماليك في الوق و المملح راين الواد المحاليث المتحاليث المتحالة المتحالة المتحالة المتحالة المتحالة المتحالة المتحالة المتحالة المن المالية المتحالية المتحالة المتحالة

the policy and send the total production and the company of the send of the se

year year.

where the support to the filters we wind a forthers to the support to the support

on the man was a state of the contract of the



ول كاسنيدنگ

سيدونك وسدى الاقتصاح الرجائي استواحد المعا وعديب والمراقي الماسر العاد وي والأ ملكريمة المبائل يتريدمن بمفرك وسعا ومقرك ثبير يعبب ببيشيع باست فيتكوب عاما والكابية سائي الإرامان والمساء والمالين أبراميت والمناد والالوساع وأكوب والمحاصات واصاح والمساعة شاري المساوري والمساميروس عدم المكانس بأمام وللما والمعرب الزواد ملند و الرياسين. ولانك كسيكرك. يتصبق صدرنا الخارة الريال كالما و واليم wind and extended a control commence of the sound of the expension which ل الشقى مبل مديد هر المساحق المستحديد المستحديد . المكرية بالانتي بيكامه مث مثل المواحق المتعويسية ا علمان بعد عالم والمرادي الريان الريامات من من الاه والعليدة والماء من والمناصلي المعالي والمناصل المراد المارا والما لايلاما والما را به دک بنده مدم ای د سهده در سرور به منده از المسام مد است کمیشن و نامان به مرابع کرد می براست کی the bornes of the man white the of the or with which سائد يا الدي المراس معيد و الرائع كمناف و المراق كمناف و الماليم المستعد من والا الرائع المسائد المال كما والمان ويراد والمراب والمرابط والمواجعة في المرابط والمرابط والمرا والاراع بالمقرب وليتنفط والعلية والمدوان المعيد بسيعهم المصنعة سمطل كوعاعث والملكون أكتبه الميكان of the contract of the second of the second second ع مد به دون وقر ن مقری اصفاق از به بهر یک مقومید باشد هدشد بای و به این کارسیده که دون به این است. انگرستان میکند کارد کارد کارد به بهر استران از بهر به بیشتر به بیشد می این به بیشت و دون به به است. میرکن برد به میزود و کارد استران به دوست

ا المارات با المستان من المارات المارات المستان المستان المستان المستان المستان المستان المستان المستان المستا المارات بي المستان الم

که این به و استان برای به ای در ای در برای به در سیست و بین در آن افزان کرد کند اید این این به این به در این م که بیش از این این بین به این به در این به این به این به و این به و این به در این به در به این از این به در این مسال و این به این به این به این به در ای و استان که به این این به این به این به این به در این به در این این ای و این به این شود رای این این این به در ای به این به این این به این به این به این این این این به این ب

- Le william of wills

من المرافعة المستحدة في على المستحدة المستحدة المرافعة المرافعة المرافعة المستحدة المستحدة المستحدة المرافعة المستحدة المرافعة المستحدة المرافعة المستحدة المرافعة ا

where the property is a form of any angle of a sold in the sold of the sold of

معالی می این ب این می می این می می می می این می می می این می می این چه ادام می این می این می می وابست این می می می می می می می این می این می این می این می این می این می می این می الله من المساولة الم المساولة المساولة

المراق في المستوان المراق الم

the second of a parent is for any or house in

officient of the state of the s

معی طریعان میکسنده بیمان در ۱۳۵۰ میگی می سط ۱۳۰۰ کار توصیت برای می سدد. میشان در است گذشته مردن بیان در می این واقع و این می سیستان بیرین برای بیرین می میشاند. این بیری است تاریخی کارایت اند میزان میاهد بیشان کار می دی فارس شد ساخت کند میشاند.

نور الكورش والصفائل المصافل المواجه المواقع في المواقع والمواجه والمواجه والمواجه والمواجه والمواجه والمحاجه والمتحاد و

المعلم المعلى المعلم المعل المعلم المعلم

At GAR I agt a go to go

the rock to it

التهامات والمناعة المناقع على حاله مراحل في راحه راجه عن ما عداد المجالة المناقع المنظم ألك المدينة المحكم الم مناع هائد الكان المناقع المناقع في منافع على المناقع على المناقع المناقع المناقع المناقع المناقع المناقع المناق المناقع المن

Language is a proportion of a war o

1000

المستام داي الا كرسية

وه يادا الله عالم الكيم والأناسال الله عالي

to the state of th

المراوي المراوي المساوي المساري

وه المنظم المنظ

بعث الإللان

A 14.

المستحدد المستحدة المستحدة المستحدد ال

States for an and an indistributed in simply the cold in the the states of the states

الملاحق أن تأسيع من المساول المن المنظمة على المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة چاپی بدوم به این این این به در داند. اکسیکس و کام دری بدومی میشدند به در این کل می سابشان این که درید سیسی می بدور به این میساستند بدور سای و بازی مسی که در بشدندی میکسیمی این سیالی در میساستان میکند و بست می درید و میک

اللها الكسياج إلى كالأواء عن المناوي الكريفان والمسويدي الوال الأشب والمريخ الواصورة الريان والمواصلي منواد المرواح ويتدعن ورعامي بالكام أراسي المساولات الساريك أرافي البارات Con distance - Color of the grant of the or may the Extrement of the عواداد العامى الأخلاب مناص في مليه الريمسية حسر الصنية والمراث بالمتحقيق بالمتحفظ المساول المحالية معانده من مناجعه والموادي الورد و المساور و المراجع عاميان كل الريال في كالموالي فا يعود و لا يعالم الاستان عال الريد Million director tily of hope yours on change of the offer out of within a some in the way were now the first the state of عاصد فيما عادالمكن و سعام ك مادال عدوي كالجدد الدارة عدا ياوما لا عالماله لتري الكظائر والمنال يستعل مه أي وادار الاستاسة يوسع المنظر المارية المارية الكالاوليين والإكاليفين ووق ياوانساه معلى يكاليب متعاوم بدائه يبومت يراي والواع ويريم مزرم من الهنت من ولد والعديدي، وتدري مروان الايمان وي الم يك الدين المنافذ و المان المانية موالي بينيوس في في عليد لا مشر من شي مدينة رويد بديد الي. و عرصه بديد من من مرود بد عند من من والمريق معاليك باده . كامل يست كالمسترين بساك من مراه المريق معان مد كاك دوالمناك المريك الطاع بالما بحال شامل المستناء والشاري في أحداث من في عن من من المرامان والما من المرام الما الي لكوي بيني الوسيعة من الكرية بين والمول إن المعافية إلى المعافية المان المان المعالم المان المعالم المعالم The said with aller good some said in the world سين وباحد جلاا توسيط لي كما الواسعي على . ويصيع الميكان بروجه أو الريال عداي كوافي الح

 الله المستخدم المستخ



ملنى بىيان

الله من المرادي المرادي المرادي الله المرادي المرادي

mark of more and a later of the way الهاالود بارام و مهدام و وود بالدبيست الربيعيكيلة والعلا · with a second of the second of the second عالمي الإنتاب من بالسياسة . المنا المساب ما يواد والمتحلول ودور مال المنا in the authorized to attended to the as a legal principle of the second of the المالية الأراد ع كران و المران الماليد الماليد الماليد والماليد applied remarked - - - - to a contract MANUARISTONE - CON 12- - S. S DE CEL US Marie although and the second of the second I democratic interpretation on the second second of the region of the بالأوارية الشاسات الموسات المستحد الموادي المعاوليات عالماني يقا Specification of the second second الإيمنوبين المال المالين المالين



روار و الا الا المراور من من المراور و ا المراور و ال

Marcher Contract to Mills to the contract to t

ا و سال ما الكولاد عن المساول و المساول المواد الم المساول المواد الموا

 ده ي مال مينگسديدگد و حدوي ره ساويسگانستارد به اي اي مارانگ عاصران سينگري ماند کند جنديد بدندگاري سان کاک را هاي دريت

مه المساول المستود في المدينة المراقع المراقع المستود الما و المدينة المراقع المراقع

ر به در دو دو این داده و این در دو این در ا

بالهای و اواحد آنگ گذون به تا حد مر شایش به گذاری و جدادندهی به فردگیمای می میمیرست بدا دومید کا نزگی می مودید شکیمای شاختی سیویدید به صورت وسی با مراجع ای ه هما گامینده از برس ماکن هم به در در در شدند به برسان کنتگی به بینه هم برخود را این بین کست دولک ایس معداد همین کسیده بی دانسره از نزارند می سورس شدید گروی با در کیدنی برسی در میسی میسدد می مداری ای در میدنداد رساوری در مینا

الله المنظمة ا والمنظمة المنظمة المنظ المنظمة المنظمة

لله المراد المرد المرد

الله و المنظمة والديدة والديدة والبود في والديدة والمنظمة والمنظمة المنظمة والمنظمة والمنظمة والمنظمة المنظمة والمنظمة والمنظمة

الحال عالى المستخدم المستحدد المستخدم المستخدم

الم المساولة المساول

P A. - - 3



قياس آدانياں

الله المساور و المستولية و المستولية و المستول المستو



www.facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/

روایا بی عاد از گرسیلی که سیده به می گذشته بی می دود می باشد با بی می میداد بی می این می میداد بی میداد بی مید اما این بی می در میشود می در این می میداد بی می می می در این می در این این این این این می می می می می می می می می در این می در می در در اما می می در اما می می در این این می در این این این کرده از این این این می می می می ا می در این می این می در این می می می در اما می می می می می می می در این این این کرده این این این می می می این ا

ب المساور المستدار في المساور في المستدار المستدار المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المستدار المساور المستدار المستد

الد و المؤخل كليد بالا بالمؤخل كليد المؤخل كالمدار المستعمل المؤخل المؤخل المدود المستعمل المؤخل المدود كليد المراح المر

-

ور سالانا بنت کردیننداور در وال سنهای شده می شده وجی کافردهای کمانیا بنتیاسیک بایدش مرایع واگر مازی شخصیت برای می است کارگرداشگر مال دیشتانی د گذاهوی بد دیردادی که از گرد کسکرد با دیگاد کرکستان بیشکر مختلف

الكافرة الإنساك و كريت بياي وقال وعالي ماينات كالإصلاع بالماق كالكر



يتماني بنن والا

ایست وی اسدیدی که آن این بربیای بیکست بست مصحوبی اس تمامی می منظری میدود شروی که سنده می منطری به این است می و میهاید به گذشت بهای کارون علی طوارست واقع به شدستان کوی که قید امدیری این کی بی تکسیف نیدودی به این بیشتا بیشتر با در این ماریش بیش مده بر بیشکری به همهای می شروی بیشتری که این کاری بیشتان امدیری که این کی کاری بیشتای که ماری بردی بر بیمان املان میشودیدی این که واقع ایرانس میشک دیگر این

بیاتی مے موسال میں کو تقسید ہاتا کی تواق ہے ہو ہوستہ وہ اس بالے کی کی کی تجیز الدی ہے وہ ہوگیا ہے۔

اللہ مار مرد کا اللہ میں موسال میں کا کہ رہ میں میں کو تھا ہے کہ اور ایک کا بار میں کا بار میں کا میں استان میں کہ استان میں موسال میں کہ استان میں موسال میں کہ استان میں موسال میں کہ استان موسال میں کا استان موسال میں کا استان موسال میں کہ استان موسال میں کا موسال میں انسان موسال میں موسال میں کا اور میس کا اور میں کا اور میا

می تونیل سے ساتھ ہے کہ ہے گئے ہوئے گئے کہ این بسیلی کھیٹے تا جب کہری دہمانہ دارجہ ومی آفاد میں کم کسے ام مدومات میں اگر زمید واقعہ شروع الاسٹ را اور سرے مدری کا حسنے مصوصیت و اکا اگر کھوں بروجی روایت روایت کی توزیر برایک – رائیو جماعہ – اکا تو مسئل کا ای اواد اسٹ کسا ای اواد سو حساسا والے طاق بی اگرے واقع میں دوائورسد میں نے مشکلے لیدو اور روایت کا ایک کی اور اور واس اما اساسی محدثی ده او بردید و محافظ کا مدا در ای کیلید دیگردا سنگ انده شدید در سی کمکی درست و کارد درست کاملام کا بره کی وی پیروند بیشند کرد شرکننگ و اوریت برد و درست فاده کران کماکند کا اعلان کار برست

ودار الكرير كان وال والداولية . فابيد والدالي كان

2,05

بركامي عامل مكاريد المامال إدام

500000000

المان المان المان المسالم المساوع المجال المسال المان المساوع المسال المان المساوع المساوع المان المان المان ا المان ال

و دون دن. تاسم نو الديادة الدريس باب وتين

والماري المسابكة المسابكة المشابكة المثن

والناط ليالًا على يتلك و في و ويكوك من والكلي والسالم

هیزی از باشدندسای و هر جینهگی مثل دی او گود کاها بیده فرکاه و سے میشگریدا مودیست پرکسد در سرساوه سروی سرکنچ دول و صریق استاد برایست فرد برای میکاندی میروی و برای تاریخ برای

کشتیال آماری جاتی بین

> ادا نے انسان جوارہ مانت ہیں۔ یہ کا انتاق کا مسئل کی کاری کا کا کا عالمان کا انسان کی انجوامہ کا

> > المنظمة المن المنطقة ا المنطقة المنطقة

ا بسین در این از از استان و میزود به برس شده بیشت به سیده بیشتر به این دوار میدین بی بیشتر بیشتر بیشترین به می مرر نشود به میداند تیست میداد بیشترین به این بیشترین بیشترین این دوار میدین بیشترین بیشترین به بیشترین بیشترین میر دوان میستندین میخوانی میرانش به میشان بیشترین بیشترین بیشترین بیشترین بیشترین بیشترین بیشترین بیشترین بیشتر

كيانيا إصده اصارفت شاه

التنافي الماء المنافي المتعارض المتعارض وأنجه المتعارض المتعارض

design

عى توال مدداد الإير رفكري مسايقو سي ماصيرون ل الكرون حيث وعيستكه

Mine the White metal of the state of the world of the world exchange with a second of the same

Software consider of sealer and some endorgon marche to best but which ه در الراسيد المرود من المرود في و والمراكث م الموسط و المراك و المرود الرود المرود المراكث و ال الول أن أن الدكور كويت وطيع = الموجعة بالكنفسيات كمدورة الموجعة مدورة المعتبين والالارازية بواراتية A delicated hite was in the on the section in the contract of the مر الدائد بأيالهوم ل المعادل المنافس والمشافية والمساول المساولة الموليات 40 - If we want he have to her take the a grown م - أأمث إل مناب المستدافية، ويست معيانه مواقع المواكنة وسياد عول والإاله Leaders regularing took have be Louged Lacore William Some & with the ser of an oak will را و بالافلال و و و و ما مسعو الراسيد . براند ما يكي درسار الكراوان الكروان الكراوان الكروان الكروا But it was not making an

معارضه والأوال والرواد وكيسته اداد البدعة والصفاقية مداري الماكنة والمتعلق the town the by secretary with the whole the the will the said the المريمان والتنتاخ وميضيني الميعان والمعادي المدارس محاريط فيصفي عصاد حال كالحيث وميالوج يندالإيل كماني عراد يشورت سرويه ويوي عاور وكالأربار كالموت ويوالا had all the contract and the second of the second of the وا دريبت الاكن و مدادي وصيح يجيب لليست معسري في المستقديم عمشي عمد و تحد سرير

معالاته والرائب المسامك وفاقي الجاهر سنكر حب كالهداء والصاحد معادل السنار إمد والمسا

1888 - "10" - 220

" other hand of the warmen of 3000 and in to meneros de reservationes species en

agost sandy bush was

believelieren or merinen he received والإراري المعالم الموادي اللابي ند فيه الامنية الالانت يكندن لا استناه بالمسائد المستناء المستناء المستنام الماليا المالية - 1900 ye springer in the a colory . With the world or William to deline a solution in the state of

- suche but the who will so will so - و عدد بالاستادم والمدور والمراسية و ووالما والماري والمراد و

white want our of the point of the and on the wife with يطالهن وكالماري والمارة وموافعه أستريب وما ميلاده مهانك عديدا سنكب المستركب فيأكم وكي بجزاسيت واستنكشك ملصل سنبا شاي والدحيال ويستدون كالماري الرواسية والمساوق بهادا مريت ويهك والأراكيان الماران والأوالي والمراجع والمناص والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمرادسة والمرادسة They do were had in med on the Edward or will the word to the ways المرادون والمساحل والمراوي والمراوية والمراوية والمرادية والمراوية والمراوية والمراوية اس باب مصاحبه خال الریکانی میشند مصافر باشده این مدارد آن به وال در اوگ صعیر مراکب ودراه روایا کی گریک Detrolistog with love ment be purchase of second and the and primary of the one our waser of when we have والاستعادة والمثني ينيونين ماسرمين ورشارشه فالاعطاني سياسيعهم ويسرمان عالمك والمراجي والمعافظرون والرياحادية فدعيسي ميثة لأصيب عافا بالماجرو الايرادي والمتفاصيب ماق ين - اين ميشيديس ل مكاوان ماركي يست عصيت و دا ي داويان الميكان اين

Elayet a



موان المساوي المي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادي المرادية المرادي المرادية الم

ithinguise the commenced "

" to or 136

د هم آن کا گارست اگریست کشدند کر گذشت کردند کا رسینده در برشنان دورست موجود برگیست که مداری می رسید موجود برگیست که مداری می در این در این در در این در از در این در در این در در این در از در این در در این در در این در در این در در این در د

" جان چەنۇ گەردە دە دەنى ئەرىدىدە ئۇرىدىدە ئەكى دەنىدىكى ئوسكىدۇرى بىلىدۇرىيدۇرى ئەنۇرۇنىڭ ئەرىمىدىكىكىدە ئەنىڭىيدىدىدىكىدىدى ئەرى دەنىيەتلەرىدىن ئەرىكىلىدىدىن ئىلادارىي بىلىرىدىن ئىلگەت

a sharehousede de

. L. et et alle project problem f. Le et et alle formation de la company

 ار بازی آن بازی میدون به در به میستند است. ۱ میبایی و میگاه بازی برگری بازی این این به ده شان بری این میستند. ای مرجه به داند در است این بازی بیشتری به بیشن که دارگزاری شان به در بیشتری بیشتری این می این این این این ایر در گذارد در این این نامی یکی میدون بداری بیشتری برگزاری میشتری بازی این میشتری این میکند این این این ایران ای این بیشترین

اس المساح الى بديده الدكان إلى الموقى عنا أن المساق المدينة المدينة المدينة الموادية و المواد والمساح المدينة المساح المساح المساحة المساحة

المالية المالية المالية المراجعة والموادية المالية الم

To the state of the second of

الما المرابط الموادا الموادد المدارك الموادد الموادد الموادد الموادد الموادد الموادد الموادد الموادد الموادد ا المواد المرابط الموادد المواد

مشب عدا مجانب بداوي معدره برواي والاستعادية الماكن والكناء والكناء والكناعة

When the distribution of the way is a grace with the state of the way is the way in the way in the way is the way in the way in the way is the way in the

Marketter in in garly freely for the service was

التي المساور والمساور والمساور والمساور و المساور وي المساور و المساور

White parties in a word of the source of the

المنابعة على المنابعة ويواوي المناج وصد كالدوم المنابعة عن أو بشده مين والمستند ويوا أيماند المدابعة والمداد تلفظها والكوافي المناسعة والمنابعة والمنابعة والمنافعة عن المنابعة المنابعة والمنابعة والمنابعة والمنابعة والم المرابط المرابط معامل المرابط ا المرابط المرا

الموسل بيرواي كالمدين يستوي وبالإربيطة الاستون منتان منتان ويديث ويداني ويطا<mark>كيست والطا</mark> الموسل بيرواي كالمدين المراجعة المراجعة الاستون منتان المنتان المستنان المستنان المستنان المراجعة المستنان الم

ردو کی کشنی

Sain agent the specific the best with an and so so the series of the ser

مرحلسد عربها و برود المنظر باست المن المنظر بالمستعمل المنظر المن المنظر المنظر المنظر المنظر المنظر المنظر الم المنظم ا

علیدہ ماہد و میں فرکسوں کی جارح سامہ ہورگ ہے ہیں ہورہ میں اور اس میں میگی ہوئے اور اور کی کے بیکے عظومی کو ساچ سے بیست مشروع برائد کر دوکیک لاسیاس میں اور اس سے السیاس کی سے در اس اس کا موجی بیان میں اس کے میاد والی اوراکو میں کو برائد کی اور سے میں سے چار در اور اس کے افاقات رواز راسا جی آن مورک روانسی کی کیے المعرب مک

Lake the Law Law con whice

Books 12 Bhanese Monance of Secretary of Secretary of the Secretary of the

- sate of one of the control of the production of the office of the sale of the production of the sale of the sale

لاتى موارامين ، جارست مراوي سندكي ويحدث بالي عنل يوست است



بجونكره

The whole was a second of the delication of the second of

Africa was a relation a service a service of the analysis named by the service of the service of

المساور من المساور من المساور ا المساور المس

مود مدرون میدی این میدود و موسید میشند به میدود این میدود این میدود میدود میدود این میدود این میدود این میدود می مود میدود و میدود این میدود میدود میدود میدود میدود

الدين الموادين على الإمام الإيمام المعامل المساوية المسا

هم برجه المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول الما الما المساول الم

Sold file in a little with a file on a super source of the anner of the form.

I should define the sold and the sold of the so

Liter and the formation of a second



اباب ككثني أؤرملاح فيض لندر

معن المسلم المس

کی این شاهدی استان در در این ساختیان به در این به این به در این ب

يتكبي المطريب عاكا كالمستصف يوال

عقی وست میشود. میگی روهای می این از میشود میشود میشود به این از می از می واده میشود. میگی روهای می می میکسنجا است ده میشود بسید کی این میشود می در میشود بی میشود برای این این این میشود بی و میشود بی میگی ادمی این معادم میشود بی دسترک است میشود این می این میشود بی که است. واقع مسئوا این یکشون وی میشود فی میگی کمد در میشود به در بید

الاستان بالدور المستان المستا

which the text of the properties of a series of the first and a factor of the properties of the series of the seri

م دی ده که کامل می متنظیم دستنامی بره داندگی بیشته برخ به همیسه سیسی به افزای دان کی دان به کی کیگرافته می مشا موان مهدید برخ برموان برد و موان بید هور بیش و دور در بره برد به مدید به اصف که در بادر دی سندست کارگیستم آمسان به این بادود کی از برای مدید مشاوی که کشور برای گرد بر بروی برای می میسیم برد و مدید برد برای ما می می ا مزید که این برای کی تروی کرد برای و دانش میشودی شخصی مناص برد میشندید. مرد برد میشندی مدیر ما مساوی می مواند می

بهواره هما الدول المساور و الدول به الدول به الدول المساور و الدول به الدول ا



أشماني فوأره

المنظم ا

المساعة المسا

ابر آن وارسه دریده با دیگر میکند که و این که کمیدن میزنگست می در تبدیل برد می در است. زیرشد او از می سازم که برای در این در نیست سده که در که این که این که این مدرشان در میزد رساز که سکه میکند که این والاسه ای در درگار ایری دارس این که داکست به دیرا و برش و ساور شون به این این که سرور کمیکند می میدگست همه این این برای این میکند و این این که کمیکند و برای می میدند می میکند می این این که این در در این این این این ای

میرون به این می از دادی را در دست ان میست می می باشد و بست به می این در می است اما که در کار این به می آن می ا میل نشأ از می آن این است سیسته کندستان و می میریش و بست کیال در دری رست به میشیدی کواندر رسیسیستان به میکه سند کوانبر سنگروای ای در در بیدن این که مان توسی می میستندند کی در میران به میرانستانید اواست اماکای توسیدیات به میگه سند

مه المراد المرا

المارسة كالمنطقة المرياس في شريط المراسطين التصويف في المنظية على المديني في البريك في البريد من المراس وي الم منطق المركة المراس في المواجعة المراسطة المر

المكسمات والإداميدينية عن المستويان في المراوث من بالمستد بين كمد ولسائل الموجه بين الريسين يشوان بالدين ما الومان والريان المواجه كالريسان عن جاويه في السنطيرة البينة أم يراد وصديمة الريان ورد ومراود



www.facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/

المراح ا

مستارجات المثال من المائل المستحدود المائل المستحدد المائل ال

البثروس

ا المرابط المستعلق می است المستعلق المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط الم المرابط المراب

who was in the production of the section of the sec

with war and

And the state of t

Alle of march conten of the fire to the

ایک که دوسیده به کلیان بیشگر ادام کرندگریگیری وی سازه بدندگر دوسه می می سود بازگران و میان ایس شایک که دوسیده به این می سایک می سایک می این می کدد و کرد برد برایک شرک کا واقع این بیشود.

e production de la constitución de la commencia La commencia de la complexión de la complexión

اگر و ماه مداد ما و معید برجی ایران و فرهیدهای ایران میشندهای با انجیش و پیدمه از همان میشد. و ایران که و بیشتری که هم ایران میروی به کامه برخی مردادا استانی مهمی براسوان سند را بریاکی بود باشد ما می که از شکر دمامهدی در بردید می افزایس در برجازه میروی بهتیمی است شده برای بیا هم میشد ایران



جهارول كى ملاقات

A Wild and a some on the world of the source of of

اگر دورباهامدو مندمت الاروشی کا ساخت و دور و ای مورسک المصندست کی دیداد به این به و بست گراه که اگروز به عاد کار تیما داند که برای به است می دود این از که میشود المصندس الدارای که گری ایداد. مدان میشد دین است گفت می کارد که می مندم ایران به ساخت می میشاند کار از میشود اداری که در میشود می ایداد که ادر مدام میشانده آمردهای و صدرت می کارد و میشد این که در این است ایران این و میگذشت شدند او میشود که این میشود و

المراب ا

رو المراق المراق الا و المراق المراق

روان بالكران والمراجعة والمساورة والمراجعة والمناسبة والمناسبة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة بيوكم والهرينية والراحدت يجداه والراء ووالاير وعلى البيك والكسداه والمريعات يجرياها والمطاري بالمستركة بيستاجه أوكياء مراها والمساوية بالمائل والمراجعة والمراجعة والمعالي المواقعة والمعالم والمعالم والمعالم والمعالم والمعالم والم ر و کسی میں بھار کا ان کے بعد بھی میں میں میں میں میں ان ان میں کا ان میں میں ان میں میں میں میں ان ان ان ان ا جدادا روادان العاسك واشروات والمعاجد العالم تتعالى والمعاجد المعالم المعاجد المعالم المعاجد المعالم المعاجد the control of the control of the state of the control of the cont Starter wild was of what his other team little کی و ترسیع کاشی می الای شدند. دیگلیان جی ساوی جیند انعامی دمدنی کند و کی الجائشال بی کی کم کم میت کمیدن ت بيش والمقابل الذي سن ماسويت والمورك والسدقاة اليميرين كالأميري الكالم من كان الميسريكون كالمرادي ا rescaped by this did to the section of the section by building suggest of a The horse and after the sound of the sound o of Mile san of the work there was med and a grow and of the The in the state of the second was a first of the second with the ے فراس جار گرانٹ فردہ دیاس ہے کا سیامت کا مستقدی میں والیاں وکیٹے میں مدائلے مجو صید میں کی وابلائعہ وکید وای باز دانگر میراند کے واٹرے ہوسے ہے کہیں ہے ہیں۔ اس میران وہ مسال مثابی ہے اسامی واقع ہ Lungthon so was an electrical desiral and the color of the south place ر الاستاديك بي تكويه و يركن بيسك والوسيدوسية رسكاد وجاري بي يسيدي والسويك التيون والحس ورسة فهلااع ب البرام المال أرب المدار بينام والسيان المال والماس كالمسابق المسائل المسابق المسابق المسابق المسابق Live on a Life Live parties

ناگو<u>ت بوکی کمیا تی</u> حماسرت نمزی م_رسدیں منا ڈگئ

ما باز المساول المساول

يعن أسكان فالدائرة من معدمة من الموادية والموادية والمراجة المراجة المراجة المراجة المراجة المراجة المراجة الم والأوادة كانت

مادکری از گون موریش ایرانگیری کرمی بدندگان ایرانگیری کار بردندگان ایران در ایران در ایران ایران که در برگ او میدار شاهد کی در گیرس میرود ایران می افزاری که ایران می می میدان میسوی نافزارشد ایران که می او ایران که ایرا وی می گرای امادی به میکند شده برای ایران می می شده ایران میدان میدان میسد میران می کند که وید بیشک وی می گرای امادی به میکند شده برای گذاری می شده ایران میدان میدان میسد میران می کند که وید بیشک در مرد کار بیران ایران می کند شاخود کارگذاری می شده ایران میدان میدان میسد میران می کند که وید بیشک

Shirt Jak Stanger was the first

الجواري وسكائش كالدريدي ويعديك والمساولة الأكاري فيكاما وبالكري وهواسا ust " Some who will all a se to be the some hand of - it والبيامين يضبوه الايرسنايين بالمساوي ويستديهما متداموها مدار يجامد بجامت فيها وإلهأسته اعتزان كمثل المستراوات منافريك القبرتانية أفتتاكم المنتصة السدارة عليت المادي مشجك والهميك عصل مجالي ووصعت وجال ال التيكينة وسعيفان والإستارية والكوافي عوالكا في الإيراج بالأي بالمساعدة التيميكية كا شرجينا بير حوالرع بجادبها وسوسك ويؤوكلاور يا وورانسب لا بهاوه بها كالرياضا حارجي الديك كالدوراج الملك مجود لجين وإذه فاستادا مع جن جهان كسر جهارياسا في كالشراع المايي كومارك بارد ويدونست في يجدها فلأست الريه ال العيل رسنه بح في مواحد لي كم حاكميات الدواناة في البيد سالوي يستن يحقي منظور في طراء في بيت كوسكسلال بعال وهما بالم المراد ال con site and the to the field when for its and the first poper وهمي والودكرة بالمام وسنتساءاري كشتابورية ويسس مدوعت الميصورة والأفاويك كالمصريكي بالبياء البيواد يكي كميايي مك شان دور اقام بي جي ويري يجدب بعد الجريك زر عج معزي الغراج عدا كالمشينان في يبيل الخابي وأدار المساود وكدور المالي المراكي المدول المعرب بشاعده والمداوي المالي والمداوي المواجعة الرياح أذيمان يحل فالعرادان يصدرها ويحادث وسأكسبون بمادمين جاستان فالحارجمة بالمياس وصاحد الماطف ر بيرك مو كريد وويره ليد كالمنسودي كرومك في معدس جاجا تنا الدوي والويما تناهر في الناج إيجا الورالي جاد دال تعاصلان الورم وتعديد ولاز والزيد ديل مان كم ميتع يس الرواني مستسك وبالداري ومشاكراي عدال كذا والعراكية وأو التعبيب محدود كيان مشتري مركب ومسامي الصادي الأمول سراكي المستان

من المراجع ال

مع المنظم المنظ

Account of some of secretary of the section of the

الما المان من المستولة في المستولة الموسيد و المهون المنطقة المناوق كوديك كوريس المان المستوب المنطقة المنطقة

Like osou was louis Les and the

aller or the

هدری میدان می در در از این می میدان به این می داد. این می داد به این می داد. این می داد. می داد می داد می داد می داد می داد می می می این می می داد این می می داد این می داد این می داد می داد این می ای میدود می می می می داد می داد می داد می داد می داد این می می داد.

ا و الراسي المراسية و كم الكريسة من المراسية و المراسية و المراسية المراسية المراسية و المراسية و و المراسية و من الراسية المراسية المراسية و المراسية و المراسية المراسية و المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية و ا

with the African water of loves

وه المستعمل الم المستعمل المس

ا برا و است ساده این به این در برای است که در به این به این به این این این این این این به به این این این این ا این این به این این به این به این به این این به این

امهده والمبخرك المواقل بهذا وشيكه بست كمامن البراي به دمي والبدي أن المستدامي مواسعة فتعاقم وأنها المنها مراكب الإستورك المستدوك المواقع بالرائد والمناوص عنام بعده كرساب والمناكب المديرة المواقع المامام كمام العالمي المن المواقع كو كالمناوج والمن سدوات المنافع بالمناوع والمادي بدعن عكد والمراقع من الواقع المامام كمام من منها المستنفط المنافع والمنافع من المراقع المنافع والمنافع المواقع بدع والمكسدوم بيني من المواقع والالات المستنف

المن المستوع المستوع المستوع المن المستوع المستوع المستوع المستوع المستوع المستوع المستوع المستوع المستوع الم المستوع المستوع

Litrory Stranden March 1888 Standall

ملاقعين الريك ماقي بالمصاحب ينطق ميولعلق

My first strange the south was a server of the server of t

کے دروہ فارع بیرہا ہو ہ برسکا تھا تھے ہوئے آرپرسٹیسندا ہی کا کا کھور کو ماچھا میں جو جوانشید و کا ہی حدیق ہورے یہ سرایر کا سے انہاں کے انہاں میں آپ تھی میں میں آب ہور جورے بی عمل نیسند شدست کی صدی واقعت جورت

* الجدائد وربرایال به نید ایرکی در جدا و دوداری انگیری معلق معلق بین آیگاد بازادی کری دردانده اشکرامید دکار دست ایرکی از ایران مستام کاردارای گیرنگی کیستی

" درجه کیاری دامیدگرده به به دوست میزگیدی که به کاره سیانگستان اندگویدی نگسرای بگیرا درجه که

ینے ادارے اوکی در مسیسے ہے وہی ایجائے جو کھا ایر کھا تھا کہ اس مان ہورا، میاسٹوریٹ میٹے ہیں۔ کہ این مور کے صفیت

هدی الاستان و المساور المساور استان به المساور المستان المساور المساور المساور المساور المساور المساور المستان و ال

ا مریکه به ریکادن مید ریستین میزی جور و چنشدسی همای کناد سیالهای در این کارای گرسون کوری درستان میدی دمان یک ریست میزان میزاند و نیستای کسیسی جادیدی دور ریسا کمکنده این مسافل سی در آمدی بست می درگی سیسید میزان ارایت

المحافظات المراحة الموس الما والتحافظ المستان المعادل المداول المداول المستان المحافظات المحافظ

انواند والماس المساورة في المنطقات بالمنطقات المنطقات المنطقة والمنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة يتي الهندان المنطقة ال

Santaba Sant Show the Santaba Santaba

specification of the species of the state of

كابروح المدان عاقيت منطوع والمستنطحان

Marie Lold of the time of a sound soft a for a faction of a sound soft of the sound sound

رد به از در این به این این به این به این به این به این به در در در این به این به این به این به این به این به ای این به این این به ای این به این ب این به ای

Subject por

Liberany Killindsking a circle stem and the same of the ing

والمنطوع المرابع المر

مرسین کی تامیل کارون بر کسینی کارسین ایران او آنیا برد در کسین میشی بودیلی بست کویک دیاری کارون کی اور سینی می اور به نگرون کرد کردک مینی ایر برد برد در ایران برد در کرد کید کارد در کارون از در ایران کدد کسیران میشد کارد ساختری از مودع میشد کی کودک برد کشیری کارون ایران ایران ایران کرد در بردیک کننده ایران در ایران ایران کشیری وست در با کسیک کران مدد این میشد کام در حا

جهار شدنگ ادرا مجلاده و مصفی می مقدمت المسیان به و مشیدیت الموان المسال با این میشد. اور میشد که از سرکی میران به میکن بیشتری این افزاد برای میدانشد به افزاد به این میکند میران که این اکسیار بیشد و برای است سروان مشیدی می که افزاد این میدانشد و این سروان این افزاد که بیشتری این این این میکند.

and him for the second second of the second

المنظمة والمراقع المنظمة المن

المساوات بإمام بممر وكالمعرب المساح سيطا

الم ميده الم والمنطق في المستان في المستان في المستان المنطق المؤلم والمنا والمشاورة والمناوي و بالماطل المناو إلى المراوية عن المستان المنطق المنطق المنطق المناورة والمناورة والمنطق المناورة المناطق المناطق المناطق المن المناطق المناطق المناطق المنطق المنطق المناطق المناطق

LABORATE SERVICE PROSES SERVES SERVES

الاسلام والمراز المكان من المراد المال المساعد المال الم

والمرار والمراد والمناب والمناب والمناب

المرابع المرا

المعلومات المحالية عاما

کی مهرجی گذشته بوخ گرانی کسیده بین آشده در دوان سنده میک بیام بین سیده بین میک بیان بیشت برخ میگهایی می جهرب شده مدی محدی شایست که میکند و بین مربع این میکند و بین میکند برای میکند برای میکند و دیگ املیایی آنها می اوردستاما ماشدهای را میکند میکند میکند کری می میکانستایی و وی میکندهای میکند این میکند میکاند میکند میک میم کی در است میکند و میکند کری می میکاند میکند میکند و میکند این این این این میکند کی دارد در این این این میکند و میکند این میکند کرد میکند و میکند و میکند کرد این این این میکند و میکند این این میکند و میکند و

Similar wife

ميلي المنظم أو الماس المنظم ا

عادی به ما میشدند و مسیده راید به همه میداد به بیشد. که که که در اگر کی در ایروی به مهم بست گوست میسیده کی شده که دو دو است. اورش میشده میشد مهای در این بیروی و دو داده این به می هایشک بیراب از میشاهی میسه کیمیدونش دو بی استوادا در دادم را ایست

4014-4-00000

ر المساور الما المساور الما المساور ا

بال مدام المراد و المراد المر

distributed with the or or or the

The weeks we will write or and we are والمرابع ميرسول مستناده والمرابع المستناس المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع Le Boys and so we experience of a second of and you a stance of the same of the same cutt for f dansen och start och with a sing with and عد عليان والدوه والدين والمراد المانية والمراد المراد المراد المراد المراد المراد والمواد المراد والمواد المراد الرياسي المال المان الله المنطق المناطق المنطق المنطق المناطق المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المنطقة المن distribution by the way and and the Man want on all secul - " of the Spiriture of the service and the service of the service of the والمراكب من يبيل من كالمنازات عند ولوكل به لية مام كن يسلوا المعالم المداريوس compressed in an extremely a some confidence will in the west of the second second to the second to the second to the second sitte marion estimations of the second of the des of the the formers of whom we have a continue of the promotion of the think they are no requestioned the والمرابع المرابع المرا Sand red at a 12 8

مه به المواد ال

معلی می سامه این در بست که بسیدن شده این در بدیده به میشود به می میکند به می میکند به می میکند به میگان که میش میروی میشود می این میشود به می در میروی میشود به میرود میشود به میشود میرود به میرود میشود به میرود میشود به میشود ب

Subject to the original of the second of the

at the state of

the second and the second

Marine Barrier

personer eggs and a comment of some

attentit and ender in die od an a a will appending to the second and a second and the second and

ا المنظم المعلى عن المن المن المن المنظم ال

موین کنندگران و کار ایسان میشدند. به بیشتری کنند کی دون واقعه و ایسان ایران ایران ایران ایران ایران ایران که پارتون می ایران کنند به ایران که دون به دون به بیشتری دون به بیشتری میشدند. گارگذاری می دون کار دوران به در ایران به در ایران به دون بیشترین در دون بیشترین در داد ایران میشدند. المراح الم

موالات المستخدم المس

المان ال المان ال

a security of the second of the second of the second

a mapping in a discount

Control with the grown of a server as in the control of the

and the state of the territories of the second

* * **

مهادهها المساورة المل عند مناي المساورة المساور

that we will be a compared to the second of the second

and the war and a second of the property of the

الله الما يورك المراجعة ال





بنه ويول کی خونناک تعويري

ر المان المراجع في المراجع الم المراجع المراجع

اهب می بدوان نیز و بدور برای ما و برای به ای بازی به ای بازی به این به

ر الله والمراج في المراج في المراج - المراجع المر - المراجع المراجع

Chiphale house and allowed to the control of the co

مر ميدان مي المراجع به المراجع المراج

مين موان المقادلة التي مين المساعدة المنظمية عن المساعدة المنظمة المن

چیه هند بری کستان میده میدنده این کشت و شده برید بری بری می کشت ۱۰ ۱۰ بری ادامی ۱۰ سیسه که به می به می بهدی می می کنده بری می می می می می برده کارگی بری میسید و می سیستان از می کرد برد بری که می در شده می دادند بری میسید آزاد کننده از می کم در هی می کارانی می اما کست و می سیستان می می برد برای برد می این از می می می

هما مشکوری به بیشنده و اوری و وهویک مدیننگی به واسی ای میکی هوم برا معلیمه ای برای سال ایران از و میچی فریهای افزار اورود و درگفته الی بیش برای شده برای شده سازی به دارید و برادند با ای از وجود و هوای از ایران درگذشت کشده و درای افزاری می برد.

الكوية روا الكوية بالمستعال المنطق الذي يراحي من راهند و السائل المستود المنظم المنظم

جماعت بند دائید کرده ای سنگری ۱۹ یک در بیشن به کشور بیشند باشد و است داد سنگری داشید. کسی بهرست کی داند سنگرانسد این سندی مودر در مسیسه و گلست به داش در سر بری اس کاش بری ای مداوند. میان مشاول بازندادی بری در واید کار گذر سد بدو بری بری واقع میسد به بری سال میشود. به دیجه او با بیشند که دول برای میسید مو بری بری با این شده مید بد شد آداده میدن میرکزدی گال



ویول کی تسینته درست تعواری احدوق کا تنار که یی صوری

می مان و تاسینی در مستفیمه به می میشدند. می شده شند میاد و برخواهید انگریسیدگریسی میشد. میرمهمیدهای ایران مقاسف میران کی بدر دوستان از بران کارن مداری کی ایران در ایران میراند.

جه المراحية المراحية

د از در از در ما در این می می در می می می از در می می می این است. این می در در از در می این می این می می در این می می می در این می در این

د مستاد این کنیست سه میکندنگ مواندگاری میکندند این میکندند این میکندند این میکندند این میکندند. میکنده این بود و به سیکیمندل کافریست میکندند میکندند و بازی سیست و بهای سند نوانعبوسد می کافواند سک در نیشتاست دانش و میکندند و میکندند و میکندند و در کافوان میکندند.

من المراق الله المراق المراق المستعلق المراق المرا

and the comment of the worker and working the will the say on

الدرقان ن العرام. الماست الحد المعاود وصي عليه يجهي أن ينايكي إلى المائح بالمعالم على المائح بالم



را البار من استخاب المستوان ا



ويل مختلف منكون بي

میرندسین بردند، بی میکند بی میکند بیری به ندیمنده کامه آن این این این در میردانده بیک میتان بیگر مانداده در بی می وجود بی گرویست دی بی میکند میری در سیشه ایری میکندشت برستان بی میشود بید بیستان در میشد میرد بیده می که دکیسید می میدود بی میدود بی بیده میشد بی میکند بیده بی میشد میدداد از در در بی ایردادی در شاره می می میکند مید کامل میدود بی میدود می بیده میشد بی بی بیده میشد بر این میدود می میدداد از در در بی در شاره می در می

گوک هم پسیده ننگشده مدسه کورسنده داده کی ترسید کسیست که ۱۱ کافات توسیق میشدند. منظر میاک این سنسسست هم او برد که کشدن و در درسیشت برد واق این آن در با اندای گریم به جدالی، درگذاری، درگذاشی خاده کی چی ادارای و دورسکیدو میدکشنهای کامی موجود میشدند. برد از میشکهای میشود ساویت ایک دارس از دمینی ا

نها، پایگه گوی به جهای داد. عمره ماین مجرود اعتران که جهایی سه در سدهای دادی که زیران سه سال سایسی داند. او داند از که بیشترانی. بیم به مهای از مهدا که دادی مهدی ساد در سدهای دادی که زیران به که سده می انسی دادی با در این از این که می این م



ويلكانيارا

الای این مورست کالیات به ویا مسیقه تا می بریست به این این مسید این می آن دارد. به بلت مولاست و آرد به ویل منطقهات مه منابط این این شای مسیقهای می بریستان به به به این این می مواد می می این بهتر مهم برید که میدان می میشود کرد شدهای

ا داد شدن از این است در از بیمان به ساخه به بیمان در رستشنده به می باشد. این به بیمان این به میان در این از می می مواد این دومان این از این ماداد بیمان بیمان بیمان بیشند این بیمان این بیکندهای بیکارسافیل بی بیمان این بیما می بیمان از این می فراد می این بداخر

مان المساورة المساورة المساورة على واست كري والمستان والمساورة والمساورة المؤول المساورة المساورة المساورة الم المن بين المواقع والمساورة المساورة المساورة المواقع المواقع المواقع المواقع والمساورة المساورة ال

الجوین الکاست میدند و برسک مسیده داده المقلی کی می می آن و این می ایستی داشت را الی و در سود به ساله است و کی ا سه دی آن این به این این و در این در این به در این به در سود به در در مدر مسیسه از برای مدد به اور به میده می ا مدد مشاوری آنگاری می در این می ایس که و مدر این می این در این می این می در میزی می این این در ایست و این و در ایست ها ایست و ایست و در این می در این می در این می این می در این می ایست و این می در این می در این می در این می در این می این این می در این می این می

الله على المراجعة الم المراجعة الم المراجعة الم

ا میداند می از این ا این از این از این این از ای این از این ا May see the second of the seco

ا الموسداد على الموسداد الموسية كالموسد الموسية الموسية الموسية الموسية الموسدة الموسدة الموسدة الموسدة الموسدان الموسدة المو



من والحامل والمراقع والمراقع والمناصرين من المراقع والمناصرين والمراقع والمراقع والمراقع والمراقع المراقع الم على والحام المن والمقاري المريك والمناقع المواقع والمراقع والمداوي والمدارة المناقع والمراقع المراقع والمداوية فل والمداوية والمناقع والمراقع والمراقع والمناقع والمراقع والمناقع والمراقع والمناقع والمراقع والمراقع والمراقع

مجاند به الموقع في المحلف الموقع في الموقع في

رس واد. ویش در کانسده بی میداند. این مندشان سیست میدو آناد ریگانیدیکی برسانت این کهاید واقع میده این نشوار ماریده نگفتندی بیدان این آنده و شیگاه شدگی دیشید و بیشدد و بیشد و این که این که میدو که می ادارات امران میدان بیان را نیس که میداد که شدای بیشات از دایا ها دارای میداند و افغا

ر دنوان که این این این این دانده بیشت دکان و این به به این گریدی سود میشد این سدند برگیمی با الگرای میشود به این این این به به بیشتر دوار شدمای این سیده می میدودی شدند کردند و در این میشد برای در بیشتر میشد در میشود می کسیدان این باش در این باش در این بیشتر بیشتری این میشد و ی خودست که می گردندی در این میشد در این میشد

ومهن باک که چکی بی الاست موجود کندگی بست باده است بگیران برد در گیری مدان که مدسی این می افتد بگذ نهد مستومل منظوم کو موجود المار برای آن آنوران و به کست شده میشدند و در بین باشته کاری آن به برد مدسی هو والیت این و در این مداوس که ادار فارسی شده موجود که اصراح می در مرد امریشندی در این ارد این این این از می امریک کورش تو و در است این می ادار فارسی می که از صور می در این مداوس این مداوس این برد در این این این این این این این ای

متحدی کمان کرده این کمیده این کمیده این که مای هردا میددگی استاد کمی به مثالم بازگر هیگاها ۱۹ ۱۹ مای بطیق ای کار ده اکسیدم مشدم شدن ای رو بطیعه این می موجه به این می مدیده از می میکند برد به آنسیدی موجه و هم می این می مربع داشته به میکندست که

والما الما المواجعة الما والمعالية والمعالمة والمعالمة والمعالمة المعالمة والمعالمة وا

1

بالدين يام درانده الماري مرسكة من المدينة والمدينة المراجع المراجع المراجع المستعلق العالم المحالي تشقيع المراجع المعالم الماري الاستفاقات المدينة وراساته الموساء في المدينة والمساع الماجع المستعلقة

with the promoter and a great of the first of the same of section of the second كالمالين بالإودية الكريب المحاكم بيب المحاكم ملتكري ومثابت الطري البنكيد مست عاصات كميس أثنانها المناولة والمعتاد ويروي كالمناولة والمناوسة والمناوسة والمناولة والمناوسة Sur fly of the service of the hand of the selection of the service of the service The second of the should not a home wife out he shall have been been been المعاريرة المنافع المنافع المنافع المنافع المنافعة المناف والم يجلي المراجعة وكالمارية والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة who he in hospitaring govern by every my weeks or المائية والمائية على المائية والمنافعة المرافع والمنافعة والمرافع والمنافعة المرافعة المنافعة belowed to a segretary or according to the individes you extremely a him in your war without Bit Bis portion of a secretary and a factorist of the second ويجهيله عمر يات دو يحرفها يستري أدس بريادا من كاراك فيطارت والإدراء بالكريكا فازه والكسر واما والتعينون اس كما ويركه جانز وشوي نارس منك ومد احتزام ملايروه البريعاني وميكما ذوص بمداوس محري كالريث und flands gaing and Low I L. the care down to sate of

.

The Land of Land of the work of the work of the property of the second o

de de la commencia del la commenc

And we will ge the frame of the case of any winder of the source of the

من المراق ال المراق ال

proportion of the constant of the block of the state of t

ه المناصرين بين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المن ميكن المناص المناص المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصوية في والمناص المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصرين المناصوية في المناصرين ا



استب في إيك ويل مارى

ر المراز الم المراز المراز

کی مدین ہوئے کا معتقالی اموری کے خاص ماہ مواجع ہوگا۔ کو بھی میں کا جو بھی ہوئے گا۔ تو گا۔ معتقالی اموری کا مع نی بند انگیس جو ادامہ کا کھی کے عمل میں شکام میں کا بھی اور کا بھی اسٹ کے معاملی کا معنوج ہوئے شکولیا انگیا تھی جواباں و انتخاب ممدد مرکزت کو اور یا دو اور کھی کا کہت

بدای و دو بر بردند. بدو بردن و این کشف نمی بمرایت این مای زنده می و بردن می بردند بردند. مدارس بازد این کشف نمی بمرایت این مای زنده می و بردن می بردند. مدارس دارد دنده و این کشف نمی و این این می بردن این مورد این می این میشود می بردن این می این می این این می می واقع دافته

الها الميان المساولة الميان المستركة الميان على المرسطان المساولة الما المواق الميان الميان الميان المستركة المستان الميان المي

wither on the way of any of the secretary is the second

هنده الموسادي الموسا

نه الاورسه الإواني و الله الدوائية كوسي بعد كاست سيده المواد و الإدارية بالإدارية بالموادية الموادية المدود ال مقيلة الإصمالي و المعال إلى الأكسسة على والماسية كان المدود المدود و الموادي في الموادي الموادية المستدرك الم الادارة و المرادية الموادية المدود الموادية والمراكب عدم معالم الموادية الموادية الموادية الموادية المدود الموادية الموادية

ا در گزارش کسید سدگی بعد درجی که که مصافره کام و «مسامی تفاول برگزارسه شایل به بازی برا می کام کام شکاری سک درم مرد کام تصافری از درگی از درگار

المهاري المواجعة المعاون المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المر المراجعة ا المراجعة المر

44115

Literary and for the second property of the first of the second property of the second prop

دواد مساور المادي و المراد المراد

and file of the whole which is the file of the second of t

And the forest when when we was the first of the first with the same

Bethe said a start of the said of the said

المراقع الم

salvedon when we had an - but not

and following the properties the state of th

من بالمستقد المستقد المستقد المستقد و المستقد المستقد المستقد المستقد المستقد المستقد المستقد المستقد المستقد ا المستقد المست

Sinft for inst Called Galog Light may be amy to a sin Le the light with the Sign and the same that the land and the sindle



I describe the continued

A STELLE STELLE

the property of the second of



كانث

continuous terrestricon mentiones de

استب كاكعانا

ه المستوان المستوان

هدا این به کاری کاری به هدی و در به کاری به کنی به کلی سریه بهدیست سیسین کردند. شده مصروباری این که کمی کی ایس واسالی آن به های گذری مصدود و در رسانید سری و برای شکند. در پیشرار پسته اندین کی سازمد به سری سازمد به سری مسا مذکر از اگر شدست فی از نظر دادیم در مصروبی و یک شده ای مصروبی کی مصروبی کی این سید داری سید داری شرا از این اندا یکان شد. برای گر شدست فی از نظر دادیم در مصروبی و شروبی شده این این شده این "s den to be faithful for the first on the second to a second to be at antique to produce the second at the faithful and second and the second for the second the second the whole second to a the second second to be second to be second to be second to the second to the

من المساور و المساور المساور و الم

المراح ا

مكوم المراق المراقع المراق المراقع ا

وبعث كرد متريخ مردوي أهر مدي والقري كمك ليعين

S. 16 , S. 16

المكالم المتعادية والمتعادية والمتعادية المتعادية المتعا

من المساور و المساور الما المساور و المساور و

دور النظام المسينة الدور المنطق إذا بالندسية بين كالمان المسينة المرابع المرابع المرابع المرابع المرابعة المرا

الله المساحة المستهدية المستهدية المستهدية المستهدية المستهدية المستهدية المستهدية المستهدم المستهدم المستهدية المستهدات الما المستهدم المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة المستهدمة

مىلەنىيەلگادىنىيەت ئىرچىسىگەنچىقە ئادىنچىگىدە ئەن ئىس ئادىگەدەدە"

مجهو ساما كنار يمايس

Beer for alcange in a standard free free and and for the second and for the second and for the second and for the second and t

Literaturan home in war a distribution in the

Exchilosoftenes confunction of the file was But of ship seem has beginned by and high the way of withher Subject the wife proper of from the continue the affect the for which is the والإسطاع ويبيه بالخطيص سناول مشاجره ويال المساعل الابت الكويراء ويساعكم المتحرب المنافعة والمنافعة محاومنا وبالبرية وأسريه أواله والمنافئ والمستعادة أبالي لبساد الإنتان المؤنث أبال المسالمة الماسية

اللائر بدويل الباش استبيعه المديري والمهيدول مطاوا

المجاشب والمائل ومسرره بالمعلى بالتعاري وأرسع عليب كالهجائل المرابي المساح المعاري المستعاري المستعاري البطام تسادات بالنام يوميس والعمد والتعديقية والعرباني ميستيس بالأدياري كالواس والبيسية التالجات جيها حدكار واري إما كالتصاوص كي نهاة بإصداح بالطاء والعميل المنافيكي ويشان وجامهم بيكر المرتبك وركب المرتبطي ينطب

مريع المعترين عليه المعترين والمستعارين والمعترين والمعترون والمعت سيدوع الأيوال عياليون التحاصير المداوية الأوافيات الأي الأياد الموارك الموارك الموارك الموارك الموارك المستعلق كيري المستدس وسنعت المراجات فيعن سابل سنا الانتهام الاستراسي والمتقال الجا لوبي سسيسن هيكم ويكاون برينك موين كريده ويرب شنده ويايان وال

Sa Bearle affects in the world would سند دارد والاستعادية. وبرا أيه سيريه سيديد كيد كيون المراكب والمراكب والمعاديدة

الإبيتياء

Same Handley Bury 14.54.2.3.10 سيتادرون والمكرب معالية ماديكية ميس من الماس رجناكي المدالي وي المركزية كالمساعل المركزية والمساعل المساعل المساعل المساعل المساعل المساعل حاقهما فكالكيده والجامع والبالي المستوم والتصيمون والداعة والعربية والمراقية والمستكان January John Lugar Sale

except to be stop of an in fit the world to

بي مرسان بالدجوب بالراسوي ساير يعري شكوب الرجوب يداوي ساي المساول عالم المراس

Lie

گردید نوان که در این می می می این می می در می می در م

13000

edital to succession in

ول کید اموان کردند بیشگون بنتا افاق به عبده مود گازیک اعلام اور دارسدار بردند بردند کردند و بردند کردند و ایران کردن به معن عاملید

وعدودات ساله والما والماسان الماسان الماسان الماسان والماسان والما

بي من بيعنز بداية فا بي الدائل بعد بعامية

الله المستوان المستوان المستوان المستوان على المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان ال المستوان الم

suppered wasters

الماسية الدين والماس والماسية والك

white and it is a site of a side of the same of the

" حاكست و المرابعة على المرابعة على المرابعة على المرابعة على المرابعة على المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة كما العام كان المرابعة إلى المرابعة على المرابعة المرابعة على المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة الم



ولا يك كما في كيشيك

خوره في المستريد و مساور و مستود من المراد و من المرد و المرد و و المرد و

and his the first is a fire fund in more more of the proof of the service of the

and in the state of the state o

It is the whole produced the second of the s

and the first of the state of the same the state of the s

من به من المراس المسلم و من في المسلم المسلم المسلم و المراس المراس المواقع المراس المواقع المسلم المواقع الم

ه المادي ميسين و في برساد آن بر و في المنسون و بي مربع ميشون و و في المرب و في المرب ميشود المربي و المربي و ا المربي و ال المربي و المرب



شارك مجليول كاتستل عام

with the water in a way of the of the water the free of the way the first of the way the first of the way the water of the

المرابعة والمرابعة المرابعة ا

Berger with file the Secretary who side can on the great to serving and and to great the secretary of the se

ويل كاكثاني

المجاهدة المراحة المر

المراقع المرا

سمال المنظمان المنظم ا



ية المساوية المرافعة - (المرافعة المرافعة - (المرافعة المرافعة المرافعة

more of interesting the secretaries in a straight to the comments of the comme

And file and properties and believe of properties of the series for the series of the

ANGER OF THE SEASON STATES AND STATES AND SEASON SEA

المجاهدة المستوان ال

A TO SEE TO SEE TO SEE TO SEE TO SEE THE SEE TO SEE

A DE CONTRA CONT

تدفين

en and filling the ingle

المجال المستولي المستولي المستودة المستودة والمستودة وا

جوانی مان کسیده این کارشنده کارشناه می مودی و کی و شده بیشنده دیر بیشین کی تلف که احد شده فوجه در به المواد کا که که د است آس دوران و این رسند و بیش کرد و از رست دکتر کرد شده کهای برست به بیشند، این کانفود رو او اصواری به دوبازت کانا کمه جدید بدخود مدد و میشنگرادی این کارشناختی برسیکم این بیاد یسید سید برشناختی این از در این از میشند و این این م

من المستقبل المراد المستقبل المحمل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل المستقبل الم المستقبل الم

مان کارسنان بی کارلی و شامیدی ۱۳ برگذارید کار کار کورکی بید کار این کار بین کارد و بردیک کارد و کارکند کار کور کار العجاز بر میکند بردیک میرود و انتخار کارون

ابوالهول

مرة الكسيد، بداون براون براون براون مساوس و برد بستگاها، بدام موده بنام مودول الكاف والك والكاف والكسيد وه با در باشت و امام جدار مساول الكرك براوا اول بهای مداد شد بسد مید این در دارسید اصلی این است این بینانی ا وی دارا امام و برگری برد مداد این مداد و استان ایران استان این از در برای بسید بستان و برای کافران استان واق

هرب والمراد و المواد والمواد و المواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمداد المواد والمواد والمواد المواد و المواد المواد والمواد و

المرواكي سياد صادا بسيجاش وانصارا كهرت متوسعك ودجها وللجاب بالرا معاكمت والتقابيت وأمنوي والإلحال

المراق على المراق المر

e ofference of the second of the second of

AND THE RESIDENCE OF THE SECOND



بتيرووم كي كهاني

Enterly, we have a subject to for was of their the transportations.

The transport to the t

مال احد سادان به هو المراقع بي المراقع مجاولات المراقع المساول المساولات المساولات المساولات المساولات المساول مجاولات المراقع المراقع المراقع المراقع المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات عمال عامل ما المساولات ا

من المراقع ال

The desired of the whole of the second of the contract of the

the Minister is well to the state of a which was a state of the same of the state of the same of the s

entitled asset expensions

المواقعة الم المواقعة ال المواقعة ال

والمستراج يسترك فالمحالي المورك والمستعادة والمراجع والمستراج المستراج والمراجع والم والمراف والمارية والمرافع المعارة والمرافع والم gre + 1. tracks deal said teams had sout the order to the fort آن التصفير ريم أحسامي ويفلن بروسته وي و مي يده ويا التيسان كدرو كابيوسي برد ما منظي «دور». والبداعة والمراجع والمراح المقاد المواعد المناطقة والمراجعة والمراجعة والمراجعة المراجعة المدان بالأحل والمنافع والم والمنافع والمنافع والمنافع والمنافع والمنافع والمنافع والمناف ريان وطيدان و الاستندام الى الصنوار و الشائل كالمنافكي -- الم يستني الانا المساوم والمائل المان المال المستناف المساول المستنافي المستناف المستا Biller of the second will be sure to serve the second of the said المانوا والصريدان الإرمانيان بالإسداقة ولينك والعريشك الارشاء مساواه ومهت وبري بعد والشبيان إليا بالمثل とうないはんというないとはないというとことというといいかにはないというとくはいっとう Lybran adverger 12 to in a stocked or many 1861 in ما في كان والمان المستان عن المراق والمراق المراق المراق والمان والمراق المراق were the the the transcript so the same of the and there with the hope of the boundary and a former of the second of the second of المرياض الماسي عرادي المراجع المسائل المسيدة والمراجع المسائل and the entities they were miller it is

intermental a below- who the way a distribution that

l⊣.

Somether wife and

militarian more of them

ste book sursten &

reference de futigliste

and the head the to have been been for head of the house of the head of the he

acurage and commendate without with the me

in the first of grant and grant which the way to a super the super the first of the super of the

بنی ناف میدونده دکدید به مای وارسکامای به به به شده میدوند به این میدوند به این میدوند به از سازهام بیتانیا کوراندی این استاده در بیش بیگذرید به بیش به به به کاهشی می کهدونی ۱۹ تاشده آمد میداد بیداری این میکند میروندی در آگر میکنید مای میگیان به می مدید نامی در میکند با و بیانی میکند به اکسده بیدست می ندیده می وی از آگری بیش کا در فنان کسده می ادر کسند، شدند از کردگر

من المراق ال المراق ا

ما رو در العدم و المساور الما الله من المساور و المساول و المساور المساور المساور المساور المساور المساور المس من المرابع الما المساور المساور المساور المساور المساور والمرابع المساور والمساور المساور المس

ا من المساولة الما مساولة الماد للماد المادين والمجاهدة والمادية المناسبة المساولة والمساولة وا

a flegge of the first of the form of the second of the sec

مسار و المساور و و و و و المساور و المساور و المساور و المساور و المساور و المساور و و و و و و و و و و و و و و ما الا و و المساور و ال

الاستنسان و منتسب و المراجع و بالأدامية بعث المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة الم المراجعة ال

بندروالى رشى

A transference where of the manual one of some interpretation of the state of the s

at he pet in the free to the commerce is a sent of more performance of the not of the contract of the contract

Collins of the second and the second of the

the the had a be transite with the second of the first of the second and a first of the second of th

المنظمة المنظمة

مه نادر بن معالم سه مدوری و رسیست هم ای کشد مداده و سنده برای برا برای این به ای این به ای این به ای این به بر وی کافیا مدید کشوری به برای به برای برای به این به می است به این برای به این به سال برای به برای و مهم این این و این ده کار این برای ساخت به این کافی به برای به به به دی راسیل دارد دارد این برای برای برای به این به برای در این در این این به در این برای برای در این برای برای در این برای در

ن کردگانید، میگیان که جزاری کاش ۱۰۰ صفی از دیرانده برید بریده ساده باید کرد بست به بایدان این دارسیده بستان می شکر آرسنده بین روی این میشود برید دارشی می در برید کاش ایست کومب میده واقع می این این این این این این میگری می چیک

من المراق المنظم المراق المرا

ره برای با در می این در این این این به د حد می این به ای

انجوانسده بازد و کافی که همه دهن به برای به ساخته می بادند. به می مدین امور به برای به داده ما کیل که دمیدند می بروی می بادند می میشد که برای دارسد و تقویل می میگید. می است ادارست بیداد بری برای با داد و می ایس کار برای می ایس املیک شار می میکند.

دگری داد. تا دوست این می در برای داند. نجانسدگریان وارا دوستان در سین برای در برای به در برای به در این برای به برای شدهای گردان برای برای برای برای الاسلام المراق المراق المسلك المسلك المراق المسلك المراق المسلك المراق المسلك المراق المسلك المراق المراق المسلك المراق المراق

ما المعلق المساولة ا المساولة ال المساولة المسا

" إلى بالمناص الإستادي بيت شكسيعكا

است. میکننده و این این به معاصریت مهمین به میکنند میکنند در بازی باشد به میکننده و بازی باشد به می این که به م چای پیش فیگی این میکنی و بازی و این بازی به کارسی کارست میکننده در در این بازی بازی بازی که در این که از به

على والمستقيلة السماركي. وقد ياو و الجزيرة «مارسة الشدن بياة والمبريخين والمدر المرازية مثل المراجعية (الم كالشواميكي والماركة والمركب والمربو إلياء

an very mode in dans

الم صيده المستناع بالماسي في العذائي الدواج كالدويات المستركي يجمون الاطلاب المارية والبارية

equ

المنظم المنظم

است اورفواسک ایک المرتبی

مان باست باست الموال في الموال معلى معلى الموال ا

ري بارده المريد المساحرة والدائرة الميكارية المن والمدائرة المسيدر والمساري والمسارية والمسارية م المراصرة المان الواد كل ما مان عالم المان المراس المان المراجع المراع the way for such garder of me a corp. I we we want to defend the واكسوا والاعتباري والمسرمي والمساورة المارعية بالتي المستقيدين اليعلوم بالتسويف مستمرك المراكب form for former of or in a man an income their Linguistance where the me on the to the mount of the State of to give applicable to was to a three proper that is a specific or it Material was the more as a series are you as seen in the first entities the recention of a major strained distracts on one of the wife - information of wholevally called any action of the following in the organization of the last The solling and a sold a maje some , have the on he to to was " a different " a different " while the remainder of when so it is not recorded لغام بالأهرس فحن مد إلى والمدين معاصر المام والمراح من المعامل المراجع Start Burne de Mance et star grant carter a politic

to refference in ener Silife in the plant when كالمستعاد كأنفظ بالمكريك ستبدع وشامء فكاء والأمن ب عاديا بالإ والمساواة ووياني ومناوا فالموالي سناس سومي الرموس مساوس والماران ووالالموالي

كالربود والمازسي بين ودساء

فلمجلوباني والشنايس لأمرنا تطلبت هساريك لابت يبدون مواجئ بورجي وويرز بهمامي والمرسلوك كما بالمسجلة المنزعي بمحاسل بركاء السبب منص المراس المساء كالمديدين المهارية المرادي والأوادات بالإيساكما

ب يه من من من من من الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية

" إلى يخري بصند مجروا ما والاستان كالمراق الما من خد ماه وراسدام الأمون ساويدي بدار مي الماليس الم المنظم المنظم المن المن المنظم ال والهجائب بينطف مكامسا موام مبابث بيجه تسبيعها جريديات البياب سار كالعرف يعندا الصاب الجري كيادالها فا ملقهم الهامين بالكاب المناء والمحاصيفات فالمسران واللوده شاوال بالداء السيعيب بالمهميل لم فهامصا بالمتعاقب والمنتاج المساعظين كالمتعارض بالمتعانية والمانية والمتعانية ويتأكم الملية

والمستينية المامنية كمينية إليامة فحيهم الهرامين بالمعادمين وموريبين والمواجة فللسبيت وأراكامس والمركاعات بجابيك راوار والإسعاد ررايي ي ووال الماري المراجعة بإعامانا والأنوي

ا من المارية ا المارية الماري

" گرفت بی چاک بر هنگ کر میمیزو فرد دارست بی واقع به سنت را مستویهای شندی این در فرشش بدرست بدیگ on a stage of an order of read consecution of the

water or advanced in

" والك رويه الموام الكوام المستحدث والأوروس المستدود والأوروس المستواد المام المراد المام المراد الم بينية كلوية لأكل بج والكنظرة الإيصاليما الدوا كالأرمير فتوسعها اليرام المحاصلين بالمتحاري المصافحات والما الماليان بالطائع الرحية فيكر معاد مريد المستدك كم في والمديد والرمان المستان المراث ولا الرياد المان المان desperantice of the ser to water the distincte persone كالمستولية والأول كالمناف المساورة والماسية المالية المستران الراسي عالم المراكب " جرب وداد رکشوک دینے وقد مجت بینائر کارور براہ دی ہو ہوائا سکے اور آنکے ایک کارٹیل بالکیائی بادر پیسی کا جسے روکی دعوال میں روکو کارکوری کی گئے۔

ا همان می در می می از این می از این می از این می از این می این می از ا می از این می از این می از این می این م

" بی دی آگی بی ریاسی گرست بروی که با این مشیعتی میشد بدو سامت کوید یکی کمی مصاص کنگشد. گرای بدند دیگی ایست کمی بود ی که سیفای های گرست که آنرسیفای شد باش گستیلی گرستانی کی بستانی کی مصنعت امیرانوک کرستانی دال دولت و دروس برش بدرست و میاوی میسی باس و دولانکسید"

ومسبب معارست بماريه بمعي البدكر لمكرا مركي و

استسدنده کی دوسه مشده کسند و روکه به به به این سدوله کهی شده و پیده ایجهایی مصکه **به که که** چوامه که کواری چهایی گوست ای در امریک کسندی که سر کهدس که در به که در جام دوست کی و و بادید می افزاندگی همیک اور سربه بهرست و مدک سانده بیزشده و برای شده کمیرند سوسه میکندگی می افزان منوع می ا میره بیرا

ووالهام منصاور فزور ووريكه

مكين ويهزون واجاستك

our tracket or force interest.

an another state if a

کیا تعدادے علی مرتبی خدادیاتی اسید او افزار کے سعادہ پر تشدے آ ' میر موال میں اور اور کی اور اور کی ایس معدی دریاجی انسانی کا خور اسیدی میں وانٹار دائل کا انگری ہے۔ کورشید کا دستان کی و فود اس کی کمد و پروشید و و گاند، کمور گاه — امکوشندان سازک کسک پس اگر است که گوی گران در کامسوی سی کام میسیوست ای کورم نظارا در کام ایسست را در کسک اساس در در کاک در ایک از در کاک در اگر استا میک اصدار در کنگ کاک این ای در کامل کامسورکاری در این ساز کسک شده اور دری ای اور دری ای اصال کاملاک این کامل ک ناگران کی کارش این این ایست

> > randa Seliko man

وتحالية يابعد جاوالمصنفيان أتح

معهد باشد ویکی الانشری استیابی با مثال بیدی و ۱۹۸۸ نید شده ایران کای ایدالی نورست و ۱۹ اینالی کسیسان و ۱۹ ایدا ۱۹ ایران ویل از میان کسیسان و ۱۹ ایدار ست کنیده کشد وی شدید است در بری کسد نقل ندو ست کمی ای الاست ۱۹۰۰ سازی م سازی ۱۹ ایران کای کای توام نوی می که و دست کی اوران در ایران بی وی ایران و ایدار ایران شده اینام کای ایران کی

ب به ننیویل کامر تقابل طاقعه ۱۰.

يمك الماكل عامل بيعتر بالمريد فيهود بلر. الماليه بين مي ويضال بين المكيم بالزايل بمعطفك Just the wind the control the superior when the of They was a sure was to make it the of the is superily replanted and and service and the الاسكالي بالماوي والمنافر برا ما حالي إلى المان المن عالى الحالي المان الم

والبنو بجرب مود الدواور عدم مرحمك المستان والتواق المديد والمستنطق والمستنطق والمستنطق بجهاده كالداري سدينه ما يتمدن المساولات رسط الشادل الام المهاب الجي المراهي الموادس والملا منعاس برابر باداده مسائل مناوی بدند. من اور صفیات کال معلی بی می داند ماندی ایرانی المال شدائها الإنسان الإراد فليست مكيده ميك المهامين المناو الإنسان المراحة والمالية ما حراب عن دود کی در کار کار کار سائل می مودد کاری ایر ایر ایر

مجا استادی وال برور مهام برست که محدیث سید بردین ام افعا برخی گی رکانها دولون المعرف والمراس المراب المرادية والمرادية والمرادية والمرادة والمرا ے لاک ہو گوستان کی تعریب و وہ کا است میں ارد کو وہ اگر کا است میں

Il see & the production was done and who we Minutes and in the contract of the work of the the the state of and and he was proposed in - there is not so when he there ول كدر وويشك لافرند ويوسص والهيمان في وين ماليست الأمريك ويا المرابعة وين المستان والمرابع ويسامين كوالل من البيب في معيد كرمن ولا يرمدن والعرائد الكوار واده ومدم كاليرما وي ما يومدي كالرابي والموسيرة المركز المستان في الله ما واستعاده الها محس

" رب الما وهر الشي الوالم المراويات الموالين عمر الرب كرين ميكا وكالعدود إكم والمال يع بالمجرين مكه الاين و صروف المان الواليست يجودها السوعيد والعاد المجال الكول الكول الكول الكول الكوالي علات كالمعاركة لراساء البن مساوتها من من الدائل المحمد ولك الكساد في الرياد وال عن العرار والرياعي المراد والمحافظ في المراد المواقع المواقع المواقع في المدائع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ا المائع المراد المواقع المراد المواقع المواقع المراد المواقع المراد المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المو والمواقع المواقع ا

کی فراق کا در گذاری کارسی می الموافی این سنده می کی اگرایست می برده داشد به می دادند به می دادند. این می این ا کان می برگ از ایر خوان می این برگ و فرایست و بیان بدان این می میدود بر در بر برخود بردست در می این که سهی مامک این می که صدید در تنظیم از می میکنیدی بیش میشنیش به دون وادر کند امالی کند امالی کند و این بیشت و افزارگ کامال به می که صدید می میدود در شدوی وی می میسکی سد تنظیمی بردارست و دعو شد طرع می اما

گیاد شده به می کنویسد دوسیدی به به ده بی داند و شده و شده و به در در کنا است این است این ده بی در می کان ده بی وول اس مکان مان بی گری مده بیش اگری در می صور میشود بی بید در شده بیشند و بیشان است کرد کان دو میگاد شده می کاشش از میکند در دان به میکند بین بیشان

اگراون واقع ہے و مصدمایت کسول ہے کا آصند ہوں میں بھیسے کسے سے استان سریکی راحد بھے اور ہوا اس مکل بھے دور ہور کے مصرمیدواس ورسے جو می کھرچھ شکار ہوگری ہے کا سے بھر کھ بھڑ کے سکھ سنت جو و ریک آنھ اب اور جا کسیکی وصل

همیشده که باد و هشده این ای همیشده همیشده منظمان و آن کانج برا است کمی دی ای دو است برای آن کهای ا واقع او در است فوج و دانی میزی سک را برای و است که ای برید و بریده ایرینی و برای برای که در الای و در الای در چند و برای سک این میشود و برید برید و ایرین که همیشد بیش سکتان که برید و ایرین و ایرین و استویسته ایرین می بر بریمی میکن سکت و در واقع بریمی او در در ایرین که همیشد بیش سکتان که بریک برای میانسود استویسته ایرین می میکند و بریک بریک و استرای و در واقع بریمی ای او در ایرین که سازاری بریک و بیشتان است و ایرین ایرین ایرین ایرین ایرین

مهار عي المعالم والمعالم والمعالم المعالم المعالم والمعالم والمعالم المعالم ال

الب را بالای المست و بعد الب الدی مراد الله المستون و به به المستون الدی المستون المس

 عنده دو و با ساخلیجاندے طالق ای عدر کورست آب کر استی معدی این کی کسیانیا ای سیکی کا و ساخلیا محد بین ایوان و کیدانوارسی این و کیمور کی ایس و ایران می از ایران ای از از الی بستانی روان دارد ما ایران از افزایست می کیونیده ایستان است می کدید کیست از ندست و ایسانی از ساک از در کیان این این میکند بازند امراق می ایران میکند برست معدالیده این کسی که ایمانیکسیش کی اینان مطال مورد کی از شرق این اند

ا بهی بدوه اور در نیم به هدی و مشدیده می هبند در سرو پیشان و بیگیست و کرهیست و به بازسده کی به بیشان و به از سرایکی به بیشان و بیشان بیشان بیشان و بیشان بیشا

and the second of the second o

a grande france destros en the selle

التي الساد رست بعد العدامة على مسافيل في العدامة والتي التي في و في ماحيه بالدين التي و التي ماحيه بالمدين الم المدواع المصلا التي التي مام المراحدة التي مالكاري المسافرة المدينة المسيات عاد التي من المسافرة المسافرة الم ومراد المحيكة ومن الماق الذي ويط الراحة في الإمانية كالمدينة المسافرة المحيدة في المراح المسافرة المراحة المراحة

- بر فلعیشکن

had be to get the series of th

He will will some and the state of the state



مانی سوده و امریکای ده میک در پاکستانی ادارای شده که اوروش بره کندستانی بداری به گرید این کندیکس پامود بایشه هستی میک دونت و گا حاجه این کند و این کهید و اس می می امل گروزست دند کرمید و در ساک دیگاری در در کرکهای این بایی امادی در دوست بسید و این این برای میکند در کردند ای دار در تا سرای بدوست داد این در در کهای

الجالسات، والهي عاملية أو و في الانتخاص الياري على والاناراء والهي اليال والمستقد الما يوسي آيات الانتخاص المنطط المنظمة الما يوسي المنظمة ال



مخوز

was a way to and it configures are with the grant of an

المراك ا

sold sound but any of a delication of the angeling

who will an interest of the section of a way in a graph or company

P 40

I - The Product Paper pounts



حوض ادربالنيون

لأشريقون المرابي شاصول بالما على المرابي ويعينها لدمك كاليك من ولل الميل والمساكم المواكم المنادة المجاول في معالي ومستعدية من الماكي في الماك من الماكات المراكبة الماكن الماك me 5 mg a - fill is intelled in in was a literary of and the in four fill in for your last a godine to discount into the times of a subject to the state of my on walker and with a set with the water and will are والمس بين الما الماري و المنظم المن المنظم المن المنظم المن المنطق المناواج المسرافي المناوات المناطق المناوات المناطق wither wine of dicite whom some induction المن المراود و المراد رمان الله المراد على من المراد على المراد ا formerly, you a ser was the said the time of an entire the continues شايع أوال وأرسورايان من الح والاولاق في الاستراكا من والوالي المارات الواليان المراسان الواليان المدان sign which was the same and the first on which we will the المدة المادة لا على والم والم المسامل والمسامل والمراح والمسائل الما المسامل الماد المادة double place a good Load against a great of her and و على المدودات على جروز الإوالات الدوكي الدوي المواجد with the whole water hand for the state of the wilder - Here of the safe of the Same Here of the Mary Degree of the water was a store and the service died to the wind of some the second place in it is defended المجاب الإيران والمساول المراقع عب المان والمحاسب المراقع المان المراقع المراقع المان المان المان الم ب الرسوام الماسية على المراد المسكرة المراد المراد

shows upon anythe the make in such its

of the first of the second sec

obtations in business

والله الله والمرابع المرافظ و المساور المساور المساور المساور الله المرافظ المرافظ المرافظ المرافظ المرافظ الم والما المرافظ المرافظ

we much works the his of sec 9 th

half for many bounds in the man has streamed and the first bound. I have been a streamed to be suffered to the stream of the str

And was a sufficient was a sure of a grant of the forest of the sure of the su

مل باین ما مدوس به کارسان به این مدوس به این به به این می که به این این به ای

پشانی

المواد المراق المواد و المراق الم و حد المراق و المراق و المراق المراق

الكرائية في المائية مثال وصويات مستخدمة وكان كروات ووم الاستنطاع على المواطئة الكسائسة في والدول المتاسان ويصودون كمي مناوع في المنافظة بالمواجئ من المنافظة المرافظة المائن الكان والسديماني منافظة والكومسة ومناوية والدين منافئة من المنافظة منافئ والمرافعة المنافظة المنافظ

هم سیکی استان وی به کاهند شده به بی و که می که این که سیکی به بیشته بی به بیشته به سال و است به بیشته بی می اس می امریک است بیشته بیشته بیشته بیشته بیشته بیشته بی این ما یکی بیشته بیشته ایر در و این بیشته بیشته بیشته بیشت می از می بیشته از ایران بیشته بی بیشته بیشته

گران باد داد میدود بی داند. باد بازی از این میدود بیشند بی بازی در خوان بیشند. میران دادان میراند

por the as for the property of the second and the s

politic been time on the way of any of the grow many of the second of th

ما در المساور ا المساور المسا در مراد الدور و المسلم المراد المراد المراد المراد و المستقد المراد و المستقدم المراد المراد المراد المراد الم المراد ا

و المستوان المستوان

and the production and the second an



بيتودك دويزات المان

at they and the survey where is it coffees to the in with the state of - was an and a second dende 23 1 on els 1 to east of layer the stranger water by the second of the con-6.5 April 19 who when you the second contract of the second at wine a se or to a second deposition are pour my out at 100 the special to The transfer was a sold of the designation e ges a color con ser de his to the the interest the tent to e howelf with application is not the Bi as a super to be at the way would do art are to ship and involve the say of the second of the second All Tox Yall to whe was made to be a literature about

to describe production of the second contract of the way of the second contract of the seco

المراكات و المركات و المراكات و المراكات و المركات و المراكات و المراكات و المراكات و المراكات و المراكات و ا

می کنده برمان بیده سد حالت رست و سید بدو میشد می دود این استان می این استان این این استان این این این استان ای این اماراد بر شد رست این این کیدن رست و از می کارد و است کاری برمان می این در بروی می کارد و و این این این این برا کاران بی بید اس را میدد در می کارد با

Agricular of provided to a present the second and a secon

رياب

live frages in the iteration to

Extended the former of a will be to the property of the state of the former of the former of the state of

1988 and Stalendard Senter and some some that

produce a mountaine from

مهد المهد المه المهد ا

and the wife we want to be had in the following

ALL SON BENEFIT OF THE STANDS OF STA

a to offer in the offer of the own was constructed by the desired

down to the special to the stand of the stand of the

I is took wat it

عديدي طريع المريدي والمستويد والمريدي والمريد والمريدي والمريدي والمريدي والمريدي والمريدي والمريدي والمريدي والم والمريدي وا

من المستخدم المستخدم الماري على المستخدم المستخ

Live of reason my my men in with

The converse to short the first of the contract of the contrac

MANTENERS LINE SERVE TO THE TO THE TO THE

the state of the second of the

with the september of the set of

The second secon

I where the ridge His the answer is not such the food. I want the will be the to the winds.

The hope to the the properties a subject to your there wis the properties of the

Mandala francis of the same of

a faithful to the field the state of the see the see the set of the see the set of the see the set of the see the see

whenter the contract of the form of a many the same of a many that is not take the same of the same of

at free of a series on a series con it is to the the the the the the transfer of the transfer

make the the of the day of the grant of the

عدره ومداريه والمراعد معاملة

المراد و المستداع المراد المستداع المراد ال

A Stand of the sta

May person advantage of a f

distribution has been of the

الما المنظل المن المستحدث المنافية المنافية والمنبع والمنافية المنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية

و بده اما المنابعة المنظمة المنظمة المنطقة المنظمة المنطقة ال

engriphistory of the and the country of the style the country of the style the country of the style of the st

لا با ما در و الما من المناوع المناوع المناوع المناوع المن المناوع المناوع المناوع المناوع المناوع المناوع المن و المناوع ال

المراجعة ال المراجعة ال المراجعة المراجعة

such legacinic or mains describe from sechily so so it so Seem and south of the whole with head of so the well as the property of the such that we are and with the south of the south

 and the second of the second o

المجار المستحد المجار المستحد المستح

ه ميدون ما يوادون الروادي المداني المداني المداني المداني المداني المداني المداني المداني المداني المداني

ول كشكار في شاق وات

the west former to be a true of the of

the many the second the second the second of the second

الله المستخدم المستخ

They had a straight and a series of your grown owner to the series of th

والمساوع البر طرائل المرافع ال المرافع المرا

الكل المالك والعرب والعامل والعالم المراجع المراجع العالم الما المراجع المالك المراجع المراجع المراجع المراجع

سال المساورة و الموساع الموساع و الموساع المو

المراق ا

المراق ا

المهمة المنظمة المنظم

Legion de mistaire en "mes de san 300.



٠٠٠ حزت إن ماري نقط نظر سے

من المستقل من المستقل من المستقل المستق المان المستقل المستقل

which he get in anythe is sugar or specificance to some to some of since the some of since the sold some the source of since the source of the

by the ord is it of what the property the way in the second line of the property of the second line of the property of the pro

The on the a state a gradue t

ه به المساول ا المساول المساو

المورس به به المراس به به المراس به به المراس به المراس به المراس به به المراس به به المراس المراس المراس به ا المراس به المراس به المراس المراس به المراس المراس به المراس به



نم میروزی

المال من المستقدة من الماد المستقدة ال

the former all the or the said or the street and it is the street in a street in a street

المنظم ا

The two selections of the a series and a ser

- White the was about the way of the way to

a read character of a superfit of the continuous of the continuous

من المراد المرد المرد المرد المراد المرد المرد

ا به المنظم المن المنظم المنظ

ى دويىس را شاد المرسط المدوية و الدوية المساعات المساعات الما المرسط المساوال المرسط المرسط



فواره

with the without a folder as a chief

عدد المراكبة المراكب

المجاهد المنظام المنظ

الم المراحة ا



را آن الدي سنگ به المستحد الم

ما در المساور و المنظم المساور و المساور المس

من المرابع الم المرابع ال

سيلاد ما به المراق مي المراق والمستوي و مي المراق المراق المراق و المراق المراق المراق المراق المراق المراق ال والمراق المراق ا Was Sand San received Mary I Matter, a sech wall of her of received was forty

اللي الدي المراوع المساول المراوع المستنب في الدائم المراوع الكساع مديد والمصافعات المراوع المواجعة المراوع ال المراجعة المراوع الدين المراوع المراوع المراوع المراوع المراوع المراوع المراجعة المراجعة المراجعة المراوع المر المراجع المراوعة المراجعة والمراوع المراوع المراوعة المراوع المراوع المراوعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراوعة المراجعة المراوعة المراجعة المراجعة

الما المراق معلى المراق المواد الموا

مبدال مداله الدون ما والإربية والمناف والمناف والمناف والمناف والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق وال منهد المنافع المنافق والمنافق المنافق والمنافق في منافق المنافق المنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمنافق والمن الكلامة والمنافق والمنافق والمنافق المنافق والمنافق والم م من المراق ا المستناف المراق المراق



6

الماريخ . بريام الماريخ . بريام الماريخ . بريام الماريخ . به الماريخ . الماريخ . الماريخ . الماريخ الماريخ الم الماريخ الماري

المراق ا

رواده الاستفادة التقاليم المستفادة المستفدة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة ا

All the series in the series of the series o

کردارنده بازگ گفتگریشد و به دورای گوری بری نگریش بگذارید. سنند دوست کردانی میشند که این میشند که الباست کی گزیری میزند در در در کردانی به میشند و کشی میزند کاره سهید برای و میسید بازی واشند کارا برای است دهیم در امراکی از در در در نشانی و دوست در این میشند برای میزند برای میشند بازی میشند بدند.

هر الله المساولة المنظرة الله المنظمة الله المنظمة الله المنظمة المنظمة

White 14 as placed the to the second of the

مدانی و برده به این می دادند. این در این میدان و بردای و بردای به بردای به بردای و بردان بید به این است محلی و مرستان به به به این می دادند به این در این میدان و بر بردای سما به با بردان به این به می می است به این می میشاه می می این به به این به به این بردان می بردان به این می می این این به این

ه المنظمة المن المنظمة المنظ

Cher - mil 350, the control of the many is the formation أواليسان وبالكرام يتلاجر ومداني سنة كالريطان والتكافئ والمراد المواد المواد المواد المرادية الميانية والميانية على المرادية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية بتعاصب تتعيق فكناديره معناصيب المراس لعراس ويرحر بكندمان وتي بتعافي بيلعن بهدي يجبياه أيألكا وبهادا في تو المانها فالدين مهيد في في تعيد في الإصاب بركند . ويستند مدومون المرابع عام في سنة المساعد والمام والم وعيال موافظ فلنب والمربي بواع يعجيلون والمحميص السنك القدعيم مواديات يسب عبا العامل عديدي والمرتجع المعامران عمرية الكاميثة جهيده بالكيارة ويستعيل الرباعي والاستدار والميان والإنجاب يحامظ بالفاعد يستنكون والتوثيل والدائد كورون بالدينة الأبي بالدينة كالدس النياء أي مروي يتصور والمساع بالأبل الإنجاز أو والن برويز الدراء والملا بري والمراق يوكة والدس العذي والتراويل كالعدين المنظوم والمساورة وليدنك كيلاونداح يوم ويستدم والدسيس والمستهديد كرا غامي يادد بالمعلمانكان وتريك أفريك مناوصي بصورين مسيد مرام بسيعات بالإراب والأواجا مدينان والاعرار الإيرار الوياري والماران والمنزولين يحارب والمنطاق والمتعارض ويتواه مسيول والمستعملية والدائم المستداد المتعارض والمستعمل المتعارض والمتعارض أبسهاك بالطائب وال س منه تايونونية ومن وجنش است و يدون ماريكيتين والاس المايكة Exist of marchanes of many of the plant -عربيست بصريادوها وسأناوه داول ستبياسه ننواست بادكو كالصب القائر وكالماض كماما أدكا بياب الأواوام كا

المواند بي منافي عنوي وزيره و المقالي بي عدد الطوية المدون المواند المواند المواند الموان المواند المواند المو منا المناف و من والمعالية المدون عن المدون و مدون المواند المواند المواند المدون الموان المواند المواند المعان المواند الموان الموان الموان المواند والمواند المواند المواند المواند المواند المواند المواند المواند الموانية المواند الموان المواند المواند والمواند والمواند المواند المواند

de S

معدد المساور المساور و المساور المساور و ال



نظى بيرُ ا نخى بيرُ ا

with the of the plant with the work of the plant of the state of the plant of the state of the s

And of the second of the secon

a single a first water on the formation of members and management to the state of t

in an order of the solution of

كمرسو ما عادي يوري وياك كروسه ويريد يستان المواد بالرياس ويال كمايي عاد الكواد كالإنتاج والمراق عور عرب والمرابع المراسطة من المراجع والمناسبة والمناسبة والمراجع والمناسبة والمناسبة والمناسبة والتاج والاوراج والمتحارك والمتحارب والمتحارض والمتحارث المتحار المحارك والمحارك والمتحارك والمتحارك والمتحارك الميان الأراب والمناسخة والمناسخة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة المراق والمراق المراق ا المراه المسارات عرفي أوراج والماع والمساوعة وا كالزارون و شيل كارسط مي من ومل وملاسات المواق الم المن الماري المن المركب المرك الوالي المسترود الموادي يتوالى الموادية المسترود الموادي والموادي الموادية والموادي والموادية الموادة Music and river the second was a second on the second of را برا برای داد وی سامه باد و محال سام سامه بازی مرا برسامه از می دود. در دانی بدیگان به مالدی كرياليد الداورة والمستعدد ورج بدارسه ب خرود الشامي المواقع والمحاض مي مليان about the work of the original warmen and the work peropolicity in the survey of the second ري مرسيه و ودره بيت ريس عدري موجه مشارع بي المديكس الديكوين العداد والمسيطان ال

أأنزاه ويزوا يناوي وبراري بيرسياسه ساسيان ويسوسا يوادي

Lace Coloter. James & we million Clark. ويوالمركز ويدا والدورة كالمشاركي في الموري وكسنة كمي علوم والفي الموري المرابع والمستعمل المستكم المواجع admitted that a restrain of the between the world and the second الاندال والمنطق بدون من كرنه و مامت ميز و يستان سيانوي الكراكي المراكي موسطة مؤد يطلق راك الوينف المو with the the second of way in the wife the wife with

الموري المدرول المعدال المدر المراجع ا مغرابات واخالادوس يكنواج فمكاروف وشرول كالادواء سويست بيرايي والتكوي بينجا الكوري Light by a facility of a nationary as in displace and the property and had والمرساد فيك من والم عند والمعتقب من في المنظر المن المن المنظم والمناس المنظم والمناس المنظم والمناس المنظم والمناس المنظم والمنظم وا

صدمتن المستدكي والمرادي المتعادم المتعافي عالى المنصوص بكروانا والمعسرة والمكا

چالىيىن ئىدانى ماھىدىيەت يېرىمگوگۇم كۆرىكىن قەرىپىلىقىن ئىگىرىن كەرىپىلىكىن قارىپىدى. گاكارىم ئايىيىن ئالىدال

andering 3:10 mas he relicies. Learned content of the resident The get of the content of the con

Language of the form of the self of the second of the seco

with the office of a ment of the state of th

المراح الراب في من المراح الم

1.00 mg . 100 500 mg ...

الله المساولة المساو

الماكيس وحدودها والالتال المتكلم

المراق و المراق الم المراق ال

coming comment with and my on an a surface to many not des Hong to my have and suffer the work of which is something or many to Not the about the production of the foreign of the company المواد المساور المراب المراب المساور المساور المراب المراب المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد الم المواد المراب المواد المراب المراب

Alexander of the forest of the first of the first of the first of والرابط فالمراج والمراج والمراج والمراجع والمواجع والمواجع والمواجع والمراجع والمراع متحاب الماري المستحدث والمستعدة ويواهم ملكه والاستطاع المدامية والمستعدد والمستكي والمستكام stiffs somewhile and a stage of the said a family of the say somewhile it المعرود الرابول ميلاد والمسائل مح والا محل المناسب عديد والمدين أمر والمنداء بمالي ووالموجمية constitute and the second with the second and the second and the water water the water of the state of the state of the state of Level with the the same of any order of the organist of the same of the organist of the organi to expended the 18 5 to 1 1 25 to 11 activities of لى و مانغ يكرك ي من كر خاصر بالأراب يا المها عبدالي الويخ كان وجامل الإنجاز المعارض المراجع والمحارون والمتناكية والمتاكية والمتاكية والمتاكية والمتاكية والمتاكية والمتاكية والمراب المراب والمرابع والمنافق والمنافع والمنا with the more any property you wind the new of him in service المريك والديسرواء والراحد بالأهارة اليا المريح المراكات المراح المراكات الم للم به الرائع به ين من منافع بل السب الما منافع الله منافع الله منافعة المنافع المنافعة المنا مع المنازية بالمحاص في 10 من منها الله وصفورية بالمناوية المستنية ومناوية المعاونة والمناوية والمناط

Some you was stored with the int we

المراجعة ال

The same and the same of the same

سميده في وارشيده ما تا مو الإراد ين سكن ما وارشي شد المدود والتأكد سند الواقع العديدة المسيدة المسيدة الم ساوال عندي الله المراد المي المدود الله المؤلوجية المراد المي المدود المي المي المراد المواقع المواقع المواقع المدود والله المراد المي المدود المدود المدود المواقع المواد المي المواقع المدود المي المدود المواقع الم

می نوانده از این است سدن مهار است سدن می در کاری کاری کی برانی به دارای اور پرداری در برند الد دیکستان بازی کسن می کی موده کی برد گلیستان به می مود بر برنده هنان بیستان کی در در دول این مختری کو میمواندهای میده وی می برنده نیز است می مهدود سازستان به کسنان می در امالی به این این این این این این میداد و برناس

هم و را برای به این می این به این می این به ای می این به ای این به این

الاستار الأوالان المارية المراد من المراد والمراد المراد والمراد والمراد المراد المراد المراد المراد المراد ال المراد المرا Language a . Le and experience and a sufficient of the sufficient

The way of the second of a great or where his year of a long to the way of the way of the way of the second of the

مودود به مناهد میشند میشند. از این این این میشند این این انتیاد میشند. این انتیاد میشند این انتیاد میشند. این انتیاد میشند این انتیاد میشند. این انتیاد میشند این این انتیاد میشند. این انتیاد میشند این این انتیاد میشند.

رین در استان در ایران در این ایران در این ایران در ایران ایران در ای ایران در در ایران در در ایران در

برگ و بازدهای مای که به و برسیار شده نداده که برا افزادگایی بگروه ناستگراییک کار دانده به بیکاری و براید برای ا



760803F

Surficielan ins a wide - a vert put

Developedownsone of the world and in Substitute of the first party from one of the state of th and on particular the same of your in a formation

har equipher you are all all the some some fair Carle Con Marine to her to the second to se على بدر الما أن المعلى من المراجع بعد من كوي بيان على إليان المواقع المان المواقع المان المواقع المان المواقع ا and the face of the first account the Sederal adjust and the second and they was the the field the

tellisher to restorment on a vine with the second of the second of the second breiter of house a serie of a serie of the and the second of the second o - the very set in the

را المساور و الم when the same of the same of the same والرامي المرابط المالية والمرابعة المرابعة المرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة in any design the way as a second the way the wild Fine they begin to a will call you c oranger of the man and inches the many that the state of the state o

الم المراح المستقل المراح الم

والمواهدين المراجدي والمواهدي والمداع والمواهدين والمواهدين والمواهدين والمواهدين والمواهدين والمواهدين والمواهد والموا

and the wing to be a series of the series of

د المان المنظم المنظم

Buck

المنظم ا





بندى بُونْ چُنيال دركي بُونْ چُنياب

همان والمساولة والمعاولة المساولة والمساولة والمساولة والمساولة والمساولة والمساولة والمساولة والمساولة والمسا المساولة والمساولة و المساولة والمساولة وا

- education of the con-
- are everywhere first " .

راه نت ده کار داده این به سامه به این به سامه به این به این به به دارد و می به ا مام انگل داده در سام ۱۱ بسته

Sunday deficient a function were any first on the first of the state o

الاست. المسئل الدوم أن الدستونسسوس عن الكي يستقولها الدائرة المسئولية الدولية. المنتقل بيكوم المهودة المعين ا المائية المنافق المواد الواقعة من الحرياس بالكيوم عن يوست Light Sail and and common answer who per sold some with the service of the servic

2 had sand the grant year of the stance . It was proportion to complete the complete the same of the stance of the

of John of an in plan, when I is not a way to a way a maney of the first of the second of the second

من المراق المرا

نی سوره این به سال به در میگیری داند. برمینیه سند به برگیری بین میزیکی برداند بین آمی از المساعل بین المساوی ب هم المشارک بین به در با با سیست که در کل می دود بین میزید به برداند بین میزید ما میزید بین بین بین المشارک بین این بادن با در بادن در برداند بر برداند به می المشارک بین

at the second of the second of

انط والما بالخديد ومن المصريفية والمدينة المسكنة المستوالة الكنيسية الموالة المسكنة ا

سوي تو در دمي و ايد سور ديد به ساد مجلس مع در در در در در در در مو در سدنده ما موراند و مواهد موراند و مو



وم ياسر

الكندي اللافل الله المنظل ا المن المنظل الم

4 42

will stay to comply with you have been a many to get a set of the major as to be the major as the first of th

ميد الموادي الموادية ما حوادية

tang-punggung ing alikatan pangan ang sara Mang-dalam saga san

4. 50 %.

the second will be a second of the second

in the last

1483 02-11

المراق ا

والله المستوانية المستوانية والمستوانية المستوانية الم

the property the war when we would not the

الدان والمداخلين بستاس بدوه المتحرف بيدان المدائل المدائل المدائل المدائل المدائل المدائل المدائل المداخل المد وهي الداند المدائل المداخل المداخل المداخل المداخل المدائل المدائل المدائل المدائل المدائل المداخل المدائل الم المداخل المدائل المدائل المدائل المداخل المدائل المداخل الم

منتمان بري والمان الله المجمع وعيد عليه المستحق بي المجدد المبار المستعاد المحتوية المستحدد المبارك المستعدد المستعدد المبارك المبا

ه سرایه شده اشاره خود به این به تیجه به به به بیشته به در مرکزی و که و به به همیسین مشاره ای است سای این میگی از گذشته در این می که در می است می می می بیشته به می بیشته به بیشته بیشته بیشته این بیشته بیشته بیشته می می شد مرسمت بیشته بیشته از در در این می در در این می بیشته این می است. سای در در دارندی می می



ہب۔ او پیکوڈی ملاقات و زیرے

أتما كالتأني فاصليصا بينسولات متزاوه بالرب ويت بليان مهنده معاولوال مجااب الدبيلي والمراق المراق المحالي لويلوال ريوسيطول الموارسون الماء والماء والماء المراوان المراح المراح المراح المراح الله المشاري ال

were the state of the second of a second عمل مجاموم حاكرم مريديدان ال

الرويون معتاره مستدر المساكل كالمراش المتعرض المعادي وترامل والأمريد produced in a second way to the second I was to the wind a factor of the work that it is a supposed the same second in the most of the the second of the المعران يجه والدين المعران الم or allegan series were series to be the second of the second of the second ميريون متى على على يكسيك على أو المهير - مدى عليان - بدوا المساقت الأواري عادا الميان عليه الأمسال والموجي لله of entire wife fills will on your of the way of war for

A hit was a set to the the wind and the set of a go the a street لا سر الكياسية والمسترك بالمراكب بالمستناس بيان بالمتحاص والما المراس المستناس المتحارك والمتحادية المالي -35- Wallet 1858 - 108

molecus floor of a western the see you the

مارسين طراء ك

waste for the in the wall of each of the said them All the the world to the both has a so the proper and the third to be said Very the more on it so were with make the character of the state of كالمال عليان في المراجع على المراجع ال مهم المورد على المورد المو في المورد ال المورد الم

A to the the contract of the same of the s

to colours in it is a mile the many of it is not to the second of the second colours in the colour of the colours of the colou

AUNTON IN A STANKE TO AND AND THE STANKE

College son I was much seem the

My may, a day on it

411. 11. 1 3

Francis of 29 sales

or - 1 they people

forth of the the way

the control of the control of a control of the

to the sales of the sales

and the state of the contract of the second second second second second

الا التركاف الإصافات الصناعلي في التي المستمان المان المستمان الم

الله ميل ميل المنظمة ا المنظمة المنظمة

at see you the section is in the fill of

الله المستقدان المستقدان

for the second property of the second second

" - من وصد المناسب المنافق المن المنافق المن المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق ا الله المنافق المنافق المن المنافق المن والمنافق المنافق ا

ا المراد المراد الله المراد ا

الما المواجه المواجعة الموا

مسلم المسلم المستعلق المستعلق المستعدد المستعدد

or manda the sea

the first first in the first in the second of the second o

راب يوه الإداري على الميان الأدامي

44 - W. W. W. John

so experience of the second of

of the state of the top secret the top secure of the second of the

مي موسي الميل الموادي

المراجعة ال المراجعة ال

ب در څخت

with a day of the of my 1. 1 de all

بمهارف ويلفاه ومنان المعارض والأصحر ويعطن كهدالهمد والمكاد المطارأة البعامكية في

المجادين

المايان بوميده إندالاتوريام

المروح والصاحب فكرموا ترووع المرياع المراوية والماع المحاصلين

Mary Hard San Hard

مان المحداد المراجع المعاملين المحمومين المحادث المعامل المحادث المعاملين المحمومين المحادث ا

والمراوع الماروان والمرواء والموال والحراري والمراوي والمنافع والمراوع والمراع والمراوع والمر

سهر مورداد والمعالم و المراس من ميليدي وي المساعد ما والحالي المنظم والمستخطرة المنهايات ويلها وينها والمناه والمن

to get the state of the state of the state of the state of ائل المراجع المامالي المراجع المواجعة في المسترجة المراجع الماري المستيان المسترجة المامالي المراجعة المامالي الم را المياد الإنواد الأرب الما ياب الله الماليون المياد المالية المالية المالية المالية المالية المالية Muc Day & weeks - on Fritz , , & 1 - 1 1 المستعلقة المحاسطة المتأثير الرائيات المحل المحاشية المواجع إلا المستطوعين والمجا العماريم على من العرب المراجعة

4000 years and a careful or a -ان البرائي الراس المربية المربية المربية المربية المربية والمربية المربية المربية المربية المربية المربية المربية J. Factor as were you work was the problem from - - They be

and a recognition of the second of the second Made to delete to 12 2 2 1 1 de march complete the state of the state J. 82.00 of the second of the second of the second II - C of the life also and thought to be about the to 544 Ja en 10 0 10 (4), le-

را المستخدم المستخدم

flicted to file of the service of th

the it is no interior that several the several several server is the several s

می در می می می در می می در می در

را روانه المساور المس

والإنبار كالمتديثين فكاوي

برها و المساول المحادث المساول المساو



بيديار وملدكار

ا اسموعظ شد و بطرهندگاری و بود بشک کهندنی وجیده میدند. و با دارد برای بیشار د هرایی را دست بیدند به شایشهای است با اینان ایران ای ایران ایران میکند از بیشند بیگی در که به ما مساور بردیستگاری شایی بر بازنده ایران و برایست میشنداد برای با در در است میشند از بازی ایران در در ا

March Liver for the series with the property on the series with the series of the seri

الله المساحة المساحة

a will some part or horse because it was the withing

اس است مون است مون من من الله من المواقع المواقع الله الله المواقع الله الله الله المواقع المواقع المواقع المو المعلمان من الإنجاز المواقع ال

ميد دو الرد دو الرد كن الرد شده بيده لا شده المردوع من مند دو الردود والردندة ميسيكية منصول كما في المردوع الم ولا ما الردود المرد المستدرين والمدار المستدرين بيدو العملان بيدو المستدرين المستدرين المردود والمردود المستدري

الله المساورة المساورة على المساورة ال

المستدال الاستدال الاستدال المستدال الاستدال المستدال ال

للي جرمسيان الما معرف المساويل إليانس الإيسان المانية وإداما والواقي ويعاوسان فالك

هجاج كإداد قبل المنطون كوما الصف كم سيال مباق مسيعي رواكن المروس من مندم والكرماك والمدوس كالمدوك مسال بيها وكالرباع باسامه وودوه واستداعه واستسيست والمامية ويستان المرابع والماوية والمامي والمتحاصين الابلاها والخريط والمطاعدة يذوا ليرعنكي والمناصري مكريات فشاطئا وأكر ومبارست والمصاري بالتسايل أكارجما المقاتك والجراج البيادي المتبيعة كاسام عاصا كاستفارك والرستين بالكاسران والمدري المدري المسابرا والمؤكمان كناد بإنعا الدامدا فكامغليص منصدح بالجموعي جويامب وعيل حيكزا وسيسكنا يميك ودسكسايسك وإصواء أحاءاست ساد فرى بالدكاست و الإيليان والرابي المرسعة في مرتبك مداند ميتري والمسينت مدين بالديدان ويسع الرحوا والاجاماء بمعتسك يصطبي بالمتجازت مهدشتا بالكنكو ويصيف ماهسان مراي بمهدت فكالمسكسوح كالباب المهادكا الماومين المع marker the to the same of the same of the same of

ومورضون وقرفيلاميك كميف في مسيامين الله يستامل ما وي والمانول مد كيادك رمثاني الواليء والمستبرعاني بيعد عرب شراوي يجرون كرمينها وأبراء والبيعا الدائرات عند وجاء بيد براء ستبراي عندي بهب البرسنة وليما بوكاكر مهدعين بالمنكر واسروي والمنطوع والبصمة لسنت وكد ومنت والبادر الرساخ والمنطيقية مكوكما استعباعا بيدعني لامال مسترك بمشتاوية خابعي أوست والركوس والخر مرسك بيكافيك وكشيئة بجويري الدسنب وللرح يعطرى كاستسقيه موقصة مصافياتهن كالأكواج معينت الناء الهمال attended to the state of the st

لتعاكل مي بيهدونلا فناسسك ناوي سوكيس سيجيد ويوجي

فشيطه اساقفاني جأؤ لايكشسون سديبت ويحداني مبهده الطاعب وليحيافنا مرزك فبأكداع بزيك لايك بهران المسركان بدعد والمواث عاما وسكامي كالكامس إيران بريد بريد المادي ساواي وصيعت بين م يه الأرد الى عنان حأو الإلان وهاز تناس كم النان الي الرياس ويده وعنى الديد المركز أكله يصديوك ومريضت كادوياكم وكيلت محدود مريك سافتانس والحبك اعا بريس كان ومحروا اعاد متعاكما والمراس المساولات والمرادي المرادي الم أتحو يسكه ملصيط تفاعام يوده ويطامنخ نعد يضب كأليث ويسياتكم إا وسنتاء وترمداكم الزكوا بالأي كالمي والتماري بعديده ويتاوان واللاب والداري المكارية والمعالية والأكارية والمتاح ويداره والماح والمراج والكروج وتبت at the war a contest of the horas of the flass Sigh which the Bearing of the Language who the is not a grant ب - على معدد كاستري واستن أفرانوا فرسالية المائين في المستريج البيروالي أمي الدائية الماميوم وأب من والتي بوادع والحواميتها بسكر ويستسنصيلهم أوادين ووأبية بصرف بينا تموس إدنيت

عولی المستراک با دوان مورک می که نظیم بد خدری بر کان که او برای کان که او برای برای کان که او برای برای میگادی می که دان برای سال کارونی



مصافح

است. دون می این این این می بروی در میرد برای این میدند. در میکنده می میدند و میدود این میدود این می این این ای این این موجه بیرد می این میکند و در می می میزاند این میکند.

دوی هذا برشدس پرداد و گاری میکنده بریده بده میکنده میکنده می میده بیشند کی سیست با برید کی سکنده می میکنده و ایم میکند مین از دگاری کی مثر در این سیست بدور و زیر بری بری بری بری بری به ایست برید به بیده این میکند و ایم بری این از کرده بری میزاد میشند بری بری بری بری گورد ساونده کی مینی سیری و ایست و است میکند و در این بری بری این از میکند در وی میکند دری در میشند که دری در گورد بری میگیاند میکند کی بیشند برای این این بدار این بدار در این بدار این این بدار این با این بری این این بدار این بدار

کی اور است کی براز اور پرانسکوری تا رواد دور ایران سیده می میدود می ایران واقع ایر بی کی بیست جنگ می اقا این اور است کی براز ایران برای بی بی بی ایران ایران کی تاری که ایران کا دور ایران ایران کی در بی ایران کنور ای اگر ایران ایران بی بیست دارک کا اس مراد ایران کا بی بی بی بیست دا که دور ایران ایران می ایران ایران

گازد. گیرد. گیرد به گازد هی کاملاده میشده می توگدیمی پیدایی به دو پاستاند و مساو مساوی به کامل گیرد می پیدای گازگرد و باوالد را گرمید به دو فقد را بسدای کارو نیز داد و برای کامل به سید باد این به است شده مو که میشده که این داد و برای به داری بادر این میشد به این میشد به بیشتر با دانسد او در کامل این میشد و میداد و م می از اوالدان می آندون که این داد داد این کمسیده این میشد به بیشتر کاملاده می کندن و این کامل این کامل این که در که میسیده این میشود و کامل و میشد کامل داد و می از این میشد و این کامل در این این میشد این میشد این میشد و می وهریت کشواند و با از بینگ و خکست وه مونت کشواندگی پایه چاپی بده موسود از بست امان برست و میکند و آن پی کمیلی جزوانگ

انها دروان واز بهدی ورویت در دید در در بازی برای بر دان باشد. که در سرد

the thirty in a mind on this endeath printer and a second

المجاري الموادي الموا



من بالدرد المساول الم

ما من المساور و المس المساور المساور و المساو

المراق ا

ه المساور و المستان و المساور و الم

ENGLISH STORY THE STATE OF THE

the whole who was a for a few or a few of the second of th

Second from in the office of the order of th

م المستعلق ما محامل الموسان المستعدد عن ما المستعدد والمدين المستعدد والمدين المستعدد والمدين المستعدد والمدين المدين المدين المدين المعلوم الله المستعدد المدين المدين المدين المستعدد المحالين المدين المستعمل المحلمة المرين المرين المدين المدين المدين المدين المدين المدين المستعدد المحالية المدين المستعمل المحالية المدين المدين

Application of the sense of the form of the sense of the

3-15

contraction to of sometimes and a light of the do



يراغ

المراجعة في المستوادية والمستوادية والمستوادية والمستوادية والموادية والمستوادية والمستوادية والموسيد المستوادية المستوادية المستوادية المستوادية والمرسكان والمستوادية والمس

مخارق خال دن می مصرای مصیفتی بازی بی او در دستین سه مناطقه در و این بید می املادی چنی کی دهده می بخشید به اس بیشد و میسید می ایستان با در می در این که سازی بازد و این به می دی انتخاب و میده مرک و تی کی داده و مساسط می بید اس بیشد و میدی بید بدر سیکی میدگی میدگی باده و می بی دی او مرسند می بید و این میکندای می تین از و توان مید میستانی دو وی بید و اید در اید به می داد این می او این او می ادادی کسیما میشند می کشود و می می این از و توان مید میستانی دو وی بید و اید در اید به این از داد این از دو این او این کسیم

جهزاره وطعات معین می الانتشاعی میشن به این می باشد کاری کنده با دادی کارد در شده به می برای ایسانی این می باشد می این بیشن بیشن می در کارش بیم این گفتی کنده اور این موکرسه وادا و سال در کنده دیک در در بیده می بازی واژه کنگ این این اودات دادم فره میشد



والمناه عليه في المن المناه ال White it is the state of state of the state of the state of a state of a من والأول من المراجع المساول المناسبة المراجع ent how a ship to story a a so the story ship is a story Alit of the section where the property of the contract of the same العرقاب مراب المراس الماري المراس الماري المراس المراس والمراس والمراس المراس ا tour wing it must be march a may again to grill will a live oftwar onto an vie

to the state of the same of the state of the state of as the same of the الاكراد الله من الأسام يك ما وساد من م والمحاص الأوليان من المساور المراد المساول and I will go an and a per was a spreadured

Hand of Jane I Extracted to receive the am the الانتفاع المام AND SELF PER INC AID

July the appropriate the second of the May or severally the last and a series of the ے ان کے فات کے فات ہے کہ ایم کے میں جو سے جی انسان کی انسان کی ماہیت میلان انسان المراكية المراكية

الله والما المستحديد كم الموراة إما " بالأكتاب بالألبان" كالماليالمان the exception of a is a real of the survey of the a since

ب دودری بیرونی میرون مفروس ماری ترست می تصوی اندوایی در آنی بی و بی ماور، ماهیور پی و د والواق را لاکر کا دیاے جی۔ جی کی محل جی ہے وہ منٹے برمانی کھیجی جمسوں و برمانے کا جی اور جا دیک وليل على مكاليس والإوام راي على المقاعد ورسك مدين أن ووالا فيها كالمادي أوي مبارث كالأخراب أمينان كالمراب والواب مدارة الأوادة الرسطان والاستان بالرابطية الموسان في دوة المساكث لكي دوامع الجنف مون يتخارز الداوي هيست وفراره ومنت الدين بريداره أويل والكافح وأثما في کا بید منازمان وسنان بوگ موطنده گاه دیسی تسریخش رکا نظیر دکیرگا وی مدانسرو در و ریش آی ب كاسترج وسه كمن كاسدار سكان فراس. و لاينا يطر و دان و منااستر ب الرميدي والاث ي المان و المان الكرواي أيسناد هري البنت كحياض الهريث الدي يلصل فيهن سورة بكراهن بدمشان وستناها ومحاجب وإموارت المدع منا سعاد که دیا بال سانده در دریش بست که سعام بر مادی کسی کسی کار کارت نیز دریش برای ا مناوي - الماروي كانت اورود سينيكو يي شولت المسال برست در - ما وكالمسيوب المسائدان - 3- برمته والساح أسمار كاسبته عبى تحديد كالسيدواق السابي كالإيمال بنت وأحذا العسيسكة محد اعول کے دوائر کے دوائرت کم بھی سے کھی حسن کمچے ہوئے ہے جہ مت مرج استعمال کے معالی سے ایپ وائی I you from your on any on a war should an affect world الوواندي ندي که رو گاورگرگست . وه الودستای است ای مهامی د (مرقی الإستان والمعالي المناسبين في المري و من مناور مناسب المريد بي

عام النامي ... ويواده ميثا فورساس وومارسال بوساع ميي وهبل مخالته يي دم منا ... احرر كمك م



اشرفى

کیل بیسان کی و مولیت رست میده مدی بی ندهسده بیسان کی شده است و کی بیست است کمشش بالاگ آو با المان به بهرگی کمای مشده مصابحی را و بیشه و رست میزند از مصلی کهشش کم در او میگویجه در بیش میل مد او آرای مدین بی بیشان در است می بیست بیست می مکنده کی رسان مسیح بی اصبیت می کامن میاست به مکسید کمای مسیمی می فیلادی کامی بر مسیمی که در بی مالاد دو کننس می و کردند با این مسیح بین بیشان و ایمان

بدا فریا طاحی و ای دوانجست میدی و گرد از سند به در و به و به دو به سند ها کند خال میلمال سند میسوی در به شده می بوشد به به میسید در مدید به میدی به سندش و امویدی الاست ای به می به ای کار مدید و با به میداد کند او دیگی به دست به ناکست در ای بازی که توسید با در ای کی به کرانس یک در ای دست یک رکی فاتر و ای به می ای میکی به در بی گذریت می به به میری است کم سعید بی در در ای ای به می ای به می کند و ای به می کند و و ای به می می به می می می به می کند می به می کرد ب می امری ای به می به در این ای به می به می به می به در این به به به می به می به می به در این به می به در این به می به می به می به در این به می به می به می به در این به می به می به در این به می به می به در این به می به در ای می به در ای می به می به می به در این به می به می به در این به در این به در این به می به در این به

the hand a secretary with the second of the second of the second of the second

ا هم مثال مها العلق هم با مودی و ست که دو وجهار محسیده و این شکسه دو هجه و برسی معدومی من فردی این ا کمک بروه برسیسی مخرای فردی به مواد استان مها مهدور و برست کردو مس گیرید انتخاص کارد و دودود سیاند می این نیست این امروز ای دانی به برسیان و دوستان مراز و کاران سی کند در د

امن ارست میسود و داخر به میسود سرمهای که صداحتی داشند، کارهی به رسک کی میسینی در اطافاکد ه که هم به این که این این میسود که در بر به کارست به که میسود و که و میسین کی در این این این استان استان به میس میسین این میسین این که این میسود که در بر به کارست به که به میسود و که و میسود به این این که میسود میسین میسود میسین این میسین که میسین که میسین این میسود که در میسود به میسود این میسین که میسود که این این میسین که میسود واقع میسین این میسین که میسین که میسود میشود می این در در میسود این میسین که میسود به میسین که میسود که در این در میسود به این میسین که در که در میسود که این میسین که در میسود که

سم ال طوران المران المرق كم مستقد الهد والسيالية المجول في مقابات وكد التداكم وسائلة والمستقد المرافع وسائلة المجول في المستقد المرافع وسائلة المجول في المستقد المرافع والمستقد المرافع والمستقد المرافع والمستقد المرافع والمستقد المستقد ا

هما الدولان می با من مستعمل و به می باشد می باید و در با به می بادولاد و بسته می باید به می بازنده می و از الم وازی کمیکن کاری ای مستعملی کرفتای ای اوران ترسی و سد را بر موسط بهای استدان بر در بر می برود از می بسیده از منظمی و می می این ایست می بازد می می می از می برد ساوار ای ای از می میگی الاست می می بدر می بست می انظر در که ای می و میزود بر ای می می می می می برد برد می در در در ای ای از می میگی الاست می بادد برد می بادد می چنا می می می می این می می می می می می می می برد می می در در در

and of the contract of the same and the same of the contract الربيعة ميد الرب سيال وليوادل ما ويدر بالشداف مشمنوي والمعا الرب الربال العلام والمراد والماسة والمراد كالشمخلل يرفق البرمالي كان برقية فحال مربط عيرانين تدمال المصب بالهال الخريب ومن المرابع مان و من من من الماس الماس الماس الماس المرابع والمرب والمرب لاسم لاد ي وسيكورهم وي الروا مواقع ما الموسية وي الموسية وي المعالية المساور والموادي المروات والمراجع المالية محزى لاستاوانساج في مستعاد المري ساسطين معيدان ب المراجي ورف بالأعما واستر مريكي died was a sufficience commencial and a de solo لشائل النامية ع بمدين عن ورا ورا بعد مبارب ميرون موم بدي and for and onto fire. I have to the ways fort والمستطين وكمست مستوي الادوكورساع والامار والمداور بالبصاحل كألب والأخ word from it is the se a wear a come of the of the contra الايمالليم ميليدوم بين دري و ميدوس و ال ي الي المادون و ايمون گلهانی بر برخود ماکارلوی قباری است کار بر کرد در تاریخ را در در در eyes - m. stal - mil and property - 18 with edo where who some our or and so ditto who he البديل استعمالية المرافع والمسترين المرافع الم ويرور الآراء الإراد المراجع والمراكز المراجع ا But is a single Ever In waster of Employed & Broken

ور المستواد و المراق المراق المستوان ا

" جلاا کریم کی این سال موسد و کس و درگزاشت کامی سد میزیدی گفت این این کو دیگیگا جا اثری این وشتی رو تو درگزارش سالت میزدگوریست میداد اند و صفیت کار کار بیست میزدگانید و دومیل به مای که مراب میزو در در درگ دومند این سسیدی و ح کیست باسد مین بستا میگیر دسگان سد این و درمیال و در ما آی درگزارش میزد برای میگذرود این را می و دار جا کند میگاد و با اساد و سده بست کا

الم من من المنظور من مساهون الموقول المؤخلان في المسينة و مي إلى العاديقي بين تشريط المعادد في بين تشريط المعاد من بين الموالات الفريك المن المنظور في ما مسين والمائل المن المستنظم المنظور المنظم المنظور المنظم المنظم

المراحد و الله المراحد على المساحد المواجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة الم المراجعة والمواجعة المراجعة ا المواجعة المراجعة المرا البارسة كالبريدي من المساورة الكريد المساورة المراج المرا

ا بی دیگری برای برانسدندند. دو دیمید به بیگری برویگری دو دیگری معالی سر بروان دفروی بردیگی و یک بیده میشان دیست بروان و انتیاب میشدی با برای دیگری از میشدی برواندی کرد مروی کی سروی کی سروی

المراح و المساعة و المساع

" و مسورت الانصب المدمنة ، وعد المستعاد بالراح بالحراد كالأول للأالما الكوام فكالما في المراح المراح



القديمة المولي المستجد المستجدة في المحافظة في المستجدد المستحد المستحد المستحدد المستحدد المستحدد المستجدد المستحدد ال



381

المكافر بازو يونك مرسود كرسودات يمريش وعرقة

carried beginning stoll

كبرسيده بالحاظ

ع سندو المحاق بدير على عاشد . و يكامان طريعهد والإنشاءها يست مخيسك والأمامة

will so the south in the state of the state

من المراقع ال

ولا المراق المر

ميدون کريد به ميرد درود والانساسيد دولان المانسان المانان. الانتجاد و و الاستان کا دور و بادر بدوران المان.

was the property of the second of the second

Gr. wile + Vais

الما الله المساولة الموادلة الإيمالة الموادلة المساولة المساولة الموادلة الموادلة الموادلة الموادلة الموادلة ا المساولة الموادلة الم الموادلة المو

> wan en aparti Janeste La catalina inach supporte " sinti o septor in the these of o"

of 15 plant of the state of the same of the same of the

Low rolling solution

strate - about the said some the is

15 Noc 15 x 35 - 4

" بما من المسرى الله الله المعالم بسيدون وقع المراح والموال والمراح والمراح والمراح المراح ال 15 & C. Drawing was Socialized 515 was a copy of the which is an a market a general and a selection of the الرسادي الديمان والهاكم من الماكيات الماكان والدين أوطان أوطان والمساعد مك يتالي وي ويت وي المري مي وي وقيد في المدينية عي الريودودة و الله عالمنا الله عاديء عالم رواح عمل الموعات بالمعالمة ما الماموا بي ما رواد ي سال من والماموي من الماموي الي والماموا الأمراء الماسياك والمراد والمستوافلوك المعوالية الما المنادان ويكراني will we say the ser will a ethoral record of restore de la contraction de l puris to reflect to so so was with I - my hor معالمت ماع برافع الاعرب وعالات بالمحر بسيعت استان سنده والدي فالرافية with a justice of the to the standing of the standing of all it there is no a consider a description of a development of the state of Level It women has and will contout at Landone Warding of Land out to a 500 hours inte as let you many and in the second with a fill of the second of He right to be - di , and a laborate to they physical per site to me the second water to see the second of the second of equal & itemor who was in where

the allowing the soul of

جران سيد ونتي شامي الأبيل سن صادولي الإيمان الأوليان ومها الأوليان. محال الدست في مها تا الميل الكواري السيديد الراجية ومشاري في الموليات الموليات المرادية المدارية. ۱۱۰۰ فرانس و مدود بالان محادث ها المساول موسوده و هوان است مناسط ما المراد و المساول المراد الما مدول مر تقدم مما الماره و المساول و است مدام المدول المداول و تشافق و المدود و المدود و الما المراد استان موال المساول المواد و المارات و المراد و المداد و المدود و المدود و المدود و المدود و المدود و المدود المدود و المدود المدود المدود و المدود المدود و المدود و

" After show and it is the sail

" بیسته ۱۳۸۵ میچین باید نیسته میگذید بر سه استان کشد او نسسته " (باردود اکسایم "کیشن سوک تا می تمالی السیایی یک کارده استان می سازدی سه میسند شخص ای سازی می بادد می به برایسته دانش کیشنش بایده و کمی می را دید می بیشت پیشتی میکند. و دو دید بهیسته می شوار در می کمی میشتی می شیخه میسیا

عالی فی نابرست این بیان به من میشدگی به این فی ساز است و با میشد و این بیشت داد. میشد و است و میشد به این میشد من به بیشت این این و فیست بی فی میشد به این میشد و ما های عدمی بیشت با میشد این میشد این آن کم میشد کا از میشد کا میشد این میشد و بی این و میشد کی از میشد بیشد با این میشد و این میشد این میشد و این میشد و این میشد می می میشند و این این و بی این و میشان میشد میشد و است بیشد بیشد بیشد بیشد بیشد و این میشد و این میشد و این این و امید میشد و این میشد و این میشد و این این و امید و این میشد و این این و امید و این و امید و این این و این و امید و این و این و این و این و این و این و امید و این و

الگراهی است میدود و در موده برای شنای از نشانی از کارسته داند تا بسته داند ندود و این از در موده و این استان و است موسعهٔ این آن میدود میدود میدود این موده و این میدود میدود میدود برای برای مواده و این این میدود این از مود این آن میدود میدود میدود این میدود این میدود میدود این ادار میدود این م

عداد من المعادل و المعادل عدد المن المعادل الما المعادل الما المعادل الما المعادل الما المعادل الما المعادل ال

آلفریده می محق به افغاز مستنده افزاد ه است می به درسان دو میشونی داد می همید کاری به درسی ما دو می کوست می مقلب و مستنی رسی دادی به گوری می برد برد کاری بری میست معاوید. وابستان انگری برگری می می اظهاری در مقاویل او میست می گیران این این رسید بر سیست می باشد این این می می می می می می این این می آلید کرد به میکن برد می دادیدی و دیگی در در این این این این دادید می این این این این این این می می می می دادارد می نتاه مجارش مواجعت به به مدارس معین آنی المی مصفود به نامه مصفود به های و همی آنوال کنده وی به به اورمیده اورمی میشود کشندهایمی واد دهداند که جوستان بیشند درد اید رفتی و گوداد گیادال به گ ایم مصفود به این او به میدنشداند بن مرد شده دا در میده گذارد اداری و گرد داد گیاد در می و گرد داد گیاداد استان مهای محمدت ما میشاد با یکنی باد می سستنداند بن مدرست میشد به گذارد اشترین براد اهم معین میشود.

ngh sibre the linguist workstoners. I see ein in 1922 in the Whitely are with a select that the list is a subjection to the second that the list of the second terms.

الما الله المالية الما

ادو می بازده از الفاقی به این الفاقی می می می المواقی می المواقی می المواقی می بازد می المواقی بازده می المواقی می از این المواقی بازد برای المواقی بازده می المواقی بازده می المواقی بازده می المواقی بازده می المواقی بازده ما می می افزاد برای می المواقی از می می المواقی بازده می المواقی بازده می المواقی بازده المواقی بازده المواقی

o color or

1 000 120

مسیق میں ریاف ہے ہے۔ محالی سات ہے ہے ہے ہے کہ ایک

م الله المساول المساو

الموادرين المرادي المرديد الموادية المنطقة المنطقة الموادية المنطقة الموادية المواد

علوص الشهيد موثر علمان کا کان بيشتر بسياس شده اين صحابان و مساول و بيشتر. فعدگمان دوم العالم الا بيشتر... دو

ا المراق الإدامة في المساكلية على الراق على الإدامة من المساكل الإدامة - المساكلة الكوام الذات المداري الا المساكلة المعلي المساكلة المس كان كان المساكلة المساكلة



هم المراح و المراح الم

4 6

۱۳ بر یک در ۱۳ تا ۱۳ بر ۱۳ دیدگلسدای کوری وسیستی دوامی دیدی تین کند کهرای آنگهای ایک ایک ایک ایک ایک ایک ایک ا مناب شدگاری در ایک در گذشته فروند. من ما و المناصري من الرائد المناصري و المن المناصري و المن المناصرية و المناصرية و المناصرية و المناصرة المناصرية و المناصرية المناصرية و المناصرية و

ه کارد و البیده او سازی به درست که درست به درست که دروست همی همی است. اصطفه در دانش مشتی در اورانکه به پشید سرست به دروش به دروش به دروش به دروش می انگاهای می شدند. می می می دروش می دروش به دروش در شدند به در در بی در دروش می دروش می دروش از دروش می دروش از دروش می دروش از دروش می دروش از دروش می درو

4-11-18.

الم المسال المس

By no Shell

Note State of the second secon

المن المنظم المن المنظم الم المنظم ا

where you remains not not be seen a supply to any the seen and the see

المجاري برادام من المستخدم بروالان المدار المستخدم المدار المستخدم المستخد



ويشور كرايين الكرنج

To proceed and the stand of the de de an in any the title of Service in it is a service of the service in the service of موجومي كي الديندال و ريسك مه كس اليب طريق ويريب والحريق الكيار وكويل was the middle of the winds a true of

the many extense of the - down the work the Flower with the sale - range standing لَوْجِ بِيالِهِ. مَا اللَّهُ فَتَدُرُ وَمِنْ عَرْضُ جِدْ مَعْلِينَا مِنَا السَّلِي مِنْ وَمِسْنِ بِالْعُرِينِ بِي كيام العراق المارو . . . يوا ع . ك الله المام عايداً والمستعلى المعيد المركز عايداً مشميل سيد مساور شنب و امد بوساء ش مجر نابل حدد لهم يصربيل والمارة كارد Here the segret a se all - 11 1 . . - with the better water and the same of partiage

May be sold in the sold of sold a sold in a sold of the Wind the following in a factor whom the factorished كمال در عد الى ال دادر ب الرياد عيد عيد الإيراد ويعالمون مراكلاي مخرف و الدر معاسد مراه ما والا برا عادي

المان كسد وعادان مساور بلاك موانه ال دورون عدد أقست كالمل عدود في ميعديهم ووستان في معرف والمري و و و معرف والمريد و المان و و المريد و المر Elicoperasition at is about the person is the property where wet when when it is the العدال المسورة والمناه الم

وساوا و المراب سروا المراب و المراب المرب المرب المرب المرب المرب المرب المراها و في الا من المراه من و المراه المراع المراه المراع المراه المرا ولايلي من الموسود المراجع الموسود المراجع الم

at be not a the second of the

Existence of the stage of the stage of the second process of the stage of the second process of the second pro

المستعمل من الإن المستعمل الم المستعمل الم المستعمل المس They will to the liter we the is a comment of the production of the second or the seco

مر المراق المرا

الموالم كلية الموالم كلية الموالم الم

Complete to all a separate production of the separate production of the separate of the separate production of the separate produ

ه و ها المنظم ا



دِل كَ وَعِلْمُ كُلُّ الْبِ

yenglanding the war and the remark suffers of the

13/19/2016/19/19/2016/19

المراکب می در به و به ایران و به در ایران می داد و ایران می داد ایران می داد ایران می داد ایران می داد ایران می ایران می داد ایران ایران می داد ا

Completed States of a month of the state of the states of

ے معین اور تھے تی جو صودہ ہے ہوں ہیں۔ ہیں تھے۔۔۔ ومین اور کھرٹ کے آخر دائی نسسانڈ کھنا کی گئی اسان وہوائی مجرائی رہنے کا مسیدست کی سطح وابسان مسیدست راہدا کہ رہنے کہ فائل سکوڈ یہ درنگ علائشہ ہوں کے اور پر بھائیا مہومیت اور اس کے رہیجے ساتھے۔ بھرتے مدیدے جسٹورہ

التي يسمون برقو من التي يستويل المؤخل من حصر محيد مواحر كالتي المؤخل التي المواحل المواحل المواحل المواحل المؤ عند به المدين المواحل المواحد من المواحل المدين المدين المدين المواحد المستوات المواحد المواح

میں میں اس میں اس میں کا رہے ہیں ہوئی ہوئیں ہوئیں ہوئیں کے گھیں ہوئی سے اور سے اور ان کی حق والد کہ میں اس میں ور انسس کی معاد اور انس برائیں ہے کہ میں رواز رہندہ کر کا میں کھو رہندہ کا کا بھا ہے ہو ہیں۔ اور انس کی اور ان رائی میں ان کا حاکم میں کہ مدے ہیں۔ اور اس موروز کی اس مواد رہندہ موادی ہے کہ موادیا ہوا کا میں اس میں کا انہا مرائی کی کا انسان ہمیں کہ مدینا ہوئی کے انسان کی انسان کی انسان کی کا ک

الله الما الله المولاد المولاد المولاد الله المولاد المولاد المولاد المولاد المولاد المستداد المولاد المولاد

ئ جُردِل

ه به المراحة المستقد المراحة المراحة

الموسود الموس

عبد الرابط المساولة والمساولة والمرابط والمرابط والمواقع والمواقع والمساولة والمساولة والمساولة المواقع المواق و يكسده بدا في المدافع المواقع والمدافعة المدافع المدافعة المساولة المساولة والمستدي المساولة المساولة المساولة من المدافعة المدافعة المساولة المدافعة والمدافعة المساولة والمساولة المدافعة المساولة المساولة

و است بین مورد که مشده است کی یک افزاندان در در این بینانشدی امید در میزان بدید به آن مای به مهداد بی مورد که بین که برخته کی مورد به است می باشد که به کواد است هدای و بهت عیارت به که عیدان شده در از این مال به مدین میشان می همان به این این به این می باشد می بازد را این می این می از این می از این می ادر میدان باشد بدید می تصویر می می می و در این می در این این کاری از در بین از این می از این می از این این ای

ا منده بن الرئيسية ويسكن بالألي مدولين بسياما بن أو المنكس بنيسية والما الرئيسية والمستان المسال المالية. المالية بن المريسية المرادم الميلون المسافرية

کیول کیمامت کم بردی ہے ای و س ریائے کی ا

ایی دینندگنام فیضیده گیرشنده برین منگسد (مینید بهانچ سرم بل به بد حالیت کرگال فاسل حالما دیالات و ۱۳٫۱ برین ۱۳۰۰ بهای ۱۹ این منداست این می وصیاست و دسی در

المراقش متا به الجاملية المساحدة على في من من ما مداس مستخدر إلى الحالي جوالي اكان النامة المتناكب المكل ما المراكب ما المراوي المداسسة ورام يكي الاستداد من كرد بجواره الم من ساعت كان المستان المدالية .

ا میمنود و جوز ساز ای سازی که واقع سے الواسی باکورکی پیش بالک وافقیت و اکرکیت ہے ہے اور پی انقلاد بالا و

اگر عربی بیشه گفت او معام ای به همان سدک مادی را امه فرود می بی سده کا مادگر می به به به به این از این می به ب ۱۷ که دخت کاری است کی در این از می در این ساور می سدانی باشکر در این این این شده می در این از این این می است ک می به بی بازی از کست از میزدگری می اوران می این باست و امنی بدر این ایس از میکندند و این در این این داری این ا می میشان در این این این این این این می سازی باشد از میکند، این کمیشد می میسان می می این این این این این این این



مي بهاد باطاء مناط فلت و بهايت ماي در بدر بدر بين مدان والسواج المعمول و سا سان الهارية مناوي الإلمال ي مشوكي بها وكي شيء بيراه بدين مراه مند منكسرة هرصد المي المراجبية العمل ما وي والمامان والمال عبره مناع جنائل بمبراته الأراه فالممانية المريشية إياة بالأمام فأسيح مرسان الرحاص الي اليجند من " السي عند المدر على الياة من تصف " يدار حام الصلارية على ومستريد على وروجيع ينظوهم سناهما وعنص والرواري يستانيك الإستان عارات الهاويجية the property there is not in the second out of the يجيره الاراساء بين المستحدث المستوارة والمستوارة والمست ا بالنام ورود و سال الرادل م كان المرادل م كان الم المعلى من الأل تشاع والمان على الإله المان معراسته الوال المراسي المراسي المراسية في المراسية والمراسية عادة الماسية والمراسية والمراسية والما عنامر جسانهن مساحظ فأكرحسني المترجري ألمت والدواكيس كأبال الدامي الوال ادادة كالمجي مع الما المواجعة والمعالم المعالم المع الله المراف المرافع المرافع عند والمعالا والمائية والله المرافع المراف 156 No to a surrente of any worker is organ Phylo الرائب واللي والاستنافة المستان على المستان المستان والمستان والمس

الماده المعادي تحديده والمدارسية والمنظم المدائد من المدينة أن مدينة المدينة المسائدة المسائدة المدينة المسائدة عمل المن المدينة عن إلى المواد المدينة والمواد المدينة والمدينة والمدينة والمدينة المدينة المدينة المالية المو والمناسعة المدينة المدينة المدينة المدينة والمدينة والمدينة المدينة ال

۱۱ داد و برسان با برسان برسان کی در ساز می با در این با برسان بر در با با برسان به در مرسان که بی باده این برسان که برگری به و برسان که برسان که برسان برسان که برسان که برسان برسان که برسان که برسان برسان که برسان ب

الإبكر أأنب

ا برا برای گرمیدن سال آن به در مناص سای همیشنده است باشد ی برد ۱۹ و ن واسست برد و درمان است از سرست ۱۹۰۶ تا تا یک میشوده بدر سد بردی برای به ماده اظام برد ادام برد از ای گذاری میزشندان به سطان با گرمین دام میشد وی ادام شد الل

الما المستوان المستو

مهاره موسعه موسعه موسعه به المستهدم الله الله المستهدم ا

ما و المراقع المراقع



ر^و هنگی

المجلسة بالمنا باسكان بالإسكان والمستقدين المستقدم المنازع في الدينة المستقيدة ويتأكده والمستقد والمستقد والم المان المراسبية المقر الموسية المنظم الفيان المستقدم المستقدد والمستقدد والمستقد والمستقد والمستقد والمستقد وا والمنطق في المستقد والمناف والمستقد والمست

این روست معولا ما رواحد در سیست می دانور والث کی توج به باشده شده به بیشته می می است.

المان به این این به بیشتر و توجه به سیست می دانور به بی بیشتر به می این می این می بیشتر تا این به می بیشتر بیشتر به این بیشتر بیشتر به این بیشتر بیشتر به این بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر به این بیشتر بی بیشتر بی بیشتر بیشتر بی بیشتر بی بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر ب

anison of health of the state o

کود است و البنداد و به الرسال المستون و المست

والا الإدارة والمستاكر الأوام والمناع المساور والمراكز والمستاكرون المساوعون who stands with a day to be ever the محالي فوعهب والبياك المام مح الإصفاع بالمام المناس بالمناس المام والمام والمام المام المحالف الملكا the ending the fire out of the water عالی ایست کی بریکی اندے ایرماے و بر انسانیدہ میں بادرو سے مار میں سرگاف الله خادى مرافق برى مودكستاى روسان با بايند دار المرام كالمالية · the might interest in a court warmer & with 5 who ر المراجع والمراجع المراجع الم a works in method were longs in lost ensules محاليات وداء ووالنبدير والأواد و المسهد المادلان بناف بالا المحروع في من of a reference to a distriction for wanter المحاملات المرادري مداد و معوده والمسين العالم المالي والما والمالي جاراتها شندل د ي ريال بيت ال موج يا ميراد يا مياد ي د دار يا د how my to be the thinks the district Maryly to a wife will be a second to a few or whom toples in a serie of the top the state and the series of the you will a margacial of a security of أل يستان عن كاستين على الماست والمان المان المان المراد والمان المان ا - in sent was with the wife - note

ما ما المصيف الما و ما عصب من و به هم المراق في المستخطر الما المستخطر الما المستخطر الما المستخطر في المستخطر الما المستخطر الم

الإتب اور بروستي

traffic of

والله فالمرت من الاستان من المرت الله والمستحدث المرت المستحدث المست

المراق ا

الم مع المعالم المرابع من الما ما ما ما المعالم المعالم المعالم

الكرد المستعملية - رياد يكون المستعملية المستعمل كالكرائية والمستعملية المرادوا في المستعملية المرادوا في الكرد الكرد المستعمل المرادي المراد المستواد المستعمل المراد المستعمل المستع

to we wouldn't the

عالی است کے مرازو سے مرازو کے مراز ماہمیں کے مرادی بی ایم اس میں اس م مراز میں میں میں اس میں است میں است میں است میں اس میں کے در اس میں اس می

الميك وهي الطالب من من 100 منافق من والحال من 100 من المستقبل الم

1----

هجره العالمية بالمراسين بين كالمائدة في المساوات في المائد المساططة المساططة المساططة المساططة المساططة المساططة المساططة المساططة المساططة المساطلة المساط

المراد والموسية على المراد ال

مناد صدر کا کا راد و الدور میں میں مصدود کی مدید کا الموست المجادد الموست المجادد کا الموست کا ال

برخی به هوان هوی می دوای ماد بینی از در اوایز کاه برایسته و کیا هما کی وادم ما بیاسته دو winder war solly to set you وتحقو بالمائي والمستان والمستدين والتنا

المعند المرابع المستعمل المستع

الإيد عالى المرا المراس المراسة والمن المراسة المراسة والمراسة وال حمر به العالم ال مكتب الع

a Starting of the - and the agree in adopt Side. Rodder State and and was to be the way of and who have the server I would

مكافرة المدين على المراجعة والمستان المستأرين والمستان وا عال وقاعت الريث المنظامي المستان في حوالان عربيت وإنسان ويت لمساق فالساقلي

مان الكارسيات الما المحديق المان المعاملة والمن الكومات والمن المناسق المان المناسق المان المناسق الم الكودي الكراها وي كل دوي كل دوي كالروي من الكون المرادي من المراد الكراد الكرد الكرد الكرد الكرد الكراد الكراد الكراد الك 4808 440- 2-80-80808

waters it 1

word a state of the state of the state of the state of the state of Proposition the or stylety

المعا بيسته الإناء بالمن الان موقاع والميام بالمستركة أيس فكركز وإدركة كالتعاميل world a second with the operation were with the کرنام دیا رویو دویم کی شاندر می کاشتان می ایسان می ایسان

وب الحادان صحد المراي مامنا عصيف الكنده ييز عاب الكان مساحك بحثو المؤتيل بيص كم إلياء

العربية المنافية المنافية والمنافية المنافية المنافية 10 May 10 والمراجعة المحاول الم

Je 5 10 2 10 5

بهار بالمستكم المستكرين ويساد بصكيم المستكراب والم

بهغودها وای وال می مواد دود گیرگیزشت سندند شد بدر براه و می آن ۱۹ سال آنا برد انسان مدهد شد. مجاه المواد برد می و در اصاده مدی به و می هداد برگی سن میدند و بدودگیزی ساسد که ما آیا این از دو میدا گیره ایا و در همید می داد و می می آن واشده می سازه ایر ایمی دارد در مواوید در می دوان سدگیری می داد. داد می می شدند کی اورکیستان مد ترب من استران سد این است می است میداد مداد و در آمل آند. روی می می شدیم کان در می می در این من استران سد این است می است میداد است این است این این این این این آند.

energy opers . Sh

ا برا اب اب ا مراسب المساور و المار المراسب المراكم المراسب النابي راهر عادة عام الدمحال كاس مساليات المأسد وب المسيالة وست المسر في دوم ما من ومد من من مدين بي اللهادي يا عمده غرب والمستنب برق فأحسبت بالمسكاف الدوا ويسامه توالوستة of year of the way were it is a work of the مخ والعب الكيد بينظران وست والمواجعين عسامي البالا ويجد المواجعين والبياس والمياجي والبير كموجة منكال كالمسان فاستداقه وكالأستق ويعوان والسيار الرابطية أوجه أكراوها الم المناء والمارات المنافع المرابع المنافع ال duction and and it is not the way the 1 winds of a strong of the strong of the strong of the strong of the strong of " The wind of the standard of the state of the standard of the كوالاب الربية بسائمه وويلام بيه والدم الروع يماني والرام الرارع المعاش في المريد منتاه آنرس، برمه مدونها بر بودسال والمراسية عال و حراج برماه المدينة تشيرته بالموادي a from the wind of the way to the world of the المراهم الكراكي بين يجيد المراج أورياك العاج كروه الراحمة المي والعالم بنداوي بالمريب الكا Free Start wells, the Alexander of the son of the form يكس ويناه وكميستانين

ہ اوراٹ کے کت کِنّ ن کے کرے بی

مح النائز المراسل من ي علي عود من التي مراما وي مراما ول يري والما ول المراب المرام والمراب الريك عليب عاديثك وهاي شنيق ويني كالارارات وأناء سيولي ويؤكونيك بالسانك الريانات واللوع المناكبان المنتكب والمراكب

سامسلود الزميداد بوريد كالمدرجة الإنكرية الاستان بالمراثي الربيين كالربيد والقارق الربادي كالر التهالعا أنجسان مسبب في الصصائعة بست كوشي في المبيد تهاجها شار تسبيد وقيبيكما ويسبب المصارفين الأوارية المستنافية بجاري المكاساوي المستحض بالماداء والمتلج المتوال ماحي المانية إلى والنهاء أن المعام والمستندم الكي إماريسية مستين المهاج والعربي يتصادرو والمستاج والمراس عالاي المناه بيدوات المالي الماليات والمالية

المنابعة الرابعة الأرواع ليدورون فلي المستوالة المستوارة

prolydong , It i was prome as so o de me in the کے عوریاں '' سنگری جاہے '

المائد والمراب والمراب والمراب والمراب المرابع والمرابع المرابع المرابع والمرابع والمرابع المرابع والمرابع 44 September

الكر جاء صدر برار الررك لا كريا ما بريا ما بريان بروان المحريق كي يومال يوان الرياز من يي والإيلاكيكي أنب كالماني والمنافرة الماني والمستعال المتعادي والمتعادي والمنطق المانية

ال المحراكلات بريا ن مساخلات باب

"40.00 Bisyon that &

التوالين المستعدي والمناهان الواليان والمياري المجارية وكيل والمي يجاريك والمتالية هم المرابط بين المساوية والسوينة ووه كالمربط بين المائيس. المرابط بين يسكن كالموس إلى والمساكر ل کی وائد کے باوی میں واب میں بال سیسیدی میں کا سے ایسان میں ہے میں کا ایسان میں میں کا کا واقع کی ا سننظش ببنداه رآوال مي بطعنه وريدي كراس باديان عن ومسدقين يؤخي سده العبدي ولعد عمركي معرفاه ميانيا

الم حدب حادث الك والسرك ا

ا المحارة في المسيدك ما المراه المسيك بوائده عند كالمسكوم ب المسيك و المستسل المسابك المسابك المسابك المسابك و الما المراكز في المسيد الكوائد في المسيك و المسابك المراكز و المراكز و المراكز المسابك المسابك

المناور " بسد عالم من بدو ورد برگرمند کا الادر المدور الم

en-de elso estates el de

المساكم ورويس المساول والمستوال والكرام والمراجع والمراع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراع و

الميون له مسال بهدي الأسطال العالم الأوالية والملكم في في وال

كون كونيك اين آبوتي

و المستنب على الموادي بالموادي المراب و الموادي في المدينة الموادي في الموادي الموادي الموادي الموادي الموادي و الم

ر المراجع الم

من المراق المرا

المجرود المراجعة المساول المساول المراجعة المجاول المراجعة المجاود المراجعة المحدودة المراجعة المراجعة المحافظ عن المحافظة المجاودة المواجعة المحافظة المراجعة المحافظة المح

مرانس میکنند به او این به شکند دی گیست میشان که در این می با در در و دا این با با این با این

صرد دگارد کا کارشده و بدود مرکز موروش کا ادارید یک توگوای ایک باشد که ایک توگوای کارشد که ایش ایک ایش بیانا کارشده به درگزیکه ایوسد کست داکمد کار به دارد و آن ای ای توکه ایس بیان مربز از اید که کشدید که یک بیانی که دار مطور شده کارگزیک ایسد مشکوری بیان فروی کار به بیشتر و این میشید می باشد با ایک میشود که ایک میشد که کورسات کار گزید که میرود کارگزیک میگوی بر بین از داری کارس بیشتر کارگزی بیانی میشد و این میشد با در دارد این میشد و کارشد

يناور بكورو الصليئان مقاج رج خا

المرات وعالم المرات الم

بهی به به به به می به این به این این این مشاعدی به به به بیشتری فودشی نگالیان به شکت به بهگام بهر می مشاهد اشادی و این می که در این سرکستان به بیشتری بود، و بدا این بیری به بیشتری به این بیری به بیشتری به است میرسان کارس با که در سده که گیرای فینگذشته به میسایس به بیشتری بازد و اگرست به داد که می بیا ادار

- serverille

ر میں گائی کا اور اس کا میں ہے۔ وہامی کا استیاب کے کا کا کسیدی ٹی ہی اور اسکاری کے کا کا کا کسیدی کا کا کا کا میں میں میں اور اس میں میں اسٹیل میں کا اسٹیل میں ایسان میں میں میں میں اور اسٹیل میں میں کا اسٹیل میں کا اسٹی جانے اور اگر میں کا اس میں کیسے کھوٹ ایران سیدرس کی کسیسری میں کہ

المرافق المساحة المجلسات المساحة المساعة المتحافظ المرافع المرافع المرافع المواقع الماس المحافظ المحافظ المحافظ المساحة المسا

المسترات من المستود كالموارث والمنظام و المستود و المست

المورد في المستعمل و التناميس و بالمستعمل المستعمل المست

all the wind the last of a second of the contract of the contr

الموان الخورومي وماكن بلاست الاستان عديد و استاد العديد و وساد الساداء وسيد المراق المستان المحافظ المستان المحافظ ال



بحرائكايل

ا المنظم المنظم

is Form to law inducer of work the wells



المديدة بالخاص المراب المواحدة المديدة المديدة المواحدة المديدة المواحدة ا

برها بسراميده ميصوعه الروب بيدسيدها مام لکنت عالم على الدين وجاد إلى و مراسد على صدير و صدير بيست مدك المناويدي بيراني المياني المياني المياني الميانية الميانية الميانية الميانية والمدار الدي الدوم المياني

المساور و المراجع المحاجع المحاجع المراجع الم

ان برده این این می نشاند برد و برای میداد میش فروش کند ای فهریت میشان میشاند این با برای المثالی این برده و درند این دود داشنوری از گردی این در بردی بردی این این رسید دارد و بردی ایک باشد این ایک به ایک دارش این در این داشته این دودی همیشوی بردی سیست می این بردی بردی بردی این با دارش می این این میشاند این میشاند این این این بردی این این میشان بردی میشان این میشان آداد این در میشانی این این میشان می این دارسی ایک دارش این این

مه المرادي المستان المرادي ال

of the in the state of the state of the the state of the the state of the the state of the state

الم المراد الم المراد الم المراد الم المراد الم المراد الم المراد المرد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المر



وباركامتي

Apriliance we see a set of a man to the second of a se

f ... s to for \$, do .

" who years was so you want to a me of the

durant of the same of postill

والله المنظوم الله الله الله المنطق بيد والتنواف إلى المائد المنطق المن

کرو بوت سلیت

the so electrical the second with a second to the second the secon

جي ماڄام جي تو سمع

ما المنظور الله المنظمية المنظم ا المنظم الله المنظم ا

ا الله والواحد العام على الميان المدار الله الله الله الله المساحلة الميان الميان الله الله الله الله الله الم الله الله الإسام المساحدة الله الله المدار الميان الله الله الله الميان الميان الميان الميان الميان الميان الم ئەلىرىنىڭ ئەلەرسىمە ئايلانىيەش ئەنگەرلارلىكىنىنىڭ <u>ئىسۇمۇ</u>دار. 2010-يىلى ئارلارلارلىكىنىڭ ئىل ئەنگەرلىك يېلىنىڭ يېلىنىڭ

الله المساوية المساوية

ا مای می برای از برای افزار در در آن از برای استان در می برای ایرو این از این تحقیق این داند. آلی از برای های از از برای برای از این افزاری آن ا

alight the local parameter of the word of the said

ر المنظمان والروسياني عند وه من عند المنظم المن المنظم المنظم

الميزئاز

ویستان کی کاران و داور کارانس بازد میشنانش را میشنانش کی بیریندهٔ واقید م - جارشی شد و دراند و دران کاران سامه سی درست به می درستان به درستان به می درستان میماند سازه می دران شده و در سال میکنند. و در سال میکنند، این میکنند در در ایم میسازش بی این درانس می میگارد می میکند بیمان بردادی می دران می ادران میکند و در این این میکنند و در این میکنند و در این میکنند میکنند میکنند و در

- Warder and Service

ام انسبیت به انسباب ایای استاله فاشد ای میسان میشاندندی به انتخاری ادامات راههای



ىب ھ. يىڭۇدى چىزىسەنلاقت

ومد ويركيا ما محتصف تبصيصه بحدة تحريث والمائد فياحث بين والشواراة بهياءا العندا جعيد المائد

So Animo Legio Williams much برال گواد بر مصبط دید. او داره برست میکندندی سردانید این دایم رنگ بای ایند ایر هم در میشواندیک

موراسرور پاوست داد فوت قره بازواده این شنید دارم سندگری مندها با<mark>م</mark>ل we show when the or of the contract of the other was يتكور بريها مدركه فيكسك والمستبين مويك ويرك ويوا يستعاب والوكسيج ME - style man - for a de many de mans als م ركاليركاب كالمسائل والماكان والماكان والماكان والماكان

بير بالإدمال مجرة مره مستاجه في حالات كل ما مراح والدينة أو محد بدا المراح بريدا المرح في كم معتد عد والراب المارول والي موروري المسكل المسائل الماري محار الارسارك مسياد المارك شا فلنفاه فيسفاناه فالمواثث شنث فاراش شاهي بوالا كالمساش بالماست الأثماث هوواه معا والمناف في المان على المنافع على المان المنافي المنافي المنافع ي مناكبيلونيديدات كي الوال منابرة المنيديون إلى والا المام الي منافع المنتب المنافع والمنافع والمنافع المنافع والمنافع المنافع والمنافع والمنا The Man consistence of a contraction of a contraction of the contraction of عامد الاوران إن الاواليال الانتاء

مهدي يامسيان مرام مرده بالأمني الدارات الإيليميات والمراجي مالى وي الأواحي الأكب الأوصينوالد الكبيع المجاه بالريجوسيس كلب بيجاملوالموساف يتياس ران گامه بسرول مای تواند و سدوگ ش زواز و گوست میدوسد. حیدوست سوال گاملیک ار المساول الم والمساول المساول المسا

The same there we the

الماسية الماسية المستحدد المستحدد المال المال المنت المالا

almost and allowed

in a stress of the stress of the stress of the second

were proposed a difference among opening

when we do not were the state of the section of the

مي مده و ماليدا و الماليد و الان الدول بي الرائع المدالي المرائع المدالية المستخدمة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المرائع المستخدمة المستخدمة المرائع المستخدمة المرائع المستخدمة المرائع المستخدمة ا

مِنْ يُونُونِ

المركز ا

اسده نسبگید استان الی مه تاریخه که نامی با با که بایگر این با با که بایگر این باید این که باید با با که باید ا ماگرد امها باید بیران بردند در این باید اردند با این باید از باید این ساخت که کار ساخت با داد مقامه باید امرای می باید کارواند این که امرین به میشد ایران بایی است از این کاروان افزایها

من المراق المرا

egic yez gez gez fele e finde e fele e f Legis e la fele e fel e fel e fel e fel Legis e fele e fele e fele e fele e fele e fel e



ول کی طرانی

Louis to many . when we were the the second of the second of the second والما المائي المراجع المائي المائية المستحد المستحد المائي المائي المائي المائي المائي المائي المائي المائي الم ر بر بر ما المام ا who so is the an a man a man a man and ور المراجع الم I TO THE WAR THE WAR OF A PARTY AND A PART seally seed to the first of the second of the second والمراكان في المراكب من الماكا الماكا المناك المناك An entre of the se ----when - - a car or or was and offered and of the state of IN THE REPORT OF MY CALL TO man and a company of the company of

434

to the state of th

ه به والمواد المواد ال

ا دینها میشونی و در در در در کار استان میشود با این این از گردیکید. از دارد در در میشونید در در در میشدا که در این



ما و به مد المركز مين كه دور الموسيد به دور الموسيد به الموسيد الموسي

میرید با کی معامید این عندی میرید این مدی عدد به اماده می میریک شده می این میکاری می این می این می این می این کیری از این ارسی میدند به می میرید به میرید به می می میرید به است به به ما عدای می شده آن برساست به می می این می می میرید این می میرید می میرید به میرید به می می میرید به می میرید به میرید به میرید به می میرید می میرید می می می میرید می میرید می میرید می میری می می می میرید می میرید می میرید می میرید برسید می میرید برسید می میرید می میرید این میرید می میرید می

عدول بالدول المسال المساول على الديم المساول المن المساول الما المساول الما المساول المساول المساول المساول ا من الما المائل المائل المساول المساول

ما المام ال

如此的地位

" عن کافرگر عند بارینتی می آند که عند میان به جهده خواست کمیشان آندر که بایدارست مثلی ادرای تیکنده هایده کی درا کردند بارین کمیشود بازی این سد بیش به تصدر می درین میشود بازد بازی ایم دیدار میگری توان ایران و در این میشود بازد

تثميين

المن المراد المنظول على المن المنظول ا يعد الكوار المنطول المنظول الم المنظول المنظول

اس میدون به انتخاب می میشد. مستور شده و دان احدی که به صب رای به به می باشد به این به این می شده از این که که شده این می شده این و داند. میدان میدند گریادی میدون بیشند نیسترسی سویدستان به ۱۹۰۵ در میکند و ده هم بازی بیستدی این از می نخش و می می ادا

产为以为为人

" ما سنت کامور به بید از بر مازگید، و جه سبت شده فی می آن که یکی و بیشت کی اندیک میکند ایک اندیک کمی کمی که می داران بیدارسد، اسلید و می مدین و در میکن میزاسنده کمی در سه سیدی ندی در سندیک و مدین و قالمت میکی بیدی موقی ای در ایک کمون که شده بیدی کمی کند و میزاشده و می میکند میزاشدگی نیدی بیداد بیداد می آن می میکند این ایس ایک کمی به از و بر سه از و در کمد میرون بیدی میروس میزاشد و آن بر میروس و میکند و فاران میکند و فاران میکند و فاران می

4.5-

عند الميان ا الميان ال چواهسده میکند از چید - آم به مید دیگید در این می در چید ادرای آم به بر جیک افردیدی مدری آوادی آم در میداد ادر سدخسست. میکه میدواند برا در بردیدی میکه میدواندیگراد برید

صمندهی فاطرقی بشدهی است. اورسینده استنید: " منزکسینید مودودی اورکسین است و مهدمها است شکام و ادریتی میل" " کلیون باشد داداکمید دور امیرست کست به میشد کام برشد مدادید بدر!"

يان ما يوان ما الشرك المرادية الموانية و دراد المساوية و الموانية و الموانية والموانية والموانية الموانية الموانية الموانية الموانية الموانية ا و الموانية الموانية الموانية الموانية الموانية والموانية والموانية والموانية الموانية الموانية الموانية الموانية

hand his of home with the St.

مهم تمادی مت کا مطب تیم مجد ه

لان على مصطفرات المسيسيدي مجتماع تراس كالمريسية بسكيه ويدي المساكلة المسترية المستوانية المستوانية المستوانية الميانة المركزة المرسيدة ويادو المستوانية المرابطة المرابطة والمرابطة الموانية المرابطة المستوانية المستوانية ويضائح والتقائج والمرابطة المستوانية المستوانية المرابطة المرابطة المرابطة المسترية المستوانية الم

كالطف كما يعالم والمرافع المنافع المساور والماد والماد والمافع المافع ال

مراد المراد ا

Kill per files aparticle in mener Last file. Land the second

موال مسدور که این کسر موان گرد موان گرد می میستندگی گرد کا در می می ان جاست از بیشت این استان به می این میر مسئول میک ادبر استان را مدان می میدند از هی و این می می می میدند کی در میدند این این میست گرداد ان این کمیشند شد شده از در میدند از می می میدند می می میدند و این می می می می می می می می می این می این این این این این این می این از می از از می میدند می میدند این می می این این میسیدای گردی.

منوص. ملائم. مسددگدست به ایری افدادگاره کامودستای دسک است مکایاتهای سد اشا کسدوکید دست بزرگ مواش معص ایجاد بری با دستریاتی برگال سک کافسایی استای کافسای استای کافسایی استای

Sept Staffe

Listed All Marie of the second of the second

الإطلام والإسبار المكتب

من الراب حديث المراب و به به يقد الراب و به المطالق المنطق النواع بالمحافظ المن وبيضا في المنطق المنطق المنطق ا وحد الإسراق بما راوس و بالمن المدين بسده مواد الراب مدين الابواء به المنطق بالماس ألماس المنطق المنطق المنطق ا الماس المواد الم من المنظول المنظوم الم المنظوم المنظ

ر به داد به کارگرد به داد داد. در به داد به کارگرد به داد داد به داد به

المن المالعركية

الله و المراقع المراق

من به المساور و المس و المساور و

الله و المان بيده هاي البرسيطي . الوياك كالبرس كو يوب المستنبط . معيد تشكل المستعل المستعلل كل المهدم عامري المدود ودينك والحالي المدين الديوس المستعدد في المرابعة بهر أن مكانس وكهنا بياسا إلى المركبات

مدملاخ والذين سنكدن العداية يرايض والدع ويرمك والجيري كالوسطي يجسب بالمحاص بالمراجع

Sitter Sites

Application thanks when we were

بلائمة بالبلياق الباجعات وموملوه للستعار

المحافظ المستخدمة المنطق المستخدمة المستخدمة

1858 year Color 8 3

(میسنده بیرون می این به به به بین میشند. که به بین میشود می در این می از در این می از در این می این می این می این به هدارت این میشود و در در می می میشود بین می میشود این می در در شده به بین در می این می این می این می در در و در این می می می می می می در در این می می می می این می این می در می در در ادار در این می این می می می می

and some in the contract of th

کاف رواید کی سازه کی در این می که کی در این می در این م

حمیاتی میدانشده این طبیعی مستاد و آن حو درگ ای داشد این به است در در این میداد در در این که آن بست گلافها است اور هستنداده این این برخمی آن آن در شده در این بسید کارا این دناماد در این آن که از در بست مهند میکرد این بیانی این این هست و افزارس در این می این سر شک

أدى دات كوقت

جارک ایک صفی بشوں کے قریب

سمیستان دان مکسونتی و تهده بین اید اید بیان نظیمیست کمکسودی دیران با اید بودن آلیان شهر مدید به بین که دوجتای بیشتر مدیل ایستگر مدید سه برای مانشود کی مرتب مشاوان ای اوست والای مدید ایران یک بیندگری آن اصلیف مدید رسین دادگار و بداری ایران بین از مرتباز برایمکید مشاوان ایران دولتاک وابلیت کینک می ایران کهای مدید و یک وی ایست در آنها دول ایست مدد سورش الدین بی به وی ما نما از می

" and it is the second of the way the many the first

العادة كالم الماس و المستواد المواقع المواقع المستواد المحافع المواقع المستواد المحافظ المواقع المواق



آوگی ت مشور کے والے مدد کا جنت در طاط

التناوي من الدور المستور المستور المستور المستورات المس



يستدوق

المواليدة الملغ والى الحادث كوبرست التي الكوبوكية التصافي المراجعة المستعلق المستوانية المستوانية المستوانية ا المياه التي المراجعة المحادث المراجعة المستوانية المستوانية

همان چرومید واحار وگیروی کی وجهتی بود که شدگی سد والیدیکی هسی باشگی مشده با میگی میلید ما محاری مود و و بازمد خرار میگود. کام ال ۱۰ می وی کار کیست ایر و میگی می می همیستان کارگی می میشود باشد و و برسنامی میسید، و میشود.

ادش دخندید کننده این در این میشاند بیشتری به میشد. به میشید نیویه به میشید که در اصواری میشانهایی کشیدما وای در مندید برید کنند روسوای بهدی تارید صفحت در میگذید یافد بیگر ساز وامیده باشد بوستها ایرانی میشید گذشته میشاندان در از میزاد مسئود در می هر در در

جدای متده الدارد ال سامه کی دادار کی از معید بنت یک مثل الدارد است به استریز از میداند به الدارد است هم الدارد است هم دارد الدارد و ما آن از بادر الدارد ال

My constant of the state was the second of a second

سست توسعه که می گردید. ۱ دول در در سه را در تالی که در شده سه در در سهدهای هو پای کارگردی و تاریخ به تاریخ به تازید و به در به در می که این تاریخ در در در در در تاریخ در شده سه در در سهدهای شود تاریخ و تاریخ در تاریخ به تاریخ به تازید و بر سه

د به اوره ریکششدند پیشاده فر دیوهه بیشا تیکنید به کست این از که کردندگار حدید بیشان آنده و یک مدیران فارسی که برد چه همهدشد بدران استان کارد به از دران به بازگاری دران به بیشان در از ک ما کارد بیش بازمان در تریمدادم واقعد میکننده بیشان میشودگی وایسی ما آنواید والید بیران در از ای



www.facebook.com/groups/AAKUT/ www.facebook.com/groups/PKMZKA/ 449

ه روا الله على يزكر و مرست مثل المنظمة المستنبعي الأعلى يعط وول حد أول الكوري على عاملي مناطق عمل جها الدون والاست بالأراض الاستخدام المنطق الدون المناطق المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة المن المناطقة المناطقة والمناطقة والمناطقة والمناطقين إلياد الاستمالة أن المناطقة المناطقة

do no experience - to see again to enter our services the with when we will see in many the day on any other whole کے مدال کے ایک میں اور ان مختصوص کے انتخابی میں انتخابی میں انتخابی کی مارس کو را مارا کو را مارا کو را I deal the a grant facility of the home in a good الأعراب المساوي المراه المراه المساوي المناه المناه المساول المساورة المال المال المال المال المال المال المال william the garden was a construction of your recommender in لا الراب محسن وي البياد ال عرست . . . مرام وسيد م سيد ول أثن الى ما سكان which was all the second with the second of the A suprementation of the second second of the second المجل بن الأكاملية أن ما البيد ويُح المؤيث الما يعان المارية المؤيث المؤيث المؤيث المواجد المنساج علان رسه هرمايي برطاعرت دن يعور فيخد سن المتعالي المتعالي المتعالي and without appearance the mark of the the many and and المرازان بر مراوال م عروي ووري المراي الله والمراج المرايكات But the section of the second was a second to the second والصر المراد محل مبدوي براست برطن بالديوري لامن علمان يتدوج منواور مي دورت م وكلي

موسکه طهان به همی دورت وستاند سده و مدیدهای مهرسطی می بید کودگرایی بهیدنداد خاولی کود بیان روگزاهای درگذری برای طلب هست هدید این بهجه به مدید می بید به می بروی این رود رکم او میدوم. که بر می افزاند دوسته این بریدکس بریش بردند می در می برید بید و بردند از بردند از بردند که بازی که از کارگرایی میشانگای از می بازی بید و می بردند می میدوم به می میگید بردند از بردند از بردند که بازی بدورت که از کرای

ا الإسراق هذا مساعد تشكسه بالدوري الأسري المستقدام بالمجاري ويستدكي ويوسته المساويات بالمائية بي المائية في ال كي الدوة بينت بالإقابي مستقدام بين المستقدات المدودية و المدودية و المدودية بين المدودية المجارية المدودية الم المستقدارة الموالية المستقدات ا

یست و سعید بالکارست برای هستان بخواج به تین از به ایران اسام و ایران کی میسیداست یکنسد به اوازای منابع المرابع این بین بینی المرابع

ن بر برمادی فرانسده دوگرای هی مود برمانشدگری بیشندگری باشد. سادی بیشارگردی در دون مصاف

ا مردا است. وود ارتری مدم سه ای عربی الایس به گادو د می باواد می ساوسیادیگر مادارای ادارای در است ایری به سه ساست.

Money La color or infinite to the as, that we have not the a security of the comments of the c

ما المساور الم المساور المساو

all handlest of the course of

ويدن مهد عديد وسيد . به محدد مدين من أومان المراب ما المواجعة والمثلاثة المستأثري (المراب ما معلي عاد المثلثة الميني إلى الد

ب محمد المساول فقافاتها الدواد الأدكر الا والمهاد والمواد الكراسية المساكر المشكلية محدال على كالمان المسابق المام وقا الأمر بالإنسان المراد الموادي والمسالم والمسالم والمسالم والمسالم والماركة المديرة المحادث المحداد المسالم المسادل المراد والمسالمة السائدة الماكنة المواد المراد المراد المراد المراد الم in any of a server of a server the first and all when the server the server of the ser

Sandware ware war date of the

و الله بالدومين المعتبرين وكراد الدومين كراد والكافيس فيكس بيروم الاستان الهيالي بو فكافر البيل الكيامي الويدي المام الله الدين المي المي المستان جيك والعالم الدين الدينية في المراكب جين وكيد والكروم المام الأصارة كاس المواكب الواداع المي كي أنها المام والمام الدين المام والميكا

استادگذشده به سده ممان سرم شده می مود. هم این به بستاجه این اطاعه در برا مخافظ شده مدول شود. او ما شکت می اصد سدی امرام شد. این می طرده کی به سینه از از ایس الاصلات در برایستگیری شاها ای وازان بیستاسی چرد شده این طرز شک و واقعه سندگی در سیستانشند توان شدگی در یکی در در این از در می این موده دان میکند بیش بیری می این موده گرده کی در این میشاری از است این داد سیست او میشیک شده می موده این کی افزانس بردیگر

ه دی و ۱ د مناسبت د و برخ به ماهیت رستند و حمل انستهدشته اس گدوی ایرانه کسی آم شاهشد شایخ خرصت مده اندا سامه ایرستدگی بدو انقل

ما موجود من المراح المراح المراح المراح المراح المراح المدود عاملات المراح والموجود والمنافذ المراح والمراح ال المعارك المراح والما والموجود والمسهدة والمراح المراح المراح المراح المراح والمراح والمراح المراح المراح المراح ومناب المراح والمراح والمراح والمراح المراح المراح المراح والمراح المراح الم

من خامصة الله الربية لأوريه " بسنة لما والأساء المنصافية ، ووقا الأساء لما أي المراجعة

at 18 hay to the second and the water of a 18 ho good and

ص مطام ہوگائیں۔ اور مینا ہور کے فائیس سے فکہ عامیدے کی جوسے کے روستان در کی کا معامد پی یا متکا ہ کرسٹ کے وہلی باب یا مجاری میں وہستانگری مندورے میں ہوتیے ہو

دس دمشه چهدای استان گمددی چه د ی ادرین سدایسند. بیای در به چهانکسندانی چه او پیمان جاجرای

دفهارتيميا

علی برای المستون کی استون مدخل این الای المورد با این المورد با این المورد الم

ساري شكرت هر الكيستان ميده المدين الأدين وطفى . «مراسكن والإص بديدال من الكيد المقابل من المعارضة المتعارضة ا جماسك أنجدا الكوال مساول من مراه راج أن جري .

رود دود در به در مینهای منظری بیش که دور بروشک دوست برشتهی وی جوسید دو درجی وصد ماردات

منکن دارندنده بی این خواجر بروران می کار و در برا کارند که دار ۱۱ برا این کارور

نوب عال به که مشاعظ کوست و کی دیست میں جامل کا ڈونست دیکارہ ہوتی آئی است والی جراب کے۔ است بھی دانا ان جو مدت وکھر دو جا دائیست کہ ہے ۔

العامل دور مناه المستوان و العامل المستوان و المستوان ال

معند الكوري الميل بالمياس الميكومين الميكومين الكورية في الميكومين أو الميكومين الميلومين الميلومين الميلومين الميل المورين الكوريك الميل الميكومين المسهامين الميكومين "

" به كما له ١ ، و ما يسمى ر أن " به لكي نير د واحوه مو تكسيسه أو على ديد مواهدا أ

a file file of the second of t

Sales of the State of the State

man start of the start of the man of the start of the sta

Appendix de la la como de la como de la colonia del la colonia de la col

المنظم المنظم

the de work to

الله المستحدث المستحد المستحدث المستحد

هندگ سرگزشگ و بازگیری و بازگیری ویگا اگر در برگارای بازگر گیج شده در بروان دست بیشده به در بازگیری به موسطه مجاوی در اصدی و بازی اکامل میسیده عدد آن بازگیری ایستان و کورن کار و توکی به میگاری ایرانسد بازی کل موافقه و همه میرد بازی اصدی میگرد کوگا و این میلاد با ایران می بازی مدسیده ایران میران بازی بازی و بازی میران افرانسی انجهای میران بازی میراند ایران میران کارسی در در در از

حان كإفيد الإبيل

عما عوبه هم بداخر بروانبسیدید که داندن بازه شده وسد ما بی بود سامت ما بروانسیان سه کرد. این امراه دیاه آیا توانها می فیکسسی دولان دود سیمارسید ند برواندید این کی توان بیگس راهندسد البرورانی کی کی تم دادند برای سرور و برواندیک بی این دواندیک مانشدگایی کرانوا این عیمان

من من المراس من المراس الم المراس ال اسدهن کا میدن بها به داری خواند به آنها که وجد حقیق نظامی ۱۵ بر آنها او دکید کنگ کا داخ ۱۵ بر به میکندند. میکندند، او ما در دکار که تریشته که کار موسود بر ایست به این کند به این از بردار ایران ایران که او در میگی بر کار میکن برداد ایران در از در این ایران که ایران بردار ایران میکندند. ایران میکندند که ایران میکندند کیک برداد ایران میکندند.

خوال میں میں کے واقع کے قابل میں سیسے ہیں گئے۔ والے ارمنا کسٹے کہا ہے اور آناما تھا کا محت کا آخر اگر کا انجی الزاجا میں واقد میں کے مکا کہ کہ سینے میں کہ سینے واقعہ کسٹے کے انسواری میں اس واقع اور واقع اور اس اور اس کہ کی کا واقعہ الدی والی اسٹ کا انسان کی انسوائی میں کی تھیں واقعہ کسٹے کا انسوائی میں کی کہ کھی سے کہ کھی

والديم بالديم الدين المراجعة المدينة والمنطقة المدون المدون المستوانة المستقدة والمستعدل المستوانية المستوانة كود كي كان البيدوكا بهن والكرس يعتمد المدون المستقدة على المستوان المستقدة على المراس والمدارا المستوانية الم والمستوان المراجعة والمجلودة والمدون المستوانية المستو

Henry and with Lag.

" مذهب نزیم برگ سمید شده میرست تام وج معمدید او شدستاند. (می منتصر کهندهٔ ایجا استان بالا سرمای مهم معمد سرمدسری دید بیشکینود و فیل ست میکسکود. مرامد دیگر سید میادشید واحد سیدند اسیدند و سرد از مدمید دد"

و مورد برای منصب می منصب و انجیست این بیشت برای سی در این منصب و در این منصوب این منصوب این منصوب این منصوب می منابع با منطق در کشور در نگاری در در این منصوب منابع من منابع می منابع منابع منابع منابع منابع منابع منابع منا

server and consumer of the first of the server

100

و يولوندن الهنده المناها وجايي و المناهار المناه

J)

اد او مود کارون و کارون و کارون کارون و کارون و کارون کارون

" avery way

" عن مناج سفال منا في من صورت و المنسود . المنسود في الرياد الاست المواد المنافق المنافق المنافق المنافق المن المريدة كميكان الإنسان بين المنسود و المنافق المنسود والمنافق المنافق المنافق المنسود في المنسود المنافق المنسود المنافق المنافق المنافق الإستان والمنسود في المنسول المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق ا

والخياى السبيعة بمرامسيه

الله المستخدمة المستدينة المستدينة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المستخدمة المست المستخدمة المستخدمة

> محنید ایال ---المال دریا)

ر اوان په مو دويون کاران په سر د که خور

محل می شدچو می ای که جدد

rando de especialista como escar esta de esta de la est

می در مساور با آرماطی و فرسی استای مسامیدی میسیدی میسیدی میسیدی استان کی این میدادی میسیدی استان کی این می در در میان میدادی این میدادی این می در در در در میدادی میدادی میدادی در این می از این می از این می از این می این می آلمیدادی می در در میدادی میدادی میدادی میدادی میدادی میدادی این می میدادی می این می میدادی می این میدادی میدادی

400-7-1

پیکود اور شیل کی ماد قات

نگ وی کسر مشدخاه از شویده میوسیده شو دی ایسیای باده ای مانسی در ایس کی ایمانیت شکه می امنواس و آن ایسی برای به ماسته ایر در این دید. برست در والاسی به در سر ایمانیکی و سعاده ای ایمانیک کمی بیش بیش بیش بیش در بیسیای دست ایران در در ایمانیک در برای و در در برای

ما العرب المدود وي المرابعة على وسعت أن من من مناهد المياد المياد والمواد و عالمه المياد المياد المياد المياد ا الما تن المراد المرابط المياد المياد و المياد المي

to the garage of

-co- - - standard still de

المستحكة المراجعة والمستعمل المستعمل ال

گفتار و در آونده این کینجنگانی که در و می سند مجلس به شدهای با کاری کاری کاری خود دنوان کند. که که ایان به ماهیدی کاری و می دوده این کی مدت به بوسست به شدیده و کستان که به با میکنده کاری کاری به بازید و به میکنگان به میکن مودهای و مدد این بود در منگستان که این با کیست بیدا که بیدان از ایران و که میکند. میزان ما امراد و کلیکم شده میزان که منسف میسوالی بی نام مدد این این کاری میکند این امران و که میکند.

برگس مناسعه باید و می کندهه و در در یک ترجی و میداند. مناوشای میداند اور در اور در این می می می این می این می این می این این می این این می این این می این می این می

استیدید ده کنند که دو بردند. میک هذه شدندش که گری افزارگی برامیدیدای به میداندی بیت مواهدی بردایی شده هایک امارای بید میت کرخزاد کا طاحبه چه در برای در دو برای بید برستگی چی و کردی برای برگی ریگر و میکند. همی کنند بیاخ زمید سرست می دو میردند برد برگی چی برگی کرد سرماند. کردان در بیرای در کردان در بیرای با

مرائع المدري الموري المرائع الم المرائع المرا

کانا بیشنده سیده و روست می ایرانگولیپ میده سده درگزی واپس انسایور سر اینکا کانان سعیت اربوس از سدک بدرجی بیشب

" الحك دسان وكرساما ويرساما ويدوري الكرول على الماري على المراسات ومسافي



این کسیدگذا اولی فی ایست ایرکی کشده برگرد و کسیدگری جورسند ای نیست یک جوابی به کیسی بیشی کرداندنده و این این ا انتخاب و دا ایر بیشیدگری خواسد اسای مندست و دانشد برایست به ایک مدهدشت ایر سکنه داوان بیش بر با ها برایک و دان هم بر مسید وابست و این کشد برای میک وابد ترکی می بازمین کسیدی کور برایست برایکی اید بدودند هم بر مسید وابست و اما می اداری میک وابست بیش که هم بر مرست برایکی این بدودند

المستراع المنطوع المستراح المستراع المستراع المستراع المنطوع المستراع المست

الي مكراعدد الخاص كمديدى كالحا.

اصل 26 مىم بىلى ئىسىدى ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى دۇرۇپىلىدىنى دۇ ئىلىن ئىربىرىدە ئەركىكى ئۇنىلىدە ئەرب ئەرسىدىنى ئىسىدىن ئەربىلىدىنى ئەربىلىدىنى ئالىرىنى ھىلىرىكى دۇرۇپىلى بىل چەسىمىلىدىن ئالىرىنى ئالىرىنى ئالىرىنى ئالىرىنى ئالىرىنى ئالىرىنى ئالىرىنى دۇرۇپى دۇرۇپىدىنى سىمارىلىدىنى ئالىرىنى ئالىرىنىڭ ئ

ر مان بین را در این بین به می که در کست دهای بین شدهای بدوستین بدوستین و میدود آرای گادگری می مین و که میداد سران بر سدن میراد این سراه و در میان در میناند می بیناندارشد و در بینان میراد کردند بی میراد ک میکه بدید اس می در دارای دکتر در گیست میراد شده امین بازد که بیاد سران کردن بین میراد کردند بینان میراد کردند ک در داده این و در برداری شوری می تین دو ۲

کی برق برق با میکنده جرای دهد وکند برخ بریده می سندگی د (هنا بری باشیک این امرید وافعاً آن ویکنی کا کمان سنداست امکی افرای سیدست میرای سند دوشق کی و بینندنی رسکنیک مدر کاکی کیک نده ای واباعی ا میران میشدند

کیان کاکرہ کیان کاکرہ

[بىدوغود ئىلىدىدىدىدىدىدى كالمائيك كالمائية

دیک دو کدید بی تی متعلقی بی مادید هی اوسیک داد سریجا بازی و دو دوروسد. و بیشکه بازی و وی دید و ایری شان بازی که در در ایرید کمارید ی فریک بیده در ایران ای است بی رکند به ایران المان از ایران بیان دی ای در سیست که می شکاری بی برای در ایران بی ایران ای است و از در انوایت المان از ایران بیان دی ای در سیک که می شکاری بی ایران المان و ایران که در کاری که که

مسيده من جي هو بدومشارا ديريت شركة الأولية المدركة الموالية بريده عبيط جوالها وإدارية المنكدم ويبور

اس به درای درای در مصفرهای بر عامل که معدیدت کمکامان کما واقعه بی به بازنده را مسیم بر مهارت — سد موید عساز کامشی بده ویک بدس سنسی برویل بدندان به انسی ویکی میشد و بازنده ای بهای ماند می بدویمی رم بینویمی:

۵ صفر سناجعگی کمسد در اشترین بجندسی بشدهٔ مردشده بی به این من بهتری کمال در در کاری این بیشی دویت مکه ایسا بردیدال مورمده هی این بجرین مصر بی بیت کامد و می بس برد اورژ کابیت اشتر مده ریستا برای برد ریافته بی و فیسک مانده و دفود بی

المروض الله المراج ا المراج المرا

کر میں جدید میں میں مصنوعی میں میں ہوئے۔ میکھیاں حاصر انکا مصنوعی کھوٹھی کی اس پر از کھڑا ہوئے انسان میں ورساند میں براہ ہے۔ ان براہ میں انسان کے انسان میں انسان کی اس پر از کھڑا ہوئے انسان میں ورسان میں براہ ہے۔ المروان المان عبى المرك على مد و و المدون المروان و المراوع في المروع في المروع في المروع في المروان و المحالات و المراوع الموالات المراوع المروع المراوع المروع المروع المراوع المروع المراوع المروع



فولی

استان به به الشاف المستوان من بده البرويش في المراق المستوان المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المستوان المستوان المستوان المراقع المستوان المراقع المر

الهيك الكوك والمن المداوي والمنظ المنها الهيدية والمنها والكوك والكوك المائية التامية المنها الكولت في الهيدية إلا الله المنها المنها المنها المنها المنهاج ألى المداولة المنهاج والمنهاج المنهاج المنهاج المنهاج المنهاج الم وألى المنهاء المنهاء والمنهاج المنهاج ا

جسد الهدام كي را الإنكسيك السيد مواده و رأى الاس المجدد يدأ أنه سيد يكن والته المسالة الكالمة المسالة المسالة

عدی بیرون شده میشندی برونسهای بودند. دانند بیت مدین او دیگر ده درید در روی باشگ الساله کار بین امیرون کنندل اطور بین بین میشندید که در بین حدد مدین و دورت میشندیک میشندیک الباست این ا ردده المحداث كالموادي الصافرة مع مجامل و وداوي المحق مدود كي عائد العالم عادرة م المدركية ماللا عند به بضافه الموادك والاستواركي الموادكية والمدودة من ويساوي والمروض المدائد والمروض المدرسات المدائد الموادج والموادد المنطق الموادك والمدودة والمدودة والمدودة المدائدة وما المدودة المدائدة والموادعة المدائلة المواددة المدائلة المواددة المدودة المدائلة والمدائلة المدائلة ا

الله من من السنان عن المساول الله المساول الله المساول المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة ا والما الله المد الله المساولة المبادر الله المساولة ا

John John (1964) All Sole Les Maries de man les a maries de la company d

they godernous in reflection the one

عمل دود المسائل في المحادث عنده المدينة والمسائل المدينة المسائل و المسائل و المسائل المسائل المسائل المائل ال مقابسة أعجاء المهائل والمدينة والمسائل مدن المسائل مباشات المسائل المدينة المسائل مائد. مشائل والمدينة المسائل المسائل المسائل المسائل المسائل ما المدينة المسائل ما المدينة المسائل ا

همین و سه که افؤاد و هست می سدگی می گار کنیستا کریکسی بر در سه را ارساد درواد در در کار کمیل امتی کارگر دخی دو در سه دانست شدهی نمیت و یت همی میده - مال بر منا میاک بیور در شد بستی در ۱۱ کمیگی دید. ریابی او رویکهشده کی اینک ۱۵ میل

نیس آئیسی دیں جان ہوں کسٹو ہیں۔ صد میں پیوان اوالیٹ آئی کچال کال پر کرا فا جھال کالان اوکی کہ رون رسود بہتی ہوں کسٹونی فال کی

 المارك بيريدك مريك أو والمندخود مين والدي فقط العدب والدي كيارك والمسكون بي ما وي كارا المريك المسكون عن من كارك المراجع بدوج اللويدة والحامل منظر بيدس والمستصل الجدائد المديد عن ويدو العاصر بي أو وكامك المهد كوليون والدين من العالميد التصدق في مديد أن أمث والمحاولة المواقع على والدينة المراجع المراجع والماركة بين الم

بد ۱۸۱۰ پایگودگی و دانش سیطوات

جينكوا الدينة تتح تلك والخرج بيلا والمان والمتاه والمديس كالمان كالمتاكري وواياس كالناك يمساواه مياس بمعرض ببلحه الأكيستين بجاءه إلااتها سيضمض بالعوثي كالمستعاصران وللشدامري التاميميي كالعسيسانكون للوب كالمسكان بدمسه ليري كالمعادية بالمثل الكاكاف المنطق المراجعة والمنسل فياد والمتناوي والتبكية عسنه إلهانسا الصدادي مافراني ويساحين البيان أأوالق الد

الرياسة شهري العراس والمرساء بإدارت المعافدة المساملة المساركي كشى يم بليداني. والعال دري عامه البعدال ويست كم أنت المستهام والعرب الباست من البطائب المارية الكنو معهد الماجي دمي

- بيدوخود رينج الامت كالقل والشام بالتاسيا إصريه أستار بالتامين المتال من والميسا اسادويله بناشدل .

age which have me rest in a long the street كالبكوار بملائل والوارا المست كالرجاء سنات

ملى بنى، وبديره وياياء - نيادين كرد عليده مدين كان سال الرحمت المستدمان المع ود فالمستان في المستاس بيق ساداره بدوري في جاد الدواده عن والرادي عوالما اليحال واستعمري والواج للأكحب سياست المدافعة الماكم العربة بالعاملين

والإصارين الرواية والاستان والماسية والماسية والماسية والماسة والم Surticular emits in autocombition فأس أليد وكالفائيل الإدارة المقاوم حسنت بيثن والهاميث المعادمة المعادات المراكب ويتباه المسين معملان مصيط المراد المصاوعي الايراد والمراجع المستبيانية المسابية

مان شعر مان المساول الوالي المان

الميهانية الكناوم متحالساكون براكها كالمدين واس المستاوات الما الما على المائية المراجة والمستحدث ورميد ويراف ورماد وكر سر منافق Lec's

ه بدا و بداند بده معلون شدند و در مثا و مشکرت کمیشی نظامه این بیشند و هر بداوی ما بیان که و در داد و اگر مدنده بیشند بیش بی ایک نیک سردن در " جهر دار جذبی که بیشن مدین و از آن در در بیشند بدر بر برشن از داران کی شدانشاه که دری"

تغسيه

وي المحاصد وسناف الدين عدوي منف سهي جهد في المؤكم أن كرام المصادع بالمؤكم أن المشكل مثاليات به المن عيد الدياكرة كل بينية كل عضّرة كان الرسوس ويرودا مدين الهابي مثلة فوج بها أوري الحداث مريك عيد ولا اس عيد الدياكرة كل بينية كل عضّرة كان الرسوس ويرودا مدين الهابي مثلة فوج بها أوري الحداث المريك عيد

اسمان یا معرد عرب کران پرسیداور بیدنداع می تیکی کی آن نیاستان کسی سام و نواد که دو ، انگسته عبلات که کین چه وظهره افغال کران بروی . رست وجی مدر کیجهای درشد کسیجیای دار آن کیم بروانسی جعرب نامن دری از مدر ناکسدان در بیا در گوارسی

المثل وول بارا مدود می سند بندگ برید نقشه مناهی به مثلث و با این بازد از بازد برای به برید این مناهبی مناهبی منافرد این براید ساز دود در این گوز در منافر مهمسری

اد برمش است کشناه داد به سیده چه درقانده و برمد و بسطیف به بخشده مود د «انعابیته» و کاکه که دی ماد بی از است مدسده برکند می که وزش به برای که سیمه که و بینی بی وزود معداده میما ، اس جمد برمیسه می از یک شد کی مرسک سرای که دی دی بری برید بسید دید لی او مرمی مدید کیان

حکال میکن بود. اورود من اندرون میکندست که دو گفیند به اصب گران بیدا آب را گئیس که و مسیکایلی دیگی یک آب به این خواسان فرج و در اوری آب اگری کاروی می بسید به بردرسیطان بری بسید در ایران کارمان انقطامه بیوزی پرداری کاراف برا می مدینید برای می شمسد و در این یک بردر و بیشانی کمی شد

آه سنده کی وفائل نیمان کی ایس می می این شدندی پیش می شدند. می کنده این می سنده می این می کارد کی کنده می ا امد این این کامیس چیچی از مدادی به این سدند ایر بر کرده بی بیکنید بر نظر انگیاه برسنده ای این کار کارگیاری کی چناکسیده بشدند داد مدکنین می دادید کشور کردی چن این کی سکه بیشند برسنده در مستنظری مستنظری مستنظری می کند می ک

ا این میده میشد. به میده میده میده به میده به به میده و در این میده به در این میکندنگ و در آن آن به به که کشک میده میده این این به این این این میده کشتی میشداد را میده این این میده در اصل بازی و آن این میده می به می این میشدگی میدکیدی میده به است در کشده این میده این میده در میده در میده این میدی این میدید به میده ای ی در کارا کی سند سد برندگی دگاری تی که سنده کمیگی دین کی چیداس کا طاق کا تصریب و حرف اصاف کردی ای امادی که داد محدمات مثل مدول داری گئیس شرکیجه ای میکند شاهای دارید نده کمدری انبسته امودهای به مارید کاران ایس کی کارده انبسته دارگی سی می کاردید شاهدی ممکلی

مشاربك شاوی و در بر این الاست. شانی این دونت هی البیكی بدو الاسوا ی این البیكی بدو الاسوا ی این این البیكی به بیشت بهت مكن بدونت المدرست المدرست الدر بر این بر است بیشت که به یک دوبست و که در بازان البات به همارا بیشت دونل و داشت بر سیکسکند به دادودی این این ا

> دونيا المدافوة الياداميا أحينانات

13

الماء منا بديا وطيف وقت المتان مالي منافع الأولي المان إنسان والمعال المسايي والكل الهوري مرخوالي المستحديد والمراقع الهدواكي المستحدد المستحدد المستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد البنا والبراء البلس مد والمراوال منظر المسائد منظر الالمرساق التعاول المامان والمراوي المناوجيل والمرا مهاجو إمال لانتجاز الطواياء بالمداول كالساؤك المحاد المن المزمد فكنهض فيصور بالدعاوهم رو ایری، از سنگر ایرون بر بروانی سادهای میں برگ بروجایی مال کے میں کا کارون کے اور ان میں میں میں ان کارون کی میں کارون کی کارون کی میں کارون کی کارون کی میں کارون کی میں کارون کی میں کارون کی میں کارون کی کارون کارون کی کارون کارون کی کارون کارون کی کارون کی کارون کی کارون کارون کی کارون کی کارون کارون کارون کارون کارون کی کارون بته بال المدينة بالمامل بالهامينيين بدائه المركبي والمركبين بدوم كالمرين والمواجه كالمتعك رسام اکسا بازی در دور کی بر می بر سال به انتخاری و دار موسیع دادای ین کم مانسوهای نسان مین کی سس سی برای برای عوصه درجه دی درگری کی ماحی کا ري وريد المستان المنظم المراح والمنطق المناطق المناطق والمنطق were the wife and a second of a con-ين و ميدادي کې . - و د مرجمه يې الاده کې درو کامه عبايي بله پلايلوندن کې بستان تاکستان سك Endignestingenessing or recovering the exceptionally ender when here here will we have the company is not proportion برق بجروت المستعدد والله يصاملا في الله يدو بالطبيعة المسكن والمستعملية المستعملة المستعمل المستعملة و کامیقب سے رائے کی سیان ۔ وہ دی ریخوسے ۔ ری ہی مواہر مال کا الكورى المانية المراجعة المسائلة عرب المشاركية المرجعة والمدوية المرتبطة والمواطلة والمواطلة في المرتبطة والمواطلة في المرتبطة

in a filter or 20 my long of a for you have a for given to the first of the first o

y my term i what of the trap of the trap of a wint of the same of

عي سريعه به مخطوره عين سن سنيه مهم. اي صهر مو مميد ديمه کالمان

south township was not you to the to so the thought . المراكزان والمراوي الراب والمراب والمراب والماعوان والماعوان والماعوان والماع والمساول المراوع في المراجع الم alway to some of a william of the wife of the کرانسیاده و وشاری راهاری بواند ای این این این ایس برای برای برای شمالی الكساكرين فيس الكرمية ولي والمستبدر والمستبدر المستبدر المستبد المستبدر الم ما ورياس ما المراح من المر to return a grand of a way of the Sold ومزاوت دون ای س طعیت و الله به الله چه کلمی with the control was a few to be as it is not be و وقوري الماري الروس و الماري موان الرباع و و بروی و الرباع بر الرباع بروان الرباع بروا سال و من کی و فقا رضیہ کی م John Son of the way to

the war and the same was the same

without the a second or a to propagate process in



مرار - پيرون

. - + 5 .0

an interest of the second of t

100 10 a 100"

buth Is a min

. . .

And a second of the second of

official resign to a man a man or a material of the state of the state

ا به ساخت میده از به اگرامیدی دستانش استانی این میده بیدی به در این ارامیده مید. رویدگاه این که آی به کاند در داشت برگریه مسعیدی شده از دارای میداد به میان امامی و است و آنیستا افزارس این این رستانش ارامی داشت بر میتانیدی از در بازانشانشا

أ مِلْكُولُ وَ يَصِينُ عِلَى إِنْ الْمُسَالِدُ وَإِنْ الْمُعَالِدُ وَإِنْ الْمُعَالِدُ وَإِنْ الْمُعَالِدُ

is the order or now record and there

اس بید د دوی بر دوی به ایک این در دوی به دوی به ایک این به دوی گرامت و دی به در این ایک این در به در این در به در به

مستدن فیروه شام در براند در بینان بهدای این وای ایک مید میر میک میرسد رام داد داد. میر میکن این رام داد داد در داد در در در در این میران این

A series of the series of the

المراقع المرا

shote Thomas I have with a did to be to the wife or

و معرولا - عامد و الدين المساولات الدين المالية المساولات المالية المساولات المساولات المساولات المساولات المس المساولات المساولات

- 2 J

سر ال ي درمدي در در در در يا الي المارسي در در المارسي

به استی دود به از بیومند . در دستی شده میمودی گوارگذی کوشک نصر سرسیکی بیشتی معدودی ایسانی ست دانی ، ویند و استوری به است دانسک های سفت و بیشت کشوده به مدلی گروی بیان صحص بی مداخها اکلی و مداحها است است بهنا حاکم مهدوعه الله سوس این اور در که در و بیشت برای برای سازی ایران ایسان ایران و مداوا مشاست ایران کارش مدد یک اور به در برد و برد شده مداکم بر در در در ایران و ایران و در شد مثال سازی ایران و مداوا و ایران ا

م مول کشت المنظر الاستان المسين في المن الان الان المداد المن المواد المن المواد المن المنظر المن المنظر المن ا يك المكن المنظري المنظر المنظري المنظر المنظر المنظرية المنظرية المنظر المنظر

سنداخل دوریس وادان عاطرهای درستین عای آنگی دیا کا دیگر بسته بیان آنگی دیا کا ایسک میسته بیان آنگی گی اس من آنگ لیان را مربع سنگ میسر ویی گی و دیسیده شد دیگری آی جربی واد رکس دی در در ادار معتبره دوده

But he was fully as the first of the state of the second the secon

وسه ماکن کمه مت مستقیم والیک و به میدنیا میگیگ دیگی استفاد بیرهی دستان به خامد مستخدکی تا دولاد ۱۳۰۰ پیش میداشد بسیدی که دولای میاند کمی وسی بازای کابود ایک ایک ایک میداد در ایک استفید کرد و میکندند کهای و میکانی و ایک او و و و میداد در و خام میراند درگ

اس می به در میران بر استیاب میران سال در در ساو مدونرهٔ دریگرد ایگرد آندگی دود. بشکل در و شده می اید این این میران شید است می این کارد گذر در در در در در در در میران این و میران و این دران کار آن فیار در در این میران کارد این این کارد آنسد با کارد در در اشتران از این میران در این این این ای میران میکند این میران در در در شدندگای شرحه این این کرد آنسد با کارد در در اشتران از این میران در این این میران

ا المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط كالمرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط الم المرابط المراب

بسنوا المهافي بنطيب تكافره والمتحاط والمسافي والأسامو البادان بكامتان بالمساكرة والمراكدة



ميره كمدود إلى والمشاخل الديد ميركون من المراجع . جيد البندي المستوالية والمراجع المراجع ا کاماس کی توان پر بیشندگان تھا کی ہوڈ کے بارے میں کا بدی وہ خوسار واجہ بنیا تھے ما جنامس میسک ہاکی وحکما الد الخواز كالإنكافين بيريان ومناب بشبك وتقوريد كالمت برياريت مودا يبرا إبراه إبراء وواوار ككرم مثل تنا west of or of facility of the

I need to continue this to be the same of the same of the same الجد العمل والعاطيف بالمسافرين فين هيسابعد للمسكنة مركبال بيشا إبرا الإمارة وأسابيتها ي أيستكلف عناوي المدي كسناه مريتي كمعاليات والمحامي العالي المرتباح رايسك معوال المركزية العاج هنات بحركي معهد ويؤن يزشى بس إلى بكي كرسي أوكونة المسينين كرده كي دوالل مشكية سنعنا الاستعناديم

- Birnel when the fire 15 4-12 8 181

Survey of the to the state of the ت برے ساتھ کرد ہے۔ س کی بابھاد مان میں ہیں ؟

كيب دو من يه الى ____ يالى ياس المسائل الا المارين

"كيك _ ويلاد و ركام ويونون وي ولي مكان مداري وواي سے جا کے معدد موروست مس کا فارد کے دورے انواز وجے 💎 واحد بنا او اور ان کی کیاجہ ان ان

AND MILL SUZULA CANTILLE

Alex 35 miles with stone booken we would the عدد برجه في برياد فركه بوحدى مهاحدها من ومن محامل و تشبيع في والدينة الي فجالا بدادش كالعقالات مرکی کوؤودلود مواطا والے مطامقت بیلے سے اور تی برگی سند ، کریں بہدنداد کی سے صاحب فاہر مواکد گران کافعیس ي تكاريان ليكي أنهي ترج عيل - عدال جومزي المشقود تلد وارط في كانت وما المنت و كالمنت الاشت في محدق كابر والكرب في تسبيق كالاله فارسيدت شاسب والوالال ر کاف بران کشیدان مراه بسوال بازیدان و دهشورک در میندان بسوار ما واکس کاف فران کسک و دهان کڑے بنے ہی تو میرک کے میدو بنو والعام <u>ے کے</u> درحان محدی تا اکری پر مبارے میں اُل ک يتك كل يؤال الإصاحف إلى بوده وهو يسك ساك والدوكيور فيست عابي ميرس وصف كالعام إواطلان وسق

مب ويد و فرا لا الله الموالي والمنيذ والمدار المساورة و المواليد المراكز المواليد والاسترارية يحاس كان الله الله المسكان كالمكان كالمرابات بيهن يري وسروالها و ويكوسة بينتأليده ستدمي و يبول بديده يروم والمثابي المحويدة في ستدع بشيابيتك

وه الكل بميب جابيده وشق بركل رة صد تخروات عي والمبي والذي كونية ديارا العبر يكل ما معلل بالديال كال كرود والمادري أوري مسيكم الراري يجرب والمراح والمراح والمراح والمسالك والمسالك في صحى والاستنسان لودرك وستن على راحلق عث سيميط بشاجريث مترجيوب وعي أبليب سياتومجالك

والشهيدية المناز والرائية الواست الأمناء الورامي منه مريج بالبدواد ويأن بالتعاويري لكو مياليسا كرااتي عد المعالي والمركز المركز المعالية والمعالية و

The second

" يركن بدل بدو وه في موكنس ك معترض بدويت الله مد المحسر بيرجان بال ولا الكري المري بالاستاد الالقى دروى والكرك والأعاسية فكريس كرمان وتعيين كم

"ist nacket to be vereneed in 5" التمثمان لمكون المسيرين واحت وكى الريضا مسال على التدريب الرياني ے مام مام و تاکر ہے کے میں کرفان مرہ علک مادوں جہ جہانا اس کے حال ہاؤ کم عالى الكسرى مي كالمدين من المساكرين وسيد محاصيد من استيام الماري المراوي الماري الماكية يوفكن الاستين يجوده والين كوليت بسحاسك يؤكسو - واصلي جي ودي ، مروي تكبيه ويستعام ك لك در و و و د ب و د ب و مناطل م و الإل و و و الله الا الله و الحريج الرادك الاوقار وتيج بيست بكي عراج هراه مدوح

على الرحيدة من جعيدة والكاف من الريدية ميديدية على كالأمرية التي كالمراواتية التي المراكبة والمراكبة الريا تداميز كياله فكوج بسعة بسنة إي مكرك. ي

ويستحادان والمرشية أحور المطيوات ويكد الإربري سنتاكب

" جديد مهدر و ل کوآ توي و ني وکياري موديکسي رست جاري کي و

world in coldy

المنظمة البدائد على المراحة والمراحة والمراحة المراحة المراحة والمواحدة والمواحدة المحافظة المحافظة المحافظة المراحة المراحة



شكار____ دورادن

who the first and the state of the state of

ميكنانين مد

and the first of the second of

11 12 12 12 12 12 12

والمخ . التأكيب وإيضا بعنيات معامل وين عن ناسب بالمستداد والشاعد ويا ألمنك وإله ارعلي Derpose of a margin of agreement of the market مهاري والمرابعة والمساول بالمرابط والمشافية والمسافية والمرابعة والمسافية المسابق المرابعة والمسافية Character in an or sea of the second of the second of the control of the والتساخ ووجعان والماسطان والإنها ويواسخ التجهاد والساق فسنك فالطاخ الماطان المتكالي ما است الانساع الا واحد الانداء عدى وهو العسي ومراب كالدوم عمل عن إلى ميّانا العدم مراسعه کے واست موم ہوتا ہے۔ اس بارٹ کے کے جی برائی ہے مدید ہے کہ انسان صیب وہ جیکستان سے بعد کی ہا سے ملاحظ الإراحة سابين لمينينه والاحتجازي بالمناب يداري وعاشت مرسده تصديروري في والعساب منت وكسيك الإي ک ول کوکوکا و پیچ دسر سیرویکی شکاری ن عاد سد کا د چاست دوه اسی سیاد جراد بر جماد سا کایج و مرکزشگری مناعو تروان برم الري كام وب ما يوان . رخ يا الم المساعد و الما الك كار الما الما الما الما الما كار الما الما كنزيد يمكاس كارمد بما البيدية بصياحه ويستنكان يجيئ المراكا العدة ويتسدي بستك ويستان كالملاياتين الارباقكر الالهادات يسيمك ١٠ كالاي سن الان اساس مي الششد والديم يواق الارامة سيك مثن بايست كالعار واستادي سليف لا جي بد روايًا نصابي. بدول يستحدي كاسب متعديد كانده و دواول دواول دواي بيلي بالاي عوص البلد الدائدة والعلاكة سينتيكن بمراسعين من معسد سال كاستف المصادي ميريم بيسيتنا كرا الديمندي أشكاري كا مان دیں کرکہ اگر برا در وصف کو تعدر میں چھنے ہوے جادی کا اس مستقیات بیا عاملہ کے معاہدے کا تعالم معا ميلوسته ووعما فاكل كاستري معتبايي ميتهدست وجريدة تمانه يكافق أي المكسيك كالدج الكوجي

من المرابعة المستونية المواد من المستونية في المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة الم المرابعة الم

Angles with the medical post of an extension of here he had the second of here the second of here the second of th

A magazident me a made when

المراقب میں ایک سی مصافقہ کشدیدی سینتر چھارات بھیلے او کھڑی ہو کا کی ایوپا اولیا افریک دورای اورای کے معاقم میں سینتر است کے استراف میں آرای میدود کی طابعت کے دوسید میں انہوں اس میں ایس کا ماری کا کہ کا میں اورای میں اورای میں اورای میں اورای میں اورای اورای کی اعتقا اور اور درسید میں بھالی کو کہ کی کی اورای میں اورای کی میں اورای کی اور سادی کی بھی جو ہوائی کے ماصلا اور اورای

ر مساور المراقع الم ا المحالا عدد المح التنافز عن المراق على الموقع الموقع الموقع الموقع المحالا المحالا عدد المح المحالة المحلكة المحلكة

النوازی هاری به ماهندی به در این به در این می از در سیده این به این از این میدانی کیا استان کیا این ان کی خطر می سید سامه به بیشتری نامه می کند به در در این به رس ای برای به در این می این این در این این این این این این ا هما که در میشدیدی این این این این این این این می نیست در سید می در در میدید این در مثل میشده این در مثل میشده این در این این این در این د

في الرياك العلى الوالوري والاراسي جند أله على الليد

وسياق فريان ساوم. الدين المستمل الميان المستمل العالم المستمل ادم دماه مسئل تلاسك

مىرى ئەرىمىلىن ئى مىرىسىدىن ئىلىلىن بىلىن ئىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىنى بىلىن ئىلىنىڭ ئىلىلى ئالىرى ئالىرى ئىلىنى ئىلى

ا بالمان من من المستوان من المستوان في المراق المن المنظرة المنافق المن المنظرة المنافقة الم

Marker Lawrence and graft and to see Toward and in their

کی جہر اورسہ بھی جسے الیے الی کھیں۔ یہ کہ مارہ ہور چکارٹیٹ کے اوران کے مدور کا کہ کا ایک کا ایک کا ایک کا ایک ک ''جہاں موجھی ایک خدستان جہر ہوئے ہو گو گوری ہوں ایک کا ایک جہرے کا ایک بھی ایس کی کے اسٹانی میں ایک کی اسٹانی ا کی جہر اوران جارہ کے ایک میں کا ایک کا ایک کا ایک کا ایک واقعاد میں ہے کہ ایک کا ایک اسٹانی کا ایک کار ایک کا ایک

ا البريك و المستان الدول الدول الدول الدول المستان المستان المستان الدول المستان الدول الدول المستان المستان ا الاجتماع المستان المستان المستان الدول الدول المستان ا

 گزیرکے میسیعوں ورسامان کی براس ہور یاں گاسان کی اسان کرڈیٹری سا ایٹ اور کی ساتھ اس کے اسانی اس کے اسانی میں کے پہلے تاہی واقع میران میں میں بھی اندر ساکھ اور ان میں کاران میں انداز کا انداز کی سے کاران میں انداز کی انداز

ولی و دی فاند سده همهای و حدا می همکند میران در شیعی بیشتی بیشتی بیشتی به می اداری علیکمانشاها بی مید معداس جگرای نامه کاری مده مقرمت اداری و سنگ دستاریش که میرسک بیرسک بیرسک بید استری فرایس کارد سیایلاً اداری ماه گرای نیز با در ایران ایر است همیدان دادگی را اداران این می سک در این می بیشتر با امروی اداریک است در در تیم به امرود ایمی می دود داد بی بیشتریش کمی این سال دادیل کا داداری شداد این استان می از کمی این از دادی

المام والمستقد مورس في المام الم

این د دگ<u>اش ایسه دیمکا می</u>د

" منی. مانگیدید د روسه سینها " بهجهای این صدیک "پهدندوازی است معیناتی". " کلینتایوی روده س کل" مستندن توسط ماده د

ر خلي بدني المسكن الأركب است المجلى الاستهاري والبده المن المسكني الاستهاري المداخلة المستهاري المستهاري

"مواكمة فالف ممنت حصو

" بيا و الرابع المديد الدين والعدد الموانية الديك المديد الموانية المديدة الموانية المديدة الموانية الموانية

یک ماندارگر چیکی د: * معنود جینتی برای برگریش و برگری کارسید دوری کشوکای تحسیمیت بری برای در اطلاف میکود در در * اور دادو در در در برای در برای در بیرای کلاسیسیت دیریت کشوکای تحسیمیت بری بری ای در اطلاف میکود در عاره كتبان كاماعي اسابروي بم

" يروي م كل ان كسيد على المركز من المركز الم المركزة والمستعادة المركزة والأساع والأراء والمراجع والم at butter sh

عمصه بيل درمس بي رسيعاً بي بين قريرسي ما شرق يال المستاعل مست تناجر وورس الدكري م

كليمانى يى دويدوك رمر عارات كالعابي كالس باس.

ك سري جلت وكا النا

المحالمة من لدر الميالي السب بوك يراي المراكب المراكب المراكبا وست کی گذشیان کا بھی ہے کہ سعوس کی شعا ایت وارداف برجا ہی گیا۔ ۔ ووج را کا کفا انتہا کہ بينيك ووسب وكجود جندي اسب إلى مناج ويجامها المحاء المهدوي كريدي والجاء بالماها سب مهل جيل مَيْنِ — بَرِيْكِ كَتَهُوعِي: جُرِيتِ الرياضِينَ فَالِحَسِ وَعِينَ مَنْ الْعِلْ كَدَارِيتُ إِلَى وَ لَا ول كونتوس مك _ بعد ليكرو . _ مهده لمان كالكريان بيارك _ _ بنايل كار . _ بريمكا ہر ہے لاڈ، کسے وہی اوران مختال ۔۔۔ معدے بارمان راجیج اسے شکان وارے امیوارہ والمتأريب المياري والمستراك والمراب والمتاريد والمارك المرب المرب المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب والمراب وال

wells the fine july receipted from Killediski dan 440 g g hiza sun - Silder wood of fire in اليوس اكر المستعرب بي براد - ع م مستعب و يعيد الم المرا الأول + the wife in the state of the state of and the filmen you as it is the in the an illustrated and the state of t

when we will be a live of a second للمرشيها كموال والأمي الساسات الماسات الماسات الماستان الماستان الماستان بخلف وهو دول الهامب بدومون را در سال من اله ميان بالمستهام والمتألف المامة on the second of the second of the second of Liter it a - will esta - com a sin well will the second of the second of the and the state of the second of the second of the second of What was fine a so private for they is love in the water was core in the way to and the state of the same of t

reds with the self medical

with so there are are a series down an agen a great of a second to the second to the state of the commence while opinion with a new court of the section مرا الاستان المراكب ا & want your

ميدمان يوادر الاودر الا والداولا عام

and individue of the second of



شكار تميراون

م من من که ما مدهم و سه به این شده تیمان بریشت و به منافع این به این منافع این منافع این منافع این این منافع ا منافع این م منابع این منافع این

كر المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة stictions to and the some without a mountain الرابا براى عدودا والمراد و راس ما والمدود والراب كرو المراكم والمراد بعيلا والدائد الراويشات ببدائد والمهاج المراح الرواق والماس المعريد المدار فرسول شارفها كالبيادي إلى المهال من في البراء والمساول الما والمساول الما المساول الما المساول والموالين والموالين الما الم الرية وكرمان والمان والمان بيري بيران والمساور والمان والمان والمراج والمراجي والمساورين والمساورين through - stone of a commence while design ميته بيجيدان تهدك وميلى عندان فالأواد المستدان والمستناق والمار المواسطين والأوار المستناف والمامي والمستاكي براه existing and modern a store of the second of the second ال الكي المال المال عند المال المساعل والمثني المال المال المال المال المال المال المال المال المال المناطقة مرسك الماري المرسكة الموسنة وي كن وي منت ما له المساعد الما المان مر كان المان المرسكة والمان المان المان الم عال بهت . دامیداله دانسکشد با گزای کاست محتود بردادی میدا برد با مست در والعذوب أأرس واحقاقه كالعادس وماس الدكوي وما مجاريات بادكن والاستعراضية المرسك إوالحارم المثل روسد الزودروا والسلا علاقته والالهام الرسيعام فالدب Sand of real or house by with well for elect ين ادام والمل يد يكي عامر يرا بساواد مي - في موات او يدم كالما و ماوري عاوه مراهم of promount of the sound out to wind from a sign in it is hit of the والريار المراسية كالمنسب عسندهم المطابق المستعلق المستعدم المان المستعدد المستعدد المراسية descent the forther product and stored in امدهٔ اداری بصراند که میرنگی ایسویلی هرگی هد بروی بودست و از برا نکسه آداریدان ایران ایک به است چکیورین که امریکا مودش کورند بستان ندخی برگرای است به است امان به افزایست کارتی بازد. ادریک استفاده با برد موده بیرن که در مدید موادم کارتی ایران ایران بردی بردی اموان می داری ایران که برانز بردارها افزایست چاندی بیرد مودی برای دکران کارتی ایران شیل می وایده اموان می دکری ای که اداری که برانز بردارها افزایست برای با بیران بیران در افزایشتان بردی ایران می دادی در ایران که برانز بردارها افزایست برای بیران بیران برانز بردارها افزایست

شیکه مین مین دهند. " یک مین اود وی برست که آیادانشری خیس بکارد بیست داد و میک یک درکشو ایال باید این باست به د چه بیشته بیشت میک می ایابی و دوی کیست و کمی ۱

استنگ مەسمۇرىيىن - وخەشرىن كەيرانى دائى كاي كېرىمىيىنىن بىد داگورەن مەلىساركى دردى دىس بىياكسىرۇن بەر يىشەنگانىيىن بىردى دىن

ه مها و بواسک من صده دیدید اور و فیدکدنگاه صده مدکی وید " اسساد کنند د تم یکی منظ و مده مریکه بوایی این " حاله با افغان کر صده بهمی مک او از میشهای ایک پیش می مواسی چیره در ویا گذشت، اسد بیر گیلامن گندر و باید به می گزشت برنز با بدو و ادبسکی دامود امدی کسکرمی بسیده میدانی «نرای کرد وابرد."

به اور بزنده و برنست بدرة من كياور الريث مورد كذا المسائل من الوراث والمان ما المدرس كل موال المدرس كل ال

چ دا کند. گذارگر دگریگی میود و بها دو دس هیچند وال میشدگی بری کی ایرنامثل مثاک دسند. می چ سامی دکت بهای بهگریامو در می کند که وشتی د بورک و و و جزرگای در در بر ر بهای درب ککسد ما و موست هذا برید به بیش منوندای در بش بجای خود د

می آدگی میده همی میدی به داند مده می این است و این به این است و این به این به این به این به این این این این ای جاگر بجدید کی درخش ماددکشد این این این این میدید کارسیق به بی اندی به این آبی رسین به این این میدید میگان چهانده واسعه که مورد درگیری این را این واقعت میت به می آیا به ایست این در می دارسی ترای ما مهما بجر بی میشود. میکی امرد که واقعت درگیری ما در این واقعت میت به می آیا به ایست این در می دارسی واقعی ما مهما بجر بیسین

se well interest water sin out without عداً الكرواني بولا الكابيس بيروس العمل بايت العمل المستعدد المستعد كالمراع المسيدي كالاستراع في المراجع على المراجع المسيدية والسراعة والسراعة المسيدية المراجعة والمراق المراب بالمواد عن بالتباية كالتورية ويتراس الأوام يا الوال العاملات والمال المياطيخيد الميانية المردانين أكل بياء الدائد الماط المردانية والمايية a series of a series of كالمانية الكاري يستجيعان كالهار في المصادر والعوالي المحادث المتانية المراجع المرادي المستراد المراجع المرا I in finding many or the officeration of the manufit of الملاوي المستراوس والمستران والمسترا والمراجع والمناوع والمناوع والمراجع والمناوع والم والمناوع والمناوع والمناوع والمناوع والمناوع والمناوع والمناو といニー・リー リル and the second is a form of the second the second and distributed the second of the second 10 Jan 11

they were the second of the second of the

AUNDO SU PU PULL

الى المع اليان الله يا ت

صورته کاری و کاری و مرست در مرکز و می استان در می

and the second

سي والمدائدة كي مران المديد ع ويدي إلى الميانيك والتي الدويل ومداكر والمساكر والمساكر

میں وصلہ کا تاجہ ہے۔ ان باہد ہو استیادہ مستقدرہ عدمیہ انسان ان کا ماں جراوا ہ چاہیں کے عاصرہ کا نکس

المراجعة ال المراجعة

المهادات المالي من المدور ١٥٠٠ المالة المالية الله الله

المي المراقعة المواقعة المواقعة المراقعة المراق

المراحي المرا

with the white my make the william he we will not

جدود الموسيس مروج مدد الموسيطة المنطقية المنطقية المنطقية المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المن ويتا المن المنطقة المن

من المراق ال المروي المراق والمروي المراق ا رواز را كالمشاريخ ي وراوي كي روي وسايد الماري والماري

gher and in إلى العاقى كوستندين كي بدوراد العادل التأريكة وستام م كرويت يشبين كميل كي ياويي الويك أيسدانيس عربيل بسري يومدس جريب ويداع كالكاثي مالهب الاتجادي ووياميث حاريا يقا الجشتهال ويكا عوطي إيه أفواط كالمرصب ويتصواره المدجرسي وحس اجاذ أأدر معوقوى باسديس بريت كمديك إيدا والشافل بعد ... مالزوج الأعرام كي الرفزاء ويوس سنكيسة وسد كاداديكيا ويرجها بوهسيدي Told for a while solve on a from and something هی ویدانشهک مساز ب کو در کوان ویک و موشک والیسی ویگ به بخاک کم پایسانگ که به احداث حاکسه ها جاسی بر ۱۰ ویسورگ افزی کازند بری می سند. بیند و کیاس ایکسه فی گخی برد و آوجه از میکید (الاستراكي والمنافق مستنسب مايضا عاصا مهدئ كالما للوكوحة والماية فكالمناصرة رفي سنافي 8-19-5-54 Engle . 85

اء وسا مد يك دو موكد كا ميان مد كويد ويوس وفي الموكونة الماليكم

ميناآل بانايوسياري وميدياكون يباسد مروماك ويدا

Mistro Grand the on Line introduction start for العساجي والديوكي مهياوات جديك منطواسيا كمار سيادك ومحيل تطاويق كناكم وياكرها لماكالي بالعرد الديكة والشائل عدم مناه البيكا في يكن بالأراء مرسي استند والإدب المعال المشمي هواكم في كويك الالكيك مرتب بالمصبيح إلان بالمواعظ معرست العفل أبيء واستبيال الربيش وألي بيها وجزوه لمطاعة واست اللهجة فيتنا فالمنافعة والمنافعة المنافعة والمستنفية والمستنفية والمستنفظة والمستنفظة والمستنفظة والمستنفظة والمستنفظة والمستنف والمستنفظة والم ومشبسا ودلاملسا وينضض بناب دومج وزمد كمنح فوده بتدبيره ولآبوق مشبرريل متعابتم أراويكا أة الأمك تخابلين الرسكة المدين الجواوى حواستهل بشبتك كحاسماسد ببصافي كاستطال الماراب الرياس يروكمه كالمسوفي باستعاضته فاصب بنفاق الهيست أشراكوك يكارسه تدكرنجين متعامروان ودموا كالشالاك يمتحيث فالتوب الطيخطة المتابع مي والماسك مرافيست و العسر بخي كالرام والماري من البشيدي وي الصحير مرد المثري والمشاع الماري

حق بالوسكيديدوهيل منازق وحوسك ماءى الدائد يرتدي وعيث بوروي يرصوويل درويا كم يوكي الأبسي أكب عرصه بعربر سراست کی مطالع کو س واقعا و قراع ان مجلوث میں بی کا اور بے دکھر کا کسرتھین را اسامی ایا ت سكه منا مواملا توجعي الأقوالي شياست عند كالأم و مي صبح والمريد يروار بالأما كالأما أو الماري والمستانج

Joseph & Sweet

" الحالي البناء سر" - بيسوريدك ، لا يدعد ما يواد عاده بين "رواكي أمن المانويسيت تشيئة ؟ المطيعات كي وليرعد برجاد فللشرط و مادر - تبدعه وارين عالمت بداء - المناويد

جر بای کاملیدی در بردن در در میرون با و مانویدی کی برا اولید گرو سینگر بیگری در بردن در این سال می بیگردی درد در میروندای تماکدود و میگردی این مان ایران از میرون میرون

ر الاس من المساحث المراس الما وي المساحث المساحث المساحث المساحث المراس المساحث الم

A CONTRACT OF THE CONTRACT OF

ا به ما ما ما ما به مدهدی از المواجع الم

Barrande Caperon as elected as especially the second his between the constant of the second s

EFE - MILES F A ..

Military section of a second of a section 1969 of 189 or



the state of the second of the

در بادولان و المستراك ماد بعد برخورش و میسدد مد برگزیک به به کسد و در این است. همان به به میسان و میشودی عدامه دید و سرب شدگیری المساحات و کارا و ایمان که میسان و در این میشد آد بر واده برسال و در است شد سروان دوی محلوط مشکستان و بال دام. مشتری واز و کوشش کردندگی

etypophy papine o in of the Lumb from withouth . The dender or more separational

Conference and with all the said of the second of the seco

wester in all out on the second second

المورك في الا الا تحريب." الإراك الإراك المدينة المسالية الإدار الكر الدولة الله الإراك الإراك الإراك الإراك الإراك الإراك الإراك الإراك

اس بے دھی مقوم اور در ایر اور اندائش ہے ہورہ و کیار رسیدہ کا کھٹے کی دیڑھ ہیں انفی ماراکھی - کھی اور دکھیت جمعہ کا کھی ۔ سیس سے کھٹے ہیں ہے ہے ۔ کاک ماس درست اندا کی الماس کمکٹ کھٹے جمعہ کی بھی تولی موسوح کی مواکی وہ شدت مدیر دیتے ہیں۔ وہ رو باسی رجوا کو میں میں ا

كاعتمايها عاميا بركيا.

منظ بوک بیدا می کندن کورندگردندگردند می گیرست می ایگ بود. پیوانگردند سنسمال ایوی به مواد داد معدیلی میرست او گاری بیدا و ای میرست می است می انداز به بران آن به بیرست میدادد. گارگر میرمود داد ای بادر با می ایدا می میداد شرک برید و مدید می این سند بیشا و مدار آن داد ای ایدا می داد در م مدیر می برد خاص بی با می ایدا می میسید به می می میداد در ایدا می می ایدا برمواد بروایجها در ما داد و از میدادی مدیر می بادر ایران برد میسید ایران کرد و ایدا در ایدا در ایدا در ایدا در ایدا داد ایران بادر ایران ایران می ایدا داد ایدا در ایدا در ایدا داد ایدا بیران ایران می ایدا به ایران ایران بادر ایران ایران می ایران کرد و ایران کرد و ایران کرد و ایران بادر ایران کرد داد داد ایران می ایران کرد و ایران می ایران کرد و ایران می ایران کرد و ایران می داد و ایران کرد و ایران کرد و ایران کرد و ایران کرد و ایران می داد و ایران کرد و ایران

پلی این آیست مدرسان شده جری جرفی تران بهای این این میکندان میگذاشده همی ایران<mark>گیست جایی</mark> معیدی های گذابی دون سند به مرکزندی کی جرا ایران هیگریزی و داند کیکسدیدوست میمانش اوالی بین همیری کامر امل بیشدهی حدید دی



برف آخر ۱۱۰۰ کان سب نے بیری پی مادمی ہوں^ہ

التك تم يك الاستهام المراكد الاستهام الاستهام المستهام المستهام المراكد المراكد المراكد المراكد المراكد المستهام المسته

وكسنسنه فرشكان كى جيزه مطبؤعات (3987. 655)

ويسسد ماتوه ميناويكي الزأد والارست وي كالمهما وكي جر جانيا ورق وسنانعي بكريرا وارد الجي أهمدمي كما المديد المدارا والمراكم أنا ويجومت عجمه كالمسينة لينا الترجيب المعادلة كالباشيد بدافهما والاوالة محاراتك والمسدم والمناعلة بالمناعلة والمناعلة والمناعلة والمستنسية والمستحرك والمساح والمساح والمرات الميان كارية والمرابع الموادي والمساوي المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع 2-346250450

انسائيكوسدية ريخ عالم

الم است العب المحلف وقوق على الموج ل الما كالمع المواح الم الم المواح المراح المراح المراح المراح الم سهد بلدادّ و ينه موم يزستويت ميدو فتشته رواكس

بلواؤل حوات الهم المبت والادوب and a second مؤيرم أسجات غاه أحمست أحواروبيك

المايوماكي فياد ماده العن الردام وَالْيُ كَالَارِي مَ روى فَيَ مَا فَيُ كُورُونِ لَى لِينْسَدِ وَزُرِينَ فِي بِيكَابِ عَالَى وَمِيْسٍ

اور دی انگر اور کانون میمان = ۲ و دوسته

was to a true - a day

سب خرائے ج سرريح مثءم AURIN -51 DA- -100 تمسد و دمیند سر مرکع كارتخ بيتان وعميد المواديون في ---as a med الماركي وأقوات عبد المايد المايد المايد المايد المايد after the standard of the delicate with 411 - 111 distant was الموس وي المعادة رائس والسواكي ماند به حددیدگی مسیامی کیانی در صلمنشری کاریخ ---don't mel رضد حمادين ميسى تنكيس 5865 -11 معات جود فمنت الماندنية me we مشور الموالي كواكليل عرب موسط دامير المواكليل عرب موسط p unifer فيست المتالا بطبيا

والمرتب الموجات الرياعي الماست كالي عالي ويود

تسطنطسير ن منت منازیم دامد عام بشدن ميكنيد ويمطلف محتري كالمركزي مياكا المعرار بشكا متدوودال وواساعه محدوثه لمن تكسيسك أوغ كالمستع تشكي فتحق بستاني الماء فكأب المثلاثي فلاستعاض مستقب فالمثل ويجهيده والاوال المالكان ----نتح فتطنطب سهد ۱۰۰ ن صف الدولياني المدار الإيماني خرشت المدينة بك مكيون عاملك ورسد و أبذن الشاعرين كمان روم من كمانها للدوهي على بالسنى .. راويمبيرمام بمشارق مو میں اورکیا ہے۔ ان کا کہ بر چھواری اور ان اور ان میں میں کہ ان ان کے ساتھ سمال معلى كارودي كفاريات باست وي كوى وبالرفاسان باي مع الله الله الله الله الله المال المستراح المستر الكامات في عاص كرك من المراب مكندم المعمود والي المان والم and was in his man with the wife سجت ۱۹۹۰ مید عاربان تدريب حد مدراد المتحب المحاد مديس ويتأكل _ النافك يمكن من من من من من بريد بريد وروي المناعد المام المامية المامية المامية المامية

Liver To coffee

Silver March

ا ما کلیس جریان دیگر مسکن برانست ای به که که هندیدگان فرازیک گی بسینده بسدانسان مطاعت به المسدان در موان به تجریها هی گرد ندی ما مواند سدی و است بهای این و برای برای این کامید اگرد آن که درست کار در بیشندگان ای ساید به بیان بیست به صوع اید باشدین میکندهی صهید خانش یکی کی این الماد ای کرام مدر سایدی از دادی کند مها درست برای این امناز میزان برای از درست میدویشش یکی که درست کار است میکند از مان کرام مدر سایدی از دادی کند مها درست برای از امناز میزان برای از درست میدویشش یکی که درست کار

مان ده م

الم المام

ايرليسن

ه ۱۰ با مکامسید سه ترسید برود کامس ای برنیسی که دیگر او سای دانسیدی و است میگردد. اوران کارد کا ایرت

سرات ۸۸ سرات

چرد فقیم فلاسے کرائیم کارس میں انگر دورائی کراف چرد فقیم فلاسے کرائیم واشیرہ کار داخل داخل داورے مان میں سامیر ٹیک میں محس کے کہا ایستا کی داد ہائید مانی

مواسد المجال المياس

The first of a come of a finish of a start o

وروسیان این اور مسید مسیده به مسید

مغیم کارندهای در در در برداز بیزمایین در برداز بیزمایین در در برداز بیزمای در می برداز برداز

خرب المراح مح فالحق في المراح في المراح من المراح في ال

طاب مود قِب درديد

وكيل والمريم في صد و الميد مدرك رال

امیاکی دی تو بیرسک و می کوی سدهو ماده ای کری مفید مجاوی کیدمکی میا مشد در در در گردنده در در سده موده کیده بیدگی که کامپ شکیلی و کام فیاهی شکراغ ماری او در کورسدگیری

الموات المراجع المستدار والماجيد

800 - 20 (1/2) - 1/2

خشون هندند. بریونها آم ایرن کی اید و گارای در کاربسی نمایدی کی کاربا همدا همدوی ایرای چیل اکست و ما ۱۰ مردی ای شخص و از کاری کارک در از رای کاردوارد.

محامث علودار بریکی او سدگردی کار

12 mg وتنكيزتمال تَمَرِقُ فَالْ لِلْ مَا يَكُنَّدُ مِنْ اللَّهِ عَلَى " فَلِيتُ عِلَى السَّلَوْلِ فَي السِّلِيدِ فَا فَا السَّ كيسعة عاء تعديب للمناويمي عماك سبقاعد ولهبيب المكاسبين محدواتنان in a me ملان الدينيل من من من برنير والمعرض مستري شداعون ورصيا بيزياني ويرمون الأبوان أوروا والمجرم في ALL SO عندم لمسب Live Say on the your warring of a proposable of مشری پیزوی و می و می کو ب أتب لا ينهد me a wifer میمان دایشان وایده می صف جدار میمان دایشان وایده میراد معل باوشتای - مشیخ میزیاس کسیانال سراسطان - باز**ر مسیال کا** دو ه يعالى على سيال المعالى المستعلق المستع المستعلق المستعلق المستعلق المستعلق المستعلق المستعلق المستعلق المراسية و الرواد و ما الماد الماد و الماد ال ميمت والموال بالمستاح والمستاح والمستاح والمالات

الدائر سنك هست مدين كالتكويري dir -----ت میں بردیم ایر سان میر أوفس بيه رامين الإراق الكي والمداعي بيداعاتي الإستعند معير كدنس الإرج مكدعات ى ماكىسىن دىرى كان كارونكى سىند كەنسى داكى بى الكىسىدالىيىن مهاست ۱۵ مست کاب دسیای ائتلال كريكي ن شف جارت میمادنیت ارجمب المتجرمين شوراوي مدونا فرسکه بی محدومهم و به کساست او بردها واست و د گرمون برد بستنگارگ الماموا يركامة للاميك مبت مست تحاء استنبته الريكابي والمحل والمحرص مدانها المريقات يوك الدامجاواي السويا ورواسه مكاا فيكاد مصاف مدوس فيصري كمراب لك سابستك كي هومسد و حامق كاحورجت مدسكي كامستس تجسعون متجانث دوب الأعارة ووسط مند کش ایدشین نیمد بردیدگروسی الدین حال دنعاست مثليم س كأبيد بي مستعدسك وينك م هوم البرستان يك ومال ب كام الصابيب ومجديث و يمديكش كمليقه الطاقا فأر بهج ويتحره والروية بنصيف محرا والعريب اودوقي توايات مهن ۱۷۲۰ شت ، دبیل ن شب عادی مدی أنى ئائل كارل 3.88 de -15 ومليت مامس يويت الرياكي تحفيها ويرث ويالاركا وياسع معمدا الجليق ولمستدا معروست ويتلن بوست تمريدف الأور

اسند کرداسی مختسسراط دهیری (ترسد کارشوکسی مادت د اکارشود میداهیم موادی و نی در کاریسین در مده میرامنی ورسطی کار مدکی دوستان می املادی دش کارگی بیدک و ای وی برایسد داریسید مواده کارد کردید معمار ۱۳۸۰ دوسید

منيت ١١١٥ من ١١٥٥ من

الم الرائل المرائل و المرائل المرائل

قَبُلی برفسان اجره بریقرد و شیف رسل ادوی رقب مرتفی مرموان کشش تعب نمان دیون کانسنیر کدولیپ ادر دواد الکرمادت مفت من من بیت منام دوید

for experience of the second of

عالى ادب كى تك كما يس

(1) قالاری (ٹونی موریس کے ناول Beloved کاردورجمہ) متر جم: میدسعید نقق ی

(2) معصومیت کا قبل (To Kill a mockinghird) مصنف: باریر کید اردوترجمه: شوکت نواز نیازی

(3) محدث کتما دیل و تا می می در در می می

(عالمی اوب سے ٹو اتین او یول کے افسانوں کا انتخاب) انتخاب وترتیب: یاس حبیب

(4) بحوك (ناول) اشاعت نو

(4) بوت و مادن به من من جم: مخور جالند هری مصنف: کنوت بامسن منزجم: مخور جالند هری

(5) کر امازوف برادران (فیودردوستو کیفتی کامشبور ناول) - حروجه شاه

مترجم: حميدشابد (اشاعت نو)

قريد ارى ك لي دايد كريد اسدياس 03122306716 HAWKE

SUTHERLAND

WRT



MOBY DICK

BY HIRMAN MILVILLE



THE EPIC STORY OF THE BLUE STA.

